مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

رسانه و جنبش‌های اسلامی معاصر

غلام سخی حلیمی



بسم الله الرحمن الرحیم

رسانه و جنبش های اسلامی معاصر

نویسنده:

غلام سخی حلیمی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رسانه و جنبش های اسلامی معاصر

مشخصات کتاب

رسانه و جنبش های اسلامی معاصر

کد: ۷۵۰

نویسنده: غلام سخی حلیمی

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: سروش مهر

چاپ و صحافی: نگارش

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۲

شمارگان: ۱۵۰۰

بها: ۲۰۰۰ تومان

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: ۳-۵۹-۷۸۰۸-۹۶۴ ISBN: ۹۶۴-۷۸۰۸-۵۹-۳

ص:۱

اشاره

فهرست مطالب

دیباچه

دیباچه

در دهه های اخیر، شاهد اوج گیری و گسترش آگاهی امّت اسلامی در سراسر جهان هستیم. تجدید حیات و رستاخیز اسلام مظاهر معنوی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فراوانی را به همراه داشته و هدف اصلی نهضت های آزادی بخش، بیداری و بازگشت به ریشه ها، اصول و باورهای اسلامی بر اساس سنت محمدی صلی الله علیه و آله وسلم بوده است.

آن چه امروز انقلاب اسلامی ایران را به عنوان الگو و پیشرو در میان نهضت های اسلامی درآورده، مبنای حرکت دینی و الهی مردم ایران بوده است. تاثیر شگرف انقلاب اسلامی بر این نهضت ها بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا بسیاری از مبارزان جهان حتی در شیوه و راه های دست یابی به پیروزی، از این جنبش پیروی می کنند. اصول و معیارهای ارزشی انقلاب ما هم چون وحدت، همبستگی، وابسته نبودن و رهبری قاطع و... در تار و پود این نهضت ها تنیده شده و در اصطلاح مبانی ایدئولوژیک و شفافیت اهداف آن ها، دگرگونی های مثبتی پدید آورده است. رهبری هوشمندانه حضرت امام خمینی رحمه الله در این نهضت مقدس، درس آموز نهضت های اسلامی بوده و جنبش های دیگر در تلاشند تا با پیروی از سیاست های راهگشای انقلاب اسلامی، خود را از وابستگی های فکری و پشتوانه سیاسی و مالی کشورهای قدرتمند برهانند و با اراده ای آهنین و توکل به خداوند، راه پیروزی و آزادی را با استقلال کامل بپیمایند.

بـا ایـن حـال، مهـم ترین و ضـروری ترین امر برای جنبش هـای اسـلامی معاصـر و حرکت هـای آزادی خـواه، برخـورداری از استقلال فکری سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است.

پژوهشـگر ارجمنـد جناب حجت الاسـلام والمسـلمین غلام سـخی حلیمی کوشـیده است تا جنبش های اسـلامی و جریان های فکری آن هـا را از نظر سیاسـی ـ اجتمـاعی، تـأثیر انقلاب اسـلامی بر آن ها و رسالت رسانه اسـلامی در قبال آن ها بررسـی و حاصـل یافته های خویش را تقـدیم برنامه سازان ارجمنـد کنـد. در پایان لازم است از جناب آقای ابوالحسن حسـنی که وظیفه مشاوره و ارزیابی این مجموعه را بر عهده داشتند، سپاسگزاری کنیم.

انّه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

آغاز قرن بیستم میلادی با یک سلسله دگرگونی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جهان همراه بود؛ از آن جمله می توان به جنبش های اسلامی و استعمارستیزی اشاره کرد که با هدف به دست آوردن استقلال و اجرای اصلاحات در میان مسلمانان پدید آمدند. روند اسلام گرایی و آزادی خواهی ای که در این دوره برخی از کشورهای اسلامی را فرا گرفت، بیشتر تحت تأثیر اندیشه های اصلاح طلبی «سید جمال الدین اسدآبادی» بود. این روند با درگذشت «سید» تا اندازه ای رنگ باخت و نهضت های اصلاح طلبی، یکی پس از دیگری متوقف شدند.

عوامل رکود و توقف نهضت های اسلامی تا پیش از دهه هفتاد میلادی، نوعی ترس، دلهره، سردرگمی و ابهام در اهداف بود که بر فضای بیشتر جنبش های اسلامی سایه افکنده بود. این عوامل که به عنوان مانع و مشکلی بزرگ بر سر راه جنبش های اسلامی خودنمایی می کرد، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، به کلی از میان رفت. پیروزی انقلاب اسلامی، نه تنها در رفع موانع، ایجاد امید و اطمینان و دادن روحیه به آزادی خواهان جهان مؤثر بود، بلکه جریان اصول گرایی اسلامی، به پیروی از انقلاب ایران، به سرعت در بیشتر کشورهای اسلامی گسترش یافت و به یک جریان سیاسی اصلی در صحنه بین المللی تبدیل شد. این رستاخیز نوین اسلامی که

بی تردید ریشه در انقلاب اسلامی ایران داشت، دارای ویژگی هایی بود که در زیر به آنها اشاره می شود:

۱ _ تعیین هدف و مقصد: یکی از مسایل مهم برای جنبش های اسلامی و حرکت های اصلاحی در اجتماع، مشخص بودن هدف و مسیری است که این جنبش ها بر اساس آن پدید آمده اند. هیچ کدام از جنبش های اسلامی، تا پیش از انقلاب امام خمینی رحمه الله، هدف معین و ایدئولوژی درست اسلامی و سیاسی در اجتماع نداشتند. نبود این مهم، سبب شده بود که نهضت های اسلامی و آزادی خواهی، نتوانند استقلال خود را حفظ کنند و با افتادن به چنگک قدرت های سلطه گر، صحنه رقابت و ستیز قدرت های استکباری شوند؛ زیرا هر یک از این قدرت ها برای دست یابی به اهداف خود، از نهضتی پشتیبانی می کرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، خلأ آرمانی و ایدئولوژیکی نهضت های اسلامی پر شد و اسلام گرایان با بهره گیری از نظریه های ارایه شده از سوی انقلاب اسلامی و اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه الله و با تفکر و ایدئولوژی جدید و اسلامی، وارد عرصه های سیاسی و نظامی شدند. مسلمانان زیر ستم در بیشتر کشورهای اسلامی، همچون الجزایر، سودان، مصر، تونس، افغانستان و عراق با هدف تشکیل حکومت اسلامی و سرنگونی رژیم های مزدور در کشورهای شان، به مبارزه مسلحانه دست زدند.

۲ _ انتخاب رهبر واحد: همان گونه که در تعیین مسیر جنبش های اسلامی دو دهه پایانی قرن بیستم، دگرگونی های مثبتی پدیدار شد، در رهبری حرکت های آزادی خواهی و اسلامی نیز، دگرگونی بنیادین به وجود آمد که

عامل آن رهبری امام خمینی رحمه الله به عنوان پرچمدار انقلاب اسلامی در جهان اسلام بود. ایشان که یک عالم فرهیخته، پارسا، پرهیزگار و آگاه به احکام اسلام و مشکلات مسلمانان در جهان بود، اندیشه اسلامی و جهانی داشت و خواهان خدمت به اسلام بود. از این رو، برای نخستین بار، حکومت جهانی اسلام، وحدت مسلمانان، بازگشت به معنویت اسلامی، آگاه کردن مسلمانان، خودکفایی و استقلال فکری و سیاسی آنها را در سطح جهانی مطرح کرد. این مسایل برای مسلمانان ستمدیده و مظلومی که یک عمر، تازیانه ظلم را تحمل کرده بودند، آرمان هایی رؤیایی و دست نیافتنی به شمار می آمد؛ از این رو، همه محرومان جهان، با اقتدا به امام خمینی رحمه الله، برای برآورده شدن خواسته هایشان، به قیام و مبارزه با ستمگران دست زدند.

۳ _ استقلال: این، مهم ترین ویژگی جنبش های اسلامی معاصر است؛ زیرا تا پیش از انقلاب اسلامی در ایران، فضای غالب بر جنبش های اسلامی، سلطه پذیری و نداشتن استقلال فکری و سیاسی بود و این وضعیت به اندازه ای در حرکت های اسلامی تأثیر گذاشته بود که حتی تصور پیروزی بدون پشتیبانی قدرت های خارجی، غیرممکن به نظر می رسید. اما انقلاب اسلامی ایران ثابت کرد که مسلمانان با حفظ وحدت و همبستگی و اتکا بر امدادهای غیبی خداوند، می توانند قدرت های افسانه ای و حکومت های وابسته خود را در هم شکنند و استقلال و هویت اسلامی خود را به دست آورند. امروز، مهم ترین و ضروری ترین امر برای جنبش های اسلامی معاصر و حرکت های آزادی خواهی، استقلال فکری، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. اگر زمانی برآورده شدن این خواسته ها غیرممکن می نمود، در شرایط کنونی

به برکت انقلاب اسلامی و بیداری ملت های مسلمان امکان پذیر شده است و مسلمانان جهان با درس گرفتن از انقلاب اسلامی و الگو قرار دادن آن، توانسته اند به مبارزات اسلامی و استقلال طلبانه شان تا پیروزی نهایی و سرنگونی رژیم های وابسته به قدرت های خارجی و استکباری ادامه دهند.

واژه های کلیدی

در تمام نوشته ها، در هر زمینه و موضوعی که باشد، متناسب با آن موضوع یا در ارتباط با آن، از واژه هایی استفاده می شود که برای فهم مطلب، نیاز به توضیح دارند. از این رو، درباره واژه های «اصلاح طلبی»، «بنیادگرایی»، «سنت گرایی»، «محافظه کاری» و «اصول گرایی اسلامی» که در متن از آنها استفاده شده، به طور مختصر شرح و توضیح می دهیم.

این واژگان در طی دو قرن اخیر وارد عرصه سیاست شده و معمولاً برای جنبش هایی که با نام «اسلام» آغاز گردیده و خواهان تجدید حیات اسلام در جامعه اند، به کار می رود. برداشت و تفسیر این اصطلاحات، با توجه به شرایط زمانی، مکانی و فرهنگی متفاوت است.

واژه «اصلاح طلبی» یا «جنبش اصلاح گرایی» برای اولین بار در قرن نوزدهم میلادی، بین سال های ۱۲۵۴ _ ۱۳۱۵ ق (۱۸۳۸ _ ۱۸۹۷ م.) وارد کشورهای اسلامی شد و در شکل جنبش احیای دینی تداوم یافت. اصلاح طلبی، به معنای هواداری از سیاست تغییر زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مردم، اما با روش های ملایم و بدون شتاب است. (۱) اصلاح طلبان مسلمان می خواستند با راه اندازی جنبش اصلاح طلبی، تغییرات اساسی در زندگی سیاسی و اجتماعی مسلمانان به وجود بیاورند. «سید جمال الدّین» از پایه گذاران این جنبش به شمار می آید.

جنبش اصلاح طلبی که خواهان تجدید حیات اسلام، انجام اصلاحات، بیداری ملت های مسلمان و مبارزه با فرهنگ غرب در جوامع اسلامی بود،

۱- . داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، انتشارات مروارید، چاپ پنجم، ۱۳۷۸، ص ۷۲.

می خواست از طریق بازسازی تفکر دینی، قدرت سیاسی مسلمانان را افزایش دهد و جلو نفوذ و سلطه فرهنگی غرب را بگیرد. سرانجام، اصلاح طلبان دچار اختلاف شدند؛ برخی از آنان می خواستند از طریق نرمش و سازش، به انجام اصلاحات بپردازند و مخالف هرگونه تغییرات اساسی و خشونت بودند که در جهان عرب آنها را گروه های «محافظه کار» و «سنت گرا» می نامند.

برخی دیگر، مشکل را در زیرساخت های کشورهای اسلامی می دانستند و بر این باور بودند که جریان اصلاحات، افزون بر زمینه های آموزشی و اجتماعی، باید سیاست را نیز در بر گیرد تا ساختار جامعه تغییر یافته و حکومت اسلامی به وجود آید. طرفداران این نظریه، بیشتر در قالب «جنبش های اخوان المسلمین» در کشورهای عربی و غیرعربی فعالیت های فرهنگی و سیاسی شان را ادامه دادند.

«بنیادگرایی» و «اصول گرایی اسلامی» عبارتند از جنبش هایی که خواستار تغییرات اساسی و بنیادین در جامعه هستند و می خواهند از طریق تشکیل حکومت اسلامی، به انجام اصلاحات (در زمینه های آموزشی، عقیدتی و اخلاقی) و برقراری عدالت اجتماعی بپردازند. بنیادگرایان با نفوذ فرهنگ غرب و سلطه سیاسی بیگانگان بر کشورهای اسلامی به شدت مخالفند و آن را تهدیدی جدی برای اسلام و مسلمانان می دانند و بر این اساس، مبارزه و پیکار را بهترین راه رسیدن به اهداف شان قلمداد می کنند.

بنیادگرایی اسلامی، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران وارد مرحله نوینی شد و در شکل کامل تر آن «اصول گرایی اسلامی» ظهور نمود. امام خمینی رحمه الله با ارایه نظریه ای جدید، اسلام را وارد عرصه های سیاسی و اجتماعی کرد. اسلام

سیاسی که امام خمینی رحمه الله خواستار آن بود و با تشکیل حکومت اسلامی در جامعه ایران پیاده کرد، امروزه هدف بیشتر اسلام گرایان و انقلابیون جهان است.

منظور از «محافظه کاری» و «سنت گرایی»، گرایش های سیاسی است که به ظاهر احادیث و قرآن، بیش از مسایل عقلی، علمی و اجتهادی اهمیت می دهد و نسبت به نوآوری عصر جدید و فرهنگ غرب، موضع منفی و انفعالی دارند. محافظه کاران با تغییرات سریع در جامعه مخالفند و می خواهند با آگاه کردن مردم از راه تبلیغ ارزش های دینی و تکیه بر مسایل عبادی اسلام، بدون خشونت، جامعه را اصلاح کنند.

ما در این کتاب سعی کرده ایم در سه بخش کلی، مراحل تکوین و سیر این جریان های فکری و سیاسی را در کشورهای اسلامی مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم.

ـ در بخش نخست، تلاش شده تا جنبش های اسلامی و جریان های فکری از نظر موقعیت سیاسی، خطوط فکری و جایگاه اجتماعی آنها مورد بررسی قرار گیرد.

ـ در بخش دوم، به تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش های اسلامی معاصر و نقش علما در خیزش اصول گرایی اسلامی و بیداری ملت های ستمدیده و مظلوم جهان اسلام اشاره شده است.

ـ در بخش سوم، به رسالت رسانه جمهوری اسلامی در قبال جنبش های اسلامی پرداخته ایم.

در تمام این مباحث، سعی شده که تا حد امکان، از منابع دست اول استفاده شود.

بخش اول: بررسی جنبش های اسلامی معاصر

اشاره

بخش اول: بررسی جنبش های اسلامی معاصر

زیر فصل ها

فصل یکم: انقلاب اسلامی ایران

اشاره

فصل یکم: انقلاب اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران، به عنوان «ام القرای جهان اسلام» در جنوب غربی آسیا واقع شده و جزو کشورهای خاور میانه به شمار می آید. ایران با دسترسی به آب های آزاد و هم مرز بودن با بسیاری از کشورهای جنوب غربی آسیا، جمهوری های آسیای مرکزی، قفقاز و خلیج فارس در بهترین موقعیت تجاری راهبردی قرار دارد. ایران از راه تنگه هرمز و دریای عمان با سایر نقاط جهان ارتباط دریایی خود را برقرار می نماید. موقعیت دسترسی جمهوری های آسیای مرکزی از طریق ایران به خلیج فارس و آب های آزاد جهان، ایران را در جایگاه ویژه ای قرار داده است.

آیین مقدس اسلام در سال ۲۱ هجری با فتح دماوند به دست لشکریان اسلام، وارد ایران شد و از سوی مردم مورد استقبال قرار گرفت و در مدت زمان کوتاهی در سراسر ایران گسترش یافت. هم اکنون دین ۵۵/۹۹ درصد مردم ایران اسلام است که اکثرا پیرو مذهب تشیع و بقیه پیرو مذهب حنفی،

مالکی، حنبلی و زیدی می باشند.(۱)

ماهیت انقلاب اسلامی ایران

ماهیت انقلاب اسلامی ایران

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ پدیده ای جدید و نو در قرن بیستم بود که منافع ابرقدرت ها و استکبار جهانی را با خطر روبه رو کرد و به اسلام و مسلمانان هویت دوباره بخشید. از آن جا که نهضت بزرگ مردم ایران توسط اسلام شناس واقعی و مرجع تقلید جهان تشیع، امام خمینی رحمه الله، به وقوع پیوست، ماهیتی کاملاً اسلامی و دینی داشت و در واقع، تداوم بخش انقلاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و امامان معصوم علیهم السلام بود. امام خمینی رحمه الله بر این باور بود که «هیچ یک از انقلاب ها چون انقلاب اسلامی ایران برای محتوای اسلامی خود که توده های اسلامی را به دنبال خود کشید»(۲)، نتوانست پشتوانه مردمی به دست آورد و انعکاسی جهانی داشته باشد؛ زیرا به نظر ایشان، نهضت مردم ایران ماهیت صددرصد اسلامی داشت و هرکس مسیر و رویدادهای انقلاب اسلامی ایران را مطالعه کند، به این واقعیت پی خواهد برد.(۳)

از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، ویژگی مهم و راز موفقیت انقلاب ایران، ماهیت اسلامی و الهام گیری آن از ارزش های دینی و الهی است. این تنها عاملی است که ملت ایران را وادار کرد تا با اتکا «به اسلام و با الهام از اصول مترقی اسلامی، نهضت خود را به پیش برد و بر اساس قواعد و ضوابط اسلامی، جامعه خود را از نو بنا کند و هیچ گونه سازش و راه میانه و امثال

۱- اطلس کامل گیتاشناسی، دور دوم، چاپ پانزدهم، انتشارات مؤسسه گیتاشناسی، تهران، ۱۳۷۹، ص ۸۰.

۲- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۳۸.

۳- صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۶۹.

این توهمات را نپذیرد.»(۱)

استاد «مطهری» با تأکید بر ماهیت اسلامی بودن انقلاب ایران می نویسد: «این نهضت، نهضتی است از تیپ نهضت پیامبران، یعنی برخاسته از «خودآگاهی الهی» با «خداآگاهی». این خودآگاهی ریشه اش در اعماق فطرت بشر است، از ضمیر باطن سرچشمه می گیرد.»(۲)

در اینکه انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله، ماهیت اسلامی و الهی دارد، تردیدی نیست. این ماهیت اسلامی انقلاب ایران است که این انقلاب را به عنوان یک انقلاب جامع، نمونه و پیشرو در حل مشکلات مادی و معنوی عصر حاضر درآورده است؛ زیرا اسلام، دین جامع، کامل و پیشرفته ای است که در آن تمام راه های تأمین سعادت بشر بیان شده و نیازها و خواسته های افراد جامعه مورد توجه قرار گرفته است؛ پس نمی توان اسلام را در یک بعد منحصر کرد. بنابراین، وقتی انقلاب، ماهیتی اسلامی داشت، مانند (انقلاب اسلامی ایران)، قهرا جنبه های سیاسی، اقتصادی و اعتقادی نیز در آن تعبیر شده است؛ زیرا مسأله سیاست، اقتصاد، معنویت و اعتقاد جزو متن اسلام و از دستورات اصلی آن است.(۳)

حضرت آیت اللّه خامنه ای، با اشاره به ماهیت اسلامی انقلاب ایران، راه حل مشکلات جهان اسلام را در بازگشت به اسلام می داند و می گوید:

«راه علاج آن است که مسلمانان به اسلام ناب، که در آن توحید و نفی

۱- صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۱۵۱.

۲- مرتضی مطهری، نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، انتشارات صدرا، تهران، بی تا، ص ۵۹ .

۳- حبیب اللّه طاهری، انقلاب و ریشه ها، سازمان تبلیغات اسلامی، بی جا، ۱۳۶۹، ص ۱۶۹.

عبودیت غیرخدا از هر چیز برجسته و درخشنده تر است، برگردند و عزت و قدرت خود را در اسلام بجویند و این چیزی است که طراحان توطئه های ضداسلامی همیشه از آن بیمناک بوده و در راه پیدایش آن، موانع جدی می نهاده اند. هنگامی که انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، از آنجا که پیش بینی می شد که جاذبه و محبوبیت انقلاب، ملت های مسلمان و حتی بعضی غیرمسلمان ها را شیفته اسلام کند، همه دست های استعماری به کار افتاد تا از نفوذ معنوی اسلام جلوگیری کند... پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران... در عمل نشان داد که اسلام می تواند ملتی را از ضعف و بی حالی و انظلام نجات بدهد و به اوج عزت و شجاعت و اعتماد به نفس برساند و هم می تواند نظامی استوار و قادر بر زورآزمایی با قدرت های جهان بر آنان ببخشد و دست قدرت های ظالمانه و تحقیر کننده استعمار و استکبار را از سر آنان کوتاه کند.»(۱)

انقلاب اسلامی در ایران، اولین تجربه از یک حرکت سیاسی بود که بر اساس ارزش های دینی شکل گرفت و برای ایجاد حکومت اسلامی، توده های مردم را با خود همراه کرد و در برابر حکومت های استکباری و استعماری ایستاد. دکتر «کلیم صدیقی»، این موفقیت و توانمندی را در گرو اسلامی بودن انقلاب ایران می داند: «آنچه درباره انقلاب اسلامی ایران حائز کمال اهمیت است، این است که ریشه های معنوی و اندیشه ای آن تماما در داخل اسلام و کاملاً ـ در خارج از حوزه نفوذ استعماری و مجموعه عقاید و نهادهای ناشی از اندیشه های سیاسی مسلمین دوره استعمار قرار دارد. تا قبل از

۱- غلام رضا گلی زواره، سرزمین اسلام شناخت کشورهای اسلامی، چاپ سوم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۰، ص ۴۶.

انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، انسان به سختی می توانست باور کند که هنوز رهبری اسلامی پاکی که به عقاید سیاسی غرب آلوده نشده باشد، وجود دارد».(۱)

نقش روحانیت در انقلاب اسلامی ایران

نقش روحانیت در انقلاب اسلامی ایران

پیشگامی علما و روحانیت و نقش رهبری آنها، از ویژگی های نهضت های اخیر مردم ایران است. همان گونه که امام خمینی رحمه اللهمی فرماید: «ما این صد سال اخیر را که ملاحظه کنیم، هر جنبشی که واقع شده است از طرف روحانیون بوده است...»(۲)

نهضت مشروطیت، یکی از حرکت های سیاسی و اصلاحی روحانیت شیعه در تاریخ ایران به شمار می آید. پس از شکست نهضت نفت، انگلیس بر ایران مسلط شد و مهره خود، رضاخان پهلوی را روی کار آورد. انگلیسی ها می خواستند از رضاخان که کاملاً در اختیار آنها بود، «ژاندارم خلیج» درست کنند و به سیاست های «اسلام زدایی»شان مبنی بر تضعیف روحانیت، کشف حجاب، یکسان کردن لباس ها و ترویج فرهنگ مبتذل غرب در ایران سرعت بخشند. هنگامی که انگلیسی ها دریافتند رضاخان توانایی اجرای دستورات آنها را ندارد، پسرش محمدرضا پهلوی را که در اروپا تربیت یافته بود، مأمور اسلام زدایی در ایران کردند. محمدرضا پهلوی اگرچه با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹۵۳ م) که با همکاری امریکا صورت گرفت، موقعیت خود را تثبیت کرد، ولی در اجرای «سیاست اسلام زدایی» ناکام ماند؛ زیرا وجود

۱- کلیم صدیقی، مسایل نهضت های اسلامی، ترجمه: هادی خسروشاهی، مؤسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵، ص ۸۴.
۲- صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۰۵.

روحانیونی آگاه و بیدار همچون آیت اللّه بروجردی، امام خمینی رحمه الله و... در ایران، مانع بزرگی بر سر راه او به شمار می آمد.

هرچند آغاز مبارزات امام خمینی رحمه الله علیه شاه و استعمارگران را سال ۱۳۴۰ می دانند، اما در حقیقت، نهضت امام از زمان رضا پهلوی شروع شده بود؛ چنان که خود ایشان با اشاره به این مطلب در مصاحبه با خبرنگار مصری در سال ۱۳۵۷ می گویند: «جنبش اسلامی اخیر بیش از ۱۵ سال است که به رهبری علمای ایران با مخالفت با طرح های شاه شروع شده است. طرح هایی که مخالف اسلام و ایران بوده و دنباله خیانت های گذشته او نیز بود، مردم از علما طرفداری کردند.»(۱)

روحانیت شیعه در مجموع دارای ویژگی هایی است که در پشتیبانی مردم از نهضت روحانیت ایران و پیروزی آن، سهم بزرگی داشت. آن ویژگی ها عبارتند از:

۱ ـ جایگاه اجتماعی روحانیت: تقریبا تمامی روحانیون شیعه از توده های عادی مردم برخاسته اند. از این رو با درد، رنج و مشکلات اجتماعی و سیاسی آنها آشنا هستند. همچنین اعتمادی که مردم بر روحانیت دارند، به هیچ قشر دیگری ندارند.

۲ ـ استقلال اقتصادی از دستگاه حاکم: این امر سبب شده که روحانیت شیعه در طول تاریخ به قدرت های استکباری وابسته نباشد و استقلال فکری و اسلامی خود را حفظ کند، برخلاف روحانیت اهل سنت که از این استقلال

۱- صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۱۶ (مصاحبه امام با خبرنگار مصری، ۲۱/۸/۱۳۵۷).

اقتصادی محروم بوده است.

۳ _ ارتباط با مردم: روحانیت شیعه به خاطر تبلیغ، ارشاد و ترویج احکام دین، ارتباط بسیار نزدیک و صمیمی با مردم دارد و این امر بر جنبه های مردمی بودن روحانیت افزوده است. یک محقق غربی (گراهام) درباره نقش روحانیت در انقلاب ایران چنین می نویسد: «واقعیت امر این است که روحانیت شیعه ایران در میان مردم زندگی نموده و ارتباط بسیار نزدیک تری با آنها داشته و در نتیجه از احساسات توده ها آگاهی بیشتری دارند.

مسجد، جزء لاینفک زندگی توده های مردم و بازار، مرکز زندگی عادی آنان است. زمانی که روحانیت با سیاست های دولت مخالفت می کند، نظرات آنها دارای آن چنان مشروعیتی است که حتی در سخت ترین شرایط استبدادی، مورد توجه مردم قرار می گیرد. از طرف دیگر شبکه ارتباطی روحانیت و سیستم مسجد، قدرت تماس با همه اقشار مردم را برای آنها فراهم می کند...(۱)»

عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران

عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران

در عصر حاضر که عصر بیداری ملت ها به شمار می آید، نهضت ها و انقلاب های زیادی واقع شده است، ولی پیروزی هر انقلاب بستگی به سه رکن اصلی دارد: ۱ _ مردم ۲ _ رهبری ۳ _ ایدئولوژی

مشارکت مردم در انقلاب و به صحنه آمدن گروه های سیاسی و اجتماعی، به سرعت روند انقلاب می افزاید و سبب پیروزی آن می شود. در این مرحله، رهبر باید انقلاب را هدایت کند تا از مسیر اصلی خود منحرف نشود و این از

۱- م. محمدی، انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب های فرانسه و روسیه، مؤلف، چاپ دوم، ۱۳۷۴، بی جا، ص ۱۴۲.

عهده هر کسی بر نمی آید و شخصیتی همانند امام خمینی رحمه الله لازم دارد. ایشان به این علت رهبر بلامنازع و بلامعارض نهضت اسلامی ایران شدند که افزون بر صفات رهبری، مانند صداقت، شجاعت، قاطعیت، و روشن بینی، شرایط و مزایای واقعی یک رهبر را نیز دارا بودند و در راستای نیازهای فکری، روحی، معنوی و سیاسی مردم ایران حرکت می کردند.(۱)

انقلاب اسلامی در ایران که با الهام از مکتب و اتکا به رهبری جامع الشرایط و نیروی مردمی شکل گرفت، بسیار سریع به پیروزی رسید. در زیر به عواملی که در این پیروزی دخالت داشتند، اشاره می شود:

۱ _ تکیه بر اسلام و معیارهای ارزشی آن: علت اصلی پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اسلام ناب محمدی بود و رهبران انقلاب در صدد ایجاد حکومت اسلامی و تحقق ارزش های دینی و اسلامی در ایران بودند؛ پس انقلاب اسلامی در ایران پیش از آنکه یک انقلاب سیاسی و اجتماعی باشد، یک انقلاب روحانی و معنوی بود.(۲) و به خاطر این ارزش های دینی و روحانی است که امام، انقلاب اسلامی را یک نعمت الهی و جدای از دیگر انقلاب های دنیا می داند. «بنابراین شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب ها جداست؛ هم در پیدایش، هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردیدی نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منّان بر این ملت مظلوم غارت زده، عنایت شده است...»(۳)

۲ _ رهبری: وجود رهبر در هر انقلاب و تحول اجتماعی، نقش محوری و

۱- ر. ک: مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۹، صص ۵۰ _ ۵۱ .

۲- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۶۹.

۳- صحیفه انقلاب (وصیتنامه سیاسی _ الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی) چاپ سوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۷۷.

اساسی دارد. انقلاب اسلامی ایران در این مورد نگرانی نداشت، چون در رأس آن، رهبری آگاه و فقیه جامع الشرایطی بود که حرکت مردم ایران را از نظر سیاسی و دینی رهبری می کرد.

۳ ــ وحدت و همبستگی ملت ایران: این امر، انقلاب اسلامی را در برابر دام های استکبار جهانی، تهدیدهای دشمنان اسلام، انحراف ها و همچنین در رسیدن به هدف نهایی اش بیمه کرد، به عقیده امام خمینی رحمه الله: «بی تردید رمز بقای انقلاب اسلامی، همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می داند و نسل های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن، انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصود»(۱) بود.

۴ ــ عدم وابستگی: یکی از اموری که نهضت ها و انقلاب ها را با خطر مواجه می کند، وابستگی آنها به قدرت های استکباری و خارجی است. خوشبختانه انقلاب اسلامی در ایران بر اساس سیاست «نه شرقی، نه غربی» شکل گرفت و با شعار «سیاست ما عین دیانت ماست» رشد کرد و به پیروزی رسید.(۲)

۵ ــ سیاست استبدادی و خشن شاه و ساواک در برابر نیروهای انقلابی و مذهبی: اعمال زور، سرکوب و شکنجه، سیاست اصلی رژیم شاه در برابر نیروهای انقلابی و مردمی بود. رژیم با تمام تشکل های سیاسی و مذهبی که به بهبود وضعیت اقتصادی، نظامی، سیاسی، فکری و فرهنگی ایران می اندیشیدند به شدت مخالفت می کرد و هرگونه حرکت بر ضد رژیم را با

۱- صحیفه انقلاب (وصیتنامه سیاسی ــ الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی) چاپ سوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۸.
۲- نهضت های آزادی بخش در گذر انقلاب اسلامی، تهیه و تنظیم: واحد نهضت های اسلامی سپاه پاسداران، تهران، ۱۳۶۱، ص ۱۲.

خشونت تمام پاسخ می داد. سرانجام، این سیاست، زمینه های قیام عمومی مردم ایران را فراهم آورد و همه اقشار جامعه متحد و یکپارچه، همچون سیلی بنیان کن، به رهبری امام خمینی رحمه الله، به پا خاستند و برای همیشه به حکومت دیکتاتوری و ستمگر شاه پایان دادند.

البته غیر از این عوامل، مسایل دیگری نیز در سرعت بخشیدن به پیروزی انقلاب اسلامی ایران نقش داشته است، که از ذکر آنها چشم پوشی می کنیم.(۱)

دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران

دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی در ایران، پس از هفده سال مبارزه دشوار و مداوم، با رهبری امام خمینی رحمه الله و فداکاری مردم ایران به پیروزی رسید. این انقلاب که دست کفر جهانی را از ایران کوتاه کرد، به مسلمانان تحت ستم و مستضعفین جهان، این نیرو و توان را بخشید تا در برابر عوامل و سرسپردگان آنها قیام نمایند و سرنوشت خود را به دست بگیرند؛ به طوری که امروز، جمهوری اسلامی ایران کانون نهضت های اسلامی در سراسر جهان است و تفکر اسلام سیاسی و تلاش برای برقراری حکومت اسلامی به وسیله ملت های مسلمان، از ایران سرچشمه می گیرد. به گفته «دکتر کلیم صدیقی»، مدیر مؤسسه اسلامی لندن: «اکنون ایران به صورت آهن ربای افکار سیاسی و جهان بینی تمامی مسلمانان قلمداد می گردد.»(۲)

۱- ر. ک: اسداللّه بادامچیان، شناخت انقلاب اسلامی و ریشه های آن، چاپ سوم، دانشگاه آزاد اسلامی،تهران، ۱۳۷۴، صص ۱۷۹ _ ۱۸۲.

۲- کلیم صدیقی، نهضت های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: هادی خسروشاهی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵، ص ۸۶ .

انقلاب اسلامی ایران که برای نخستین بار در عصر حاضر، اسلام را از انزوا خارج و وارد متن جامعه کرد و مورد توجه افکار عمومی جهان و مسلمانان قرار داد؛ دستاوردهای زیادی را به همراه داشت که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱ ــ طرح مکتب اسلام، به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی: یکی از مشکلات جهان اسلام در گذشته این بود که بسیاری از سردمداران کشورهای اسلامی، تحت تأثیر افکار غربی و غیردینی، عقیده داشتند که اسلام ایدئولوژی ای ندارد که بتوان با آن، کشور را اداره کرد. برای همین، مسأله «جدایی دین از سیاست» را مطرح کردند؛ حربه ای که عوامل استعمار در طول تاریخ، نهایت استفاده را از آن بردند، ولی انقلاب اسلامی ایران ثابت کرد که اسلام به عنوان یک مکتب و ایدئولوژی می تواند وارد سیاست شود و جامعه را اداره نماید. حضرت آیت اللّه خامنه ای، در این مورد می گوید: «انقلاب ما همه چیزش را: هدف ها را، اصول را و حتی روش های مبارزاتی را و نیز شکل نظام نوین و نوع اداره ای آن را... از اسلام گرفت...»(۱)

دکتر «کلیم صدیقی» «در این مورد نیز می گوید: «شاید بزرگ ترین دستاورد انقلاب اسلامی این باشد که توانسته زندگی سیاسی امت اسلام را به یک مرکز توجه نوین و دایمی مبدل سازد. اکنون عقربه قطب نمای سیاسی اسلام ایران را نشان می دهد.(۲)

۱- پیام انقلاب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶، ص ۱۱ از: سخنرانی ایشان در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

۲- پیام انقلاب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶، ص ۸۶ .

۲ _ ایجاد همبستگی در میان مسلمانان جهان: از زمانی که استعمارگران در کشورهای اسلامی راه پیدا کردند، تلاش نمودند تا در اولین گام، بین ملت های مسلمان به نام مذهب، نژاد، زبان و... تفرقه ایجاد نمایند. انقلاب اسلامی در ایران این فرصت را برای مسلمانان به وجود آورد تا گرد هم آمده و به فکر ایجاد «امت واحده اسلامی» باشند. اتحادی که میان ملت های اسلامی در پی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به وجود آمده بود، برای کشورهای استعمارگر و استکبار جهانی، تهدید جدی به شمار می آمد؛ از این رو، آنها سعی کردند جلو همبستگی ملت های مسلمان و موج اسلام گرایی برخاسته از انقلاب اسلامی ایران را بگیرند، چنان که امام خمینی رحمه اللهعقیده دارد: «جنبش اسلامی که از ایران شروع شد، بدون اینکه ما تبلیغات درستی داشته باشیم، موجش به کشورهای اسلامی و غیراسلامی رسید و توده های مردم و مسلمانان را در همه جا به جنبش وادار کرد. این جنبشی که در کشورهای اسلامی و سایر ممالک پیدا شده؛ سبب گردیده تا دشمنان شما زیادتر بشود و شما هدف باشید و آنها می خواهند این جنبش را سرکوب کنند».(۱)

۳ _ تشکیل حکومت اسلامی: این امر، یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی ایران است و در شرایطی انجام گرفت که بسیاری، تشکیل حکومت اسلامی را غیرممکن می دانستند. امام خمینی رحمه الله با تأکید بر این دستاورد عظیم، حفظ حکومت اسلامی را وظیفه مردم ایران و همه مسلمانان می دانند: «اینک به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه ریزی شده [است.] آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است،

۱- صحیفه نور، ج ۱۵، صص ۲۰۱ _ ۲۰۲.

اسلام و احکام مترقی آن است... امروز بر ملت ایران خصوصا و بر جمیع مسلمین عموما، واجب است این امانت الهی را که در ایران به طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده، با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقای آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند.»(۱)

۴ ـ بر هم زدن معادلات سیاسی جهان: بدون تردید انقلاب ایران، نظام سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی جهان را بر هم زد. با فروپاشی نظام شاهی در ایران، کفر جهانی یکباره تمام ابزارهای «تفرقه بینداز و حکومت کن» و الگوهای فرهنگ غربی را در ایران از هم پاشیده دید. انقلاب اسلامی توانست با سازش ناپذیری و دنبال نمودن سیاست «نه شرقی، نه غربی»، مناسبات ظالمانه و تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام را نابود و معادلات سیاسی جهان را بر هم زند. حضرت آیت اللّه خامنه ای در این باره می گوید: «انقلاب ما ثابت کرد که می توان قدرت های سلطه گر را به خود راه نداد و قلدری آنان را جدی نگرفت و به آنان باج نداد، مشروط بر این که نقطه اتکایی قوی تر از هر قدرت مادی را باور داشت: یعنی خدا را...»(۲)

۵ ـ بسیج امت اسلامی علیه حکومت های استبدادی و اعلام جهاد ضد آنان.

۶ ـ احیای ارزش های اسلامی، خروج جامعه ایران از حالت فساد و ابتذال و حرکت به سوی پارسایی، معنویت و... .

۱- صحیفه انقلاب، ص ۸ .

۲- پیام انقلاب، ص ۱۲.

مقایسه انقلاب اسلامی ایران با انقلاب کبیر فرانسه و روسیه

مقایسه انقلاب اسلامی ایران با انقلاب کبیر فرانسه و روسیه

انقلاب اسلامی ایران که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، یک حرکت مردمی، خودجوش و بی نظیر در تاریخ سیاسی کشورهای جهان بود. انقلاب اسلامی را نمی توان با انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و یا انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه مقایسه کرد؛ زیرا انقلاب اسلامی، در اصل آرمان و هدف با انقلاب فرانسه و روسیه تفاوت داشت؛ رهبران انقلاب در ایران نه خواهان پیاده سازی نظام دموکراتیک _ مورد نظر انقلابیون در فرانسه _ بودند و نه خواستار برنامه های سوسیالیستی بلشویک ها در روسیه؛ بلکه به دنبال اصلاح دینی جامعه و ایجاد حکومت اسلام بودند. بر این اساس «امروز هر دو انقلاب مزبور بدون آنکه توانسته باشند بهشت موعود خود را ارایه کنند، به انتهای راه خود رسیده اند. نه لیبرالیسم، آزادی واقعی را که ارضا کننده روح و فکر بشر باشد، توانست تأمین کند، بلکه برعکس او را اسیر و برده قید و بندهای مادیات جوامع صنعتی نمود و نه سوسیالیسم توانست عدالت اجتماعی را که برابری انسان ها را نوید می داد، تأمین کند.»(۱)

بنابراین، میان انقلاب اسلامی و انقلاب های روسیه و فرانسه، در انگیزه، عملکرد و راضی نگه داشتن مردم، تفاوت ماهوی وجود دارد. رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی رحمه الله _ که شناخت دقیق از انقلاب های دنیا داشت _ این تفاوت ها را چنین بیان می کند: «انقلابات در دنیا زیاد واقع شده است و یک حکومت رفته است، حکومت دیگر آمده است، یک رژیم رفته، رژیم دیگر آمده است، ولی انقلاباتی که آمده است باید دید انگیزه انقلاب چه بوده است

۱- انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب های فرانسه و روسیه، ص ۳۲۲.

و برای چه چیز انقلاب واقع شده و ثمره این انقلاب چه هست و چه بوده؛ انقلاب فرانسه، شوروی و سایر انقلاباتی که در عالم واقع شـده است، یک انقلاباتی بوده است و یک رژیم ها تغییر کردند به رژیمی دیگر، حکومت تغییر کرده به حکومت دیگر، اما انگیزه، انگیزه مادی بوده است، انگیزه دنیایی بوده است.»(۱)

ایشـان افزون بر این تفـاوت، فرق دیگر این انقلاب ها را در کارایی و ایجاد پایـداری و امنیت بعـد از پیروزی می داننـد: «ما به مجردی که انقلاب واقع شـد و پیروز شـدیم، تمام راه ها باز بود بر دنیا و تمام احزاب آزاد بودند و تمام جمعیت ها آزاد بودند و تا پنـج ماه تمام(۲) این امـور آزاد بـود و ایران هم مشـغول زنـدگی خـودش بود و نظمش برقرار بود و بی نظمی به اینکه آن طوری که در مثـل انقلاـب اکتبر واقع شـد، مثـل انقلاـب فرانسه واقع شـد، این قتـل و غـارت ها نبود در ایران، و الان هم ایران نظمش محفوظ است و خود مردم حفـظ می کننـد نظم را، و این فرقی است که مـابین انقلاـب اسـلامی بـا انقلاـب هـای دیگر است...»(۳) البته به جز آنچه بیـان شـد، تفـاوت های دیگری نیز از نظر رهبران انقلاب ها و وابسـتگی آنها، گروه های شـرکت کننده در انقلاب ها و ایدئولوژی آنها وجود دارد که برای طولانی نشدن مطلب، از توضیح این موارد چشم پوشی می شود.

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۶۳ .

۲- مصاحبه امام با خبرنگار ژاپنی در تاریخ ۵/۹/۱۳۵۸. منظور ایشان از پنـج ماه، ماه های اول پیروزی انقلاب است که در این مـدت کشور، تـا تشـکیل جمهوری اسـلامی و ارگـان های دولتی و انقلابی، توسط شورای انقلاب و نیروهای مردمی اداره می شد.

۳- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۳۳.

فصل دوم: جنبش اسلامی افغانستان

اشاره

فصل دوم: جنبش اسلامی افغانستان

افغانستان، سرزمینی کوهستانی است که رشته کوه های عظیم و صعب العبور هندوکش، در مرکز این کشور قرار دارد. افغانستان به علت واقع شدن در منطقه حساس آسیای مرکزی، از موقعیتی مهم و راهبردی برخوردار است؛ زیرا این کشور از یک سو به شبه قاره هند و از سوی دیگر به آسیای مرکزی و چین و از سمت دیگر به آسیای غربی متصل است.

افغانستان به خاطر واقع شدن در مرکز آسیا، نه تنها گذرگاه و محل تلاقی و برخورد اقوام و فرهنگ های گوناگون در طول تاریخ بوده است، بلکه پیش از آنکه دریاها به راه های عمده بین المللی و تجاری تبدیل شوند، جاده ابریشم که غرب را به شرق پیوند می داد، از دشت های شمالی، جنوبی و گذرگاه های کوهستانی این سرزمین می گذشت. کاروان های بازرگانی که از جاده ابریشم عبور می کردند، معمولاً در بلخ چند روزی توقف می نمودند و از آن جا کالاهایی را که از چین آورده بودند از راه هندوکش به هندوستان و یا از غرب به بغداد انتقال می دادند.(۱) این موقعیت تاریخی در دوران کهن، افغانستان را به مرکز تمدن های اقوام و ادیان مختلف تبدیل کرده بود. متأسفانه آثار باستانی این کشور در اثر تهاجمات مداوم خارجیان به این سرزمین، جنگ های ویرانگر و قتل و غارت شهرهای افغانستان، به کلی از بین رفته است.

۱- مری لوییس کلیفورد، سرزمین و مردم افغانستان، ترجمه: مرتضی اسعدی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ایران، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۹.

اسلام در سال ۱۸ یا ۲۲ هجری، بعد از فتح هرات به دست سردار لشکر اسلام، «اخنف بن قیس تمیمی» وارد افغانستان شد(۱) و به سرعت در سراسر این کشور گسترش یافت. قبل از ورود اسلام به این سرزمین، دین بودایی در آنجا رواج داشت. از اوایل قرن اول هجری به این سو، دین بودایی کم کم از بین رفت و اسلام جای گزین آن شد.

در افغانستان، تا کنون سرشماری دقیقی صورت نگرفته است، اما بر اساس برآورد سال ۱۹۲۲، جمعیت این کشور بیش از ۲۰ میلیون نفر گزارش شده است و از این تعداد ۹۹ درصد مسلمان می باشند که شیعیان اثنی عشری ۲۵ تا ۳۰ درصد و بقیه مسلمان سنی و بیشتر پیرو مذهب حنفی هستند. بیشتر شیعیان در مناطق مرکزی افغانستان زندگی می کنند. تاریخ پیدایش تشیع، به عقیده برخی پژوهشگران، به دوره خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و به دست خود آن حضرت برمی گردد.(۲)

تاریخ مبارزات مردم مسلمان افغانستان

تاریخ مبارزات مردم مسلمان افغانستان

افغانستان تا قرن هجدهم میلادی، دولت مستقل نداشت و به صورت ملوک الطوایفی اداره می شد و بیشتر مناطق این کشور جزو قلمرو خراسان بزرگ به شمار می رفت. در سال ۱۷۵۷، این سرزمین بر اساس پیمان پاریس، از ایران جدا شد و «احمدخان ابدالی» اولین دولت مستقل افغانستان را تشکیل داد.

سرزمین افغانستان برای نخستین بار در سال ۱۸۳۸ مورد تجاوز

۱- عبدالحی حبیبی، تاریخ افغانستان بعد از اسلام، دنیای کتاب، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۴۷.

۲- حسینعلی یزدانی، تاریخ تشیع در افغانستان، ناشر مؤلف، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۱۴.

استعمارگران غربی و دولت بریتانیا قرار گرفت، شهرهای قندهار و کابل اشغال گردید و «شاه شجاع» با کمک انگلیسی ها در سال ۱۸۳۹ قدرت را در دست گرفت. با روی کار آمدن دولت دست نشانده انگلیس در افغانستان، مبارزات مردم این کشور با غلبه تجاوز خارجی شروع شد. تا سال ۱۸۴۱ قیام های عمومی همه جا را فرا گرفت و در ژانویه ۱۸۴۲، در شورش های مردمی تمام نیروهای بریتانیا قتل عام شدند و تنها یک افسر پزشک انگلیسی به نام «دکتر بریدون» از معرکه جان سالم به در برد.(۱)

دومین نبرد افغانستان و انگلیس در سال ۱۸۸۰ رخ داد که در پی آن حکومت «امیر شیر علی خان» سرنگون و «امیر عبدالرحمن» که یک عامل انگلیس بود، قدرت را به دست گرفت و چندین سال بر این کشور حکومت کرد. پس از درگذشت او، پسر بزرگش «امیر حبیب اللّه » به قدرت رسید.

سومین جنگ افغانستان و انگلستان در سال ۱۹۱۸ و در زمان حکومت «حبیب اللّه خان» واقع شد و نیروهای انگلیسی، سرانجام به دلیل مبارزات گسترده مردم با آنان، مجبور به خروج از افغانستان شدند و به این ترتیب، این کشور استقلال خود را در سال ۱۹۱۹ به دست آورد.

بعد از اعلام استقلال افغانستان به خاطر روحیه ضد انگلیسی مردم آن، «امان اللّه خان» به شوروی تمایل پیدا کرد و افغانستان، اولین کشوری بود که دولت سوسیالیستی شوروی را به رسمیت شناخت و با آن رابطه دوستانه

۱- ر. ك: میرغلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۱، مرکز نشر انقلاب، چاپ سوم، ایران، ۱۳۶۶، صص ۵۶۰ _ ۵۶۲
.

برقرار نمود.(۱)

بررسی های تاریخی نشان می دهد که از سال ۱۹۲۰ به بعد پای کمونیست ها در افغانستان باز شد، ولی فعالیت آنها تا زمان سلطنت «ظاهرشاه» بیشتر مخفیانه و در محیط های دانشگاهی ادامه داشت. در دهه ۱۹۷۰ گروه های کمونیستی، آشکارا وارد عرصه های سیاسی و اجتماعی افغانستان شدند و مبارزه بین کمونیست ها و دانشجویان مسلمان آغاز شد. در هفدهم جولای ۱۹۷۳ «داوودخان» به کمک روس ها نظام پادشاهی را سرنگون و نظام جمهوری را روی کار آورد. از این تاریخ، افغانستان صحنه رقابت شرق و غرب شد. کمک های کشورهای طرفدار غرب، موجب شد تا «داوود خان» به طرف غرب تمایل پیدا کند. شاه ایران در سال ۱۹۷۴ یک کمک دو میلیارد دلاری برای برنامه های هفت ساله افغانستان در نظر گرفت.(۲)

نزدیک شدن «داوود» به غرب، خشم مقامات کرملین را برانگیخت و «برژنف»، در دیدار ژوئن ۱۹۷۴ «داوودخان» از شوروی، به شدت از سیاست های او انتقاد کرد و هشدار داد که از نزدیک شدن به کشورهای اقمار غرب پرهیز کند. وقتی شوروی از «داوود خان» ناامید شد، با آشتی دادن حزب خلق و پرچم، کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ (۲۷ آوریل ۱۹۷۷) را به سرکردگی «نورمحمد زکی» با هدف ایجاد یک حکومت کمونیستی در افغانستان ترتیب داد. با روی کار آمدن کمونیست ها در این کودتا، فشار بر روی اسلام گرایان افزایش یافت و عده زیادی از علما و رهبران جامعه دستگیر و زندانی شدند.

۱- ر. ک: میرمحمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۱، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول، قم، ۱۳۷۱، ص ۵۱۶ .

۲- علیرضا علی آبادی، افغانستان، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۵۳.

این امر بـاعث قیام عمومی در سراسـر افغانسـتان گردیـد و مقاومت در برابر کمونیست ها روزبه روز ابعاد تازه تری پیـدا کرد و مبارزات مسلحانه در بیشتر مناطق آغاز شد.

در سال ۱۳۵۸ ه . ش (۱۹۷۹ م) شوروی به طور رسـمی افغانسـتان را مورد تجاوز نظامی قرار داد. هـدف از این تجاوز، نجات دولت در حال سـرنگونی کابل، رویارویی با نفوذ امواج انقلاب اسـلامی ایران، گسترش ایـدئولوژی مارکسـیستی و رسـیدن به آب های گرم جنوب و... بود؛ ولی مبارزات بی امان مردم مسـلمان افغانستان، نه تنها مانع رسیدن اتحاد شوروی به این خواسته ها شد، بلکه در دهه ۸۰ ، «گورباچف»، تجاوز نظامی شوروی به افغانسـتان را اشتباه خواند و در ژوئیه ۱۹۸۶، اعتراف کرد که افغانستان به جراحتی خونین برای سیاست شوروی تبدیل شده است.(۱)

مبـارزات رهایی بخش مردم افغانسـتان که بیش از یک دهه ادامه یافت، سـرانجام ارتش سـرخ را به زانو درآورد و آنها ذلیلانه در بهمن ۱۳۶۸ (۱۵ فوریه ۱۹۸۹) خـاک این کشور را ترک کردنـد. بعـد از خروج نیروهـای شوروی از افغانسـتان، حکومت دست نشانده آنها به رهبری دکتر «نجیب اللّه » در سال ۱۳۷۱ ه . ش (۱۹۹۲ م) سقوط کرد و مجاهدین وارد کابل شدند.

نهضت اهل سنت افغانستان

نهضت اهل سنت افغانستان

تاریـخ پیـدایش جنبش اسـلامی در میان جامعه اهل سـنت، به سال ۱۳۴۸ ه . ش (۱۹۶۹ م) برمی گردد. در ایـن زمـان، جنبش اسلام گرایی در محافل روشن فکری اهل سنت به رهبری «غلام محمد نیازی» با نام «نهضت جوانان

۱- علیرضا علی آبادی، افغانستان، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۷۷.

مسلمان افغانستان» شروع به کار کرد. این حرکت، هسته اولیه نهضت اهل سنت را در افغانستان تشکیل می داد. «نیازی» که فارغ التحصیل دانشگاه الازهر بود، تحت تأثیر افکار «اخوان المسلمین» مصر قرار داشت و به همین دلیل «جوانان مسلمان» در کابل به اخوان معروف بودند.(۱)

نهضت جوانان از همان ابتدا دارای دو گرایش تندرو و میانه رو بود، با وجود این دو گرایش، نهضت در زمان «نیازی» از اتحاد لازم برخوردار بود و سعی کرد با نفوذ در ارتش، از قدرت گرفتن کمونیست ها جلوگیری کند؛ اما در ۸ خرداد ۱۳۵۸ (۱۹۷۹ م) با کشته شدن «نیازی» به دست رژیم مارکسیستی کابل در زندان، نهضت جوانان دچار اختلاف گردید. میانه روها با رهبری ـ «برهان الدین ربانی»، «حزب جمعیت اسلامی» و تندروها با رهبری «گلبدین حکمتیار»، «حزب اسلامی» را به وجود آوردند.(۲) اختلاف بین این دو جریان اهل سنت تا زمان روی کار آمدن کمونیست ها در افغانستان بسیار شدید بود. بعد از ۷ ثور ۱۳۵۷ ه . ش که مقاومت های اسلامی شکل گرفت، این دو حزب به همراه احزاب دیگر جامعه اهل سنت، پاکستان را پایگاه اصلی خود قرار دادند و از آنجا جنبش اسلامی را در داخل هدایت و به آن کمک های مالی و تسلیحاتی می کردند.

با شدت گرفتن مبارزات مردم افغانستان و احساس نیاز به همبستگی مبارزان اسلامی، گروه های اهل سنت در سال ۱۳۵۸ ه . ش ائتلاف هفت گانه

۱- اولیورروا، اسلام و نوگرایی سیاسی، ترجمه: ابوالحسن سرو قد مقدم، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۱۱۷.

۲- ر. ک: اولیورروا، اسلام و نوگرایی سیاسی، ترجمه: ابوالحسن سرو قد مقدم، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۶۹، صص ۱۱۷ ـ ۱۱۸.

را مرکب از هفت حزب عمده سیاسی (حزب اسلامی، جمعیت اسلامی، جبهه نجات ملی، حرکت انقلاب اسلامی، حزب اسلامی یونسی خالصی، محاذ ملی و اتحاد اسلامی سیاف) در پاکستان به وجود آوردند و تا سال ۱۳۷۱ ه . ش با همین نام به فعالیت های سیاسی و نظامی خود ادامه دادند.

نهضت شیعیان افغانستان

نهضت شیعیان افغانستان

شهید «سید اسماعیل بلخی» از پیشگامان نهضت اسلامی در میان شیعیان افغانستان به شمار می آید. او در سال ۱۳۲۹ ه . ش طرح یک کودتای انقلابی را برای براندازی نظام سلطنتی پی ریزی نمود که در اثر خیانت یکی از همکارانش به نام «گل جان وردک»، قیام «بلخی» ناکام ماند و او به همراه همکارانش دستگیر و زندانی شد.(۱)

«بلخی» ۱۴ سال در زندان ماند و در سال ۱۳۴۳ ه . ش از زندان آزاد و در سال ۱۳۴۷ ه . ش توسط رژیم ظاهر شاه و در زمان نخست وزیری داوودخان، به شهادت رسید.

در طول تاریخ افغانستان، شیعیان این کشور همواره مورد ظلم و ستم واقع شده اند و به همین دلیل یکی از اهداف «بلخی» گرفتن حقوق شیعیان و مبارزه با انحرافات بود. او در این زمینه می گوید: «یکی از علت های نهضت من ستاندن حقوق همین ضعیفان بود، که امروز وضعیت مردم ما بهتر شده و بهترین چادر بر سر ناموس شماست.»(۲)

از میان گروه های سیاسی، سازمان نصر افغانستان از قدیم ترین احزاب

۱- دیوان بلخی، ج ۱، ارگان نشراتی سید جمال الدین حسینی، بی جا، ۱۳۶۸، ص ۴ مقدمه.

۲- فریادهای جاویدان، انتشارات بلخی، گردآوری، سازمان نصر افغانستان، ص ۲۲۲.

سیاسی مربوط به جامعه شیعه است که مرکز آن نقاط مرکزی افغانستان و هزاره جات می باشد. این حزب از سال ۱۳۵۷ ه . ش (۱۹۷۸ م) فعالیت های سیاسی و تبلیغاتی خودرا آغازکرد ودر سال ۱۳۵۸ ه . ش وارد مبارزات مسلحانه شد.(۱)

دیگر گروه های شیعه نیز در دهه های پنجاه و شصت هجری به وجود آمدند. پایگاه اصلی بیشتر گروه های شیعه از آغاز جهاد رهایی بخش مردم افغانستان در ایران قرار داشت و از این کشور تغذیه فکری و مادی می شدند. این گروه ها در سال ۱۳۶۶ ه . ش ائتلاف هشت گانه را شامل سازمان نصر، حرکت اسلامی، پاسداران جهاد، حزب اللّه ، نهضت اسلامی، شورای انقلاب اتفاق اسلامی و جبهه متحد اسلامی تشکیل دادند. این ائتلاف با درک ضرورت اتحاد و همبستگی گروه های شیعی و یکپارچگی جبهه های مقاومت در ۲۵/۴/۱۳۶۸ ه . ش، حزب وحدت اسلامی را در بامیان تأسیس کردند.

برخی از اهداف حزب وحدت اسلامی که در «میثاق وحدت» آمده، عبارت است از:

«۱ _ تداوم و تشدید مبارزه برای ایجاد حکومت اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت و اصل ولایت فقیه؛

۲ _ جذب نیروهای سالم و متعهد شیعی بیرون از حزب؛

۳ _ مبارزه جدی با افکار الحادی و غیراسلامی و التقاطی؛

۴ _ همبستگی با نهضت های اسلامی و آزادی بخش در سطح جهان و...»(۲)

حزب وحدت اسلامی که به همت و تلاش شهید مزاری رحمه الله تشکیل شد، دستاوردهای زیادی را به همراه داشت که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. خاموش نمودن جنگ های داخلی (بین گروه های شیعی)؛

۱- افغانستان، ص ۲۱۳.

۲- قربانعلی عرفانی، از کنگره تا کنگره، انتشارات سراج، قم، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۱۷۱.

۲. موضع گیری واحد سیاسی و نظامی؛

۳. تأمین امنیت در مناطق شیعه نشین؛

۴. نقش فعال در آزادسازی شهر کابل و پیروزی مجاهدان در سال ۱۳۷۱ ه . ش و...

عوامل پیدایش نهضت اسلامی در افغانستان

عوامل پیدایش نهضت اسلامی در افغانستان

نهضت اسلامی در افغانستان که از دهه شصت میلادی اوج می گیرد و سرانجام به قیام های عمومی می انجامد، علل زیادی دارد که تحت دو عنوان به آن اشاره می کنیم:

الف. داخلی: در صحنه داخلی، عوامل پدیدآورنده نهضت اسلامی منحصر به مسایل و رخ دادهایی است که در داخل کشور وجود داشت:

۱. اسلام؛ اسلام، بی تردید علت اصلی در نهضت اسلامی افغانستان به شمار می آید؛ زیرا مردم افغانستان که دین دار و به احکام و ارزش های اسلامی بسیار پایبند می باشند، وقتی می بینند کمونیست ها درصدد از بین بردن ارزش های دینی آنها هستند، دست به مبارزه می زنند. اسلام تنها مرجعی است که مردم افغانستان افق فکری، نظام های ارزشی و مجموعه قوانین اجتماعی و مدنی خود را با آن منطبق می کنند و از نظر آنها اسلام است که به مسایل سیاسی و اجتماعی مشروعیت می بخشد.(۱)

۲. فشار بر اسلام گرایان؛ از زمان روی کار آمدن «داوود خان»، سخت گیری علیه روحیه آزادی خواهی و اسلام گرایی در افغانستان افزایش یافت و چند صد نفر از طرفداران نهضت اسلامی در زمان «داوود خان»

۱- اسلام و نوگرایی سیاسی، ص ۵۵ .

بازداشت و بیشتر آنها بدون محاکمه، اعدام شدند.(۱)

۳. رعایت عدالت اجتماعی در افغانستان؛

۴. تأمین آزادی های سیاسی برای مردم افغانستان و به ویژه شیعیان؛

۵. وابستگی دستگاه های دولتی، ارتش، مراکز فرهنگی دانشگاهی و...

ب ــ خارجی: عوامل خارجی نهضت اسلامی افغانستان را می توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱. تجاوز ارتش سرخ به افغانستان، با هدف چیرگی بر این کشور و از بین بردن نهضت مقاومت؛

۲. تأثیرگذاری جنبش های اسلامی معاصر و به ویژه جنبش اخوان المسلمین؛(۲)

۳. پیروزی انقلاب اسلامی ایران. بدون تردید بسیاری از گروه های مجاهدان و از جمله احزاب شیعه این کشور، با اتکا به انقلاب اسلامی ایران مبارزات خود را شروع کردند.(۳)

مواضع فکری و سیاسی گروه های اسلامی و روابط آنها با انقلاب اسلامی

مواضع فکری و سیاسی گروه های اسلامی و روابط آنها با انقلاب اسلامی

قبل از کودتای کمونیستی در سال ۱۹۷۸، حرکت های اسلامی و مذهبی به خاطر نداشتن سازمان دهی قوی، تأثیری در حوادث و روی دادهای کشور نداشتند و یا فرصت اظهار وجود پیدا نکردند. برای نمونه؛ مخالفت با کشف حجاب در سال ۱۹۵۹ و نهضت «شهید بلخی» در سال ۱۳۲۹ و جنبش جوانان در سال ۱۹۷۵ به شدت توسط رژیم سلطنتی «ظاهرشاه» سرکوب شد.

۱- اسلام و نوگرایی سیاسی، ص ۱۴۸.

۲- افغانستان، ص ۲۰۳.

۳- اسلام و نوگرایی سیاسی، صص ۲۲۸ ــ ۲۳۰.

برخی بر این باورنـد که نبود یک تشـکیلات متحـد و یکپارچه قوی در آغاز نهضت اسـلامی افغانسـتان نقش آنها را در جامعه کمرنـگ جلوه داد؛ چنـان که «ویلیـام میلی» می نویسـد: «از نظر تـاریخی، نقش گروه هـای مـذهبی سازمـان یـافته در سیاسـت افغانسـتان، به هیچ وجه نقشـی مسـلط نبوده است، اگرچه بی توجهی به منافع کلیدی نظام مذهبی می توانسـته است برای حکام مسأله زا باشد.»(۱)

بـا وجود این کـاستی هـا که در نهضت افغانسـتان وجود داشت، دهه ۱۹۶۰، اوج خیزش های اسـلامی، تجددگرایی و اصـلاح طلبی به شـمار می آیـد. بررسـی دیـدگاه ها و مواضع گروه های اسـلامی که بعد از این تاریخ وارد عرصه سیاسـی و اجتماعی افغانستان شدند، تحت دو عنوان امکان پذیر خواهد بود:

۱. نهضت و گروه های اسلام گرایی اهل سنت: هسته اولیه گروه های سنی را «نهضت جوانان مسلمان» تشکیل می دهد که در سال ۱۳۴۸ در دانشگاه کابل پایه گذاری شد و هدف از آن انجام اصلاحات در جامعه افغانستان بود. این نهضت از همان ابتدا دارای دو گرایش سـنتی و اصـلاح طلبی بود. گروه های سنت گرا مثل؛ اتحاد سیاف، حزب اسلامی یونس خالصی، محاذ ملی و... بیشتر متأثر از جنبش های اسـلامی شـبه قاره هند (شاه ولی اللّه) و جنبش وهابیت بودند. اما گروه های اصـلاح طلب تحت تأثیر افکار تجددخواهی و اصـلاح طلبی جهان عرب و به ویژه جنبش اخوان المسـلمین مصـر قرار داشـتند. اصلاح طلبان که در ابتدا به عنوان «جنبش جوانان مسلمان» فعالیت می کردند،

۱- ویلیام میلی، افغانستان، طالبان و سیاست های جهانی، ترجمه: عبدالغفار محقق، انتشارات ترانه، مشهد، ۱۳۷۷، ص ۱۹.

در سال ۱۳۵۴ بر سر روش برخورد با حکومت «داوود» دچار اختلاف شدند. «گلبدین حکمت یار» که خط مشی تندروانه داشت، حزب اسلامی را تشکیل داد. این حزب که در بین پشتوها نفوذ فراوان دارد، از همان ابتدا مورد استقبال گروه های مذهبی پاکستان واقع شد و جماعت اسلامی پاکستان به رهبری «ابوالاعلی مودودی» و جامعه روحانیت به رهبری «مولانا مفتی محمود»، از آن پشتیبانی کردند.(۱)

در زمان تجاوز شوروی به افغانستان نیز بیشترین کمک های خارجی را از پاکستان دریافت می کرد. اما شاخه دیگر جنبش جوانان که محافظه کار بودند، به رهبری «برهان الدین ربانی» جمعیت اسلامی را تشکیل دادند که طرفداران آن بیشتر تاجیک ها هستند. غیر از این دو حزب، گروه های دیگری نیز در جامعه اهل سنت ظهور کردند و تمام آنها بعد از تجاوز شوروی به افغانستان، به پاکستان پناه بردند. با وجودی که بسیاری از این احزاب از آغاز پیدایش، خواهان حکومت اسلامی بودند، ولی در عمل اختیاری از خود نداشتند و سیاست مداران پاکستانی بودند که به آنها خط می دادند.

«آنتونی هی من» با اشاره به این مطلب در زمینه پشتیبانی دولت پاکستان از جریان بنیادگرایی اسلامی در افغانستان می نویسد: «اگرچه بنیادگرایان افغان به خودی خود اهمیتی نداشتند، اما مورد استقبال هم فکران مسلمان پاکستانی و حتی خود دولت «بوتو» (ذوالفقار علی بوتو) قرار گرفتند، زیرا «بوتو» حس کرد که از این راه خواهد توانست بهره برداری سیاسی نماید. مدت ها دولت

۱- حسین هدی، علیرضا بهشتی، جنبش های آزادی بخش، حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱، صص ۲۷ _ ۲۸.

کابل ناراضیان پاکستان را کمک کرده بود... «بوتو» می کوشید که مخالفین بلوچ را خرد کند و مبارزه او با آنها از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷، ادامه داشت. بنابراین، از فرصت به دست آمده راضی بود تا بتواند مداخله افغانستان در امور داخلی پاکستان را تلافی کند».(۱)

بنابراین هدف پاکستان از پشتیبانی و پناه دادن به بنیادگرایان اسلامی از همان آغاز به خاطر مسأله پشتونستان و رقابت های شرق و غرب بود؛ از این رو، پس از آنکه گروه های اسلامی در سال ۱۳۷۱ ه . ش وارد کابل شدند، به توصیه های پاکستانی ها کمتر توجه کردند و این امر، زمینه پیدایش گروهک «طالبان» و مداخله نظامی پاکستان در افغانستان را فراهم آورد.

۲. گروه های شیعی: این گروه ها، از نظر فکری، وابسته به حوزه نجف و قم بودند. زیرا نهضت های شیعی در افغانستان توسط «سیداسماعیل بلخی»، «میرعلی احمد شعاع»، «میرآقا» و «مبلغ» در دهه پنجاه هجری پایه گذاری شدند که همه اینها تحصیلکردگان قم و نجف بودند. اما بعد از کودتای کمونیست ها در افغانستان، روحانیت شیعه تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران دست به مبارزه و قیام مسلحانه زد. «اولیورروا» می نویسد: «تأثیر انقلاب اسلامی ایران از سال ۱۹۷۸ به وضوح نزد جوانان شیعه افغانی احساس می شود، خواه جوانانی که در ایران کار می کنند، خواه جوانانی که عضو جامعه روحانیتند.»(۲)

۱- آنتونی هی من، افغانستان زیر سلطه شوروی، مترجم: اسداللّه طاهری، شباویز، چاپ سوم، بی جا، ۱۳۶۷، ص ۹۱.
۲- اسلام و نوگرایی سیاسی، ص ۸۳.

گروه های خط امامی

گروه های خط امامی(۱)

گروه های شیعه از ابتدا وابسته به انقلاب اسلامی ایران بودند و از سیاست های جمهوری اسلامی ایران پیروی می کردند. این گروه ها سرانجام با تلاش های مقامات ایران، حزب وحدت را به وجود آوردند که هم اکنون در صحنه سیاسی افغانستان نقش فعال دارد.

اما گروه های غیرخط امامی در قالب «حرکت اسلامی» گرد هم آمده اند و رهبری آنها با «محمد آصف محسنی» است. وی از شاگردان آیت اللّه خوئی بوده و در جریان انقلاب، شهرت فراوان کسب نمود، اما از نظر فکری، دارای افکار ملی گرایانه است و اندیشه های کلاسیک او به دیدگاه های دکتر علی شریعتی نزدیک است.»(۲) از نظر سیاسی نیز سعی کرد که مستقل عمل کند و برای همین به احزاب مقیم پیشاور نزدیک شد و از حزب وحدت اسلامی، به خاطر رابطه بسیار نزدیک آن با جمهوری اسلامی ایران، فاصله گرفت.

اما رابطه گروه های اسلامی افغانستان (چه شیعه و چه سنی) در کل با انقلاب اسلامی ایران خوب بوده است؛ زیرا ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هیچ یک از کودتاهای کمونیستی افغانستان را به رسمیت نشناخت و با آنان مذاکره نیز نکرد. ایران، نخستین کشوری بود که تجاوز شوروی به افغانستان را محکوم کرد و با وجود جنگ تحمیلی عراق، از نهضت مقاومت پشتیبانی و به آنها کمک های مالی نمود. پس از پیروزی مجاهدان در کابل، باز هم جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری بود که حکومت مجاهدان را در

۱- ۱ گروه هایی شیعی از نظر خط فکری به دو دسته تقسیم می شدند: ۱ _ گروه های خط امامی؛ ۲ _ گروه های غیرخط امامی.

۲- افغانستان، ص ۲۲۲.

سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲ م) به رسمیت شناخت و در صدد کمک و پشتیبانی از آن برآمد. ارتباط نزدیک ایران با دولت مجاهدان در کابل و گروه های اسلامی افغانستان سبب شد که دولت امریکا با همکاری پاکستان، عربستان سعودی و انگلستان، برای به محاصره درآوردن جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از نفوذ انقلاب اسلامی در کشورهای آسیای میانه، گروهک قشری «طالبان» را به وجود آورد.

«احمد رشید»، خبرنگار پاکستانی با انتقاد از سیاست امریکا، در این باره می نویسد: «هدف واشنگتن از به کارگیری طالبان برای محاصره کردن ایران، کاملاً ـ کوته بینانه بود؛ زیرا برای این هدف لازم بود ایران را علیه پاکستان، سنی را علیه شیعه و پشتون را علیه غیرپشتون برانگیزد.... ایران که از قبل نسبت به توطئه سیا علیه خود مظنون بود، از یک سو به تلاش هایش برای افشای حمایت سیا از طالبان شدت بخشید و از سوی دیگر حمایت های تسلیحاتی اش را از اتحاد ضد طالبان افزایش داد.»(۱)

نقد و بررسی وضعیت فعلی جنبش اسلامی افغانستان

نقد و بررسی وضعیت فعلی جنبش اسلامی افغانستان

یکی از ویژگی های جنبش اسلامی افغانستان، ماهیت اسلامی آن است و مردم این کشور بر اساس وظایف دینی و اسلامی خود، در مقابل خطراتی که از ناحیه کمونیسم، ارزش های اسلامی جامعه افغانستان را تهدید می کرد، دست به قیام و مبارزه زدند. بدون شک، انگیزه های اسلامی و کمک های الهی بود که مجاهدان افغانستان توانستند بزرگ ترین قدرت شرق (شوروی) را

۱- احمد رشید، طالبان، اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید، مترجمان: اسدالله شفایی و صادق باقری، دانش هستی، چاپ اول، بی جا، ۱۳۷۹، ص ۲۷۶.

شکست دهنـد. شـکستی که تا قبل از نهضت اسـلامی افغانسـتان، برای ارتش سـرخ به قدری بی سابقه بود که باعث فروپاشـی نظام کمونیستی در جهان شد.

مجاهدان افغانستان بعد از ۱۴ سال مبارزه به پیروزی رسـیدند، ولی پس از رسـیدن به قدرت نتوانستند یک حکومت اسلامی و مورد قبول تمـام گروه هـای سیاسـی، قومی و مـذهبی را به وجود بیاورنـد. این امر به اضافه انحصارطلبی و برتری جویی برخی گروه ها، باعث تداوم بحران، گسترش جنگ های ویرانگر داخلی و درگیری های قومی در افغانستان گردید.

هم اکنون بحران خونین جنبش اسلامی افغانستان، با سرنگونی حکومت طالبان و کمک جامعه جهانی و کشورهای همسایه در حـال حـل شـدن است. به ویژه پس از امضـای موافقت نـامه بن که در ۱۴/۹/۱۳۸۰ بین گروه هـای افغانسـتانی صورت گرفت، زمینـه هـای تشـکیل حکـومت فراگیر ملی در حـال شـکل گیری اسـت. ولی مشـکل اصـلی در حـال حاضـر، حضـور نیروهـای امریکـایی در افغانستان است که اگر این نیروهـا از افغانسـتان خـارج نشونـد، احتمـال اینکه مردم در برابر آنان دست به مبارزه بزنند، وجود دارد و در این صورت بحران ادامه پیدا خواهد کرد.

فصل سوم: جنبش اسلامی الجزایر

اشاره

فصل سوم: جنبش اسلامی الجزایر

الجزایر، وسیع ترین کشور شمال افریقاست که در سواحل جنوبی مدیترانه قرار دارد. اسلام در میانه قرن اول هجری (هفتم میلادی) وارد این سرزمین گردید و فاتحان مسلمان تا قرن شانزدهم میلادی بر این سرزمین حکومت کردند. هم اکنون نیز ۹۹ درصد مردم آن مسلمان و بیشتر پیرو فقه مالکی هستند.

الجزایر در تاریخ اسلام جایگاه ویژه ای دارد؛ صدها سال از مراکز مهم اسلامی در شمال افریقا به شمار می رفت و تا قرن شانزدهم بربرها بر آن حکومت می کردند و از نیمه دوم قرن شانزدهم تا سال ۱۸۳۰ ترکان عثمانی بر آن تسلط پیدا کردند. پس از عثمانی ها، استعمارگران فرانسوی و اسپانیایی وارد این سرزمین شدند، الجزایر از سال ۱۸۳۰ تا ۱۹۲۶ میلادی، جزو کشورهای مستعمره فرانسه به شمار می رفت.

ماهیت نهضت الجزایر

ماهیت نهضت الجزایر

ورود استعمارگران در الجزایر از همان ابتدا مخالفت های مردم بومی را در پی داشت که سرانجام به قیام آنها در برابر سلطه خارجی ها انجامید. انگیزه مردم در این جنبش های رهایی بخش، مبارزه با استعمار بود. این مبارزات بعد از پایان جنگ جهانی دوم، شدت گرفت و «جبهه آزادی بخش ملی الجزایر»

رهبری آن را بر عهده داشت. ملت الجزایر پس از سال ها جنگ و مبارزه با اشغالگران فرانسوی و بر جای گذاشتن یک میلیون شهید و هزاران زخمی(۱) در ۵ ژوئن ۱۹۶۲ استقلال خود را به دست آورد.(۲)

نکته قابل توجه در مبارزات مردم الجزایر، ماهیت اسلامی آن است. حضرت آیت اللّه خامنه ای، با ستایش از مقاومت مسلمانان این کشور می گوید: «اسلام بود که یکصد و پنجاه سال، در الجزایر مبارزه کرد، و هم او بود که ریشه های عربیت را در آن سرزمین پابرجا نگاه داشت... و تنها به این وسیله بود که روح مقاومت، در الجزایر زنده ماند.»(۳)

بدون تردید عامل اصلی در پیروزی ملت الجزایر در برابر تجهیزات پیشرفته متجاوزان، ماهیت اسلامی جنبش الجزایر و پیروی از آموزه های رهایی بخش اسلام بود؛ زیرا «انگیزه مردم الجزایر در نبرد ضد استعماری خود ایمان به ضرورت آزادی میهن اسلامی از تسلط بیگانه، ایمان به وجوب دفاع و جهاد در برابر هر هجوم خارجی، و نیرومندترین سلاح آن ایمان به خدا و بی باکی در برابر مرگ و اعتقاد راسخ به حتمی بودن شکست دشمن، و عامل پیروزی آن آموزش هایی بود که توده مردم در راه پیروزی این جهاد آزادی بخش اسلامی در مساجد دیده بودند.»(۴)

متأسفانه جنبش اسلامی در الجزایر بعد از پیروزی، از مسیر اصلی خود

۱- سید هادی خسروشاهی، نبرد اسلام در افریقا، ج ۲، چاپ دوم، مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی، قم، ۱۳۵۳، ص ۴۵.

۲- جنبش های آزادی بخش، ص ۱۷۴.

۳- سیدعلی خامنه ای، آینده در قلمرو اسلام، انتشارات هجرت، بی جا، ۱۳۴۵، صص ۲۲۴ _ ۲۲۵.

۴- نبرد اسلام در افریقا، ج ۲، ص ۴۵.

منحرف شد و جبهه آزادی بخش ملی که به عنوان حزب پیروز در جنگ با فرانسوی ها قدرت را به دست گرفت، در مدت سه دهه حکومت، آرمان های اسلامی خود را فراموش کرد و الجزایر را به سوی برقراری یک حکومت غیردینی سوق داد. هنگامی که «هواری بومدین» به مقام ریاست جمهوری رسید. (۱۹۶۵ _ ۱۹۷۸) دولتی مرکب از نخبگان نظامی، حزبی و تکنوکرات ها تشکیل داد. ایدئولوژی «بومدین» ترکیبی از سوسیالیسم، ناسیونالیسم و اسلام بود. «بومدین» می خواست برای الجزایر هویتی جدید بسازد تا بر اساس آن، هم فرانسه دوستان، هم عرب دوستان و هم اسلام گرایان را خشنود سازد و آن ایجاد الجزایری با اصول عربی و اسلامی و محتوای غیرمذهبی بود.(۱)

زمامداران جدید الجزایر که تحت تأثیر افکار غربی و غیردینی بودند، برای برآورده شدن خواسته هایشان از یک سو از نام اسلام سوء استفاده کردند و از سوی دیگر از فعالیت اصول گرایان، گروه های اسلامی سیاسی و حتی گروه های مذهبی مانند «القیام» و «اهل الدعوه» که فقط کارهای فرهنگی و تبلیغاتی می کردند و کاری به سیاست نداشتند جلوگیری کردند.

این وضعیت برای ملت الجزایر قابل تحمل نبود و مخالفت با سیاست های دولت روز به روز افزایش یافت. وضعیت سیاسی و اجتماعی الجزایر در دهه ۸۰ که همزمان با ریاست جمهوری «شاذلی بن جدید» بود وارد مرحله تازه ای شد و اسلام گرایان با تشکیل «جبهه نجات اسلامی الجزایر» در سال ۱۹۸۳،

۱- هرایر دکمجیان، جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، مترجم: حمید احمدی، چاپ سوم، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۷۷، ص ۳۶۹.

مبارزات خود را برای تشکیل حکومت اسلامی در الجزایر آغاز نمودند.(۱)

نقد و بررسی جنبش اسلامی الجزایر

نقد و بررسی جنبش اسلامی الجزایر

جنبش اسلامی در الجزایر بعد از ۱۳۲ سال سلطه فرانسه و مبارزه مردم با آن، به پیروزی رسید. آنچه جنبش، بعد از پیروزی دچار آن شد، نفوذ افراد وابسته به سوسیالیسم و غرب در صفوف مجاهدان بود. این امر سبب شد که جنبش از اهداف اولیه خود دست برداشته و به طرف اهداف غیراسلامی و خواست ابرقدرت ها گام بردارد. در نتیجه بحران سیاسی بار دیگر الجزایر را فرا گرفت و در اکتبر ۱۹۸۸ موج گسترده ای از اعتراض های اسلام گرایان به دولت «بن جدید» آغاز شد. ادامه مبارزات و مخالفت های عمومی در الجزایر باعث شد که دولت آمادگی خود را برای ایجاد دموکراسی در کشور و تجدید نظر در قانون اساسی الجزایر اعلام کند. در قانون جدید که در فوریه ۱۹۸۹ تدوین شد، اسلام به جای سوسیالیسم به عنوان منبع مشروعیت دولت در قانون اساسی کشور گنجانده شد.(۲)

فضای جدید، زمینه را برای فعالیت احزاب اصول گرا و جبهه نجات اسلامی که خواهان تشکیل حکومت اسلامی در الجزایر بود، آماده کرد. جبهه نجات اسلامی در انتخابات ژوئن ۱۹۹۰، به پیروزی قاطعی دست یافت و این زنگ خطری برای دولت «بن جدید» بود. دولت برای محدود کردن فعالیت اسلام گرایان و جلوگیری از پیروزی جبهه نجات در انتخابات قانون گذاری

۱- عبدالوهاب فراتی، رهیافتی بر علم سیاست و جنبش های اسلامی معاصر، ناشر شهریار، قم، ۱۳۷۸،ص ۲۴۴.

۲- جنبش های اسلامی در جهان عرب، ص ۳۷۱.

کشور، دو تن از رهبران این جبهه (عباس مدنی و علی بلحاج) را به اتهام توطئه علیه امنیت کشور، بازداشت کرد.(۱) با وجود اقدامات «بن جدید» جبهه نجات اسلامی در انتخابات ۲۶ دسامبر ۱۹۹۱ مجلس قانون گذاری، دو سوم کرسی ها را به دست آورد. ارتش که از این پیروزی بسیار نگران شده بود، «شاذلی بن جدید» را وادار به استعفا نمود و برای اداره کشور «شورای امنیت ملی» را تشکیل داد. اولین اقدام شورا، باطل کردن نتیجه انتخابات بود. این تصمیم شورا که توسط ارتش انجام گرفت، خشم عمومی را برانگیخت و به درگیری خونین میان مردم و ارتش انجامید و ارتش تعداد زیادی از رهبران جبهه را دستگیر کرده و به دادگاه های نظامی تحویل داد. به این ترتیب امید ملت مسلمان الجزایر برای تشکیل حکومت اسلامی و به قدرت رسیدن جبهه نجات اسلامی و اسلام گرایان که در چند قدمی آن قرار داشتند، با دخالت استکبار و غرب توسط ارتش این کشور از بین رفت.

البته نباید از نظر دور داشت که اختلافات داخلی جبهه از نظر فکری، در ناکامی آن در رسیدن به قدرت بدون تأثیر نبوده است. زیرا در جبهه نجات اسلامی که بزرگ ترین حزب اسلامی در این کشور است، دو جریان و خط فکری وجود دارد:

۱ ـ بنیادگرایی و اصول گرایی: این دسته مانند بیشتر بنیادگرایان، خواهان تحقق عقاید اسلامی و احکام شرع در جامعه هستند و بیشترین توجه خود را به تهاجم فرهنگی غرب و بازگشت به خویشتن از غرب زدگی و بیگانه پرستی و انجام اصلاحات در جامعه معطوف کرده اند. «عباس مدنی»، رهبر

۱- سرزمین اسلام، ص ۳۶۴.

جبهه نجات اسلامی که از طرفداران این نظریه است، در این باره می گوید: «ما اصول گرا هستیم. به ما می گویند شما یک جریان اسلامی هستید؛ نخیر، ما مسلمانیم و چیزی که ملت الجزایر می خواهد و به طور عملی هم آن را نشان داده است، جریان اسلامی نیست، بلکه یک حقیقت تاریخی است. حکومت اسلامی نیز که به یاری خدا در آینده نزدیک در الجزایر شاهد آن خواهیم بود، یک حقیقت تاریخی، نه الگوی واراداتی خواهد بود. بنابراین، جریان یک پدید زودگذر است، ولی ما باقی خواهیم ماند.»(۱)

۲ _ «سلفیون» و وهابی های آرمان گرا: این گروه از اسلام گرایان که تفکر واپس گرایانه دارد، تحت تأثیر اندیشه های «محمد بن عبدالوهاب» قرار دارد و با انجام اصلاحات و اجتهاد در امور دینی مخالف است و خواهان عمل به ظاهر قرآن و سنت می باشد. در گفته های برخی از اعضای جبهه نجات اسلامی، مانند «علی بلحاج» مرد شماره دو جبهه، تفکر و بینش وهابیت دیده می شود. او آشکار گفته است: «آزادی عقیده در اسلام وجود ندارد.»(۲)

وجود این دو گرایش واقع گرایانه و سلفی، جبهه را از درون، دچار بحران کرد و اختلاف بر سر پشتیبانی از یک نظام دموکراتیک در الجزایر که اصول گرایان خواهان آن بودند، بالا گرفت. جناح سلفی عقیده دارند که حکومت اسلامی با دموکراسی تضاد دارد و به این دلیل، در رد دموکراسی و رویارویی آن با اسلام، مواضع تندی را اتخاذ کردند. این اختلاف نظر در بین

۱- رهیافتی بر علم سیاست و جنبش های اسلامی معاصر، ص ۲۴۱.

۲- رهیافتی بر علم سیاست و جنبش های اسلامی معاصر، ص ۲۴۲.

رهبران جبهه نجات اسلامی باعث شد که جبهه به دموکراسی به عنوان یک وسیله برای رسیدن به قدرت نگاه کند، نه شیوه ای برای حکومت در الجزایر.

نقش اسلام و انقلاب اسلامی ایران در پیروزی ملت الجزایر

نقش اسلام و انقلاب اسلامی ایران در پیروزی ملت الجزایر

برای نهضت و حرکت های رهایی بخش جهان اسلام، می توان عوامل و انگیزه های زیادی برشمرد، ولی عامل اساسی در نهضت های اسلامی، «اسلام» و آموزه های آن است. در جنبش اسلامی الجزایر، مهم ترین نکته و عامل اصلی در شروع نهضت اسلامی الجزایر و پیروزی آن، اسلام و طرز فکر انقلابی و اجتماعی اسلامی است.

بدون شک، اسلام تنها دین الهی است که هرگاه انسان به آن رو بیاورد، تفکر آزادی خواهی، عدالت جویی و مبارزه با استبداد و مفاسد اجتماعی در قلب او شعله ور خواهد شد. شمال افریقا و از جمله الجزایر از سرزمین هایی است که اسلام در حرکت های اسلامی و استعمارستیز آن، نقش اصلی را بازی کرده است.

دکتر «احسان حقی» می نویسد: «اگر الجزایری ها توانسته اند علی رغم فشار فرانسوی ها، استقلال معنوی خود را حفظ کنند و در زیر فشار استعمارگران اروپایی از بین نرونـد، فقط یک علت داشته و آن اسلام است که همه مردم الجزایر را متشکل ساخت.»(۱)

پس اسلام همان گونه که در آغاز نقش داشت، در پیروزی جنبش اسلامی الجزایر و حرکت های بعدی نیز نقش خود را ایفا کرد. افزون بر عامل اسلام،

۱- نبرد اسلام در افریقا، ج ۲، ص ۳۵.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در روند اسلام گرایی، تداوم مبارزه و اهداف جنبش الجزایر اثرات زیادی داشت.

«هرایر دکمجیان» گسترش بنیادگرایی اسلامی در الجزایر را با جنبش های اسلامی در جهان عرب و انقلاب اسلامی ایران در ارتباط می داند و می نویسد: «شکست آشکار سیاست های توسعه ملی با گسترش هویت اسلامی در میان جمعیت رو به رشد و جوان الجزایری که تحت تأثیر قدرت گرفتن اسلام گرایی در ایران و جهان عرب بودند، همراه شد. شکاف های طبقاتی در اثر یک شکاف نسلی میان نخبگان سیاسی ـ اقتصادی غیرمذهبی و غرب زده، و یک طبقه رو به رشد جوان، تحت تأثیر اسلام مردمی تقویت شد.»(۱)

بدون شک جنبش اسلامی الجزایر پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با بهره گیری از اندیشه های سیاسی امام خمینی رحمه الله، از نظر فکری و ایدئولوژی تقویت شد. طرح تشکیل حکومت اسلامی در الجزایر که از سوی دکتر «عباس مدنی» رهبر جبهه نجات اسلامی و اصول گرایان مطرح شد، در همین راستا و در ارتباط با پیوند روحی و معنوی رهبران نهضت اسلامی الجزایر با انقلاب اسلامی ایران صورت گرفت. به خاطر همین پیوند و ترس از نفوذ انقلاب ایران، کفر جهانی و عوامل غرب سعی نمودند که از پیروزی جبهه نجات اسلامی جلوگیری کنند.

یک دیپلمات بلندپایه غربی در این زمینه می گوید: «وقتی که ایران یک کشور اسلامی شد، جهان عرب به شدت تکان خورد، اگر الجزایر در اختیار

۱- جنبش های اسلامی معاصر در جهان عرب، ص ۳۷۰.

اصول گرایـان قرار گیرد، تـأثیری بس شـگرف بر منطقه می گـذارد، درستماننـد آنچه ما با سـقوط رژیم های کمونیستی در اروپای شرقی شاهد بودیم.»(۱)

۱- روزنامه رسالت، شنبه ۱۰/۱۱/۱۳۷۱.

فصل چهارم: جنبش ها و جریان های اسلامی در اندونزی

اشاره

فصل چهارم: جنبش ها و جریان های اسلامی در اندونزی

مجمع الجزایر مالایا یا سرزمین مالایا که شامل اندونزی، مالزی و فیلیپین امروزی است، در خاور دور و آسیای جنوب شرقی واقع شده است. پیش از ظهور و ورود اسلام، این سرزمین تحت تأثیر فرهنگ و تمدن چین و پیش از آن هندوستان بود و از طریق راه ها و جاده های تجاری نظیر جاده ابریشم با خاورمیانه ارتباط داشت. کیش هندو، بودایی، بت پرستی و آنیمیسم در این سرزمین ها گسترش یافت و سلطه سیاسی و بازرگانی فرمانروایان هندو در قرون متمادی بر این مجمع الجزایر گسترده بود. دو دوره درخشان تاریخی آن، یکی از آغاز قرن هفتم میلادی در عهد امپراتوری سری ویجانا بود که زمان نفوذ آیین و فرهنگ هندو بودایی به سوماترا و جاوه مرکزی است و دیگری، در عهد امپراتوری موچوپاهیت به رهبری گاجامادا در قرن چهاردهم میلادی بود که زمان قدرت و عظمت آن به شمار می رود.(۱)

ورود اسلام به این سرزمین ها همانند دیگر سرزمین های شرقی نظیر هند از همان قرون اولیه و از راه سند(۲) و به طور طبیعی، تدریجی و مسالمت آمیز صورت گرفت. بازرگانان مسلمان عرب، ایرانی و هندی در این فرآیند نقش

۱- وحید مازندرانی، سرزمین هزاران جزیره، جمهوری اندونزی، صص ۴۴ و ۴۵.

۲- تاریخ فلسفه در اسلام، صص ۵۶۹ _ ۵۷۰.

بسیار مهمی داشتند؛ زیرا با ظهور تمدن اسلام و از همان قرن سوم هجری، قدرت تجاری مسلمانان در سطح سرزمین های شرق و بندرهای مهم چین و جنوب شرقی آسیا در حال گسترش بود.(۱)

ماهیت نهضت اندونزی

ماهیت نهضت اندونزی

مبارزات ضد استعماری مردم اندونزی علیه پرتغالی ها، انگلیسی ها و هلندی ها در قرون اخیر پیوسته رشد فزاینده ای داشت. تا پیش از آغاز جنبش های اصلاحی در قرن ۱۹ م. برخی از این مبارزات از ناحیه امیران محلی جزایر مالایا و اندونزی صورت می گرفت. در این زمینه از کسانی چون سلطان عبدالفتاح بنتامی، سوراپاتی، سونان ماس و دیپونگورو می توان نام برد که در فاصله قرون هفدهم تا نوزدهم علیه هلندی ها به پا خاستند. دینونگورو (۱۸۵۵ م.) طبعی روحانی و پرهیزگار داشت و بیشتر عمرش را به فعالیت های مذهبی و تلاوت قرآن و مطالعه تاریخ گذرانده بود. مبارزات او علیه هلندی ها در جمهوری اندونزی، آغاز دوره رستاخیز اندونزی در برابر بیگانگان به شمار می رود. افزون بر او، مبارزان مسلمان دیگری چون امام بنجل (یاتکنو امام) و توکو عمر که در جاوه و سوماترا فعالیت داشتند از قهرمانان ملی و اسلامی اندونزی به شمار می آیند.(۲)

پس از امضای قراردادی میان انگلستان و هلند در سال ۱۸۱۶ م. که بر اساس آن، جاوه و سوماترا به هلندی ها بازگردانده شد، رهبران غیور اسلامی در ساحل غربی سوماترا بر ضد تجدید قدرت هلند، طغیان کردند و سال ها به

۱- ادیب قیصر، مسلمانان فیلیپین، برگردان: سید ابراهیم علوی، صص ۳۵ _ ۳۶.

۲- سرزمین هزاران جزیره، جمهوری اندونزی، صص ۵۶ و ۵۷.

مقاومت پرداختند.

به طور کلی، جریان های سیاسی و مذهبی اندونزی را می توان در دو مرحله مورد بررسی قرار داد. در دوره اول مهم ترین مسأله، سلطه استعمار غربی و اروپاییان (پرتغالی ها، انگلیسی ها و هلندی ها) بود. در این دوره جنبش های زیادی آغاز شد که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱ _ نهضت علمای دین: فعالیت های این گروه بیشتر در ناحیه سوماترای غربی، بین سال های ۱۸۲۰ _ ۱۸۳۷، جریان داشت و رهبری آن به عهده «امام باندژول»، یکی از علمای برجسته اندونزی بود.

۲ _ نهضت مسلمانان آتجه سوماتری: این نهضت نیز با رهبری علما و پیشوایان مذهبی در سال ۱۸۳۷ تشکیل شد. این گروه را نیز یکی از علمای برجسته آن منطقه به نام «علامه تنجگوسیک دی تیرو» رهبری می کرد.

البته به جز این دو حزب، احزاب ملی و اسلامی دیگری نیز وجود داشتند که در راه آزادی و استقلال اندونزی مبارزه می کردند. اما مسلمانان که در به دست آوردن استقلال این کشور نقش اصلی را ایفا کردند، بیشتر با این دو حزب همکاری داشتند. گسترش مبارزات آزادی خواهانه مسلمانان اندونزی در این دوره، سرانجام باعث خروج استعمارگران هلندی در سال ۱۹۴۲ از اندونزی شد. خروج هلندی ها که همزمان با جنگ جهانی دوم بود، باعث شد تا ژاپنی ها در پی شکست متفقین وارد اندونزی شوند. ورود ژاپنی ها به اندونزی، موجب ترس و نگرانی گروه های آزادی خواه شد؛ چون امکان داشت که سلطه ژاپن بر اندونزی ادامه یابد. به همین خاطر گروه های استقلال طلب به مبارزات پنهانی خود ادامه دادند. با حمله اتمی متفقین به

شهرهای «هیروشیما» و «ناکازاکی» در اوت ۱۹۴۵، ژاپنی ها شکست خوردند و نیروهای استقلال طلب اندونزی از این فرصت استفاده نموده، استقلال اندونزی را اعلام کردند.(۱)

در دوره دوم که پس از اعلام استقلال آغاز می شود، از یک سو هلندی ها با دخالت در امور داخلی اندونزی، خواهان سلطه دوباره بر این کشور بودند که به همت نهضت های اسلامی و آزادی خواه ناکام ماندند؛ از سوی دیگر رقابت شدید بین گروه های اسلامی و حزب کمونیست شدت گرفت. در این دوره که مبارزات، بیشتر در عرصه های فکری و سیاسی آغاز شده بود، احزاب اسلامی دیگری نیز با هدف رویارویی با تفکر الحادی کمونیست ها و اصلاحات اجتماعی، در جامعه اندونزی به وجود آمدند که از آن جمله می توان به احزاب سیاسی ـ اسلامی، «حزب اتحاد اسلام»، «اتحادیه علما»، «حزب شرکت اسلام»، «حزب اسلامی اندونزی» و «نهضت العلما» اشاره کرد. اما این احزاب اسلامی با دو مشکل اساسی روبه رو بودند:

الف ـ درگیری های داخلی بین گروه های اسلامی بر سر تشکیل حکومت، که آیا بر اساس قرآن و سنت باشد و یا بر اساس یکی از مذاهب اهل سنت.(۲)

ب ـ مخالفت شدید حزب کمونیست با گروه های اسلامی بر سر تشکیل حکومت اسلامی در این کشور.

این دو امر سبب ناتوانی مسلمان ها در ایجاد حکومت اسلامی در اندونزی

۱- دیتوس اسمیت، سرزمین و مردم اندونزی، ترجمه: پرویز داریوش، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران،۱۳۵۰، ص ۱۰۹.
۲- سید احمد موثقی، جنبش های اسلامی معاصر، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها سمت، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۷، ص ۳۶۲.

شـد و بـا وجودی که احزاب اسـلام گرایی چون نهضت العلمـا، نهضت محمـدیه و... در سـرکوبی کمونیست هـا با «سوهارتو» رییس جمهور این کشور همکاری کردند و مسـلمانان این کشور در کنار نظامیان این کشور در سال ۱۹۶۵ جلو کودتای کمونیست ها را گرفتند و نگذاشـتند که آنان به قدرت برسند، ولی «سوهارتو» که تحت تأثیر افکار غربی و سکولاریستی قرار داشت و با اسلام سیاسـی مخالف بود، به احزاب اسـلامی اجازه فعالیت های سیاسی را نداد و تمام تلاش خود را بین سال های (۱۹۶۶ _ ۱۹۹۵) به کار برد تا با «سیاست زدایی از اسلام» حرکت های اسلامی را به عرصه های فرهنگی و اجتماعی گرایش دهد.(۱)

هدف «سوهارتو» از این اقدامات نیز از میان بردن زمینه های بروز حرکت های اسـلامی اصول گرا و احزاب اسـلامی مخالف با دولت او بود. با تمام این سـخت گیری ها، اسـلام در زنـدگی مردم اندونزی تأثیر خود را بر جای گذاشـته بود و مسـلمانان این کشور تحت تـأثیر جنبش هـای اسـلامی و انقلاب اسـلامی ایران، آگاهی هایی را به دست آورده بودنـد. این امر سـبب شـد تا «سوهـارتو»، برای جلوگیری از حرکت هـای بعـدی مسـلمانان، در سـیاست های خود بازنگری کرده و برای جلب رضایت آنها اقداماتی انجام دهد که در زیر می آید:

تشـکیل دادگـاه و بانک اسـلامی، به ترتیب در سال های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱، تأسـیس مجمع روشن فکران مسـلمان در سال ۱۹۹۰، آزاد گذاشتن پوشش اسلامی در محیط های آموزشی در سال ۱۹۹۱، تعطیل کردن نشریات

۱- محمد مظفری، اندونزی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۲۷.

«مونیتور» و «سنانگ» به اتهام توهین به اسلام در سال ۱۹۹۰، سفر «سوهارتو» به حج در سال ۱۹۹۱(۱) و افزایش وزیران مسلمان هیئت دولت در سال ۱۹۹۳، به طوری که از ۴۱ نفر عضو هیئت دولت، ۳۷ نفر مسلمان بودند.(۲)

هدف «سوهارتو» از دادن این امتیازات به مسلمانان، بیشتر جلوگیری از خیزش بنیادگرایی اسلامی در این کشور بود تا پشتیبانی از اسلام. دولت جدید اندونزی نیز تا کنون سیاست های محافظه کارانه نسبت به مسلمانان را دنبال کرده و سعی دارد هر طور که شده از رشد بنیادگرایی اسلامی در این کشور جلوگیری کند.

نقش علما در نهضت اسلامی اندونزی

نقش علما در نهضت اسلامی اندونزی

اندونزی از کشورهایی است که علما و روحانیون در آن بسیار مورد احترام توده های مردم می باشند. به خاطر همین پایگاه مردمی علماست که آنها همواره جزو پیشگامان حرکت های اصلاحی و نهضت های اسلامی در طول تاریخ این کشور و به ویژه در قرن بیستم بوده اند.

جنبش های آزادی خواهی و اصلاح طلبی با رهبری علما که از اوایل قرن بیستم به طور جدی در اندونزی آغاز شد، به دو شاخه اصلاح طلبان و سنت طلبان تقسیم شده بود.

الف ـ سنت طلبان: این دسته را گروهی از علما رهبری می کردند که اسلام را در فقه خلاصه کرده بودند و با تجدد، اجتهاد و نوگرایی در اسلام مخالف و نسبت به سنت های گذشتگان، بسیار پایبند بودند و به مسایل عبادی اسلام و اطاعت از شیخ و مرشد، اهمیت بسیار می دادند. این مسایل سبب شده بود

۱- محمد مظفری، اندونزی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۱۳۷.

۲- محمد مظفری، اندونزی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۲۸.

که سنت طلبان با وجود مخالفت با دولت استعماری هلند، از سیاست کناره گرفته و در عمل، موضع منفی بگیرند و دست به کاری نزنند که با سیاست های دولت مخالفت داشته باشد. به این صورت، خود را در حوزه های علمیه محدود کرده یا به مکه رفته و از طریق برگزاری مراسم خاص عبادی، پیروانی برای خود جمع کرده بودند.(۱)

ب _ اصلاح طلبان: این گروه را که نقش اساسی در بیداری مسلمانان اندونزی داشت؛ آن دسته از علمای مذهبی رهبری می کردند که به طور کلی به ماهیت اسلام و دستورهای آن علاقه مند بودند. از نظر آنها قوانین اسلامی با نیاز زمان و اوضاع و احوال کنونی نیز سازگاری دارد.(۲) از این رو اسلام می تواند خلاء ایدئولوژیکی را در جامعه پر نموده و پاسخگوی مسایل روز باشد. به همین دلیل اصلاح طلبان، سنت گرایان را به قشری بودن و ترویج خرافات متهم می کردند و آنها را مخالف با پیشرفت و تمدن جامعه بشری که با اسلام نیز سازگاری داشت، می دانستند. بر این اساس، اصلاح طلبان درصدد اصلاح دین بودند و می خواستند اسلام به اصول و ارزش های اولیه خود بازگردد. این گروه شرط انجام این امر را در این می دانستند که با آگاهی دادن و ایجاد اصلاحات در جامعه، این اعتقاد را در میان مسلمانان اندونزی به وجود بیاورند که بین دین و سیاست پیوندی ناگسستنی وجود دارد. «در ذهن تجددخواهان، قرآن و حدیث نه فقط منابعی برای کسب عقاید و اعمال مذهبی اند، بلکه برای عقاید

۱- دلیار نوئر، نهضت های نوین اسلامی اندونزی، مترجمان: ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدرپور، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۳۶۸.

۲- دلیار نوئر، نهضت های نوین اسلامی اندونزی، مترجمان: ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدرپور، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۳۷۲.

سیاسی و اجتماعی نیز چنین اند.»(۱)

بنابراین علما همان گونه که در نهضت استعمارستیز مردم مسلمان اندونزی حضور فعال داشتند، در خیزش جنبش های اصلاح طلبی و بیداری مسلمانان این کشور نیز نقش اصلی را ایفا کردند. علمای پیشگام نهضت اسلامی اندونزی عبارتند از: «حاجی اخ السلیم»، «حاجی عبدالحلیم»، «حاجی الیاسی»، «حاجی مختار لطفی» و... و اینها بودند که با دعوت اصلاح گرایی خود، جنبش اسلامی را در محیط های تعلیمی، دانشگاهی و... شکل دادند. اگر تلاش همین علما و علمای اصلاح طلب دیگری چون؛ «شیخ احمد خطیب»، پیشگام نهضت اصلاح طلبان و فعالیت های فرهنگی «شیخ طاهر جلال الدین» و کارهای تبلیغاتی و ارشادی «شیخ محمد جمیل حمبک»، برای حفظ اسلام و ارزش های آن نبود، بی تردید اسلام در برابر دعوت انحرافی سنت طلبان و تبلیغات گسترده کمونیست ها، ماهیت اصلی خود را از دست داده بود.

«محمد نصیر»، رهبر «حزب اتحاد اسلام» پس از استقلال اندونزی، هدف خود را مبارزه با انحرافات اجتماعی و عقاید ناسیونالیست های بی تفاوت به مذهب قرار داده بود و از مسلمانان خواست تا رهبرانی را برای خود انتخاب کنند که «تقوای اسلامی آنها مورد تردید نباشد، نه کسانی را که فقط به زبان و گفتن انشاءاللّه در سخنان خود از اسلام دم می زنند.»(۲) زیرا به باور او «هدف مسلمانان از مبارزه برای استقلال، آزادی اسلام است، به گونه ای که قوانین و مقررات اسلامی برای خیر و تکامل مسلمانان و نیز کلیه مخلوقات خداوند به

۱- دلیار نوئر، نهضت های نوین اسلامی اندونزی، مترجمان: ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدرپور، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۰، صص ۳۷۵ _ ۳۷۶.

۲- دلیار نوئر، نهضت های نوین اسلامی اندونزی، مترجمان: ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدرپور، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۳۱۹.

رسمیت شناخته شود.»(۱)

اما رهبران سیاسی مسلمانان اندونزی، با وجودی که به جز «محمد نصیر» که در غرب تحصیل کرده بود و به خاطر توانایی های فکری و روحی که داشت، عقاید خود را از مبانی اسلامی گرفته، همگی تحصیلکرده مدارس دینی مصر، عربستان و... بودند. با این وجود اختلافات شدیدی از نظر فکری و نحوه برداشت از اسلام، با یکدیگر داشتند و این اختلافات باعث شد که آنها نتوانند حکومت اسلامی مورد پسند خود را در اندونزی به وجود بیاورند.

نهادهای اجتماعی و نقش آنها در نهضت اسلامی اندونزی

نهادهای اجتماعی و نقش آنها در نهضت اسلامی اندونزی

در پیدایش نهضت اسلامی و اصلاح طلبی در اندونزی، افزون بر آن که برخی از علما و گروه های سیاسی ـ اسلامی به طور مستقیم دخالت داشتند، عده ای دیگر سعی کردند تا با احیای تفکر اسلامی، نهضت اصلاح طلبی را در جامعه از راه تأسیس و فعال سازی نهادهای اجتماعی و فرهنگی گسترش دهند؛ زیرا مدارس دولتی نسبت به مسایل دینی و اعتقادی مسلمانان بی تفاوت بودند و این خطر وجود داشت که در درازمدت اصلاح طلبان نفوذ خود را در میان مردم اندونزی و به ویژه نسل جوان از دست بدهند. به همین سبب آنها با حفظ ارتباط خود با دانشجویان مدارس دولتی، مراکز و نهادهای اجتماعی و فرهنگی را برای گسترش ارزش های اسلامی و افکار و اندیشه های خود فعال نمودند. این نهادها که بی تردید در روشن فکری و بیداری مسلمانان اندونزی سهم بزرگ و مؤثری را بر عهده داشتند، عبارتند از:

۱ ـ مدرسه ادبیّه پادانگ: این مدرسه در سال ۱۹۰۹ پایه گذاری شد و

۱- دلیار نوئر، نهضت های نوین اسلامی اندونزی، مترجمان: ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدرپور، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۳۱۸.

آموختن قرآن و احکام مذهبی از دروس اجباری آن بود. البته این مدرسه بعدها به علت گرفتن کمک از دولت، در سال ۱۹۱۵ به «مدرسه ادبیّه هلندی مالایی» تغییر نام داد و از ماهیت مذهبی، تعلیمات دینی و آرمان گرایی خود خارج شد.

۲ ـ مدرسه علمیه جمب تان بسی: این مدرسه که به طور سنتی اداره می شد، بیش از دیگر مراکز، در بیداری مسلمانان و پیدایش نهضت اسلامی اندونزی تأثیر داشت. در این مدرسه یادگیری فقه، تفسیر قرآن و شناخت حدیث از موضوعات اصلی آموزش به شمار می آمد.

۳ ـ مدرسه دینیه (المدرسه الدّینیّه): این مدرسه که به آموزش دختران در چارچوب احیای جنبش اصلاح طلبی می پرداخت، در سال ۱۹۱۵ با همت «زین الدّین لبایی» پایه گذاری شد و به شکل نظام آموزشی جدید اداره می گردید. تأکید این مدرسه بیشتر بر آموزش اطلاعات عمومی مانند تاریخ، تاریخ اسلام، جغرافیا، حساب و زبان بود و همچنین اصول دینی و اخلاقی از سوی دانشجویان نیز به طور کامل رعایت می شد.

۴ ـ انجمن محمدیه: این انجمن در سال ۱۹۱۲ فعالیت های خود را توسط «حاجی احمد دهلان» آغاز کرد و هدف آن راه اندازی نهضت اسلامی در اندونزی بود. انجمن محمدیه که تحت تأثیر جریان های نوگرایی اسلامی خاورمیانه قرار داشت، با هدف بالا بردن موقعیت مسلمانان از راه ایجاد اصلاحات و تغییر وضعیت نظام آموزشی و اجتماعی شروع به کار کرد.(۱)

۱- اندونزی، ص ۳۰.

۵ _ جمعیت خیر: این جمعیت در سال ۱۹۰۵ به وسیله عده ای از ثروتمندان مسلمان تشکیل شد و بیشتر در زمینه آموزش ابتدایی و فرستادن دانشجو به ترکیه برای تحصیلات تکمیلی فعالیت می کرد. مدرسه ابتدایی مربوط به جمعیت خیر، به روی همه مسلمانان باز بود و هیچ گونه تعصب نژادی و غیره در آن وجود نداشت. جمعیت، سعی می کرد که جوانان را به اندیشه اسلامی تربیت کند و به همین سبب علمای نوگرای اصلاح طلب را حتی از خارج اندونزی به عنوان معلّم استخدام می کرد. از آن جمله، «شیخ احمد سورکاتی» از سودان، «شیخ محمد طیّب» از مراکش و «شیخ محمد عبدالحمید» از مکّه در سال ۱۹۱۱ در مدرسه جمعیت خیر تدریس می کردند.

از میان این سه نفر، «شیخ احمد سورکاتی» که نقش مهمی در شناساندن باورهای تازه در درون جامعه اسلامی داشت، از همکاران دیگرش مهم تر بود؛(۱) زیرا وی پس از مطالعه و پژوهش فراوان در علوم اسلامی، به حرفه معلمی روی آورد و در کشورهای مختلف عربی و از جمله در سال ۱۹۰۶ در حرم شریف مکه تدریس می کرد.

البته به جز آنچه که گفته شد، نهادها و انجمن های فرهنگی بسیاری بودند که هر یک در پیدایش نهضت اسلامی و اصلاح گرایی اندونزی تأثیر به سزایی داشتند که امکان یادآوری تک تک آنها نیست.

۱- نهضت های نوین اسلامی اندونزی، ص ۸۱.

گروه های سیاسی اندونزی و روابط آنها با انقلاب اسلامی ایران

گروه های سیاسی اندونزی و روابط آنها با انقلاب اسلامی ایران

احزاب و گروه های اندونزی در اوایل قرن بیستم، شامل مسلمان، کمونیست و ملی به گونه ای با هم اتحاد داشتند و سعی می کردند که در مسایل سیاسی، یکپارچه عمل کنند؛ اما در آغاز دهه چهل به خاطر مذاکرات «شورای خلق اندونزی» مرکب از گروه های کمونیستی و ملی، با دولت هلند، بین گروه های سیاسی تنش هایی به وجود آمد و احزاب اسلامی با محکوم نمودن این مذاکره و تشکیل فدراسیون اسلامی با نام «مجلس اعلای اسلامی» از آنها کناره گرفتند.

پایه گذاری مجلس اعلای اسلامی اندونزی، با استقبال سازمان ها و گروه های اسلامی روبه رو شد و هدف از تشکیل آن این بود که ضمن تأکید بر وحدت مسلمانان، زمینه های وحدت عملی احزاب سیاسی را فراهم آورد؛ از این رو، فدراسیون در پی یافتن راه حلی مناسب برای رفع اختلافات میان گروه های اسلامی اندونزی بود، صرف نظر از این که به مجلس اعلای اسلامی پیوسته باشند، یا نه![1]

احزاب تشکیل دهنده این فدراسیون که از مهم ترین احزاب اسلامی بود، عبارت بودند از:

۱. پرشاریکتان علما (اتحادیه علما): در سال ۱۹۱۱ به رهبری «حاجی عبدالحلیم» به وجود آمد؛

۱- نهضت های نوین اسلامی اندونزی، ص ۲۹۶.

۲. نهضت اسـلامی محمـدیه: که از مهم ترین سازمـان هـای اسـلامی است، در ۱۸ نوامبر ۱۹۱۲ به وسـیله «شیخ حاجی احمد دَهلان» برای پاسخگویی به شبهات دانشجویان تشکیل شد؛

۳. حزب اتحاد اسلام: در سال ۱۹۲۰ با هدف ایجاد اصلاحات در جامعه به وجود آمد؛

۴. شرکت اسلام: در سال ۱۹۱۶ پایه گذاری شد؛

۵. حزب سیاسـی مسـجومی: این حزب از مخالفـان سرسـخت کمونیست ها به شـمار می آمـد و در سال ۱۹۶۰، به طور رسـمی منحل اعلام شد.

اما جنبش اسـلامی در اندونزی با وجود تشکیل اتحادیه و فدراسیون های مختلف، در عمل نتوانست کاری انجام دهد و هر چه می گـذشت رهبران جنبش از اهـداف اولیه خود دورتر شـده و به سوی محـافظه کـاری و گرایش هـای سـنتی تمایـل پیـدا می کردند. بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که علت اصـلی شکست جنبش های اسلامی در اندونزی عبارت است از: «گرایش آنهـا از افکـار و مواضع انقلابـی و رادیکـال به مواضع بنیـادگرا و از آن به سـمت محـافظه کاری سـنتی، تغییر و تبـدیل رهبری جنبش از یک رهبری انقلابی به رهبری محافظه کار و سـنتی، کنار گذاشـتن اصول و شعارهای اولیه به ویژه دو اصل آزادی و عـدالت، شـکاف و اختلـاف در صـفوف داخلی، فقـدان یـک انـدیشه راهنمای جامع و کامل، ذهنیت گرایی، عـدم اتخاذ یک برنامه مشـخص و استراتژی بلندمـدت... نادیـده گرفتن ابعاد علمی _ صـنعتی و تکنولوژی پیشـرفته غرب و تمـدن جدید»(۱) و سرانجام فاصله گرفتن از توده

۱- جنبش های اسلامی معاصر، صص ۳۶۷ _ ۳۶۸.

مردم، زمینه ناکامی آنها را در جامعه فراهم آورد.

در حال حاضر بعد از «حزب متحده توسعه» که در سال ۱۹۷۳ از اتحاد چهار حزب اسلامی به وجود آمد و «نهضت العلما» که در سال ۱۹۲۶ تشکیل گردید، «نهضت محمدیه» یکی از احزاب فعال اسلامی در جامعه اندونزی است. تفکر این حزب، در آغاز بر تمام اصلاح طلبان سلطه داشت، ولی در این اواخر به نظر می رسد که رهبران این حزب نیز روحیه اصلاح گرایی خود را از دست داده باشند. با این همه باز نهضت محمدیه، طرفداران زیادی در جامعه اندونزی دارد و «دکتر محمد امینی رییس»، استاد دانشگاه در اندونزی بر این باور است: «اگر محمدیه بتواند یکبار دیگر روحیه اصلاح طلبی را در خود زنده کند، قادر خواهد بود در خط مقدم تاریخ، برای یافتن پاسخ هایی به مسایل مبتلا به جامعه اندونزی... قرار گیرد. مسایلی از قبیل؛ عدالت اجتماعی، توسعه علوم و تکنولوژی، فعالیت های تحقیقاتی، حل و فصل مسایل اقتصادی ـ اجتماعی و فرهنگی ـ اجتماعی و سیاسی ـ اجتماعی؛ که در صورت یافتن پاسخ این مسایل، نهضت اسلامی محمدیه که در سال ۱۹۸۲ تولد یافته است، می تواند مجددا قدرت زیادی را برای جلب نظر جامعه اسلامی اندونزی به دست آورد.»(۱)

اما مردم و گروه های اسلامی در اندونزی نسبت به انقلاب اسلامی ایران، نظری موافق دارند. استقبال پرشور مسلمانان اندونزی از آیت اللّه هاشمی رفسنجانی ـ رییس جمهور وقت ـ در شهریور ۱۳۷۱ و مهرماه ۱۳۷۳، نشان

۱- محمد امین رئیس، نهضت های بین المللی و تأثیر آنها بر نهضت اسلامی اندونزی، فصل نامه حضور، دوره دوم، ش ۱۳، ۱۳۷۴، ص ۱۸۹.

دهنده عشق و علاقه آنها به انقلاب اسلامی ایران بود. گروه های اسلامی اندونزی نیز با انقلاب اسلامی روابط نزدیک دارند، سفرهای روحانیون و مقامات مذهبی دو کشور در مناسبت های مختلف و حضور متفکران اندونزی در مراسم سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، هفته وحدت، رحلت حضرت امام رحمه الله و...(۱) دلایل اصلی ارتباط نزدیک گروه های اسلامی اندونزی با انقلاب اسلامی ایران است.

۱- اندونزی، ص ۱۷۹.

فصل پنجم: جنبش اسلامی اریتره

اشاره

فصل پنجم: جنبش اسلامی اریتره

اریتره از شرق به دریای سرخ راه دارد و از شمال و غرب با سودان و از جنوب با اتیوپی و از جنوب شرقی با جمهوری جیبوتی هم مرز است. اریتره ۱۲۶ جزیره دارد و دارای منابع طبیعی فراوان و زمین های حاصل خیز است. پنجاه درصد مردم اریتره مسلمان هستند؛ ستمدیده ترین مردمانی که به علت موقعیت حساس جغرافیایی و تجاری کشورشان، بیش از چهارصد سال مورد تهاجم کشورهای استعماری قرار داشتند. از سال ۱۵۲۷ تا ۱۵۵۷ پرتغالی ها بر این کشور مسلط شدند و از سال ۱۵۵۷ تا ۱۸۸۵ ترکان عثمانی آن را اشغال کردند. بعد از عثمانی ها نوبت دولت استعماری ایتالیا رسید؛ ایتالیایی ها بعد از تسلط بر اریتره، بیشترین ظلم و ستم را بر مردم مظلوم اریتره روا داشتند. بیست و پنج هزار نفر بین سال های ۱۹۱۳ تا ۱۹۱۸ به جرم فعالیت های سیاسی اعدام شدند.(۱)

سیر تاریخی جنبش رهایی بخش اریتره

سیر تاریخی جنبش رهایی بخش اریتره

اریتره در جنگ جهانی دوم در تصرف ایتالیا بود. بعد از وارد شدن متفقین در سال ۱۹۴۱ به این سرزمین، به علت اهمیّت راهبردی اریتره بر سر تصاحب آن به توافق نرسیدند و به ستیز پرداختند. سرانجام قضیه را به سازمان ملل ارجاع دادند و این سازمان در دسامبر ۱۹۵۰ رأی به پیوند فدرالی اریتره به

۱- داوود کریملو، اریتره، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۱.

اتیوپی داد. اما دولت استعماری اتیوپی که از حمایت امریکا برخوردار بود، در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۲ با زیر پا گذاشتن یک جانبه قطعنامه سازمان ملل متحد، پیوستن اریتره به اتیوپی را اعلام کرد.

مردم اریتره که به استقلال کشورشان و رهایی از سلطه استعمارگران چشم دوخته بودند، بعد از سهل انگاری دولت اتیوپی در اجرای قطعنامه سازمان ملل و زیر پا گذاشتن آن، مبارزات خود را شروع کردند. «جبهه آزادی بخش اریتره»به عنوان یک سازمان سیاسی و نظامی در سال ۱۹۶۰ پایه گذاری شد و مبارزات مسلحانه و آشکار خود را با استعمارگران حبشه ای و امریکایی در سال ۱۹۶۱ شروع کرد.(۱) مبارزات مردم با اشغالگران اتیوپی، فشارهای زیادی را به مردم مظلوم این کشور وارد ساخت و ارتش اتیوپی به شدت درصدد سرکوبی قیام مردم برآمد و از انجام هیچ جنایتی دریغ نکرد. جبهه آزادی بخش اریتره در ۱۶ ژانویه ۱۹۷۱، در بیانیه ای، از اعمال غیرانسانی نیروهای اتیوپی، نسبت به مردم مظلوم اریتره پرده برداشت و اعلام کرد: «قوای اتیوپی، اریتره را به صورت یک «حمام خون» در عصر جدید تبدیل کرده و در آن غوطه می خورند.»(۲)

در سال ۱۹۶۵ رهبران جنبش در یک برنامه ریزی منظم و یکپارچه، نیروهای رزمنده خود را در سراسر اریتره جابه جا و سازماندهی کردند. جبهه آزادی بخش، برای وارد نمودن خسارات بیشتر بر ارتش اتیوپی، نبردهای شدیدی را از ناحیه جنوب غرب آغاز کرد. در اثر این حملات برنامه ریزی

۱- جنبش های آزادی بخش، ص ۱۵۹.

۲- محمد عمران و محمد خالد حسین، نهضت های ضداستعماری در افریقا، مترجمان: محمود حکیمی، مهدی پیشوایی، انتشارات نسل جوان، بی جا، بی تا، ص ۷۰.

شده که بین سال های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۷ به وقوع پیوست، رزمندگان اریتره پیروزی های چشم گیری به دست آوردند و بسیاری از شهرها را از کنترل دولت اتیوپی خارج کردند.

بعد از این پیروزی ها، گروه های سیاسی دچار اختلاف شده و به جای مبارزه با اشغالگران، به جنگ با یکدیگر پرداختند. اختلاف های داخلی جبهه مقاومت باعث شد که ارتش اتیوپی مناطق از دست داده را پس بگیرد.

در سال ۱۹۸۱ با میانجی گری بعضی از کشورهای اسلامی، گروه های درگیر برای حل اختلاف ها از راه مذاکره به توافق رسیدند. در پی این توافق، یکبار دیگر نبرد با رژیم حاکم بر اتیوپی شدت گرفت و سال های ۱۹۸۴ _ ۱۹۹۰، سال های دشواری برای ارتش اتیوپی بود؛ زیرا رژیم حاکم بر اتیوپی در برابر نیروهای مقاومت، احساس ناتوانی می کرد و یارای رویارویی با آنها را نداشت. این امر سبب شد که امریکاییان برای کمک و کاهش فشار به دولت اتیوپی در سپتامبر ۱۹۸۹ مسأله میانجی گری را مطرح کردند که بدون نتیجه عملی و تأکید بر ادامه مذاکره در سال ۱۹۹۰ پایان یافت.(۱)

جبهه آزادی بخش اریتره، سرانجام پس از سی سال مقاومت، در ۲۸ ماه مه ۱۹۹۱ شیر «اسمره» را تصرف کرد و در ماه مه همان سال وارد «آدیس آبابا» گردید و دولت موقت اریتره را تشکیل داد. در همه پرسی ای که در ۲۳ تا ۲۵ آوریل ۱۹۹۱، با نظارت سازمان ملل متحد صورت گرفت، ۸/۹۹ درصد مردم اریتره به استقلال از اتیوپی رأی مثبت دادند و به این ترتیب استقلال اریتره

۱- اریتره، ص ۱۴۷.

در سال ۱۹۹۱ به رسمیت شناخته شد.(۱)

ماهیت جنبش اریتره و مواضع فکری و سیاسی آن

ماهیت جنبش اریتره و مواضع فکری و سیاسی آن

جنبش اسلامی اریتره که در سال ۱۹۶۱ به رهبری «شیخ حامد ادریس اواته» حملات مسلحانه خود را آغاز کرد، در پی آن بود که استقلال اریتره را در قالب یک نظام اسلامی و مردمی به دست آورد. برای رسیدن به این هدف، صدها هزار شهید و معلول را تقدیم اسلام، مسلمانان و آزادی این سرزمین کرد. یک مقام جنبش آزادی بخش اریتره، با اسلامی خواندن ماهیت جنبش اریتره می گوید: «شراره انقلاب اسلامی به رهبری برادر مجاهد شیخ حامد حواتمه در سپتامبر ۱۹۶۱ برافروخته شد و مبارزات مسلحانه جهت دفاع از حق مشروع خویش در [راه] آزادی و استقلال [این کشور] اعلام گردید.»(۲)

جبهه مقاومت اریتره به مرور زمان و در اثر فشارهای امریکا و غرب به ایدئولوژی سوسیالیستی گرایش پیدا کرد. در نخستین همایش نیروهای مبارز اریتره که در سال ۱۹۷۱ تشکیل شد، تصویب گردید که جبهه مقاومت «با کشورهای سوسیالیستی و دموکرات، همچنین با سازمان های مشرقی و پیشرو، روابط موجود را تقویت خواهد کرد...»(۳)

انجام جنایات غیرانسانی توسط نظامیان اتیوپی در اریتره و ناتوانی جبهه آزادی بخش در جلوگیری از آنها و نیازهای مادی جنبش، سبب شد که جبهه

۱- اریتره، صص ۱۴۷ _ ۱۴۸.

۲- واحد نهضت های اسلامی سپاه پاسداران، پیشین، ص ۱۴۸.

۳- اریتره، ص ۱۰۷.

مقـاومت به کشورهـای کمونیستی رو آورد. به خاطر این تغییر اولیه بود که دبیر کل جبهه آزادی بخش، افزون بر امضای سـند همکاری با جمهوری کمونیستی خلق چین، در ۱۵ ژوئن ۱۹۸۱ در یک مصاحبه مطبوعاتی در بیروت اعلام کرد: «وی از اتحاد جماهیر شوروی تقاضای کمک اسلحه کرده است».(۱)

مواضع جنبش اریتره در برابر انقلاب اسلامی

مواضع جنبش اریتره در برابر انقلاب اسلامی

جنبش آزادی بخش اریتره، نسبت به انقلاب اسـلامی، که یک حرکت نوین در تاریخ نهضت های اسلامی جهان به شمار می آید، نظر موافق دارد و معتقد است؛ انقلاب اسلامی ایران تأثیرهای مثبتی بر تمام جنبش های اسلامی گذاشت و آنها را تقویت کرد. به همین دلیل پیروزی انقلاب اسـلامی در ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله مورد اسـتقبال جنبش اسـلامی اریتره قرار گرفت.

نماینـده جنبش آزادی بخش خلق اریتره در «سـمینار سراسـری نهضت های آزادی بخش جهان» که در تاریـخ ۱۸/۳/۱۳۶۱ در تهران برگزار شد، درصدد پشتیبانی همه جانبه از انقلاب اسـلامی برآمده و می گوید: «تجربه انقلاب اسلامی ایران در زمان ما تجربه بی نظیر به شـمار می رود، این انقلاب مـا را به یاد اوایل اسـلام و قهرمانی ها و فـداکاری ها و قربانی هایی که مسـلمین جهت اعتلای کلمه «اللّه »، گسترش دین پاک خداونـدی و تحقق عـدالت و حقیقت و نابودی باطل تقـدیم کردند، می اندازد. برادران! برماست تا در راه انقلاب اسلامی ایران گام برداریم و با چنگ زدن به ریسمان محکم خدا از تجارب

۱- نهضت های ضد استعماری در افریقا، ص ۷۱.

آن استفاده کنیم. ملت اریتره بر خود ملزم می داند تا صدای انقلاب اسلامی ایران، در دفاع از ملل مستضعف و تحت سیطره استعمار را به محافل بین المللی برساند.»(۱)

جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس سیاست های اصولی، انسانی و اسلامی خود، همواره از جنبش های اسلامی و از جمله اریتره پشتیبانی کرده است. ایران جزو اولین کشورهایی بود که با اظهار خشنودی از پیروزی ملت اریتره بر ارتش اتیوپی، از نتیجه همه پرسی سال ۱۹۹۱ پشتیبانی نمود و استقلال آن کشور را به رسمیت شناخت. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در تاریخ ۹/۲/۱۳۷۲ با صدور بیانیه ای اعلام کرد: «جمهوری اسلامی ایران با شناسایی استقلال این کشور، امیدوار است مردم اریتره با همکاری و مساعدت جامعه جهانی و حسن هم جواری با کشورهای منطقه بتوانند در امر بازسازی و رشد و توسعه کشور خود موفقیت های شایانی به دست آورند...»(۲)

البته از میان گروه های مبارز و فعال سیاسی در جنبش اسلامی اریتره، تنها «جبهه آزادی بخش اریتره ـ شورای انقلاب» که در سال ۱۹۶۱ به رهبری «احمد محمد ناصر»، در قاهره تشکیل شد و اعضای آن همه مسلمان هستند، در تهران دفتر نمایندگی داشت. رهبر این جبهه در دو سفر خود به تهران با امام خمینی رحمه الله نیز دیدار کرده است. اما در اثر تغییراتی که در موضع گیری گروه های سیاسی و مبارز اریتره، نسبت به مسایل فکری و سیاسی به وجود آمد، رابطه آنها با انقلاب اسلامی محدود گشت و دفتر آنها در تهران بسته

۱- واحد نهضت های اسلامی سپاه پاسداران، پیشین، ص ۱۴۹.

۲- اریتره، ص ۱۴۸.

شد و هم اکنون جمهوری اسلامی، هیچ گونه رابطه ای با اریتره ندارد.(۱)

نقد و ارزیابی جنبش اسلامی اریتره

نقد و ارزیابی جنبش اسلامی اریتره

جبهه آزادی بخش اریتره از اصلی ترین احزاب سیاسی است که مبارزات استقلال طلبانه خود را با سلطه بیگانه، (ایتالیا و انگلیس) برای آزادی اریتره آغاز کرد. این جبهه، نخستین بار در سال ۱۹۶۱ آشکارا وارد فعالیت های سیاسی و نظامی شد. متأسفانه بعد از درگذشت رهبر جبهه، «اواته» در سال ۱۹۶۲، جبهه به خاطر مسایل قومی و مذهبی دچار اختلاف شد. محور این اختلاف ها پیرامون مسلمانان و مسیحیان دور می زد. این اختلاف ها باعث از هم گسیختگی نهضت شد؛ زیرا مسیحیان خواستار پیوستن اریتره به اتیوپی بودند و مسلمانان، استقلال خاک اریتره را می خواستند. در اثر این کشمکش، گروه های سیاسی در سال های ۱۹۷۷ _ ۱۹۸۰ سرگرم نبرد با خود بودند و جنگ بین نیروهای آزادی خواه به شدت ادامه داشت.

در سال ۱۹۸۱ گروه های درگیر با میانجی گری برخی از کشورهای اسلامی، بر سر آتش بس و حل اختلافات از راه مذاکره توافق کردند. در پی این توافق، گروه های سیاسی فعالیت های خود را بر دو محور متمرکز نمودند:

۱ _ در صحنه نظامی، که با سر و سامان دادن به وضع جبهه های مقاومت در برابر نیروهای اشغالگر اتیوپی، آنان را در موقعیت بدی قرار دادند.

۲ _ در عرصه سیاسی، در این زمینه بیشترین تلاش جبهه مقاومت برای نزدیکی گروه های سیاسی _ نظامی به یکدیگر بود. به این منظور در سال

۱- اریتره، صص ۱۶۸ _ ۱۸۷.

۱۹۸۲ با دعوت عربستان سعودی، سران احزاب زیر، برای ائتلاف، در جده گرد هم آمدند:

الف _ «عبداللّه ادریس»، رهبر «جبهه آزادی بخش اریتره»؛

ب _ «عثمان صالح صبی»، رهبر «نیروهای آزادی بخش مردم _ جبهه آزادی بخش اریتره»؛

ج _ «ابوبکر گیمان»، نماینده «جبهه آزادی بخش خلق اریتره _ شورای انقلاب».(۱)

جبهه آزادی بخش مردم اریتره» از شرکت در این گردهم آیی خودداری کرد و دلیل آن هم برتری نیروهای نظامی اش بر دیگران بود. عربستان به عنوان بانی این گردهمایی، دو هدف داشت: «اولاً، رهبران آنها را تحت سلطه داشته باشد و ثانیا؛ از وجود آن گروه ها به عنوان اهرمی در برابر رژیم مارکسیستی اتیوپی استفاده نماید... .(۲)

در این گردهم آیی که در ۲۳ دسامبر ۱۹۸۲ پایان یافت، گروه های شرکت کننده به توافق هایی در زمینه مسایل سیاسی، نظامی و... دست یافتند، ولی مشکل گروه های سیاسی به طور کلی حل نشد؛ زیرا مشکل اساسی نیروهای آزادی خواه، خطوط فکری بود که توسط افراد نفوذی و وابسته به گروه های سوسیالیستی و مارکسیستی، در جبهه مقاومت راه پیدا کرده بود. گرایش مارکسیستی به اندازه ای در میان رهبران جبهه آزادی بخش گسترش یافته بود که برخی از احزاب مانند «جبهه آزادی بخش مردم اریتره» که از ناراضیان دیگر گروه ها تشکیل شده بود، به طور رسمی از ایدئولوژی مارکسیسم

۱- اریتره، صص ۱۲۰ _ ۱۳۰.

۲- اریتره، ص ۱۳۱.

پیروی می کرد. بنـابراین انحراف جنبش آزادی بخش اریتره از اصول اولیه و خط اسـلام، علت اصـلی ناکامی آن به شـمار می آید.

فصل ششم: جنبش اسلامی پاکستان

اشاره

فصل ششم: جنبش اسلامی پاکستان

پاکستان از کشورهایی است که در شبه قاره هند قرار دارد. این کشور در سال ۱۹۴۷ استقلال خود را از هند به دست آورد و جای خود را در جغرافیایی سیاسی کشورها باز نمود و به عنوان یک کشور مستقل درآمد. حزب «مسلم لیگ» پاکستان برای کسب استقلال این کشور، مبارزات زیادی انجام داد و سرانجام موفق شد ۵۵ سال پیش، دولت مستقل پاکستان را تأسیس و سال ها بر آن حکومت کند. آخرین رهبر این حزب، «نواز شریف» بود که در ۱۲ اکتبر ۱۹۹۹، در یک کودتای نظامی توسط رییس ستاد ارتش، «ژنرال پرویز مشرف» برکنار شد.

نهضت اسلامی شیعیان پاکستان

نهضت اسلامی شیعیان پاکستان

پاکستان، کشوری است که از زمان استقلال تا کنون، با روند رو به رشد بنیادگرایی اسلامی و اختلافات مذهبی و فرقه ای روبه رو بوده است. این مسأله سبب شده که استعمارگران از مذهب به عنوان عامل تفرقه، سوء استفاده نمایند. آنان در این راستا همواره سعی کرده اند که شیعیان را از حقوق حقه شان محروم کنند؛ از این رو، شیعیان پاکستان بیش از هر چیز دیگر ضرورت یک نهاد سیاسی را که بتواند از حقوق مذهبی، سیاسی و اجتماعی آنها دفاع کند، احساس کردند. با درک این نیاز در جامعه شیعیان پاکستان بود

که نهادها و تشکل هایی سیاسی؛ «اداره تحفظ حقوق شیعه پاکستان»، «سازمان نگهبانی از حقوق شیعیان پاکستان» و «آل پاکستان شیعه کانفرانس»، برای رسیدگی به وضع شیعیان این کشور به وجود آمدند.(۱) متأسفانه این سازمان ها به دلیل نداشتن رهبری واحد، نتوانستند اهداف و خواسته های شیعیان را برآورده نمایند و به همین دلیل دچار تفرقه گردیده و از هم پاشیدند.

پس از کودتای ۵ ژوئیه ۱۹۷۷ «ضیاء الحق»، علیه دولت مردمی «ذوالفقار علی بوتو»، نظامیان قدرت را به دست گرفتند. با روی کار آمدن حکومت نظامی «ضیاء الحق» در پاکستان، بر جو اختناق و خفقان موجود در کشور افزوده شد. افزون بر این «ضیاء الحق» سعی می کرد که زیر پرچم اسلام به خواسته های نامشروع خود جامه عمل بپوشاند. برای رسیدن به این هدف «شورای ایدئولوژی اسلامی» دوباره تشکیل شد و «مفتی جعفر حسین» به عنوان نماینده شیعیان به عضویت آن درآمد. ولی ماهیت واقعی این شورا به زودی معلوم شد و «مفتی جعفر حسین» در سال ۱۳۵۸ در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت: «من به عنوان مفتی جعفری در شورای ایدئولوژی کتبا و در اجلاس کابینه فدرال صریحا موضوع ملت شیعه را طرح کرده بودم، ولی به آن ترتیب اثر داده نشد.»(۲)

«ضیاء الحق» که عامل استکبار جهانی به شمار می رفت، به این اعتراض ها اعتنایی نمی کرد. او نمی خواست حکومت اسلامی را در پاکستان پیاده کند، بلکه می خواست با شعار اسلام خواهی؛ با حاد نمودن مسایل قومی، مذهبی و

۱- یادواره سید عارف حسین الحسینی، مؤسسه شهید الحسینی، نشر شاهد، قم، ۱۳۶۹، ص ۳۶.

۲- یادواره سید عارف حسین الحسینی، مؤسسه شهید الحسینی، نشر شاهد، قم، ۱۳۶۹، ص ۴۰.

منطقه ای، بذر نفاق و اختلاف را در بین ملت پاکستان بپاشد، تا از این راه بر حکومت خود تداوم و استمرار بخشیده و قدرت نظامیان بر این کشور را حفظ کند. همچنین «ضیاء الحق» می خواست با ایجاد محدودیت و فشار بر شیعیان، از برپایی یک انقلاب اسلامی شبیه ایران، در پاکستان جلوگیری کند. فشارهای روزافزون حکومت نظامیان از یک سو و پیروزی انقلاب اسلامی ایران از سوی دیگر، باعث شد که شیعیان پاکستان «نهضت اجرای فقه جعفری» را در سال ۱۳۵۸ پایه گذاری نمایند. در آغاز، رهبری آن به عهده «مفتی جعفر حسین» که یک عالم پارسا و پرهیزگار بود قرار داشت. وی اقدامات مؤثری را برای هماهنگی شیعیان و علمای پاکستان انجام داد و فعالیت های سیاسی اش را نیز در چارچوب قانون، برای تحقق مهم ترین اهداف و خواسته های «نهضت اجرای فقه جعفری» دنبال کرد که عبارت بودند از:

«۱. مستثنا بودن شیعیان از پرداخت زکات و عشره؛

۲. حفظ و حراست عزاداری سیدالشهداء علیه السلام و عدم مزاحمت در مقابل عزاداری؛

۳. مستثنا بودن راهپیمایی های عزاداری از موافقت نامه های وزارت کشور؛

۴. تعلیم کتب آموزشی شیعه در مدارس (شیعه) و مراعات فقه تشیع در قوانین حکومتی در صورت عملی شدن نظام اسلامی در کشور.»(۱)

«ضیاء الحق» نسبت به این تقاضاها کاملاً بی توجه بود و می خواست به وسیله زور و سلطه نظامی، فریادهای آزادی خواهی را در نطفه خفه کند. او

۱- یادواره سید عارف حسین الحسینی، مؤسسه شهید الحسینی، نشر شاهد، قم، ۱۳۶۹، ص ۴۴.

برای وارد آوردن ضربه بیشتر بر شیعیان، در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۷ سیستم آموزش دینی جداگانه (شیعه و سنی) را که پیش تر اعمال می شد، لغو کرد و آموزش مختلط را جای گزین نمود.(۱)

وقتی رهبران نهضت اسلامی شیعیان پاکستان، از رسیدن به خواسته های خود از راه های قانونی و آشتی جویانه، ناامید شدند، دست به تظاهرات و اعتراض های عمومی زدند. در یکی از تجمع های بزرگ که در اسلام آباد و در ۱۴ تیرماه ۱۳۵۹ (۵ جولای ۱۹۸۰) برگزار شد، برخی ادارات دولتی سه روز در محاصره قرار داشتند. در طی این محاصره، نابسامانی هایی در نظام اداری پیش آمد و شیعیان معترض موفق شدند که توجه جهانیان را به وضعیت خفقان آوری که در پاکستان وجود داشت، جلب نمایند. این حرکت شیعیان که با رهبری نهضت اجرای فقه جعفریه صورت گرفت و نشان دهنده یکپارچگی شیعیان بود، دولت «ضیاء الحق» را با خطر جدی روبه رو کرد؛ از این رو، دولت مجبور شد با «مفتی جعفر حسین» و برخی دیگر از رهبران وارد مذاکره شود و معاهده ای را امضا نماید. «در آن معاهده نوشته شده بود قوانینی را که با فقه جعفریه منافات دارد ترمیم خواهیم کرد و قوانینی که در آینده می خواهیم برای شیعه ها وضع کنیم فقه جعفریه را لحاظ می کنیم. بعد طبق این معاهده شیعه ها را از زکات استثنا کردند.»(۲)

۱- یادواره سید عارف حسین الحسینی، مؤسسه شهید الحسینی، نشر شاهد، قم، ۱۳۶۹، ص ۴۰.

۲- ماهنامه حبل اللّه ، شماره ۴۲، سال چهارم، مصاحبه با سید عارف حسین حسینی رهبر شیعیان پاکستان، ص ۱۸ با تصرف.

بعـد از درگذشت «مفتی جعفر حسـین» در سال ۱۳۶۲ (۱۹۸۳ م) شورای عـالی نهضت فقه اجرای جعفریه، «علامه سـید عارف حسین الحسینی» را به رهبری نهضت برگزید. با قرار گرفتن «عارف حسین الحسینی» در مقام رهبری شیعیان در ۲۱ بهمن ۱۳۶۳ (۱۰ فوریه ۱۹۸۴ م)، فصـلی جدیـد از جنبش شـیعیان پاکسـتان آغاز می گردد، زیرا جنبش شـیعیان از همان ابتدا با مشـکلات فراوانی روبه رو بود که از آن جمله می توان به اهمیت نـدادن دولت به خواسـته هـای آنـان، جهل و بی سوادی، فقر اقتصادی، وجود افکار انحرافی که دین از سیاست جداست و جامعه را باید امام زمان عج الله تعالی فرجه الشـریف اصـلاح کند، توطئه و اختلاف اندازی دشمنان تشیع اشاره کرد.

با رهبری «سید عارف حسـین الحسـینی»، در روند نهضت شـیعیان پاکسـتان تغییرات اساسی به وجود آمد و نهضت اجرای فقه جعفری، به یـک جریان سیاسـی پر تحرک تبـدیل شـد. «عارف حسـین الحسـینی» در ابتـدا سـعی نمود با گرد هم آوردن تمام نیروهای فکری و فرهنگی شـیعیان، یکپارچگی آنان را مسـتحکم نماید. همچنین ایشان، مواد جدیدی را در اساسـنامه «نهضـت اجرای فقـه جعفریه» گنجانـد که برای دولت و سـیاست مـداران پاکسـتان خـوش آینـد نبـود. از جمله آن مـوارد، اعلاـم جهـاد مسـلحانه با اسـتکبار جهانی و قیام برای تحقق بخشیدن به انقلاب جهانی اسلام و قیام برای رهایی از استثمار اقتصادی و برپایی یک نظام اقتصادی عادلانه در کشور بود.(۱)

بعد از تصویب منشور جدید، نهضت به طور رسـمی اعلام نمود که در انتخابات آینده به عنوان یک حزب سیاسـی شرکت می کند. وجود یک چنین

۱- یادواره سید عارف حسین الحسینی، پیشین، صص ۵۲ ــ ۵۳ .

رهبر آگـاه و بیـداری در جـامعه پاکسـتان، برای عوامل اسـتکبار قابل تحمل نبود؛ از این رو، در یک اقـدام ناجوان مردانه و در صبحگاه روز جمعه ۱۴ مرداد ۱۳۶۷ (۱۵ اوت ۱۹۸۸ م) ایشان را به شـهادت رساندند. سـران نهضت بعد از چهل روز، «علامه سیـد ساجـد علی نقوی» را به عنوان رهبر جدیـد نهضت برگزیدنـد و هم اکنون نیز ایشان رهبری شـیعیان پاکسـتان را بر عهـده دارد.

نقش مودودی در احیای نهضت اهل سنت پاکستان

نقش مودودی در احیای نهضت اهل سنت پاکستان

«مولانا مودودی»، یکی از شخصیت های متفکر اسـلامی در شبه قاره هند است که در زنده نگه داشتن تفکر اسلامی و نهضت اهل سـنت جامعه پاکستان، سهم عمده ای داشت. فعالیت های اصلاح گرانه او به سال های پیش از استقلال پاکستان و به ویژه سال های ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۱ برمی گردد او در آن زمـان به عنوان یـک شخصـیت علمی، فرهنگی و اسـلامی، در مجـامع فکری و فرهنگی شـبه قاره تأثیرگذار بود و قلم می زد. «مودودی» که داعیه تحول فکری و فرهنگی مسـلمانان شـبه قاره را داشت، بسیار زود طرفدارانی را به سوی خود جلب کرد. سـرانجام «مودودی» برای تبلیغ و ترویج احکام اسلامی، تربیت افراد صالح و مبارزه با خرافات و فساد و بی بندوباری در شبه قاره، «حزب جماعت اسلامی» را در ۲۶ اوت ۱۹۴۱ پایه گذاری کرد.

«جماعت اسلامی» در آغاز، فعالیت های خود را محدود به تبلیغات امور دینی کرده بود و برای همین در نهضت استقلال طلبانه مسـلمانان شبه قاره، سهمی نداشت؛ ولی بعد از سال ۱۹۴۷، «مودودی» به عنوان رهبر «جماعت اسـلامی» از آن پشتیبانی کرد و تلاش های زیادی را برای اصول گرایی و اسلامی کردن پاکستان انجام داد و رابطه نزدیکی با علما و مقامات دینی

برقرار نمود. این در حالی بود که اسلام گرایان دیگر چون «سید قطب» و «حسن النبأ» در مصر و «نواب صفوی» در ایران از سوی علما و مجامع دینی به عنوان افراد افراطی، مورد بی مهری قرار داشتند، ولی «ابوالاعلی مودودی» در پاکستان به خاطر از خودگذشتگی و سخت کوشی هایش مورد احترام بود.(۱) با وجودی که «مودودی»، از ابتدا عالم دین نبود و بیشتر شخصیتی فرهنگی داشته است، ولی در اثر مطالعه در متون اسلامی، بعدها دیدگاه های اسلامی و دینی اش بر مجامع علمی و دینی شبه قاره مسلط گردید.

بعد از «اینکه جماعت اسلامی» در سال ۱۹۵۷ به طور رسمی وارد فعالیت های سیاسی شد، به عنوان قدرتمندترین و منظم ترین حزب سیاسی در پاکستان ظاهر گردید و با حکومت «ضیاء الحق» رابطه نزدیکی داشت. این حزب از حکومت «نواز شریف» در ابتدا پشتیبانی نمود، ولی در اواخر، جزو منتقدان او قرار گرفت و برای سرنگونی حکومت «نواز شریف» و ایجاد انقلاب اسلامی راهپیمایی های زنجیره ای را راه اندازی کرد.(۲)

گروه های بنیادگرای اسلامی در پاکستان

گروه های بنیادگرای اسلامی در پاکستان

رشد بنیادگرایی اسلامی در پاکستان و به وجود آمدن گروه های اسلامی و فرقه ای در این کشور، به ظهور افکار غیر دینی و سکولار در پاکستان و حوادث دهه هفتاد که در مجاورت این کشور اتفاق افتاد بازمی گردد. در اواخر دهه هفتاد، پاکستان از یک سو شاهد پیروزی انقلاب اسلامی در ایران

۱- حمید عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، مترجم: بهاءالدین خرمشاهی، انتشارات خرمی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۸۱.

۲- محمد اکرم عارفی، پاکستان؛ بی ثباتی سیاسی و کودتای نظامی، فصل نامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۷۸، ص ۳۲۵.

بود و از سوی دیگر کمونیست ها در یک کودتای نظامی در ۲۶ آوریل ۱۹۷۸، قدرت را در افغانستان به دست گرفتند. این دو حادثه، بدون تردید در روند بنیادگرایی اسلامی و تشکیل گروه های اسلامی و گاه فرقه گرایی تأثیر زیادی داشت. در این جا به تاریخ این گروه ها و اهداف کلی آنها اشاره می کنیم:

۱ _ جماعت اسلامی: در سال ۱۹۴۱، «ابوالاعلی مودودی» آن را پایه گذاری کرد. این حزب دارای گرایش اخوانی است و هم اکنون رهبری آن را «قاضی حسین احمد» بر عهده دارد. «جماعت اسلامی از لحاظ سیاسی تا حدودی از هواداران اندیشه امام خمینی رحمه الله به شمار می رود و «ابوالاعلی مودودی»، اولین شخصیت مذهبی این کشور بود که از مبارزات امام در زمان شاه حمایت به عمل آورد.»(۱)

۲ _ جمعیت علمای اسلام: این حزب در سال ۱۹۴۶ از «جمعیت علمای هند» منشعب شد و بعد از اعلام استقلال پاکستان، به طور فعال وارد عرصه سیاسی این کشور گردید. رهبری جمعیت علمای اسلام در ابتدا به عهده «مولانا مفتی محمود» که از علمای دیوبندی بود قرار داشت و بعد از انشعاب در سال ۱۹۸۱، به دو دسته تقسیم گردید. هم اکنون یک دسته از جمعیت علمای اسلام را «مولانا فضل الرحمن» رهبری می کند و دسته دیگر را «مولانا سمیع الحق»، رییس مدرسه معروف «دارالعلوم حقانی» پیشاور که هزاران طلبه از کشورهای مختلف در آن مشغول به تحصیل هستند.

جمعیت علمای اسلام، عمده ترین حزب سیاسی و اسلام گرایی پاکستان است که به مکتب دیوبندی وابسته است. این گروه تا میانه دهه ۸۰ تنها

۱- محمد اکرم عارفی، پاکستان؛ بی ثباتی سیاسی و کودتای نظامی، فصل نامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۶ ، پاییز ۱۳۷۸، ص ۲۵.

نماینده سیاسی دیوبندی ها بود، اما از سال ۱۹۸۵ به بعد سپاه صحابه و برخی احزاب تندرو و افراطی دیگر از آن منشعب شد. این حزب در زمان جهاد مردم افغانستان در ستیز با روس ها، رابطه بسیار نزدیک با گروه های پشتون این کشور داشت. پس از پیروزی مجاهدان افغان در بهار ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) و بروز جنگ های ویرانگر داخلی، جمعیت علمای اسلام با همکاری ارتش پاکستان و برخی کشورهای غربی و عربی، جنبش طالبان را که از نظر فکری وابسته به مکتب دیوبندی بود، به وجود آوردند.

۳ ــ سپاه صحابه: این حزب در ۶ سپتامبر ۱۹۸۵ با رهبری «حق نواز جنگوی» که پیش تر عضو جمعیت علمای اسلام بود، در شهر «جنگ» از توابع ولایات پنجاب، بنیان گذاری شد. این گروه از جمله افراطی ترین و فرقه گراترین سازمان های سیاسی ــ مذهبی در پاکستان است. با انقلاب اسلامی ایران رابطه ای ندارد و سعی می کند که از نفوذ ایران در پاکستان جلوگیری کند. با شیعیان خصومت زیادی دارد و تا کنون ده ها نفر را در شهرهای مختلف پاکستان به جرم شیعه بودن و عضویت در «نهضت فقه جعفری» به شهادت رسانده است. این گروه از سوی عربستان کمک مالی می شود و چنانکه از سخنان رهبر کنونی آن «اعظم طارق» برمی آید، خواهان تشکیل حکومت مذهبی سنی در پاکستان است: «در پاکستان با توجه به اکثریت جمعیت باید حکومت سنی به وجود آید، همان طوری که در ایران با توجه به اکثریت شیعه حکومت شیعی رسمیت پیدا کرده است...(۱)»

۴ ــ گروه های افراطی و فرقه گرا: پاکستان در دهه ۹۰ شاهد رشد فزاینده

۱- محمد اکرم عارفی، پاکستان بنیادگرایی اسلامی، علوم سیاسی، سال چهارم، ش ۱۶، زمستان ۱۳۸۰؛ ص ۲۷۳.

اسلام گرایی فرقه ای و افراطی بوده است که بیشتر تحت تأثیر افکار و اندیشه های «عبدالوهاب» است. این گرایش قشری در قالب گروه های؛ «لشکر جنگوی»، «حرکه المجاهدین»، «لشکر طیبه»، «جیش محمد» و «مجاهدین البدر» جلوه نمود، و مسئول بیشتر عملیات تروریستی می باشند که تا کنون در پاکستان انجام گرفته است. محور بیشتر عملیات این گروه ها داخل پاکستان، کشمیر و افغانستان است. گروه جنگوی که در آغاز شاخه نظامی سپاه صحابه بود، در سال ۱۹۹۵ از آن جدا شد. حمله به خانه فرهنگ ایران در مولتان و لاهور توسط همین گروه انجام گرفت و دو تن از رهبران آن به نام «ملک اسحاق» و «ریاض بسرا»، به عنوان طراحان اصلی این اقدام خشونت آمیز و تروریستی شناخته شدند.(۱)

خط فکری و سیاسی جنبش اسلامی پاکستان

خط فکری و سیاسی جنبش اسلامی پاکستان

در پاکستان احزاب و گروه های زیادی وجود دارند که از نظر اندیشه سیاسی و فکری تفاوت های بسیاری باهم دارند. این احزاب به دو دسته کلی تقسیم می شوند:

۱ ــ گروه های غیرمذهبی: این احزاب که عبارتند از؛ حزب مسلم لیگ به رهبری «نواز شریف» و حزب مردم به رهبری خانم «بی نظیر بوتو» خواهان یک حکومت غیرمذهبی در پاکستان است. طرفداران حکومت سکولار همواره سعی کرده اند که از اسلام و شریعت به عنوان یک وسیله استفاده کنند. به همین دلیل، از زمان استقلال تا کنون بر این کشور سلطه دارند و به نام دموکراسی و اسلام، بیشتر مروج فرهنگ غربی و افکار انحرافی بوده اند، تا

۱- محمد اکرم عارفی، پاکستان بنیادگرایی اسلامی، علوم سیاسی، سال چهارم، ش ۱۶، زمستان ۱۳۸۰؛ ص ۲۷۴.

مروج فرهنگ اصیل اسلامی.

۲ ــ گروه های اسلامی: این گروه ها خواهان احیای ارزش های دینی در پاکستان هستند و رهبری آنها بر عهده علما قرار دارد و به چند دسته تقسیم می شوند:

الف ــ احزاب اخوانی: گرایش به اخوان در «جماعت اسلامی» مودودی ظاهر شد. این حزب با هدف بازگشت به اصول اولیه اسلام و ایجاد حکومت اسلامی در پاکستان به وجود آمد و از اندیشه امام خمینی نیز پشتیبانی کرد.

ب ــ احزاب بنیادگرا و رادیکال: این گروه ها که از؛ «جمعیت علمای اسلام»، «جمعیت علمای پاکستان»، «اهل حدیث»، «سپاه صحابه» و... تشکیل گردیده اند، احزاب تندرو و سلفی مسلک هستند و هدف خود را مبارزه با نفوذ فرهنگ غرب و بازگشت به هویت اسلامی و تعبد به ظواهر دینی، مانند برپایی نماز جماعت، گذاشتن ریش بلند و... قرار داده اند.(۱) از زمان روی کار آمدن «ضیاء الحق» در سال ۱۹۷۷، تا کنون این گروه ها در صدها مورد قتل و ترور، دست داشته اند.

ج ــ احزاب اصلاح گرای مذهبی: این احزاب که از اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه الله متأثر هستند، در «نهضت اجرای فقه جعفریه» تجلی پیدا کرده اند. این حزب از قدرتمندترین احزاب سیاسی شیعیان در پاکستان است که در زمان حکومت «ضیاء الحق» و در واکنش به سیاست های تبعیض آمیز و سلطه جویانه مذهبی او به وجود آمد.

۱- پاکستان؛ بی ثباتی سیاسی و کودتای نظامی، ص ۳۲۵.

گروه های همسو و متأثر از انقلاب اسلامی در پاکستان

گروه های همسو و متأثر از انقلاب اسلامی در پاکستان

جریان اسلام گرایی در پاکستان، بیشتر تحت تأثیر جنبش وهابیت در عربستان و جنبش شاه ولی اللّه در هند می باشد. به دلیل وابسته بودن این جنبش ها به گرایش های سلفی و مکتب دیوبندی، با انقلاب اسلامی در ایران که هدف آن تشکیل حکومت اسلامی، نوسازی بنای تفکر انقلابی بر مبنای دین و احیای ارزش های اسلامی در بین مسلمانان بود، رابطه نزدیکی ندارند. از میان جنبش های اهل سنت، تنها حزب «جماعت اسلامی» در زمان رهبری «مودودی»، از هواداران اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه الله به شمار می رفت.

اما پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بیشترین تاثیر را بر شیعیان پاکستان که از قدرت گرفتن حکومت نظامیان و اختلافات داخلی رنج می بردند، داشته است؛ زیرا همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی، شیعیان پاکستان گردهم آیی بزرگی را از علما و رهبران دینی، برای تعیین سرنوشت سیاسی و ملی خود تشکیل دادند و نهادی را به نام «نهضت اجرای فقه جعفری» تأسیس کردند. به باور آنها امام خمینی رحمه اللهتنها مرجع تقلید ملت ایران نبود، بلکه همه امت های در بند و آگاه اسلامی و از جمله ملت پاکستان، ایشان را به رهبری برگزیدند و تلاش خود را برای هماهنگی با انقلاب اسلامی آغاز کردند.(۱)

شهید «عارف حسین الحسینی»، رهبر پیشین نهضت جعفری از افراد وفادار به انقلاب اسلامی و حضرت امام رحمه الله بود. این پیرو راستین و صدیق امام می خواست افکار و اندیشه های انقلابی امام را در پاکستان پیاده کند و با

۱- یادواره سید عارف حسین الحسینی، ص ۴۱.

عشق و علاقه فراوان می گفت: «به فکر من برای قیادت مسلمین و رهبری مسلمین شایسته ترین فرد امروز امید مستضعفان حضرت آیت اللّه امام خمینی ـ روح له الفداء ـ است که ایشان همان دردی را که برای یک شیعه در سینه دارد، همان مقدار درد برای یک سنی دارد. همان دردی که برای مسلمین دارد، همان مقدار برای محرومین و مستضعفان جهان دارد.»(۱)

وضعیت کنونی جنبش اسلامی پاکستان

وضعیت کنونی جنبش اسلامی پاکستان

جنبش اسلامی و گروه های مذهبی پاکستان بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با بحران شدیدی مواجه گردیدند؛ زیرا پایگاه اصلی گروه طالبان و بن لادن که متهم به حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر بودند، در پاکستان قرار داشت و از سوی گروه های مذهبی این کشور حمایت می شد. تصمیم امریکا به حمله نظامی به افغانستان و همکاری «پرویز مشرف» با امریکا، واکنش شدید گروه های مذهبی و فرقه گرای پاکستان را به همراه داشت. در ۲۷ شهریور ۱۳۸۰ حدود چهل گروه اسلامی در اعتراض به حمله امریکا، تظاهرات کردند. برخی از این گروه ها تهدید کردند که در صورت حمله امریکا به افغانستان به فتوای شورای علمای طالبان عمل نموده و اعلام جهاد خواهند کرد.(۲)

با شروع حملات نظامی امریکا و ائتلاف ضد تروریستی به مواضع طالبان و بن لادن در افغانستان، موج تازه ای از اعتراض ها شروع شد. دولت «پرویز مشرف»، «مولوی فضل الرحمن» و «مولانا سمیع الحق»، دو تن از رهبران

۱- ماهنامه حبل اللّه ، سال چهارم، ش ۴۴، اول اسفند ۱۳۶۶ از؛ مصاحبه با سید عارف حسین الحسینی، ص ۱۷.

۲- هفته نامه همبستگی، سال چهارم، ش ۸۲ ، چهارشنبه ۴ میزان مهر ۱۳۸۰، ص ۱۵.

جمعیت علمای اسلام و رهبران برخی دیگر از گروه های اسلامی این کشور را که از حامیان اصلی گروه طالبان به شمار می آمدند، زندانی نمود.(۱) جمعیت علمای اسلام یکی از فعال ترین احزاب مذهبی پاکستان است که تلاش های زیادی را با گسیل داشتن افراد داوطلب به افغانستان، جمع آوری کمک های مالی و ارسال خون برای زخمی های طالبان، انجام داد تا از سرنگونی آن جلوگیری نماید.(۲)

سرنگونی حکومت طالبان در افغانستان و فروپاشی شبکه های تروریستی بن لادن، روند اسلام گرایی در پاکستان را با خطر جدی روبه رو کرد. ژنرال «پرویز مشرف» در یک اقدام بی سابقه با تروریست خواندن گروه های مذهبی این کشور، از راهبرد جدید پاکستان در برابر تروریسم خبر داد. بر اساس سخنان رییس نظامی این کشور، برای مبارزه با تروریسم، فرقه گرایی و خشونت طلبی، پنج گروه، شامل؛ جیش محمد، لشکر طیبه، سپاه صحابه، تنظیم نفاذ شریعت محمدی و تحریک نفاذ فقه جعفری منحل گردید و گروه ششم (جمعیت علمای اسلام) تحت نظارت شدید دولت قرار گرفت.(۳)

هم اکنون وضعیت گروه های اسلامی و به ویژه «نهضت فقه جعفری» چندان مشخص نیست. دولت پاکستان در برابر بنیادگرایی اسلامی سیاست دوگانه ای را در پیش گرفته است. «پرویز مشرف» از یک سوی زیر فشار

۱- هفته نامه همبستگی، سال چهارم، ش ۸۳؛ چهارشنبه ۱۱ میزان مهر، ۱۳۸۰، ص ۲.

۲- هفته نامه همبستگی، سال چهارم، ش ۸۵ ، چهارشنبه ۲ عقرب آبان ۱۳۸۰، ص ۱۱.

۳- هفته نامه همبستگی، سال چهارم، ش ۹۵، چهارشنبه ۲۶ جدی دی ۱۳۸۰ (از؛ برخورد تازه دولت پاکستان با گروه های فرقه گرا، حکیمی)، ص ۴.

امریکاییان از فعالیت این گروه ها جلوگیری می کنـد و از سوی دیگر از گروه های اسـلامی در کشـمیر به عنوان آزادی خواه، پشتیبانی می کند!!

فصل هفتم: جنبش اسلامی تاجیکستان

اشاره

فصل هفتم: جنبش اسلامی تاجیکستان

تاجیکستان یکی از پنج جمهوری آسیای مرکزی و پایتخت آن شهر دوشنبه است. اسلام از همان آغاز، وارد این سرزمین گردید و بخارا به یکی از مراکز مهم اسلامی در سده های اولیه تبدیل شد. مذهب بیشتر مردم تاجیکستان، سنی حنفی است و تعدادی مسلمان شافعی نیز در تاجیکستان زندگی می کنند. گروه کوچکی از مردم این سرزمین که در بدخشان زندگی می کنند، شیعه هستند و جزو پیروان مذهب اسماعیلیه به شمار می آیند که محل زندگی آنها شرق و جنوب شرقی تاجیکستان است. در حال حاضر ۹۰ درصد شیعیان ساکن بدخشان اسماعیلی و ۱۰ درصد شیعه اثنی عشری هستند.(۱)

وضعیت مسلمانان در آسیای مرکزی در آستانه انقلاب اکتبر روسیه، چندان خوشایند نبود و مبارزه میان علمای اسلامی و سوسیالیستی ادامه داشت. بعد از به قدرت رسیدن بلشویک ها در سال ۱۹۱۷ فشار بر روی مسلمانان افزایش یافت و آنها دست به قیام زدند. ارتش سرخ روس با استفاده از واژه «باسماچی» که در زبان ترکی به معنای چپاولگر و راهزن است، تمام مبارزان و جنبش های اسلامی در آسیای مرکزی را به بهانه «باسماچیان» سرکوب و گروه های اسلامی که در تاجیکستان و سایر مناطق

۱- رویا منتظمی، تاجیکستان، چاپ اول، انتشارات وزارت امور خارجه، ایران، ۱۳۷۴، ص ۱۵.

آسـیای مرکزی مقـاومت می نمودنـد، تـار و مـار کرد. از عواملی که بـاعث شـکست قیـام مسـلمانان در سال ۱۹۱۰ در آسـیای مرکزی شـد، می توان حمایت نشـدن از خارج و یا خیانت حامیان خارجی، نبود امکانات مادی و برتری نظامی ارتش سـرخ را نام برد.(۱)

ارتش سـرخ پس از تسـلط بر آسـیای مرکزی، اقدامات جدی را برای از بین بردن آثار اسـلامی شروع کرد و بسیاری از علمای اسـلامی را به سیبری و یا مناطق دیگر تبعید کرد و هزاران کتاب اسلامی و دینی را در آتش سوزاند. کمونیست ها برای از بین بردن آثار اسـلامی در تاجیکستان، در سال ۱۹۲۱ زبان لاتین را جای گزین زبان فارسـی کردند و در سال ۱۹۴۰ الفبای روسی در این کشور رسمیت پیدا کرد.

احیای مجدد اسلام در تاجیکستان

احیای مجدد اسلام در تاجیکستان

کمونیست ها در زمان سـلطه خود بر آسـیای مرکزی و کشورهای اسلامی تلاش کردند تا همه چیز را بر مبنای مارکسیسم بنیاد نهند؛ از این رو هیچ ارزشی برای فرهنگ و دستورهای مذهبی مردم قایل نبودند. بعد از هفتاد سال حکومت سیاه کمونیستی بر مناطق اسلامی، در دهه ۸۰ دوباره اسلام در تاجیکستان و دیگر کشورهای آسیای مرکزی احیا گردید. عواملی که باعث احیای مجدد اسلام و رشد گرایش اسلامی در آسیای مرکزی و تاجیکستان شدند، عبارتند از:

۱ ـ گسترش بنیادگرایی اسـلامی در کشورهای اسـلامی و جهان: قرن بیسـتم میلادی در واقع دوران بازخیزی اسلامی و احیای ارزش های دینی به شمار

۱- شمس الحق نور، اسلام و نهضت اسلامی در تاجیکستان معاصر، دفتر ادبیات اسلامی حوزه هنری، بی جا، ۱۳۷۴، ص ۱۵.

می آید. در این قرن، مسلمانان تلاش برای ایجاد اصلاحات در جوامع اسلامی را به طور جدی و فعال دنبال نمودند. تشکیل نهضت های آزادی بخش جهان و پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، تجربه موفق و خوبی برای مسلمانان شوروی و تاجیکستان بود و این امید را برای آنها زنده کرد که می توانند استقلال سیاسی و اسلامی شان را به دست آورند؛ از این رو، از دهه ۸۰ به این سو، هسته های زیرزمینی مسلمانان در اتحاد شوروی شکل گرفت که توسط دانشجویان مسلمانی که در کشورهای اسلامی درس خوانده بودند، هدایت و رهبری می شد.(۱)

۲ _ تجاوز شوروی به افغانستان و قیام مردم این کشور: در این تجاوز، روس ها از مردم تاجیکستان، به دلیل هم زبانی با مردم افغانستان، استفاده های زیادی در زمینه مشاوره، خبرنگاری و... بردند. ورود مسلمانان تاجیک به افغانستان، دریچه ای شد برای ارتباط مسلمانان تاجیکستان با دنیای خارج. بنابراین قیام مردم مسلمان افغانستان مؤثرترین عامل در احیای مجدد اسلام در آسیای مرکزی است. چنان که دیپلمات های غربی ضمن هشدار به خطر اسلام گرایی در آسیای مرکزی، در این باره می نویسند: «حرکت اسلامی که از شمال افغانستان آغاز و به تاجیکستان رسیده است، در صورت پیروزی در این کشور، به آسیای میانه و حتی به داخل مرزهای روسیه نیز نفوذ خواهد کرد. به گفته این دیپلمات های غربی، خطر حاکمیت اسلام در این سرزمین ها تشویش شدید غربی ها را باعث شده است. اکنون در تاجیکستان دومین نبرد

۱- شمس الحق نور، اسلام و نهضت اسلامی در تاجیکستان معاصر، دفتر ادبیات اسلامی حوزه هنری، بی جا، ۱۳۷۴، ص ۲۹.

اسلام و کمونیستم آغاز شده است و احتمالاً این نبرد نیز همانند نبرد افغانستان به پیروزی و حاکمیت اسلام در تاجیکستان خواهد انجامید...(۱)

۳ _ سیاست «پروستریکا» و «گلاسنوست» گورباچف: روی کار آمدن «میخائیل گورباچف» در سال ۱۹۸۵ به عنوان دبیر کل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی تحولات زیادی به همراه داشت که از آن جمله ایجاد فضای باز سیاسی، آزادی بیان و عقاید بود. مسلمانان این کشور نیز با استفاده از وضعیت موجود، به فعالیت های آشکار اقدام نموده و احزاب اسلامی و سیاسی را سازمان دهی کردند و نسبت به سرنوشت آینده خود حساس شدند؛ زیرا فضای جامعه شوروی قبل از سیاست پروستریکا، فضایی بسته بود و کسی حق نداشت درباره نظام حاکم اظهار نظر نماید و این وضعیت، مردم شوروی را کاملاً بی تفاوت بار آورده بود. گورباچف در کتاب «پروستریکا؛ دومین انقلاب روسیه» در این باره می نویسد:

«ما به نتیجه ای مهم رسیدیم که عامل انسانی را فعال سازیم. یعنی اگر علایق گوناگون انسان ها را مورد توجه قرار ندهیم و اگر به انسان ها متکی نشویم و آنان را فعال نسازیم و به همکاری ترغیب نکنیم، هرگز توفیق نخواهیم یافت حتی یکی از وظایفی را که برای خود تعیین کرده ایم به انجام برسانیم، چه رسد به اینکه اوضاع را در کشور تغییر بدهیم.»(۲)

در پی اعلام این سیاست «گورباچف»، مسلمانان تاجیکستان در اولین اقدام مردمی و برای احیای آثار و فرهنگ اسلامی، به زبان فارسی رسمیت

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، یکشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۷۲.

۲- اسلام و نهضت اسلامی در تاجیکستان معاصر، ص ۲۹.

دادند و مجلس این کشور بعد از ده سال کنار نهادن زبان فارسی؛ در ۲۲ جولای ۱۹۸۹ آن را به عنوان زبان رسمی تاجیکستان تصویب کرد.

اهداف نهضت اسلامی تاجیکستان

اهداف نهضت اسلامی تاجیکستان

مسلمانان آسیای مرکزی در زمان اتحاد شوروی، در وضعیت بسیار بد و ناخوشایندی قرار داشتند. مراکز دینی آنها و از آن جمله اداره قاضیات تاجیکستان که مرکز امور دینی مسلمانان این کشور به شمار می آمد، در اختیار دولت کمونیستی قرار داشت و اسلام مورد پسند دولت و بدون هرگونه حرکت و جنبش را تبلیغ می کرد.

هسته های اولیه نهضت اسلامی تاجیکستان در سال ۱۹۷۴ با هدف اصلاح گری و احیای مجدد اسلام تشکیل شد. این حرکت نوین اسلامی در آغاز محدود به شهر دوشنبه بود و به طور مخفی در زمینه آموزش و پرورش افراد و آگاه کردن مردم کار می کرد. بین سال های ۱۹۸۵ _ ۱۹۸۶ نهضت اسلامی تاجیکستان گسترش پیدا کرد و در بیشتر شهرها، دفاتر خود را فعال ساخت. «سید عبداللّه نوری»، آغاز گر نهضت اسلامی در تاجیکستان، درباره مراحلی که نهضت اسلامی این کشور پشت سر گذاشت، می گوید: «ما از طریق شاگردانی که به آنها اعتماد داشتیم، کوشش کردیم آنها را برای تأسیس این نهضت بسیج کنیم. البته آگاه کردن آنها این طور بود که آنها را تعلیم می دادیم و از احادیث و آیات و دیگر منابع آگاهشان می ساختیم تا جایی که خود آنها می گفتند که ما باید برای اسلام، خودمان مبارزه کنیم.»(۱)

۱- اسلام و نهضت اسلامی در تاجیکستان معاصر، ص ۶۲ .

بعد از سال ۱۹۹۱ که حزب نهضت اسلامی رسمیت پیدا کرد، نهضت تاجیکستان وارد مرحله جدیدی شد. رهبران نهضت اسلامی که برای بهبودی وضعیت مادی و معنوی این کشور، متناسب با نیازهای روز جامعه و جهان فعالیت می کردند، اعلام نمودند: اصلاح بخش های اقتصادی و تجاری، فراهم آوردن زمینه برای رشد استعدادهای سرکوب شده، اصلاح نظام تربیتی و آموزشی، بالا ـ بردن کیفیت مؤسسات آموزشی، آموزش اخلاق و معارف و احکام دینی، بازگشت به زبان فارسی، مبارزه با فرهنگ استعماری و رسیدگی به امور بهداشتی، خانوادگی و حل مشکلات جامعه، از اهداف نهضت اسلامی در تاجیکستان هستند.(۱) «حاج اکبر تورجان زاده»، یکی از رهبران نهضت رهایی بخش اسلامی تاجیکستان، طی پیامی که در سال ۱۳۷۲ در مراسم حج و در مکه معظمه صادر کرد، اهداف نهضت اسلامی این کشور را چنین توضیح می دهد: «امروز فریاد برائت ما از مشرکان و کافران، فریاد از ستم ستمگران و فریاد امتی است که جانشان از تجاوزات تفاله ها و باقی مانده شرق و غرب و نوکران و غلامان آنان به لب رسیده است و خانه و وطن و سرمایه اش به غارت رفته است. به مقدسات و رهبران دینی آنان، مانند «محمدصادق محمد یوسف» رهبر مسلمانان ماوراء النهر توهین می شود و به دست یکی از تفاله های باقی مانده از شرق از کار برکنار می گردد، نمی داند انتخاب و یا عزل رهبر مذهبی بر عهده ماوراءالنهر است، نه اسلام کریم اف که نه از اسلام چیزی می داند و نه از کرامت، فقط لفظی است که به

۱- اسلام و نهضت اسلامی در تاجیکستان معاصر، ص ۸۰ _ ۸۴.

گوش ها می خورد. اکنون نیز انتظار و تصمیم داریم به یاری خداوند متعال، با وحدت و یکپارچگی تمام مسلمین، بت های قرن بیستم را که بر دوش مسلمانان سنگینی می کند معرفی و یکی پس از دیگری شکسته شوند. ما باید با فریاد اللّه اکبر در این ایام، دست هم کیشان خود را بفشاریم و با رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پیمان بندیم که به کمک مسلمانان که زیر ستم و ظلم استکبار قرار دارند بشتابیم و آنها را از ظلم و ستم بیگانگان و ضدخدایان نجات دهیم.»(۱)

گروه های سیاسی ـ اسلامی تاجیکستان

گروه های سیاسی ـ اسلامی تاجیکستان

تاجیکستان در ۹ سپتامبر ۱۹۹۱ توسط «اسلان اف» رییس جمهور وقت این کشور اعلام استقلال کرد، ولی خود وی پس از غیرقانونی اعلام کردن حزب کمونیست، در ۲۳/۹/۱۹۹۱ به وسیله نمایندگان مجلس از قدرت برکنار شد. استقلال تاجیکستان باعث شد که احزاب سیاسی ـ اسلامی و ملی بسیاری در آن اعلان موجودیت کنند. مهم ترین احزاب سیاسی این کشور عبارتند از:

۱ ـ سازمان مردمی رستاخیز: این سازمان، یک جنبش ملی و مردمی است که در ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۹ در پشتیبانی از سیاست پروستریکا به وجود آمد و بنیانگذاران آن شعرا، تحصیلکردگان و فرهیختگان تاجیکستان هستند. این حزب پیرو افکار و باورهای ملی گرایی و در چارچوب اقوام فارسی زبان، فعالیت های خود را آغاز کرد و «بازگشت به فرهنگ اصلی تاجیکستان، بنیاد جامعه آزاد و دموکراتیک، اصلاحات در سیستم آموزش عالی و آموزش و

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ مرداد ۱۳۷۲.

پرورش تاجیکستان، توجه به مسایل حفظ محیط زیست و... را از اهداف اصلی خود نمود.»(۱)

۲ ــ حزب دموکرات تاجیکستان: این حزب از احزاب ملی تاجیکستان است و در ۱۰ اوت ۱۹۹۰ پایه گذاری شد و ریاست آن به عهـده «شادمـان یوسف» است که مـدتی نیز عضو حزب کمونیست بود. سـال هـای ۱۹۹۰ ــ ۱۹۹۲ دوران مبارزات سیاسـی حزب به شـمار می آید و برقراری جامعه مدنی، پشتیبانی از آزادی ها بدون در نظر گرفتن فرهنگ، مذهب و وابسـتگی قومی، برقراری یک نظام مجلسی و مخالفت با حضور ارتش روسیه در خاک تاجیکستان(۲) از اهداف اساسی آن است.

۳ ــ سازمـان لعـل بـدخشان: این حزب در ابتـدا یک سازمان فرهنگی بود و از ماه مه ۱۹۹۲ فعالیت های سیاسـی خود را شروع کرد و بعـد به ائتلاف گروه های مردمی تاجیکسـتان پیوست. اهـداف این حزب عبارتنـد از؛ برقراری حکومت دموکراتیک در تاجیکسـتان، خودمختاری بـدخشان، ایجاد روابط حسـنه با جوامع پامیری افغانسـتان و چین، تقسـیم زمین ها و کارخانه ها میان کشاورزان و کارگران و بهبود سطح زندگی مردم بدخشان.(۳)

۴ ــ اداره قاضـیات: این اداره مرکز امور دینی مسـلمانان تاجیکستان محسوب می گردید و در زمان اتحاد شوروی پایه گذاری شد. این مرکز به علت وابسته بودن به دولت تا سال ۱۹۸۸ در راستای سیاست های حزب

۱- اسلام و نهضت اسلامی در تاجیکستان معاصر، ص ۳۶.
۲- تاجیکستان، ص ۶۳ .
۳- تاجیکستان، صص ۶۵ ــ ۶۶ .

کمونیست مبنی بر خاموش نمودن شعله های اسلام در تاجیکستان قدم برمی داشت. اما در سال ۱۹۸۹ و همزمان با وقوع تحولات جدید در شوروی، «حاج اکبر تورجان زاده»، روحانی جوان و انقلابی تاجیکستان به ریاست این اداره برگزیده شد. او نهایت سعی خود را به کار برد تا تحولات بنیادین در این اداره ایجاد کند. وی در سال ۱۹۹۰ از طریق مجلس تاجیکستان، تلاش های زیادی را برای رسمی کردن دین اسلام انجام داد که متأسفانه از سوی کمونیست ها با مخالفت جدی روبه رو شد.«تورجان زاده» با حزب نهضت اسلامی تاجیکستان رابطه نزدیک داشت و بعد از تحولات ۱۹۹۲ در این کشور، به عنوان قائم مقام نهضت اسلامی برگزیده شد و به عنوان نماینده احزاب مخالف، چندین بار با دولت مذاکره کرد.

۵ ـ حزب نهضت اسلامی: این حزب از عمده ترین احزاب اسلامی تاجیکستان است که برای احیای مجدد اسلام در این کشور فعالیت می کند. حزب نهضت اسلامی در سال ۱۹۹۰ پایه گذاری شد، دولت کمونیستی تاجیکستان واکنش شدیدی در برابر آن از خود نشان داد و بسیاری از رهبران آن را دستگیر و جریمه کرد و فعالیت آن را ممنوع اعلام نمود. در پی این اقدام دولت، طرفداران حزب نهضت اسلامی در اول اکتبر ۱۹۹۱ دست به اعتراض های عمومی در شهر دوشنبه زدند و سرانجام دولت مجبور شد که به این حزب اجازه فعالیت بدهد؛ چون «تظاهرات کنندگان یکی از شرایط خود برای پایان دادن به تظاهرات را به رسمیت شناختن حزب نهضت اسلامی

عنوان کرده بودند و تنها شرطی که دولت به آن عمل کرد، همین بود.»(۱)

در نخستین انجمن حزب نهضت اسلامی که در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۱ برگزار شد، «محمد شریف همت زاده» به عنوان رییس آن برگزیده شد. او در همین جلسه درباره برنامه نهضت اعلام نمود: «از نظر اسلام هر فرد در جامعه دارای حقوقی است و نباید به حقوق دیگران تجاوز کند. حقوق فردی باید به یک حدی محدود شود که آن چارچوب اخلاق اسلامی، وجدان و ایمان است. آنچه خواست حزب نهضت اسلامی است، نشر و گسترش اسلام و دفاع از حقوق سیاسی مسلمانان است. حزب نهضت اسلامی در حال حاضر غیر از این، هدف دیگری در پیش ندارد.»

نقد و ارزیابی جنبش اسلامی تاجیکستان

نقد و ارزیابی جنبش اسلامی تاجیکستان

نهضت اسلامی در تاجیکستان در دهه ۸۰ با انگیزه اصلاحات و گرایش های اسلام گرایانه شکل گرفت و آموزش امور دینی و اسلامی را در رأس برنامه های خود قرار داد. در این دهه که نهضت، پنهانی فعالیت می کرد، مشایخ صوفیه در آگاه کردن مردم و جنبش دینی، نقش اصلی را بازی می کردند. آنها بیشتر تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران و اندیشه های سیاسی امام خمینی رحمه الله قرار داشتند. در سال ۱۹۸۶ تعداد زیادی از رهبران نهضت و از جمله «سید عبداللّه نوری» به اتهام گوش دادن به رادیوهای خارجی، توجه به جمهوری اسلامی و شخص آیت اللّه خمینی رحمه الله، اصلاح طلبی در اسلام و تبلیغات کمونیست ستیز(۲) روانه زندان شدند.

۱- تاجیکستان، ص ۶۳ .

۲- اسلام و نهضت های اسلامی در تاجیکستان معاصر، ص ۶۳ .

متأسفانه نهضت تاجیکستان به دلیل نفوذ مسایل قومی و منطقه ای در سال های ۱۹۹۲ ــ ۱۹۹۳ دچار جنگ های داخلی شد. ارتش روسیه و ازبکستان برای سرکوبی اسلام گرایان وارد تاجیکستان شدند و عده زیادی از مردم مسلمان و رهبران اسلامی این کشور به خاطر فشارهای دولت وارد شمال افغانستان شده و از آنجا به مقاومت ادامه دادند. ارتش روسیه برای سرکوبی مقاومت تاجیک ها، تلاش های زیادی انجام داد. مراکز گردهم آیی و اردوگاه های آنان را در بدخشان افغانستان بمباران کرد و باعث کشته شدن شمار زیادی از آنها شد، ولی نتوانست مقاومت اسلامی را در هم بکوبد؛ از این رو، سرانجام حاضر به گفت وگو شد و با امضای توافق نامه آتش بس بین دولت تاجیکستان و اسلام گرایان در دسامبر ۱۹۹۴(۱)، اولین روزنه، ایجاد صلح و برقراری آرامش در تاجیکستان نمایان گردید.

جایگاه جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی در میان مردم تاجیکستان

جایگاه جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی در میان مردم تاجیکستان

مردم تاجیکستان، ایران را به دلیل وجود اشتراک زبانی، فرهنگی، مذهبی و میراث های فرهنگی و تاریخی، میهن دوم خود می دانند. ایران نیز اولین کشوری بود که بعد از سال ۱۹۹۰ سفارتخانه خود را در تاجیکستان گشود و در جنگ های داخلی این کشور سیاست بی طرفی را در پیش گرفت و تلاش نمود که میان طرف های درگیر صلح برقرار کند.

مردم تاجیکستان از نظر فرهنگی و مذهبی وابستگی های ژرفی با جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی ایران دارند. آداب و سنن مذهبی و

۱- اسلام و نهضت های اسلامی در تاجیکستان معاصر، ص ۱۲۸.

فرهنگی آنان در بیشتر موارد با آداب و سنن مذهبی مردم ایران یکسان است و فرهنگ ایران در تمام جنبه های زندگی فردی، اجتماعی و خصوصیات اخلاقی آنها آشکار است.(۱) روزنامه فارسی زبان «پیوند» که در دوشنبه منتشر می شود، در رابطه با اهمیت وابستگی های مردم تاجیکستان و ایران می نویسد: «تاجیکستان و ایران دارای مشترکات دیرینه تاریخی، فرهنگی و زبانی می باشند. شاید دسته ها و گروه هایی پیدا شوند که این علایق و روابط دیرین را به بهانه این که ایران در مسایل داخلی تاجیکستان مداخله می نماید، مخدوش سازند. آنچه مسلم است و در واقعیت آن هیچ گونه شبهه ای وجود ندارد، این است که ایران در تاجیکستان فقط هدف های فرهنگی را دنبال می کند و این امر کاملاً طبیعی است. زیرا در تاجیکستان در درازای هفتاد و اندی سال، زبان فارسی سیر رشد یابنده نداشته است، مردم از گذشته خویش کنده شده اند. همه این نارسایی ها را می توان با کمک ایران جبران کرد.»(۲)

روابط ایران با تاجیکستان پیش از فروپاشی اتحاد شوروی از راه مسکو صورت می گرفت و بعد از استقلال این کشور، به طور مستقیم با آن رابطه دارد. سفارت تاجیکستان در سفر «امام علی رحمان اف» رییس جمهوری این کشور در ۲۷/۴/۱۳۷۴ به جمهوری اسلامی ایران به طور رسمی در تهران گشوده شد.(۳) هم اکنون بین این دو کشور روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برقرار است. از آن جمله می توان به راه آهن بافق ــ بندر عباس و وصل آن به

۱- تاجیکستان، صص ۱۸ ــ ۱۹.

۲- تاجیکستان، ص ۹۱.

۳- تاجیکستان، ص ۷۸.

راه آهن سراسری ایران اشاره کرد. این خط آهن، کشورهای آسیای میانه را از راه ایران به آب های آزاد متصل می کند و از نظر اقتصادی اهمیت زیادی برای تاجیکستان دارد.

فصل هشتم: جنبش اسلامی تونس (افریقا)

اشاره

فصل هشتم: جنبش اسلامی تونس (افریقا)

تونس از کشورهای شمال افریقاست و به خاطر واقع شدن در کنار دریای مدیترانه، بهترین موقعیت را برای تجارت جهانی دارد. اسلام در قرن اول هجری از راه خاور میانه و مصر به کشورهای شمال افریقا و از جمله تونس راه پیدا کرد.(۱) در حال حاضر بیشتر مردم تونس را مسلمانان تشکیل می دهند و بیشتر آنها مالکی اند. به دلیل حضور چند ساله ترکان عثمانی تعداد محدودی پیروان مذهب حنفی نیز در این کشور وجود دارد و پیروان دیگر مذاهب در اقلیت هستند. سلطه نزدیک به یکصد ساله فرانسه (۱۸۸۱ _ ۱۹۵۶) بر این کشور و فشارهای واتیکان برای مسیحی کردن مسلمانان، اگر چه به علت پر باری فرهنگ اسلامی نتوانست زیاد ثمربخش باشد، ولی بدون تأثیر هم نبوده است و فرهنگ مبتذل غربی، به ویژه در بین جوانان این کشور در حال رشد است.

تاریخچه مبارزات مسلمانان تونس

تاریخچه مبارزات مسلمانان تونس

مردم تونس بعد از پایان گرفتن جنگ جهانی دوم، برای به دست آوردن استقلال این کشور، نبردهای مسلحانه خود را آغاز کردند. سیاست دولت استعماری فرانسه بر اساس سرکوبی مبارزه های مسلمانان این کشور بود. بروز قیام های مردمی و جنبش های آزادی بخش در کشورهای عربی و خاورمیانه به حرکت مردم تونس نیرو بخشید و نبردهای مسلحانه مردم این

۱- سرزمین اسلام، ص ۳۵۶.

کشور، در قـالب جنـگ هـای چریکی، ترور مزدوران فرانسه و حمله به واحـدهای نظـامی اشـغالگر ادامه یافت و مقاومت های مردمی روز به روز گسترش پیدا کرد.

مبارزات آزادی بخش مسـلمانان تونس در سال ۱۹۵۴، همزمان با آغاز جنبش مردم مسـلمان الجزایر، شـدت گرفت و حملات چریکی در ستیز با نیروهای فرانسه افزایش پیـدا کرد. این مقاومت مردم تونس سـرانجام دولت فرانسه را مجبور کرد که در ۲۰ مارس ۱۹۵۶ اسـتقلال این کشور را به رسـمیت بشناسد. بعد از اعلام استقلال، حزب دستوری سوسیالیست در انتخابات آوریل ۱۹۵۶ پیروز شد و «حبیب بورقیبه» به قدرت رسید.(۱)

«حبیب بورقیبه» از همان آغاز، سیاست های اسلام ستیزی را در پیش گرفت و پوشیدن چادر برای زنان را ممنوع اعلام کرد(۲) و تبلیغات دامنه داری را علیه مسـلمانان و گروه های اسـلامی شروع کرد. با روی کار آمدن «بورقیبه» مبارزات مسلمانان تونس وارد مرحله ای جدیـد شـد و سـیاست هـای دولت و نظـام غیرمـذهبی «بورقیبه» از سوی اسـلام گرایـان مورد انتقاد شدیـد واقع گردیـد. حـذف برخی سـیاست هـای غیرمـذهبی نتـوانست از جنبش رو به افزایش مردمی جلـوگیری کنـد، از این رو اعـتراض عمومی در سراسر کشور شروع شد.

جنبش گرایش اسـلامی به عنوان اولین حزب سیاسـی اسلامی در دهه هفتاد میلادی فعالیت خود را آغاز کرد. «راشد الغنوشی» در سال ۱۹۷۹ به عنوان اولین رهبر جنبش گرایش اسلامی شناخته شد. این حزب با هدف

۱- شاکر کسرایی، نهضت های اسلامی شمال افریقا، جمهوری اسلامی، شنبه ۱/۸/۱۳۷۲، ص ۱۲.

۲- شاکر کسرایی، نهضت های اسلامی شمال افریقا، جمهوری اسلامی، شنبه ۱/۸/۱۳۷۲، ص ۱۲.

مبارزه با وابستگی دولت «بورقیبه» به غرب و اصلاح مفاسد اجتماعی تشکیل شد و در اساس نامه آن آمده بود: «تونس باید نقش خود را به عنوان بزرگ ترین میهن تمدن اسلامی در افریقا ایفا کند و به وابستگی، فساد و انحرافات پایان بخشد.»(۱)

«بورقیبه» فشارهای زیادی بر اسلام گرایان وارد کرد ولی نتوانست از سرعت روند اسلام گرایی در این کشور بکاهد، بلکه موج اسلام گرایی روز به روز در حال خیزش بود. ناتوانی «بورقیبه» در سرکوبی جنبش اسلامی و خطری که غرب از این نظر احساس می کرد، سبب شد تا «امریکا و غرب از بیم تکرار انقلاب اسلامی ایران در تونس، درصدد جلوگیری از قیام مردم علیه رژیم «بورقیبه» برآیند. قیام های متعدد مردمی علیه «بورقیبه» رژیم وی را به شدت تضعیف کرده بود. سرکوب جنبش اسلامی در این کشور توسط «بورقیبه» نتوانست مانع رشد این جنبش گردد و این جنبش هر روز قدرت و نیروی تازه ای می یافت. امریکا و غرب برکناری «بورقیبه» و روی کار آمدن یک مهره خود را تنها راه مهار جنبش اسلامی و جلوگیری از قیام مردمی تشخیص دادند و «زین العابدین بن علی» را بهترین مهره برای این کار دانستند»(۲)، از این رو کودتایی را علیه «بورقیبه» طراحی کردند و «بن علی» در یک کودتای نظامی در ۷ نوامبر ۱۹۸۷ به قدرت رسید.

در اوایل ریاست جمهوری «زین العابدین بن علی»، تونس از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹ دوران کوتاهی را، هر چند به صورت ظاهری، در یک فضای باز

۱- شاکر کسرایی، نهضت های اسلامی شمال افریقا، جمهوری اسلامی، شنبه ۱/۸/۱۳۷۲، ص ۱۲.

۲- نهضت های اسلامی شمال افریقا، جمهوری اسلامی، پنجشنبه ۶/۸/۱۳۷۲، ص ۱۲.

سیاسی پشت سر گذاشت. در این دوران، احزاب فعالیت های سیاسی خود را آغاز کردند و انتشار مطبوعات، آزاد شد. پس از انتخابات ۱۹۸۹ یـک بـار دیگر اختنـاق و خفقـان زمـان «بورقیبه» برگشت و دولت، مخالفـان و گروه های اسـلامی را زیر فشار شدید قرار داد؛ محاکمه های سیاسـی آغاز گردید و بسـیاری از طرفداران احزاب اسلامی شکنجه و یا زندانی شدند. «بن علی» در مجلس تونس بـا اعلام اینکه هیـچ گروه دینی در این کشور حق فعالیت نـدارد، گفت: «اسـلام دین همه است و نمی تواند موضع اختلاف و مبارزه قرار گیرد و نمی توان با تمسک به آن به قدرت دست پیدا نمود. دولت، تنها مدافع اسلام است.»(۱)

حزب گرایش اسـلامی در سال ۱۹۹۰ به جنبش «النهضه» تغییر نام یافت و «راشـد الغنوشـی» در این چارچوب، جنبش اسـلام را بازسازی کرد. جنبش النهضه، بزرگ ترین گروه اسـلام گرا در تونس است و در میان مردم طرفـداران زیادی دارد؛ از این رو، رژیم «بن علی» نسبت به آن حساس است.

در سال ۱۹۹۱ دولت بـا اسـلام گرایان و هواداران حزب النهضه رو در روی هم قرار گرفتنـد و دولت در یک اقـدام بی سابقه، فعـالیت حزب النهضه را متوقف کرد و اعضـای آن را دسـتگیر و عـده ای را به شـهادت رساند(۲) و عـده ای دیگر را به اتهـام دسـیسه برای قتـل «بن علی» رییس جمهور بـا پشتیبـانی ایران و سودان، در دادگـاه نظـامی محـاکمه کرد و رهبر حزب النهضه، «راشد الغنوشی»

۱- ذوالفقار امیر شاهی، تونس، چاپ دوم، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۴، ص ۸۵ .

۲- سرزمین اسلام، ص ۳۵۸.

را به لنـدن تبعیـد کرد.(۱) بـا وجـودی که جنبش اسـلامی در تـونس مورد حمـایت مردم است، ولی رژیم حـاکم، گروه هـای اسـلامی و در رأس همه حزب نهضت اسـلامی را، گروه تروریستی می دانـد و اجازه فعالیت به آن نمی دهـد. اگر چه تا کنون تظـاهرات و مخالفت های زیادی با افکار دین ستیز و لائیکی رژیم و حمایت از جنبش اسـلامی در تونس انجام گرفته، اما هیچ یک در سیاست فشار و سرکوب رژیم تأثیر نگذاشـته است. زیرا دولت درصـدد ریشه کن نمودن قیام های آزادی خواهی در این کشور است و در راسـتای همین سیاست، اعضـای گروه النهضه، نه تنهـا در تونس دسـتگیر و زنـدانی شدنـد، بلکه اعضا و هواداران آن در خارج از کشور نیز مورد تعقیب قرار گرفتنـد. با وجود این همه فشار، «اعضا و رهبران جنبش النهضه که هدفی جز اجرای احکام اسـلامی و برقراری حکومت اسلامی ندارند»(۲)، به مبارزات رهایی بخش خود ادامه می دهنـد و امیـدوارند که به پشتوانه مردم، رژیم غیرمذهبی این کشور را سرنگون و حکومت اسلامی را برپا نمایند.

ماهیت جنبش اسلامی تونس

ماهیت جنبش اسلامی تونس

جنبش اسـلامی در تـونس که نیم قرن است در این کشـور ادامه دارد و مسـلمانان این کشور برای احیـای هویت اسـلامی خود مبارزه می کنند، از نظر فکری و ماهیتی در دو مرحله قابل بررسی و ارزیابی است:

مرحله نخست که از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۶ را شامل می شود؛ جنبش رهایی بخش مردم این کشور، ماهیت اسـتعمارستیز داشت و مهم ترین دستاورد

۱- جنبش های اسلامی در جهان عرب، ص ۳۶۷.

۲- نهضت های اسلامی شمال افریقا، جمهوری اسلامی، یکشنبه ۱۶/۸/۱۳۷۲، ص ۱۲.

جنبش اسـلامی در این دوره، اسـتقلال تونس و برقراری نظام جمهوری در این کشور بود، زیرا احزاب و گروه های اسـلامی و سیاسـی، بـا انگیزه مبـارزه بـا سـیاست های اسـتعماری فرانسه و رویارویی با مسـیحی کردن مسـلمانان به وسـیله مبلغان تبشـیری مسیحی به وجود آمدند. آنچه که در آغاز برای آنها مهم بود، آزادی سرزمین تونس از سلطه فرانسه و برکناری نظام پادشاهی در این کشـور بود. در این مرحله که جنبش اسـلامی تونس در آغـاز راه قرار داشت و هنوز تجربه هـای کـافی و لاـزم را برای مبارزه به دست نیاورده بود، دشـمن سـعی نمود که با نفوذ در صـفوف مبارزان، آنان را از هدف اصـلی شان منحرف نماید. به همین دلیل، برخی از گروه های اسـلامی از هدف اولیه خود دست برداشـته و در راستای منافع غرب و اجرای برنامه های سلطه گرایانه آنها پیشـگام شدنـد. از آن جمله می توان از حزب «دسـتوری» نام برد که در سال ۱۹۲۰ توسط مرحوم «شیخ عبدالعزیز النعالبی»، ــ آزادی خواه و اصـلاح طلب تونسـی در آغاز قرن بیسـتم ــ برای مبارزه با اسـتعمار فرانسه پایه گذاری شد.(۱) این حزب در مسـیر مبارزه، به علت نفوذ فرهنگ غرب و افراد وابسـته به دشـمن، مانند «حبیب بورقیبه» در آن، از اهداف اولیه خود دور شـد. هم اکنون حزب دسـتوری در تونس حکومت می کند، و رهبران آن کاملاً از اسـلام فاصـله گرفته و با جریان اسـلام گرایی و طرفداران جنبش اسلامی در این کشور به شدت مبارزه می کنند.

۱- سرزمین اسلام، ص ۳۵۷.

مرحله دوم جنبش اسلامی تونس که از زمان استقلال این کشور در ۱۹۵۶ آغاز شد و همچنان ادامه دارد؛ در ماهیت و آرمان جنبش اسلامی در این مرحله تغییرات اساسی و بنیادین به وجود آمده است. دگرگونی های واقعی در اهداف جنبش های اسلامی و آزادی بخش جهان بیشتر در دهه هفتاد، تحت تأثیر انقلاب اسلامی در ایران به وجود آمد و اصلاح طلبی، ایجاد حکومت اسلامی و ملت واحد اسلامی به عنوان اصلی ترین آرمان و خواسته مبارزان و جنبش های اسلامی قرار گرفت.

«جبهه اسلامی» تونس که در سال ۱۹۹۰ از حزب نهضت اسلامی منشعب شد، در اولین بیانیه خود اعلام کرد: «این گروه دارای سازمان دهی مستقل که دعوت به اعتلای کلمه «اللّه » می کند، می باشد. این گروه به اعتقادات اهل سنت و جماعت و سلف صالح ایمان دارد و اسلام را به عنوان یک دین جهان شمول می داند و برای هیچ مذهبی تعصب ندارد. راه این گروه، راه جهاد است و بر اساس قرآن و سنت عمل می کند. هدف از تشکیل این گروه زنده کردن اعتقادات اسلامی و پایان دادن به حکومت جاهلیت و برقراری حکومت، به عنوان اولین گام در راه احیای خلافت اسلامی و پایان دادن به حالت استضعاف مسلمانان می باشد.»(۱)

رهبران حزب نهضت اسلامی نیز مانند «راشد الغنوشی» و «عبدالفتاح مورو»، از همان ابتدا در دهه هفتاد کار خود را به عنوان اصلاح طلبان اجتماعی شروع کردند و خواستار بازگشت به سنت های اسلامی، اسلامی کردن نظام آموزشی کشور، اصلاح قوانین و شیوه های زندگی مردم، برای

۱- نهضت اسلامی شمال افریقا، جمهوری اسلامی، پنجشنبه ۶/۸/۱۳۷۲، ص ۱۲.

تطابق با شریعت اسلامی بودند.(۱) «راشـد الغنوشـی در جریان محاکمه های خود در زمان «بن علی»، با اعلام شـرکت در یک انتخابات آزاد، حرکت خود را دعوت برای صلح، برادری، دموکراسی و آزادی دانست.(۲)»

در این مرحله رهبران جنبش اسـلامی تونس که خواسـتار تشکیل حکومت اسلامی و یا مشارکت در حکومت بودند، به ترویج فرهنگ غربی در کشور و لائیک بودن حکومت نیز اعتراض داشتند.(۳)

این امر، مورد قبول مقامات تونسـی و نخبگان فرانسه گرای تونس نبود، بلکه خطری بزرگ، برای آنها به شمار می آمد. بر این اسـاس، دولت سـعی کرد که حزب نهضت اسـلامی و سایر حرکت های اسـلامی در این کشور را از راه ایجاد تفرقه بین آنها و اعمال فشار بر رهبران و هواداران آنان، ریشه کن نماید.

جنبش اسلامی تونس و انقلاب اسلامی ایران

جنبش اسلامی تونس و انقلاب اسلامی ایران

بـدون تردید، پیروزی انقلاب اسـلامی در ایران بر تمام جنبش های اسـلامی و حرکت های رهایی بخش و از آن جمله جنبش اسلامی مردم تونس، تأثیر فکری و معنوی زیادی داشت. حزب نهضت اسلامی (النهضه) به رهبری «راشد الغنوشی» که یکی از احزاب قدرتمنـد و مردمی در تونس است، بـا انقلاـب اسـلامی رابطه نزدیـک دارد. این گروه از طرفـداران انقلاـب اسـلامی و اندیشه های سیاسـی امام خمینی رحمه الله به شمار می آیند. که برای برقراری حکومت اسلامی در این کشور مبارزه می کنند. به خاطر این پیونـد، رژیم حاکم در سال ۱۹۸۷ «الغنوشـی» را به همراه تعداد دیگری از رهبران جنبش اسـلامی تونس، به اتهام توطئه برای سرنگونی دولت حاکم بر این کشور با

۱- جنبش های اسلامی در جهان عرب، ص ۳۶۸.

۲- جنبش های اسلامی در جهان عرب، ص ۳۶۶.

۳- تونس، ص ۲۳.

حمایت جمهوری اسلامی ایران، متهم کرد.(۱)

به این نکته باید اشاره کرد که تمام گرایش های اصیل اسلامی، به ویژه در سال های اخیر که تمامی کشورهای اسلامی را در برگرفته است، متأثر از انقلاب اسلامی است و این روند در جنبش اسلامی و جریان های اجتماعی و سیاسی تونس، بسیار محسوس تر است.

روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱/۴/۱۳۵۹ از بازتاب انقلاب اسلامی در میان مردم مسلمان تونس چنین می نویسد: «کمترین تأثیر انقلاب اسلامی ایران، در تونس این است که عده زیادی را به این فکر واداشته که می توان مذهب را، از حاشیه به متن آورد، می شود کمبودها، تبعیض ها، استعمار شدن ها، استثمار و استکبار کشیدگی ها را از میان برد، آن هم با روش جدید و الگویی نو، و راهی که در نهایت به دروازه های واشنگتن و مسکو ختم نمی شود.»(۲) به این ترتیب بین انقلاب اسلامی و جنبش اسلامی تونس وابستگی و ارتباط ژرفی وجود دارد.

۱- جنبش های اسلامی در جهان عرب، ص ۳۶۶.
۲- حبیب اللّه طاهری، پیشین، ص ۲۵۶.

فصل نهم: جنبش اسلامی داغستان

اشاره

فصل نهم: جنبش اسلامی داغستان

داغستان، از سرزمین های تاریخی مسلمانان است که در کنار ساحل خزر و نواحی شرقی قفقاز شمالی قرار دارد و مرکز حکومت آن «مخاچ قلعه» است. در داغستان اقوام و قبایل مختلف و بیش از سی ملیت(۱) زندگی می کنند. به جز زبان عربی (که زبان قرآن به شمار می آید)، زبان های محلی بسیاری مانند؛ ترکی، آذری، آوار، دارگین و... در آن رواج دارد. ۸۸ درصد ساکنان داغستان مسلمان سنی و ۴ درصد مسلمان شیعه هستند.

اسلام، در قرن اول هجری پس از پیروزی اعراب مسلمان به ماورای قفقاز رسید و وارد سرزمین داغستان شد و به تدریج گسترش یافت و داغستان به یکی از مراکز مهم اسلامی تبدیل شد. «از نظر تاریخی، «امام ابوحنیفه» نیز ریشه آسیای میانه ای دارد و بیشتر سران و بزرگان مذهب حنفی نیز از همین نواحی برخاسته اند. بعد از حنفی ها نوبت شافعیه می رسد که بیشتر در مناطق قفقاز در جمهوری داغستان و شاشانیا و... به سر می برند.»(۲)

یک پژوهشگر روسی در رابطه با جایگاه داغستان در تاریخ اسلام می نویسد: در اوایل قرن بیستم میلادی، این سرزمین از مراکز مهم اسلامی به

۱- محمدرضا حکیمی، بیدارگران اقالیم قبله، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۲، ص ۱۴۰.

۲- فهمی هویدی، افغانستان سقف جهان، مترجم: سرور دانش، ناشر مترجم، قم، ۱۳۶۴، ص ۲۳۰.

شمار می رفت و مدرسه های دینی و مراکز علمی شمال قفقاز در سراسر جهان اسلامی شهرت فراوان داشت.(۱)

تاریخچه جنبش اسلامی داغستان

تاریخچه جنبش اسلامی داغستان

داغستان در قرن هجدهم میلادی تنها منطقه مسلمان نشین جهان بود که مذهب تصوف و عرفان با زندگی مردم آمیخته شده بود. مسلک اصلی در قفقاز و داغستان، نقشبندی و قادری است. نهضت تصوف در این کشور به وسیله علمای نقشبندی در اواخر قرن هجدهم آغاز گردید. شیخ «منصور اُشورمه ای»، از پایه گذاران نهضت اسلامی در این دوره است. او که در بخارا تحصیل می کرد به طریقه صوفیانه نقشبندیه گروید و با استفاده از آموزه های آن، مردم داغستان را در برابر روس های متجاوز شوراند و در قفقاز نبرد سختی کرد و زیان های فراوانی برای روس ها به بار آورد.

در مبارزات قرن ۱۸ و ۱۹ مسلمانان داغستان، آموزه های نقشبندی نقش اصلی را بازی می کرد؛ زیرا نقشبندی که توسط «شیخ منصور اشورمه ای»، «غازی ملاّ محمد»، «شیخ شامل»، «حمزه بیگ» و... رواج یافت، به دلیل تأکید ویژه آن بر جهاد و رویارویی با چیرگی کفار و همبستگی مسلمانان، به سرعت در میان اقوام مسلمان شمال قفقاز ریشه دواند و موجب همبستگی و وحدت اقوام گوناگون داغستان در برابر روس ها و اشغالگران شد.(۲) ارتش روسیه تلاش زیادی را برای سرکوبی نهضت مسلمانان داغستان انجام داد،

۱- غلامرضا گلی زواره، داغستان سرزمین قبایل قبله، پاسدار اسلام، سال سیزدهم، ش ۱۴۵، دی ماه ۱۳۷۲، ص ۴۵.

۲- رهبران نهضت اسلامی داغستان، فصل نامه پانزده خرداد، سال پنجم، ش ۲۲، تابستان ۱۳۷۵، ص ۸.

ولی نتوانست قیام های مردمی را به کلی نابود کند و بیش از صد سال نهضت استعمارستیز ادامه یافت.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بلشویک ها علیه حکومت تزاری روس، جنگ های داخلی را در سراسر شوروی به همراه آورد. تا اواخر سال ۱۹۱۷ بلشویک ها و «انقلابیون اجتماعی» قدرت را در داغستان به دست گرفتند. «در سپتامبر ۱۹۱۸ ارتش سفید، حکومت آنها را واژگون کرد و دوباره تزارها، داغستان را به زیر سلطه خود در آوردند. «در این زمان «امام نجم الدین» و «اوزن حاجی» مشایخ فرقه نقشبندی کوشیدند تا امامت را در مناطق کوهستانی احیا کنند»(۱) دیری نپایید که دوباره داغستان در دسامبر ۱۹۲۰ به اشغال ارتش سرخ درآمد. رهبران مسلمانان قفقاز شمالی در برابر بلشویک ها نیز موضع گرفتند و همه مسلمانان را برای مبارزه با کمونیست ها، به زیر پرچم «لا اله الا اللّه » فرا خواندند. این نهضت به اندازه ای ژرف و فراگیر بود که «استالین» برای فریب اذهان عمومی و جلوگیری از گسترش نهضت اسلامی در این کشور، وارد داغستان شد و در کنگره مردم داغستان اعلام نمود که خودمختاری این سرزمین را به رسمیت می شناسد.(۲) به این ترتیب داغستان به عنوان یکی از جمهوری های خودمختار شوروی سوسیالیستی در ۲۱ ژانویه ۱۹۲۱ اعلام موجودیت کرد ولی چند ماه بعد، قیام های «امام نجم الدین» و «شیخ اوزن» نیز سرکوب(۳) و سلطه کمونیست ها بر داغستان اسلامی و شمال قفقاز سایه

۱- شیرین آکنیر، اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه: محمد حسین آریا، انتشارات علمی و فرهنگی، بی جا، ۱۳۷۶، ص ۱۵۶.

۲- داغستان سرزمین قبایل قبله، ص ۴۵.

۳- اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ص ۱۵۷.

افکند.

داغستان اگر چه در سال ۱۹۲۱ جزو جمهوری های خودمختار شوروی شد، ولی اسلام بعد از هفتاد سال سرکوب، هنوز هم در این کشور محبوبیت فراوان دارد و در این سرزمین، مسلمانان وفادار به عقاید و فرامین اسلامی بسیار پیدا می شوند. مسلمانان داغستان با وجود گرفتاری ها و پرداخت هزینه های سنگین، اسلام را برای خود نگه داشته و به نشر معارف و ادامه آموختن علوم اسلامی همت می گمارند. البته دوران کمونیست ها و ۷۰ سال حکومت آنها بر داغستان بدون تأثیر هم نبوده است؛ در اثر مبارزه بلشویک ها با اسلام، هزاران شهروند داغستانی از دین اسلام و مسایل اخلاقی و معنوی آن دور شده و بسیاری از آنها از دین اسلام محروم گشتند. در سال ۱۹۸۸ در سراسر داغستان ۲۷ مسجد وجود داشت؛ هر چند آنهایی که زبان عربی و علوم اسلامی را فرا می گرفتند از «چند ده نفر» تجاوز نمی کرد، این در حالی بود که در اوایل قرن بیستم، ۸۰۰ مسجد در داغستان وجود داشت و هزاران داغستانی در ده ها مدرسه علمیه و صدها مکتب، سرگرم یادگیری علوم اسلامی و زبان عربی بودند.(۱)

در راستای سیاست «پروستریکا»ی «گورباچف»، مسلمانان داغستان در اواخر سال ۱۹۸۸ و اوایل سال ۱۹۸۹ از آزادی که از بالا بخشیده شده بود، بهره مند شدند. مسلمانان داغستان در اولین اقدام، مساجد مصادره شده خود را پس گرفتند که تعداد آنها در سال ۱۹۹۰ دویست باب و تا اواخر سال

۱- دنگا خالدوف، اسلام و سیاست در داغستان، روزنامه ابرار، ۲۶/۷/۱۳۷۲، ص ۸.

۱۹۹۱ به ۶۰۰ باب رسید.(۱) رهبران حزب کمونیست از تـاب و تلاش مسـلمانان برای باز پس گیری مساجـد مصادره شـده و احیـای دوبـاره اسـلام در داغسـتان، به این نتیجه رسـیده بودنـد که از یـک سو آنها در مبارزه با دین و به ویژه اسـلام شکسـت خورده انـد، از سوی دیگر، دخـالت رهبران اسـلامی در سـیاست به هیـچ وجه برای آنهـا قابل تحمل نبود. به همین دلیل حزب کمونیست بـدون اینکه آشـکارا برای مسـلمانان مزاحمت ایجـاد کنـد، به صورت نامرئی سـعی کرد تا در میان جنبش اسـلامی داغسـتان تفرقه به وجود بیاورد. این سیاست کمونیست ها تا حدودی توانست اثرات ویرانگر خودش را بر جای بگذارد و اولین شکـاف را در اداره هـای روحـانی شـمال قفقاز به وجود آورد. در پی آن، اختلافات شدیـد بین جریان های سیاسـی مسـلمانان داغسـتان در چگـونگی برداشت از اسـلام و گرایش هـای قـومی آشـکار گردیـد. هم اکنون چنـد گروه سیاسـی ـ اسـلامی با گرایش های متفاوت محافظه کارانه و بنیادگرایانه در جمهوری خودمختار داغستان فعالیت می کنند:

۱ ـ حزب رستاخیز اسلامی (نهضت): این گروه، از احزاب بنیادگرای اسلامی در داغستان است و با حزب کمونیست به شدت مخالفت می کند. این حزب به نسبت اصلاحات اجتماعی و سیاسی موضع رادیکالی دارد و در سال های ۱۹۸۹ ـ ۱۹۹۱ از راه برگزاری نشست های ضد کمونیستی و اعتراضات عمومی، در سیاسـی کردن مسـلمانان داغسـتان نقش فعالی را ایفا کرد. این حزب با سنت گرایان و شیوخ صوفی مسلک شمال قفقاز رابطه

۱- دنگا خالدوف، اسلام و سیاست در داغستان، روزنامه ابرار، ۲۶/۷/۱۳۷۲، ص ۸.

خوبی ندارد.(۱)

۲ _ سازمان اسلامی (جماعت المسلمین): این گروه نیز تفکر رادیکالیسم دارد و رابطه خوبی با حزب رستاخیز اسلامی دارد. سازمان اسلامی در اوایل سال ۱۹۹۲ توسط قاضی نواحی دارگین «حسب اللّه حسب اللّه اف» تشکیل شد. «حسب اللّه اف» در نظر افکار عمومی محبوبیت فراوان دارد و از تحرک سیاسی زیادی نیز برخوردار است و یک بار به جرم فعالیت های سیاسی محاکمه و زندانی شد.

۳ _ حزب دموکرات اسلامی: بزرگ ترین جنبش اسلامی داغستان است که در اکتبر ۱۹۹۰ «عبدالرحمن سعیدوف» آن را پایه گذاری کرد. حزب دموکرات اسلامی از احزاب میانه رو است و اعضای آن را سنت گرایان تشکیل می دهند. در رفتارهای اجتماعی، نسبت به حل و فصل مسایل عمومی مسلمانان مانند آموزش های دینی، مذهبی و مراسم عبادی _ سیاسی حج توجه ویژه دارد، اما فعالیت آن در زمینه مسایل سیاسی ضعیف است. پیروان سنتی طریقه نقشبندیه در این حزب و تا اندازه ای در جماعت المسلمین گرد هم آمده اند.(۲)

ماهیت نهضت اسلامی داغستان

ماهیت نهضت اسلامی داغستان

نهضت اسلامی داغستان از قرن هجدهم تا اوایل قرن بیستم ماهیت استعمارستیز داشت و عمیقا تحت تأثیر مذهب تصوف و آموزه های مشایخ نقشبندی بود. اما جنبش اسلامی که هم اکنون در این کشور جریان دارد، مانند جنبش های اسلامی در آسیای میانه و قفقاز، ماهیتی کاملاً تجزیه طلبانه و

۱- دنگا خالدوف، اسلام و سیاست در داغستان، روزنامه ابرار، ۲۶/۷/۱۳۷۲، ص ۸.

۲- داغستان؛ سرزمین قبایل قبله، ص ۴۵.

اصلاح گرایی دارد. عامل اساسی در شروع این جنبش ها که از دهه هشتاد به این سو در کشورهای مسلمان نشین شوروی سابق جریان دارد؛ احیای دوباره اسلام، بیداری مسلمانان و نفوذ اندیشه اصول گرایی اسلامی است. امروز در بین مسلمانان و جنبش اسلامی داغستان دو ایدئولوژی سیاسی وجود دارد: بنیادگرایی، سنت گرایی.

بنیادگرایان که از روشن فکران داغستانی تشکیل شده است، در حزب رستاخیز اسلامی نمود پیدا کرده اند. اینها خواهان تغییرات اساسی در جامعه می باشند و از یک نظام «جمهوری اسلامی» در داغستان حمایت می کنند.(۱) از نظر فکری و عقیدتی بر این باورند که با گذشت زمان، دگرگونی ها و تغییرات زیادی در جوامع اسلامی به وجود آمده است. در بسیاری از کشورهای مسلمان، آن گونه که می بایست، ماهیت واقعی اسلام تحقق پیدا نکرده و امروزه در اثر ظهور جنبش های اصول گرایی و بیداری ملت ها، این امکان فراهم شده است، تا اصول اولیه اسلام را که در قرآن و احادیث آمده است، احیا کرد.(۲)

سنت گرایان از نظر سازمانی در حزب دموکرات اسلامی و تا حدودی در گروه «جماعت المسلمین» تشکل یافته اند. این جریان از سوی علمای صوفی مسلک حمایت می شود. در تاریخ داغستان، طریقت تصوف و سنت خودسازی معنوی در راه رسیدن به کمال معرفت، سابقه دیرینه دارد. سنت گرایان بر این باورند: «یک مسلمان معمولی نمی تواند به طور مستقل به

۱- دنگا خالدوف، اسلام و سیاست در داغستان، ابرار، شنبه ۱/۸/۱۳۷۲.

۲- دنگا خالدوف، اسلام و سیاست در داغستان، ابرار، دوشنبه ۲۶/۶/۱۳۷۲.

کمال برسد، او به مرشد نیاز دارد که به مرید در امر پیروی از حقایق والای اسلام کمک کند.»(۱)

در شرایط کنونی این دو طرز فکر در بین گروه های اسلامی داغستان وجود دارد و مانع اساسی بر سر راه همبستگی مسلمانان در این کشور به شمار می رود. دشمنان اسلام نیز سعی دارند که با عمیق نمودن مسایل اختلاف برانگیز و بهره گیری از باورهای وهابیت، مسلمانان را رو در روی هم قرار دهند. در عین حال رهبران مسلمانان داغستان امیدوارند که بتوانند با استفاده از آموزه ها و دستورهای اسلامی بر مشکلات داخلی خود چیره شده و در آینده جامعه ای اسلامی به دور از تمام زشتی ها و مفاسد اخلاقی داشته باشند.

رهبران نهضت اسلامی داغستان

رهبران نهضت اسلامی داغستان

داغستان از سرزمین هایی است که مردم آن در یک دوره طولانی، سال ها در برابر دشمنان اسلام، به ویژه روس های استعمارگر مبارزه کردند. به خاطر این مبارزات و فداکاری هاست که نام این سرزمین در تاریخ اسلامی می درخشد و هم اکنون نیز نهضت نوپای اسلامی در حال پیشرفت است. علمایی که در این نهضت تاریخی ـ اسلامی نقش رهبری را به عهده داشتند و در میان مردم داغستان طرفداران زیادی دارند، عبارتند از:

۱ ـ شیخ منصور اُشورمه ای: وی در چچن متولد شد و آموزه های نقشبندیه را در بخارا فرا گرفت. وی بعد از بازگشت به قفقاز مبارزات خود را با روس ها آغاز کرد. او در جنگ ۱۷۸۷ روسیه و دولت عثمانی، از ترکان

۱- دنگا خالدوف، اسلام و سیاست در داغستان، ابرار، دوشنبه ۲۶/۶/۱۳۷۲.

عثمانی پشتیبانی کرد و در قلعه «آناپا» که از استحکامات مهم عثمانی در کنار دریای سیاه به شمار می آمد، مستقر گردید.(۱) روس ها برای گرفتن این قلعه تلاش های بسیاری انجام دادند و سرانجام در ژوئن ۱۷۹۱ قلعه سقوط و «شیخ منصور» به اسارت درآمد و بعد از چند سال اسارت، در زندان «سولوتیک» درگذشت.

۲ _ غازی ملّا محمد: او در سال ۱۲۰۸ ق (۱۷۹۳ م)، در شرق داغستان متولد شد و همراه «شیخ شامل»، طریقت نقشبندیه را نزد «محمد افندی» فرا گرفت. اگر چه او و «شیخ شامل» از بنیانگذاران جنبش اسلامی در قرن نوزدهم به شمار می آیند، ولی رهبری جنبش در آغاز به عهده «ملّا محمد» گذاشته شد. او از اوایل سال ۱۲۴۵ ق (۱۸۲۹ م) مبارزه با روس ها را به طور جدی شروع کرد و مدت سه سال در جایگاه رهبری جنبش، جنگ های سختی با روس ها نمود.(۲) با حمله روس ها در سال ۱۲۴۸ ق (۱۷ اکتبر ۱۸۳۲ م)، «ملّا محمد» با تعداد زیادی از یارانش به شهادت رسید.

۳ _ حمزه بیگ: او که از مشایخ صوفیه نقشبندی داغستان بود، در سال ۱۸۳۱ به صف مبارزان پیوست و پس از شهادت «ملا محمد» به عنوان رهبر جنبش، انتخاب شد. حمزه بیگ در دسامبر ۱۸۳۳ به مخالفت های خود علیه نیروهای روس ادامه داد و آنان را با خطری جدی روبه رو کرد. پس از سه سال رهبری جنبش، در سال ۱۲۵۰ ق (۱۸۳۴ م)، به دست عوامل روس ها در مسجد روستای «خونزاق» به قتل رسید.

۱- رهبران نهضت اسلامی داغستان، ص ۹.

۲- رهبران نهضت اسلامی داغستان، ص ۱۱.

۴ ـ شیخ شامل: وی در جمادی الاول ۱۲۵۰ ق (۱۸۳۴ م)، به رهبری جنبش اسلامی داغستان رسید و یکی از مقتدرترین رهبران داغستان بود. او پس از رسیدن به قدرت، افزون بر رویارویی با مشکلات داخلی، با رقبای قدرتمند و چالاکی روبه رو بود. با این همه، موفق شد که تمام چمنستان را بین سال های ۱۸۳۵ ـ ۱۸۵۵ از کنترل نیروهای روسیه خارج کند. در این هنگام حکومت قفقاز روس، تلاش کرد که به وسیله خوانین داغستان، «شامل» را بر سر میز مذاکره با تزار نیکلای اول، به تفلیس بکشاند، ولی او به این درخواست جواب رد داد و در نامه ای نوشت: «از راقـح گنهکار این نامه، شامل، که توکلش به خداست؛ باید به شما بگویم که بالاخره تصمیم گرفته ام، حتی اگر تکه تکه ام کنند به تفلیس نیایم، زیرا همان گونه که همه می دانند به کرات عذر و خیانتتان را آزموده ام.»(۱)

با شروع جنگ جهانی اول و شکست روسیه در این جنگ، فشار بر «شیخ شامل» افزایش پیدا کرد. روسیه می خواست با سرکوبی مخالفان داخلی، این شکست را جبران کند؛ به همین دلیل بسیاری از رهبران جنبش اسلامی را با پول و وعده و وعید به طرف خود جلب کرد. «شامل» که با این ترفند دشمن، جنبش را در حال فروپاشی می دید، در اعلامیه ای بیان کرد: «در این ایام پرمخاطره بر هر مسلمان واجب است که در راه عقیده، تا آخرین قطره خون خود مبارزه کند.»(۲) فشارهای ارتش تزار و عوامل داخلی عرصه را بر «شامل»

۱- محمدحسن رجبی، سیری در زندگی شیخ شامل، فصل نامه پانزده خرداد، ش ۳۱، بهار ۱۳۷۵، ص ۹.

۲- محمدحسن رجبی، سیری در زندگی شیخ شامل، فصل نامه پانزده خرداد، ش ۳۱، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۸.

تنگ کرد و سرانجام او بعد از ۲۵ سال مبارزه شجاعانه در قلعه «بُرتُنای»، محاصره شد. در ابتدا از تسلیم شدن خودداری کرد و بالاخره در ۳۰ محرم ۱۲۷۶ ق (۳۰ اوت ۱۸۵۹ م)، به خاطر نجات جان زنان و کودکان و دیگر همراهانش، شمشیر خود را به نشانه تسلیم به روس ها داد.

رهبران کنونی جنبش اسلامی عبارتند از: «حسب اللّه حسب اللّه اف»، «عبدالرحمن سعیدوف»، «۱۰۱ ختایف» و «ب. کبدوف» که در موضع گیری های سیاسی باهم تفاوت های زیادی دارند.

جنبش رهایی بخش اسلامی داغستان و انقلاب اسلامی ایران

جنبش رهایی بخش اسلامی داغستان و انقلاب اسلامی ایران

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بدون تردید در آگاهی مسلمانان تحت سلطه تأثیر به سزایی داشت. به طوری که مسلمانان آزادی خواه با استفاده از پیام انقلاب ایران به مبارزات رهایی بخش شان شدت بخشیدند. جنبش های اسلامی در آسیا و از جمله داغستان رابطه مستحکمی با انقلاب اسلامی ایران دارند. «عباس کیهان فر» در این باره می نویسد: «خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله، مسلمانان شوروی [سابق] نیز همانند مسلمانان سایر کشورهای اسلامی از برکات و تأثیرات ایران اسلامی بهره مند شدند. به خصوص که انقلاب اسلامی ایران جایگاه محکمی در قلوب مسلمانان قفقاز باز کرد... به طوری که به برنامه های صدای جمهوری اسلامی ایران گوش فرا می دهند و چهره ضد امپریالیستی انقلاب اسلامی ایران، هواداران بسیار در میان نسل جوان پیدا کرده است.»(۱)

۱- عباس کیهان فر، نگاهی به جمهوری مسلمان نشین آذربایجان، فصل نامه مشکوه، ش ۴۱، زمستان ۱۳۷۲، ص ۱۱۰.

به خاطر اهمیت جایگاه انقلاب اسلامی ایران در میان جنبش های شمال قفقاز بود که «شیخ الاسلام پاشاه زاده»، رهبر مسلمانان ماورای قفقاز و «حاجی صابر حسن زاده» «رییس اداره روابط بین المللی هیئت اسلامی، از نخستین رهبران مسلمانان شوروی [سابق] بودند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از ایران دیدن کردند.(۱)

این رابطه با توجه به آزادی فعالیت های مذهبی در زمان اجرای سیاست «پروستریکا» و پس از نامه مهم امام خمینی رحمه الله به «گورباچف» در ۱۱ دی ماه ۱۳۶۷، مبنی بر اینکه «از این پس کمونیسم را باید در موزه های تاریخ سیاسی جهان جست وجو کرد.»(۲) به نحو چشم گیری افزایش پیدا کرده است. باید افزود که مسلمانان آسیای میانه و قفقاز، پس از رهایی از سلطه کمونیسم و گسستن زنجیرهای استبداد و خفقان نظام سوسیالیستی، در راه و روش آینده خود بازبینی کرده و بیشتر به سوی جهان اسلام و کشورهای اسلامی و به ویژه جمهوری اسلامی ایران گرایش قابل توجهی پیدا کرده اند. امروز مسلمانان در داغستان و دیگر مناطق مسلمان نشین، برای سرعت بخشیدن به ایجاد حکومت اسلامی و فعالیت های دینی خود، انقلاب اسلامی ایران را الگو و اسوه خویش قرار داده اند.(۳)

۱- عباس کیهان فر، نگاهی به جمهوری مسلمان نشین آذربایجان، فصل نامه مشکوه، ش ۴۱، زمستان ۱۳۷۲، ص ۱۱۲.

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۶۷.

۳- نگاهی به جمهوری مسلمان نشین آذربایجان، ص ۱۱۴.

فصل دهم: جنبش اسلامی چاد

اشاره

فصل دهم: جنبش اسلامی چاد

چاد از کشورهای مسلمان شاخ افریقاست که در افریقای مرکزی و در ناحیه صحرای بزرگ افریقا، بین سودان و نیجر واقع شده است. چاد، دارای سرزمین جلگه ای و صحرایی بوده و از آب و هوای گرم و خشک و بارانی برخوردار است.

اسلام در قرن چهارم هجری وارد این سرزمین صحرایی شد و مورد استقبال مردم بومی این منطقه قرار گرفت. هم اکنون از جمعیت هفت میلیونی چاد (در سال ۱۹۹۷) مسلمانان با ۸۵ درصد، اکثریت ساکنان این کشور را تشکیل می دهند که بیشتر مذهب سنی دارند.

آغاز قیام رهایی بخش مسلمانان چاد

آغاز قیام رهایی بخش مسلمانان چاد

قاره افریقا در قرن نوزدهم مورد یورش استعمارگران اروپایی قرار گرفت و این امر موجب پیدایش جنبش های رهایی بخش در سراسر افریقا گردید. مسلمانان چاد برای نخستین بار، در سال ۱۸۹۵ با دولت های استعمارگر، رو در رو شدند؛ زیرا مسلمانان چاد وظیفه دینی و اسلامی خود می دانستند تا در برابر استعمارگران غربی که با میسیون های تبشیری یا با لباس های دیگری به سراغ آنها آمده بودند، بجنگند. مبارزات مردم چاد در آن تاریخ از یک سو در آغاز راه قرار داشت و از سوی دیگر، مبارزان که نه تجربه کافی برای مبارزه

داشتند و نه از امکانات لازم برخوردار بودند شکست خوردند و نتوانستند از تجاوز اشغالگران به چاد جلوگیری نمایند. به این ترتیب نیروهای فرانسه وارد این کشور گردیدند. با پایان جنگ جهانی اول و بعد از برچیده شدن خلافت عثمانی در سال ۱۹۱۷، چاد به طور رسمی جزو دولت های زیر سلطه فرانسه درآمد.در عین حال، مبارزات مردم چاد برای آزادی سرزمین شان از اشغال متجاوزان استعمارگر ادامه پیدا کرد. سرانجام مبارزان موفق شدند که پس از ۴۳ سال نبرد با استعمار، در سال ۱۹۶۰، استقلال کشورشان را به دست آورند.

با وجود اعلام استقلال، نیروهای فرانسه خاک این کشور را ترک نکردند و با پشتیبانی آنها «تامبل بای»، رهبر «حزب ترقی خواه» قدرت را به دست گرفت. او که یک فرد غیرمسلمان و وابسته به غرب بود، لبه تیز حملات خود را متوجه مسلمانان و گروه های سیاسی جهاد نمود و یک دیکتاتوری بسیار خشن و مخالف با باورهای اسلامی را روی کار آورد.

«تامبل بای» درصدد ایجاد یک نظام غیرمذهبی در چاد بود. این امر، خشم مسلمانان را برانگیخت و مورد اعتراض شدید آنها واقع شد. این اعتراض ها، تهدید جدی و زنگ خطری برای حکومت «تامبل بای» در آینده به شمار می آمد؛ به همین دلیل تحمل گروه های سیاسی و مسلمان برای او گران بود، از این رو پس از تثبیت حکومت خود، در نخستین اقدام، به سرکوب آنان پرداخت. گروه ها و احزاب سیاسی چاد با درک موقعیت حساس کشور، ناگزیر با سیاست های «تامبل بای» به رویارویی برخاستند و برای برآورده شدن خواسته های شان هماهنگ شده و «حزب ملی افریقا» را پایه ریزی کردند

و به جز «حزب اتحاد ملی» دیگر احزاب سیاسی به آن پیوستند.(۱)

این همبستگی احزاب سیاسی، حکومت «تامبل بای» را در وضعیت دشوار و بحرانی قرار داد؛ رژیم که از وضعیت به وجود آمده در کشور، خطر را در چند قدمی خود احساس می کرد، بلافاصله رهبران سیاسی را دستگیر و احزاب را منحل اعلام کرد. برچیده شدن گروه های سیاسی و در پی آن تعطیل نمودن مجلس از سوی رژیم و واکنش های مردم در برابر آن، به زیان دولت «تامبل بای» تمام شد؛ زیرا احزاب نه تنها به حیات سیاسی شان ادامه دادند، بلکه با متحد نمودن صفوف خود و پیوستن برخی وزیران دولت و رهبران سیاسی به «حزب اتحاد ملی»، احزاب جایگاه بهتری را در جامعه به دست آوردند.

«تامبل بای» برای ریشه کن نمودن این مخالفت ها به زور متوسل گردید و در مارس ۱۹۶۳ با یک حمله ناجوان مردانه، بیش از هزار نفر از شخصیت های سیاسی را دستگیر کرد؛ در این جمع، عده زیادی از رهبران مسلمان نیز دیده می شدند؛ از آن جمله «سید محمد ابا»، دبیر کل حزب اتحاد ملی چاد و «محمد عبدالکریم»، رییس مجلس این کشور که هر دو مسلمان بودند، به زندان های ابد و درازمدت محکوم شدند.

«تامبل بای» به این هم بسنده نکرد و در سپتامبر ۱۹۶۳ تصمیم گرفت که تمامی رهبران مسلمان را پاکسازی کند. به این منظور، حمله تازه ای را علیه آنان آغاز نمود و بسیاری دیگر از شخصیت های مهم سیاسی مسلمان را نیز

۱- سید هادی خسروشاهی، نبرد اسلام در افریقا، ج ۱، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۵۳، ص ۱۸۶.

دستگیر کرد. مسلمانان در اعتراض به این اقدام دولت، به خیابان های «فورت لامی» ریختند و دست به تظاهرات مسالمت آمیز زدند. واکنش «تامبل بای» به این اعتراض ها که با کمک نیروهای فرانسه صورت گرفت، بسیار شدید بود و با گشودن آتش به روی تظاهر کنندگان، صدها هزار مرد، زن، پیر و کودک قتل عام شدند.(۱)

با وجود حمایت نیروهای فرانسوی از رژیم، مبارزات مردم چاد بعد از اعلام استقلال نیز بر ضد سیاست های استعماری فرانسه تداوم یافت، ولی هر بار که شورش های مردمی شدت می گرفت با دخالت مستقیم فرانسوی ها سرکوب می گردید و «این خود بیانگر این واقعیت است که جنبش اسلامی چاد، یکی از جنبش های پیشرو در مبارزات ضد استعماری کشورشان است و پیوسته بر علیه منافع فرانسه قیام کرده است.»(۲)

فشارهای روزافزون، سرانجام گروه ها و جریان های سیاسی را واداشت تا برای آزادی کامل سرزمین شان از اشغال نیروها و مزدوران فرانسوی، در تاریخ ۲۲/۶/۱۹۶۶، در یک اقدام مشترک «جبهه آزادی بخش ملی چاد» (فرولینا) را به وجود بیاورند. این جنبش پس از تشکیل، اهداف سیاسی و اصلاحی خود را این گونه اعلام داشت:

۱. آزادسازی چاد از وضعیت نابسامان موجود که مسلمانان بیش از دیگران از دامنه آن در رنجند؛

۱- سید هادی خسروشاهی، نبرد اسلام در افریقا، ج ۱، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۵۳، ص ۱۸۸.

۲- مسافر، جنگ داخلی چاد صدها کشته بر جای گذاشت، جمهوری اسلامی، ۷/۱/۱۳۵۹.

۲. برچیدن تمامی پایگاه های نظامی فرانسه در چاد و بازگردانیدن حق انتخاب و حاکمیت ملی به مردم این کشور؛

۳. پایان دادن به سلطه مذهبی صهیونیسم در چاد و افریقا؛

۴. تحکیم روابط دوستانه با کشورهای عربی و اسلامی؛

۵. آزاد کردن رهبران مسلمان و زندانیان بدون محاکمه رژیم و همه کسانی که به دست مزدوران «تامبل بای» مورد شکنجه قرار داشتند؛

۶. فراهم ساختن بستر مناسب برای بیشتر مردم چاد در یادگیری احکام اسلام، زبان و خط عربی.(۱)

جنبش رهایی بخش مردم مسلمان چاد در این مرحله به نام «فرولینا» از هماهنگی و یکپارچگی بیشتری برخوردار بود. سرانجام مبارزات مردم چاد بعد از ۱۳ سال به نتیجه رسید و با خروج نیروهای فرانسه از این کشور، اولین رییس جمهور مسلمان (حسن هابره) در سال ۱۹۸۰ قدرت را به دست گرفت. با روی کار آمدن «حسن هابره» که فردی مسلمان بود، انتظار می رفت زمینه برای فعالیت گروه های اسلام گرا آماده گردد. متأسفانه وضعیت برعکس شد و «حسن هابره» که تحت نفوذ فرانسه قرار داشت، با تأیید نظام غیرمذهبی این کشور، از رشد روزافزون اسلام گرایی جلوگیری کرد.

به همین دلیل، اسلام گرایان به جنگ های چریکی خود در برابر استبداد داخلی تا سرنگونی رژیم غیرمذهبی این کشور ادامه دادند. «ادریس دبی» که فردی مسلمان بود و با اسلام گرایان رابطه خوبی داشت، در دسامبر ۱۹۹۰، در پی یک جنگ چریکی که از سودان رهبری می شد با راه اندازی کودتای

۱- نبرد اسلام در افریقا، ج ۱، ص ۱۹۰.

نظامی، قدرت را در این کشور به دست گرفت. منابع مختلف مذهبی در ارتباط او با اسلام گرایان گزارش دادند که چندین روحانی و از جمله امام مسجد اعظم همراه «ادریس دبی» وارد چاد شدند و روحانیون دیگری نیز از پاکستان و ایران به چاد آمده اند.(۱)

از وقتی که «ادریس دبی» روی کار آمده، وضعیت تا حدودی بهبود یافته است و مسلمانان قدرت را در این کشور در اختیار دارند. البته هنوز هم مشکل فرهنگی در چاد وجود دارد و کشورهای غربی با تهاجم فرهنگی گسترده به افریقا درصدد به انحراف کشاندن افکار جوانان مسلمان برآمده اند. اگرچه بنیادگرایی اسلامی در حال افزایش است، ولی ادامه این وضعیت و رویارویی با تهاجم فرهنگی غرب در چاد، نیاز به سرمایه گذاری های فرهنگی و معنوی جدی دارد که انتظار می رود رهبران جوامع اسلامی، توجه ویژه ای به آن داشته باشند.

عوامل پیدایش جنبش اسلامی چاد

عوامل پیدایش جنبش اسلامی چاد

چاد، از کشورهایی است که بیشتر مردم آن مسلمان هستند که در مناطق شمالی و شرقی این سرزمین زندگی می کنند. مسلمان ها با وجودی که در اکثریت می باشند، ولی در طول تاریخ مورد ستم و بی عدالتی قرار گرفته اند و آنچه باعث زنده نگه داشتن اسلام در این سرزمین گردیده، مبارزات رهایی بخش مردم مسلمان آن در قرن بیستم بوده است. در این جا به برخی از عوامل پیدایش نهضت اسلامی در این کشور افریقایی اشاره می شود:

۱ _ تجاوز استعمار به چاد: استعمارگران اروپایی در اوایل قرن بیستم، این

۱- روزنامه رسالت ۷/۱۱/۱۳۷۱.

کشور را مورد تهاجم گسترده خود قرار دادنـد و بعـد از چیرگی بر چـاد، با مسـلمانان رفتار کاملاً غیرانسانی داشـتند؛ به همین دلیل، مسـلمانان برای رهایی از قیـد و بند اسارت، به مبارزه دست زدند. نهضت آزادی خواهی مردم مسـلمان چاد، طی سالیان متمادی و حتی پس از خروج نیروهای اشـغالگر فرانسوی، ادامه پیدا کرد؛ زیرا اسـتعمار فرانسه در مدت زمان سلطه خود بر این کشور، مسـیحیان و «انیمیست ها» (بت پرست ها) را بر چاد مسـلط کرده بود و تغییر این وضـعیت، نیاز به زمان و مبارزه داشت؛ بـه همیـن علـت جنـگ هـای خـونین داخلی بیـن مسـلمانان و مسـیحیان آغـاز گردیـد و ده هـا هزار کشـته و زخمی بر جـای گذاشت.(۱)

۲ ـ سـلطه مـذهبی صـهیونیست هـا: یکی از جنایاتی که «تامبل بای» مرتکب شـد، برقراری رابطه با دولت اسـراییل بود. وی به مبلغان صـهیونیستی اجازه داد که آزادانه به تبلیغات مذهبی بپردازند. آنها تمام سـعی خود را به کار بردند تا از راه ترویج فساد و پخش مجلات و کتاب، جوانان چادی را به اسـلام بـدبین کننـد و با جذب دانشـجو، آنها را برای ادامه تحصـیل به «تل آویو» اعزام نمایند.

نکته قابل توجه این است که چاد در زمان «تامبل بای» به مرکز مبارزات عقیـدتی مسـیحیت و صـهیونیست ها با اسـلام درآمده بود و فعـالیت آزادانه و گسترده صـهیونیست هـا در این کشور بـاعث شـد تا مسـلمانان برای از میان برداشـتن سـلطه فرهنگی و مـذهبی آنـان، دست به مبارزات مسـلحانه بزننـد. مجله «اخبار العالم الاسـلامی» در شـماره ۱۲۲ در این بـاره می نویسـد: «مـا از برادران خود در جهان می خواهیم که مشکل و مسأله ما را درک کنند و بدانند

۱- مسافر، جنگ های داخلی چاد صدها کشته بر جای گذاشت، جمهوری اسلامی ۷/۱/۱۳۵۹.

که ما، بر ضد صلیبی ها و تسلط صهیونیسم می جنگیم. ما در یکی از جبهه های مهمی نبرد می کنیم که در آن ملل عرب و مسلمان بر ضد صهیونیسم، صلیبی ها و استعمار می جنگند.»(۱)

۳ _ اعمال تبعیض و بی عدالتی: از وقتی که پای استعمار در چاد باز شد، مسلمانان با تبعیض های ناروا و نادیده گرفته شدن حقوقشان در جامعه روبه رو شدند. عوامل استعمار و تبشیری که قدرت را در اختیار داشتند، در یک مبارزه همه جانبه با مسلمانان از استخدام افراد مسلمان در ادارات دولتی به ویژه در آموزش و پرورش خودداری می کردند. به طوری که با وجود تحصیلکرده های مسلمان از دانشگاه الازهر و سودان در مراکز آموزشی مربوط به مسلمانان، از یهودیان استفاده می شد، زیرا دولت حاکم از راه پیدا کردن تحصیلکرده های مسلمان به مراکز آموزشی جلوگیری می کرد.

۴ _ وابستگی مقامات چاد به بیگانگان: چاد اگرچه در سال ۱۹۶۰ استقلال خود را به دست آورد و عضو سازمان ملل متحد شد، اما در عمل، رژیم چاد هیچ گونه اراده و اختیاری از خود نداشت و هر چه را که فرانسوی ها دستور می دادند، اجرا می کرد. عوامل فرانسه و وابسته به غرب در تمام ادارات دولتی نفوذ کرده بودند و از آن طریق بر مسلمانان فشار وارد می کردند. این وضعیت برای مسلمانان قابل تحمل نبود؛ از این رو، خواستار استقلال کامل چاد شدند و برای برآورده شدن این خواسته، نهضت اسلامی و آزادی خواهی این کشور شدت گرفت. این جنبش که رشد اسلام گرایی را به همراه داشت، از یک سو غرب گرایان و استکبار جهانی را با خطر جدی روبه رو کرد و از سوی دیگر

۱- نبرد اسلام در افریقا، ج ۱، ص ۱۹۲.

غربیان را در سرکوب اسلام گرایی که افزون بر چاد، سراسر جهان را فرا گرفته بود، ناتوان ساخت.

یک دیپلمات غربی درباره ناکامی اقدامات فرانسوی ها در طی دوران تسلط بر چاد و روند رو به رشد بنیادگرایی اسلامی در این کشور می نویسد: «همه می دانیم که قاره سیاه در آستانه انفجار است، لیبی در شمال چاد قرار دارد و فرانسه نیروی نظامی (۱۱۰۰ سرباز) در چاد دارد»؛(۱) با این وجود، نتوانست جلو خیزش گرایش اسلامی در این کشور را بگیرد.

ماهیت جنبش اسلامی چاد

ماهیت جنبش اسلامی چاد

جنبش اسلامی چاد، برخلاف بسیاری از جنبش های قاره افریقا، از همان ابتدا، ماهیت اسلامی و استقلال طلبانه داشت و با انگیزه های اسلامی آغاز گردید. زیرا از یک سو مردم چاد نسبت به باورهایشان بسیار پایبند بودند و تفکر اسلامی در روح و جان آنها ریشه دوانده بود، از سوی دیگر استعمار فرانسه همواره سعی می کرد که فرهنگ مسیحیت را جای گزین فرهنگ غنی اسلام کند. یک نماینده مسلمانان مبارز چاد در این باره می گوید: «هنگامی که استعمار فرانسه وارد چاد شد و اثرات فرهنگ اسلامی را دید، می خواست آثار این فرهنگ را در ملت مسلمان چاد از بین ببرد و این خواسته استعمار در تمام کشورهای اسلامی است؛ از این رو، برای از بین بردن آثار اسلامی با مدارس دینیه که در آنها فقه اسلامی و قرآن تدریس می شد، مخالفت کرد و به جای آنها می خواست مبلغین مسیحی و منشوراتی را که برای دین مسیح

۱- جمهوری اسلامی، ۸/۲/۱۳۵۹.

تبلیغ می کند، جانشین کند.»(۱)

استعمار فرانسه در راستای برآورده شدن این هدف، با درخواست های مسلمانان برای ساختن مسجد و مراکز دینی و آموزشی مخالفت کرد و تعداد زیادی از علمای این کشور را در سال ۱۹۱۹، از دم تیغ گذراند.

با تمام این فشارها، مردم مسلمان چاد تسلیم خواسته های اشغالگران نشدند و برای حفظ هویت اسلامی و آزادی کشورشان به قیام مسلحانه روی آوردند. «شهید محمد باقلانی» از افراد مؤثر در کادر رهبری جنبش بود که در به حرکت درآوردن توده های مردم، نقش مهمی را ایفا کرد. او که طرفدار برقراری نظام اسلامی و عدالت اجتماعی در چاد بود، همواره از حرکت های غیردینی فاصله گرفت و در سال ۱۹۷۲ که جنبش مردم چاد در اثر نفوذ عناصر وابسته به فرانسه (مانند حسن هابره) دچار اختلاف شد، «باقلانی توانست دسته ای تأسیس نماید که دارای ایدئولوژی اسلامی باشد، تا بتواند نقشه های استعمار را خنثی کند.»(۲)

پس، یکی از ویژگی های جنبش اسلامی در چاد، آن است که تمام تلاش خود را به کار برده تا از عناصر نفوذی و وابسته به غرب فاصله بگیرد و همین ویژگی است که جنبش را به یک حرکت صددرصد اسلامی در قاره افریقا مبدل ساخته است؛ به گونه ای که امروزه موج اسلام گرایی در چاد، مایه نگرانی برخی مقامات این کشور گردیده است. منابع مختلف غربی در این زمینه می گویند: «حجاب در میان بانوان که از سال ۱۹۸۴ ظاهر شده، بیش از

۱- نهضت های آزادی بخش جهان در گذر انقلاب اسلامی ایران، ص ۱۵۶.

۲- نهضت های آزادی بخش جهان در گذر انقلاب اسلامی ایران، ص ۱۵۷.

پیش به چشم می خورد.»(۱)

بـدون شک، رشـد اسـلام گرایی در چاد ناشـی از فرهنگ پر بار و منطق پویای اسـلام در برخورد با تمـدن جدید است. «فیدل مونگار»، وزیر آموزش و پرورش وقت چاد در این باره می گویـد: «چاد محل برخورد دو تمـدن است، اما زبان عربی امکاناتی برای توسعه ارایه می دهد که کشور نمی تواند از آن چشم پوشی کند.»(۲)

۱- سلام، ۱۹/۱۱/۱۳۷۱.

۲- رسالت، ۷/۱۱/۱۳۷۱.

فصل یازدهم: جنبش اسلامی سودان

اشاره

فصل یازدهم: جنبش اسلامی سودان

سودان، بزرگ ترین کشور افریقا و حتی جهان اسلام است که یک قسمت از آن در شمال شرق افریقا و قسمت زیادی از آن در صحرای مرکزی افریقا قرار دارد. این کشور به دلیل قرار گرفتن در کنار دریای سرخ و وجود رودخانه نیل در آن، از موقعیت تاریخی و راهبردی برخوردار است.

هشتاد درصد جمعیت ۳۲ میلیون نفری سودان (در سال ۱۹۹۷) از نژاد «سامی» (عرب) و ۲۰ درصد دیگر از نژادهای، «دینکا»، «نوبه»، «بجا» و «نوئر» هستند.

اسلام در قرن نهم هجری (پانزدهم میلادی)، با تصرف بخش هایی از خاک سودان به دست لشکریان اسلام، به این سرزمین راه پیدا کرد. هم اکنون ۷/۷۴ درصد ساکنان سودان مسلمان و بقیه مسیحی و بت پرست هستند.

جنبش مهدی سودانی

اشاره

جنبش مهدی سودانی

زیر فصل ها

الف ــ تاریخچه

ب ــ ویژگی ها و مواضع فکری و سیاسی

ج ــ نقد و ارزیابی

الف ــ تاریخچه

الف ــ تاریخچه

تاریخ جنبش «مهدی سودانی» به سال های ۱۸۲۰ ــ ۱۸۲۴ برمی گردد که سودان مورد تجاوز نظامی مصریان قرار گرفت. هدف از حمله «محمدعلی پاشا» به سودان، این بود که بر منابع طبیعی و اقتصادی این کشور چیره شود. مصریان بعد از وارد

شـدن به سودان افزون بر در اختیـار گرفتن ثروت هـای ملی و وضع مالیـات هـای سـنگین بر مردم، برده گیری و تجارت آن به اروپا را

آغاز کردند. این وضعیت برای مردم سودان قابل تحمل نبود؛ از این رو اولین شورش های مردمی بین سال های ۱۸۲۳ _ ۱۸۲۴ شروع شد؛ ولی به دلیل نبود همبستگی بین قبایل اطراف سودان، سرکوب گردید.

«خدیو مصر» و «محمدعلی پاشا»، از نظر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی وابسته به غرب بودند و از خود هیچ اراده ای نداشتند. این امر باعث شد که اروپاییان به بهانه تجارت و... وارد سودان شوند و از طریق اهداف استعماری خود، به غارت و چپاول مردم این سرزمین بپردازند. بر این اساس، مردم سودان تا اواخر قرن نوزدهم از ناحیه استعمارگران انگلیسی، فرمانروایان و مأموران ترک مورد ظلم و ستم های فراوان واقع شدند. فشارهای روزافزون آنها موجب شد که مردم سودان برای رهایی خود از چنگ مصریان و اروپاییان قیام کنند. به این ترتیب جنبش اصلاحی، استعمارستیز و سیاسی «مهدی سودانی» در سال ۱۸۸۱ شکل گرفت. رهبری این جنبش را «محمد احمد بن عبداللّه » بر عهده داشت، او که فرزند یک قایقران ساده و معمولی بود، بعد از تحصیلات مذهبی مدتی در خارطوم به مسلک درویشان درآمد و پیروانی را جلب کرد. بعد از آنکه سودان مورد تجاوز اروپاییان و ترکان مصری قرار گرفت، او پرچم مبارزه را برافراشت. اهدافی که «احمد بن عبداللّه » دنبال می کرد، عبارت بودند از:

۱. بازگشت به اصول اولیه اسلام؛

۲. رفع ستم و چپاول گری مصریان، اروپاییان و فرمانروایان محلی بر مردم سودان؛

۳. برقراری برابری و عدالت اجتماعی در جامعه؛

۴. تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای قرآن و سنت؛

۵. خاتمه دادن به نابسامانی های داخلی و بیرون راندن اشغالگران از این کشور.(۱)

«محمد احمد»، معروف به «مهدی سودانی»، برای برآورده شدن این خواسته ها، مردم را به قیام فرا خواند. از آنجایی که متجاوزان، پایگاه مردمی نداشتند و مردم نیز از آنها بیزار بودند، عده زیادی به جنبش پیوستند. در سال های ۱۸۸۲ _ ۱۸۸۳، جنبش، گسترش یافت و با حمله به «کردفان» نیروهای مصری و انگلیسی را تارومار کردند و مرکز آن، «العُبید» را تصرف نمودند. این پیروزی سبب شد که حملات جنبش در سراسر سودان گسترش پیدا کند و در سال ۱۸۸۴، مبارزان وارد خارطوم شدند و در ژانویه ۱۸۸۵ پایگاه نظامی انگلیسی ها در خارطوم را تصرف و فرمانده آن «ژنرال گوردون» را به قتل رساندند.

«مهدی»، اولین دولت خود را بعد از تصرف خارطوم، در «ام درمان» و در سال ۱۸۸۵ تشکیل داد، ولی خود او در ژوئن همان سال درگذشت. بعد از «مهدی» رهبری جنبش به یار وفادارش «عبداللّه بن محمد» سپرده شد. در دوران حکومت «عبداللّه » که از سال ۱۸۸۵ تا ۱۸۹۸ ادامه داشت، جنبش با مشکلات داخلی و خارجی فراوان روبه رو گردید. در صفوف داخلی بین پیروان مهدی اختلاف های شدید بروز کرد و آنها برای به دست گرفتن قدرت، به جدال با یکدیگر پرداختند. اما در جبهه خارجی، جنبش از سوی انگلیسی ها تحت فشار قرار داشت و این امر به همراه قحطی و گرسنگی

۱- جنبش های اسلامی معاصر، صص ۲۴۷ _ ۲۴۸.

حاکم بر سودان و اختلاف های داخلی جنبش، سبب شد که دولت «عبداللّه » در سال ۱۸۹۸ با حمله مشترک فرانسه و انگلیس سرنگون شود و بسیاری از رهبران جنبش «مهدی»، به دست نیروهای فاتح کشته و یا زندانی شوند.

متجاوزان استعمارگر، بعد از چیرگی بر سودان به کشمکش باهم پرداختند. سرانجام فرانسه پس از گرفتن امتیازاتی، سودان را به انگلیس سپرد. انگلیسی ها در مدت تسلط بر سودان، تلاش های زیادی انجام دادند تا جنبش «مهدی» را از این کشور ریشه کن نمایند، ولی در اجرای این سیاست خود، چندان موفق نبودند و جنبش «مهدی سودان» بین سال های ۱۹۰۰ _ ۱۹۲۷ شورش هایی را علیه آنها رهبری و هدایت کرد. انگلیس اگرچه این شورش ها را با سنگ دلی تمام سرکوب و دعوت «مهدی» را ممنوع و خانواده اش را زندانی کرد، اما تفکر و اندیشه آزادی خواهی «مهدی» در قلب های مردم سودان باقی ماند و سرانجام موجب قیام «محمد المهدی» در اوایل قرن بیستم گردید.(۱)

«محمد المهدی»، اولین عالم دینی است که نهضت استعمارستیز خود را با پیروی از جنبش «مهدی سودانی» آغاز نمود. پس از او پسرش «عبدالرحمن المهدی» در سال ۱۹۴۴ «حزب امت» را پایه گذاری کرد. این حزب در به دست آوردن استقلال سودان در سال ۱۹۵۶، سهم مهمی بر عهده داشت. حزب امت بعد از اعلام استقلال نیز در دگرگونی های سیاسی و اجتماعی سودان ایفای نقش نمود. بعد از درگذشت «عبدالرحمن المهدی» در سال

۱- نبرد اسلام در افریقا، ج ۲، صص ۵۷ _ ۵۸ .

۱۹۵۹، رهبری سیاسی حزب امت را فرزند بزرگ او «صادق المهدی» به عهده گرفت و رهبری مذهبی آن «گروه انصار» را فرزند دومش «هادی المهدی» عهده دار شد. حزب امت با حکومت «جعفر نمیری» که در سال ۱۹۶۹ با راه اندازی کودتای نظامی، قدرت را در این کشور به دست گرفت به مخالفت پرداخت؛ زیرا «نمیری» در ابتدا ناصرسیم و طرفدار نظام سوسیالیستی بود و بعدها به یک مهره امریکا در سودان تبدیل شد. «نمیری» برای رضایت اربابان خود، با اسلام گرایان به شدت برخورد کرد و «صادق المهدی» را به عنوان رهبر سیاسی مهدیون به زندان افکند و در مارس ۱۹۸۵ دویست نفر اسلام گرا را بازداشت کرد.(۱)

این اقدامات «نمیری» باعث خشم مردم شد و تظاهرات عظیم مردمی در سودان به راه افتاد. در اثر این اعتراض ها حکومت «نمیری» سرنگون و «سوار الذهب» در ۴ آوریل ۱۹۸۵ به قدرت رسید.

در انتخابات ۱۹۸۶ حزب امت و دموکراتیک موفق شدند یک دولت ائتلافی را با نخست وزیری «صادق المهدی» به وجود بیاورند. دولت ائتلافی «صادق المهدی» در ژوئن ۱۹۸۹ در یک اقدام نظامی، توسط ژنرال «عمر حسین البشیر» که یک اسلام گرا و عضو جنبش اخوان المسلمین در سودان بود، سرنگون شد. او پس از گرفتن قدرت با برچیدن احزاب سیاسی، اولین دولت اسلام گرای سنی را تشکیل داد و خواستار اجرای دقیق شریعت اسلام در این کشور شد.

۱- جنبش های اسلامی در جهان عرب، ص ۳۳۸.

ب ـ ویژگی ها و مواضع فکری و سیاسی

ب ـ ویژگی ها و مواضع فکری و سیاسی

ریشه هـای جنبش «مهـدی سودانی» از نظر فکری به شـیوه هـای تصوف، بـا گرایش هـای اصـلاحی در جامعه و خطوط فکری «سید جمال الدین» برمی گردد و همچنین از جنبش سنوسیه در لیبی متأثر بود. دکتر «سید احمد موثقی» در این باره می نویسد: «او با توجه به پیوند و ارتباطش با المهدی، جانشین محمد بن علی سنوسی، به احتمال قوی از جنبش اصلاحی و ضد استعماری سنوسی نیز الهام گرفته بود. به علاوه محمد احمد و تعدادی از اصحاب و پیروانش، مستقیم یا غیرمستقیم و از طریق مصر تحت تـأثیر مکتب و نهضت سـید جمـال الـدین قرار گرفته بودنـد؛ به حـدی که میرزا لطف اللّه ، مؤلف شـرح حال و آثار سـید، می نویسد که مهدی سودانی در مصر به مدت چهار سال در خدمت سید مشغول تحصیل بوده است.»(۱)

پس آنچه دربـاره جنبش «مهـدی سودانی» می توان گفت این است که این جنبش از نظر فکری تحت تـأثیر افکار «سـید جمال الـدین» و جنبش وهـابیت و سنوسـیه شـکل گرفت؛ بـا وجود این، تفـاوت هـای زیادی با آنها داشت، نه مثل وهابیون به قشـری گرایی رو آورد و نه خود را به یک جنبش سیاسـی محـدود کرد؛ بلکه جنبش مهدی سـعی نمود که افزون بر انجام اصـلاحات فکری و دینی، به اصـلاحات اجتماعی و سیاسـی نیز توجه ویژه داشـته باشـد. «هرایر دکمجیان» در این باره می نویسـد: «جنبش مهـدویه تفـاوت هـای مهمی با وهابیت و سنوسـیه داشت. در حالی که پیکارجویی این جنبش نظیر تعصب وهابی بود، اما یک جنبش معتقـد به ظهور منجی (مهـدی) محسوب می شـد که در آن قـدرت مذهبی، سیاسـی و نظامی در اختیار یک فرد، یعنی محمد بن عبداللّه

۱- جنبش های اسلامی معاصر، ص ۲۵۸.

که خود را بر طبق معیار مهـدویت سـنی «مهـدی موعود» می خواند، قرار داشت. مهدی سودانی به عنوان یک جنگجوی زاهد، نیروهای مصـری تحت رهبری ژنرال گوردون انگلیسـی را شکست داد و با تأسیس حکومت اسلامی آرزوی فتح قلمرو عثمانی را در سر می پروراند.»(۱)

به طور کلی، خطوط فکری و انـدیشه های سیاسـی جنبش «مهدی سودانی» را که در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن نوزدهم در صحنه سیاسی و فکری سودان ظاهر شد، چنین می توان خلاصه کرد:

۱ ـ «مهـدی سـودانی» مشـکلات جوامع اسـلامی را در نـابودی فکری و فسـاد اخلاقی و نبود برابری و عـدالت اجتمـاعی می دانست؛ به همین دلیل می خواست با آگاه کردن مردم و نشـر فرامین اسـلامی در سراسـر جهان اسـلام، بر این مشـکلات پیروز شود.

۲ ـ او اسـتعمارگران اروپایی و ترکان مصـری را عامل بدبختی مردم و سـتمگری ها در سودان می دانست؛ از این رو، خواهان قیام عمومی علیه آنان شد.

۳ ـ «مهـدی» بـا امپراتوری عثمـانی رابطه دوسـتانه داشت، ولی مسـتقل از آن عمـل می کرد و حتی از علمـایی که از دانشـگاه الازهر به سودان آمده بودند و به سود دولت مصر تبلیغ می کردند، بیزار بود.

۴ ـ از دیگر مواضع فکری «مهدی» این بود که دعوت خود را تنها برای سودان نمی دانست بلکه در نظر داشت که تمام جهان را از زیر سلطه استعمارگران، آزاد کند. با این هدف، برای بسیاری از سران کشورهای

۱- هرایر دکمجیان، پیشین، ص ۴۸.

اسلامی نامه نوشت و آنان را به سوی خود فرا خواند تا او را در مبارزه با کافران یاری نمایند.

۵ _ او خود را مهدی موعود می دانست و باور داشت که هر کس او را به عنوان مهدی قبول نداشته باشد، کافر است. مورخان سودانی درباره این طرز فکر «محمد احمد» می نویسند: «او مدعی مقامی یگانه برای خود بود که در سه عنوان همراه با نامش انعکاس داشت: امام، جانشین رسول خدا و مهدی موعود. در مقام امام، وی ادعای پیشوایی جامعه مسلمانان راستین را داشت؛ همانند جانشین رسول خدا با اصلاح جامعه ای که حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم مؤسس آن بود، در نظر داشت وظیفه پیامبر را تکرار کند؛ و همچون مهدی موعود، وی شخصی وابسته به رستاخیز بود که ظهورش خبر از پایان زمان می داد.»(۱)

ج _ نقد و ارزیابی

ج _ نقد و ارزیابی

جنبش «مهدی سودانی» در مبارزه مردم مسلمان سودان با ترکان مصری و استعمارگران انگلیسی نقش بزرگی بر عهده داشت و در راه کسب آزادی و استقلال این کشور افتخارات فراموش نشدنی از خود بر جای گذاشت. گذشته از این، نقش مهدیون در تشکیل هسته های اولیه بنیادگرایی اسلامی در سال های ۱۹۴۶ _ ۱۹۵۲ که با نام «اخوان المسلمین» فعالیت خود را آغاز کرد، بر هیچ کسی پوشیده نیست.

با وجود حضور فعال مهدیون در زمینه های مختلف سیاسی و فرهنگی، جنبش از هم پاشیده و نتوانست به عنوان یک جنبش پیشگام، ماهیت خود را

۱- جنبش های اسلامی معاصر، ص ۲۶۲.

حفظ کند. علل این ناکامی را می توان در اشتباهات سیاسی و فکری رهبران جنبش جست وجو کرد.

۱ ــ جنبش مهدی به دلیل پیروی از آموزه های صوفیانه و سنتی، نتوانست از نظر فکری و روحی، پیروانش را تغذیه نماید.

۲ ــ اعتقاد «مهدی سودانی» و طرفدارانش به این که او «مهدی موعود» است، یک باور انحرافی بود و به همین دلیل مورد استقبال بسیاری از مردم سودان واقع نشد.

۳ ــ بعد از مرگ «مهدی» جنبش دچار تفرقه شد و اختلاف پیروانش بر سر به دست آوردن قدرت بالا گرفت و به درگیری های داخلی منجر گردید.

۴ ــ در حکومت «عبداللّه » اشتباهات زیادی دامن گیر جنبش شد و تمام آنچه که «مهدی» برای از بین بردن آن مبارزه کرد، مانند امتیازهای قومی، قبیله ای، طبقاتی و اعمال زور و ستم، در حکومت «عبداللّه » بازگشت و مردم سودان فشارهای زیادی را از این بابت متحمل شدند.

۵ ــ بسیاری از دیدگاه های جنبش مهدویت با اسلام سنتی و کلاسیک در تضاد بود و به این دلیل دعوت او واکنش هایی را در جهان اهل سنت در پی داشت. «سلطان عبدالحمید عثمانی» اعلامیه ای پرشمار بر ضد او منتشر کرد و علمای دانشگاه الازهر نیز فتوایی در همان زمینه صادر و منتشر کردند. بعضی از علمای سودان نیز رساله هایی در ردّ ادعاهای «مهدی» نوشتند. «شیخ احمد الازهری بن اسماعیل»، مفتی غرب سودان در سال ۱۸۸۲ رساله ای در رد

ادعای مهدویت منتشر کرد.»(۱)

بازتاب اسلام گرایی در سودان

بازتاب اسلام گرایی در سودان

سودان در دهه ۱۹۷۰، با وجود فشارهای «جعفر نمیری»، شاهد خیزش گروه های سیاسی و رشد چشم گیر بنیادگرایی اسلامی بود. احزابی که در این دهه در صحنه سیاسی این کشور نمایان شدند، دارای گرایش های متفاوت سوسیالیستی، ناسیونالیستی، اسلامی و قومی و قبیله ای بودند. با این همه گروه های اسلامی تمام جناح های دیگر را تحت الشعاع خود قرار داده و حرف اول را در عرصه سیاست و اجتماع می زدند.

از میان جریان های اسلام گرایی این کشور نیز، «حزب امت»، «جبهه الاسلامی» و «اخوان المسلمین» به عنوان احزاب عمده سیاسی ـ اسلامی سودان نقش اصلی را در بیداری امت اسلامی ایفا کردند. «علی عثمان محمد طه» یکی از رهبران برجسته جبهه اسلامی است که در طی سالیان گذشته تلاش های زیادی را برای برقراری نظامی اسلامی در سودان انجام داد. وی از آغاز دهه هفتاد به مخالفت با رژیم حاکم بر سودان پرداخت و بیشترین تلاش را در ژوئن ۱۹۸۹، انجام داد. «گفته می شود که وی فرماندهی نیروهای مسلح طرفدار ژنرال «عمر البشیر» را بر عهده داشته است. همچنین وی نقش مهمی در تحول رابطه میان جبهه اسلامی و نظام جدید سودان داشته و به عنوان مرد قدرتمند و با نفوذ در رهبری جبهه اسلامی مطرح است.»(۲)

۱- رادولف پیترز، اسلام و استعمار، مترجم: محمد فرقانی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۵، ص ۸۹ .

۲- اطلاعات، ۷/۶/۱۳۷۲.

جنبش اخوان المسلمین، به عنوان یک جنبش مدرن شهری از دهه ۷۰ به این سو در جامعه سودان، طرفداران زیادی را از میان تحصیلکردگان، دانشجویان و روشن فکران به سوی خود جلب کرد و این در حالی بود که جنبش موعودگرایان (حزب امت) توانایی پاسخگویی به مسایل روز و پر کردن خلأ ایدئولوژی ناشی از سرنگونی ناصریسم و سوسیالیسم را نداشت. به خاطر همین ایدئولوژی برتر اخوان المسلمین بود که «نمیری» در سپتامبر **۱۹۸۳** مجبور شد تا در سودان، جمهوری اسلامی اعلام کند. این اقدام او که بیشتر برای مشروعیت بخشیدن به رژیم حاکم صورت گرفت، نتوانست خواسته های اخوانی ها و اسلام گرایان را برآورده کند.

کودتای نظامی ژنرال «عمر حسن البشیر» در ژوئن **۱۹۸۹**، زمینه را برای ایجاد یک نظام اسلامی و مبتنی بر اندیشه های اخوان المسلمین، در سودان هموار کرد و به این ترتیب «دکتر حسن الترابی» به عنوان نظریه پرداز ارشد و حاکم غیررسمی سودان درآمد و بازسازی شئونات جامعه را بر اساس شریعت اسلامی آغاز کرد.(۱)

نخستین دستاورد برقراری نظام اسلامی در سودان پس از شکست ایدئولوژی غربی و ناسیونالیسم و سوسیالیسم تشکیل دولت اسلامی بر اساس اندیشه های سیاسی جنبش اخوان المسلمین و «حسن الترابی» در سودان بود. «ترابی» که پس از پیروزی در سودان، خواهان اسلامی کردن سایر دولت های عربی و همبستگی آنها شد، همواره تهدیدی جدی برای کشورهای عربی به شمار آمده است. به طوری که همسایگان عرب سودان مانند مصر، لیبی،

۱- جنبش های اسلامی در جهان عرب، ص ۳۳۹.

الجزایر و تونس، دعوت ترابی را برای اسلامی کردن کشورهای عربی و وحدت مسلمانان، تهدید مستقیم برای ثبات داخلی خود می دانند. تقویت روابط جمهوری اسلامی ایران و سودان که متکی بر کمک های اقتصادی، فرهنگی و... ایران به سودان می باشد،(۱) این تهدید را بسیار جدی و بزرگتر جلوه داده است.

در پی اتهام پنج نفر سودانی به عملیات تروریستی در «نیویورک» در سال ۱۹۹۳، امریکا دولت «عمر البشیر» را مورد انتقاد شدید قرار داد و متهم کرد که سودان را به پایگاه تربیت اسلام گرایان و جنگجویان عرب افغانی تبدیل کرده است که هدفشان سرنگونی حکومت های عربی وابسته به غرب است که عملکردشان با اسلام تعارض دارد.

در پی حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به نیویورک و واشنگتن، بسیاری از کشورها و از جمله سودان به عنوان پشتیبان اصلی تروریست ها مورد تهدید امریکا قرار گرفتند و سردمداران امریکا خواستار پایان دادن به پشتیبانی دولت سودان از اسلام گرایان شدند. دولت سودان تا کنون در برابر این زورگویی های دولتمردان امریکایی تسلیم نشده و اسلام گرایان همچنان در این کشور بر سر قدرت هستند.

جنبش سودان و انقلاب اسلامی

جنبش سودان و انقلاب اسلامی

جمهوری اسلامی ایران همواره با سودان رابطه خوبی داشته و سطح این روابط پس از سال ۱۹۸۹ که اسلام گرایان قدرت را در اختیار گرفتند، تا حد قابل توجهی افزایش پیدا کرده است. روابط ایران و سودان اگرچه در ابتدای

۱- جنبش های اسلامی در جهان عرب، ص ۳۴۰.

روی کار آمدن «ژنرال عمر حسن احمد البشیر»، به علت عدم شناخت دقیق انقلابیون از جمهوری اسلامی و تبلیغات سوء که علیه آن می شد چندان گسترده نبود، ولی به تدریج با روشن شدن مواضع سیاسی ایران روابط دو کشور اسلامی گسترش پیدا کرد؛ به طوری که بسیاری از کشورهای عربی از روابط دوستانه ایران و سودان اظهار نارضایتی کرده و کمک های اقتصادی و نظامی شان را به سودان قطع کردند.(۱) با همه این فشارها، روابط دو کشور روز به روز مستحکم تر می شود. آنچه که بیش از همه در روابط دوستانه دو کشور تأثیر داشته، چند مورد است:

۱ _ پای بندی بر شریعت اسلامی: سودان، تنها کشور افریقایی است که اسلام گرایان در آن قدرت دارند و قوانین آن بر پایه شریعت اسلامی است. اصرار دولتمردان سودان بر اجرای شریعت اسلامی، یک نقطه مشترک مهم بین جمهوری اسلامی ایران و سودان به شمار می آید. اعلام وفاداری دولت سودان به قوانین و شریعت اسلامی هر چند این کشور را به جمهوری اسلامی ایران نزدیک کرده است، امّا بین سودان و کشورهای عربی و غربی فاصله ایجاد نموده است.

۲ _ ابراز علاقه به انقلاب اسلامی: مردم سودان نسبت به انقلاب اسلامی ایران علاقه خاصی دارند و این علاقه را در سفر حضرت «آیت اللّه هاشمی رفسنجانی» (رییس جمهور وقت ایران) به سودان در سال ۱۳۷۰ به خوبی به جهانیان نشان دادند. در این سفر استقبال مردم سودان از رییس جمهور و

۱- محمدهادی تسخیری، سودان تاریخچه و روند رابطه با ایران، رسالت ۲۴/۱/۱۳۷۴، ص ۳.

هیئت ایرانی به انـدازه ای بود که برخی آن را به لحظه ورود «جمال عبدالناصـر» به سودان در زمان حکومت «جعفر نمیری»(۱) تشبیه نمودند.

۳ _ مواضع مشترک بین المللی و منطقه ای: جمهوری اسـلامی ایران و سودان از زمان روی کار آمدن «عمر البشـیر»، نسـبت به بسـیاری از مسایـل بین المللی و منطقه ای موضع یکسـان اتخاذ کرده انـد. مقامات سودان، همواره بر موضع ایران درباره قضـیه فلسـطین مبنی بر خروج صـهیونیست هـا از سـرزمین هـای تحت اشـغال و تعیین سـرنوشت مردم فلسـطین به دست خـود آنهـا و همچنین تأمین امنیت حوزه خلیـج فارس به دست خود کشورهای منطقه تأکیـد کرده اند. «ژنرال عمرالبشـیر» در این ارتباط می گویـد: «مـا معتقـدیم و تأکیـد داریم که مسـئولیت تـأمین امنیت منطقه با کشورهای منطقه است و نبایـد از این حق خود چشـم پوشی کنند، ما موضع جمهوری اسلامی ایران را در این مورد کاملاً تأیید می کنیم.»(۲)

این امور به همراه مسایل دیگر؛ از یک سو باعث پیوند نزدیک انقلاب اسلامی ایران و سودان گردید و از سوی دیگر موجبات نگرانی دولت هـای امریکـا، اسـراییل و انگلیس را نیز فراهم آورده است به گونه ای که سودان را به پشتیبانی از تروریسم متهم می کنند. روزنامه «واشـنگتن پست» در این باره می نویسد: «به دنبال کمک ایران برای تبدیل سودان به پایگاه تروریست ها در قلب افریقـا، رییس جمهوری امریکـا طی یـک نامه رسـمی به «عمر البشـیر» رهبر نظامی سودان هشـدار داد که نام کشورش در لیست سیا قرار خواهد

۱- محمدهادی تسخیری، سودان تاریخچه و روند رابطه با ایران، رسالت ۲۴/۱/۱۳۷۴، ص ۳.

۲- عبداللّه افراسیابی، سودان در مصاف با امپریالیسم، جهان اسلام ۱۴/۲/۱۳۷۲، ص ۴.

گرفت.»(۱)

رهبران سودان و از جمله «ژنرال عمر البشیر» ضمن رد ادعاهای امریکا و هم پیمانان آن؛ علّت تبلیغات مغرضانه آنها را پای بندی سودان به پیاده کردن شریعت اسلام، الگوپذیری از انقلاب اسلامی ایران و تقویت جریان اسلام خواهی دانسته و می گوید:

«بدیهی است که پیاده شدن احکام اسلام در ایران همیشه انگیزه و عامل محرکی برای ما بوده و هست. اما شما تبلیغات شوم و سیاهی بر ضد برنامه های اجرای احکام اسلامی در سودان مشاهده می کنید. تا آنجا که مسلمانان عادی را نیز قانع کرده اند که اسلام و قوانین آن صلاحیت مطرح شدن در سطح حکومت را ندارند و هنوز زمان برای اجرای احکام اسلامی آماده و مهیا نیست و باید پس از حل مشکلات اقتصادی، چون فقر و گرسنگی به فکر پیاده کردن اسلام بود؛ در حالی که اسلام آماده است تا این مشکلات را از سر راه بردارد. اسلام، مکتب جدیدی آورده است تا اوضاع و شرایط را دگرگون ساخته و در مسیر صحیح و عادلانه ای قرار دهد. پس چرا نتواند کشور را از فقر و گرسنگی نجات بخشد؟»

«پایداری ایران در برابر مشکلات و کارشکنی ها مشوق ما برای پیاده کردن شریعت و اجرای نظام اقتصادی اسلام و... بوده است.»

بنابراین دولت سودان از زمان به قدرت رسیدن جبهه اسلامی در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۹، تحت رهبری سیاسی «عمر البشیر» و رهبری مذهبی «دکتر حسن الترابی»، با الگو قرار دادن جمهوری اسلامی ایران، مبنای حرکت خود

۱- عبداللّه افراسیابی، سودان در مصاف با امپریالیسم، جهان اسلام ۱۴/۲/۱۳۷۲، ص ۴.

را بر اجرای شریعت اسلامی در این کشور و رویارویی با سیاست های تجاوزکارانه استکبار جهانی به رهبری امریکا قرار داد. اصرار دولتمردان سودان بر اسلامی کردن و اعمال قوانین اسلامی در این کشور، خشم امریکا و غربیان را برانگیخت و به این دلیل سودان افزون بر تحریم اقتصادی، بارها از سوی مقامات امریکا و برخی از کشورهای غربی به همکاری با تروریست ها متهم شده است.

اما آنچه که در شرایط کنونی برای سودان خطر اصلی به شمار می آید و هویت اسلامی این کشور را تهدید می کند، مشکلات داخلی و بروز اختلاف بین رییس جمهوری «عمر البشیر» و «دکتر حسن الترابی» است.

این وضعیت از ابتدای به قدرت رسیدن جبهه اسلامی در سال ۱۹۸۹ پیش بینی می شد و از همان آغاز یک نوع دوگانگی در نظام سیاسی نوین سودان به چشم می خورد. این دوگانگی سبب شده بود که دولت این کشور، در واقع از سال ۱۹۸۹ تا سال ۲۰۰۰ یک دولت ائتلافی و مرکب از نظامیان و غیر نظامیان باشد و تنش بین دو جناح (طرفداران «عمر البشیر» و «حسن ترابی») اگر چه چندان محسوس نبود، ولی در عمل رقابت و تعارضات شدیدی بین دو جناح در صحنه های سیاسی و اجتماعی وجود داشت.

نظامیان به رهبری «عمر البشیر» بعد از به دست گرفتن قدرت، در اولین اقدام، تمام احزاب سیاسی و از جمله «جبهه اسلامی» را منحل اعلام کردند و به این ترتیب قدرت را در انحصار خود درآوردند.

این اقدام «عمر البشیر» برای اعضای جبهه اسلامی، ضربه سختی بود. اما «حسن ترابی»، رهبر این جبهه با خونسردی از یک سو تن به انحلال جبهه داد و از سوی دیگر فعالیت های سیاسی و اجتماعی اش را با نام های «کنگره

اسلامی و عربی»، «سازمان جهانی زنان مسلمان»، «مجلس دوستی ملل جهان» و «سازمان دانشجویان ملی گرایان مسلمان» ادامه داد.(۱)

فعالیت های گسترده و چشم گیر «حسن ترابی» در صحنه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه سودان و به ویژه در «کنگره ملی» این کشور موجب شد که وی افزون بر محبوبیت مردمی، اکثریت کنگره ملی را نیز به دست آورد و در سال ۱۹۹۸ از سوی اعضای کنگره به عنوان رییس هیئت رهبری و دبیر کنگره برگزیده شود. با انتخاب «ترابی» به عنوان دبیر کنگره و رییس هیئت رهبری آن، مقام «عمر البشیر» به عنوان رییس کنگره، به یک مقام تشریفاتی مبدل شد و این وضعیت برای نظامیان، قابل تحمل نبود. بروز این گونه تنش ها و تداوم آن سرانجام بر فضای سیاسی سودان سایه افکند. «عمر البشیر» تحت تأثیر این اختلافات و فشارهای برخی عناصر غرب گرا در ماه مه ۲۰۰۰ کنگره ملی این کشور را منحل و «حسن ترابی» را از دبیر کلی آن برکنار کرد.

این تصمیم «عمر البشیر» واکنش شدید «حسن ترابی» و طرفداران او را در پی داشت. «یاسین عمر»، دبیر کنگره ملی در ایالت خارطوم، «البشیر» را به انجام یک کودتای نظامی علیه حزب حاکم «کنگره ملی» متهم کرد و گفت: «قطعنامه های بشیر برای تعلیق فعالیت های حزب، به منزله یک کودتای نظامی و یک اقدام مسلحانه است.»(۲)

«دکتر حسن ترابی» نیز در یک واکنش شدید به «البشیر» هشدار داد و با

۱- ر. ک: روزنامه کیهان، یکشنبه ۱۷/۵/۱۳۷۲.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، سه شنبه ۲۰/۲/۱۳۷۹، ص ۱۶.

احتمال دانستن رویارویی مسلحانه با رییس جمهور گفت: «تمامی احتمالات از جمله ریختن مردم به خیابان ها وجود دارد، اما تلاش ما این است که نشان دهیم این اقدامات مردم برای رسیدن به هدفی صورت می گیرد.»(۱)

اختلافات به وجود آمده بین «عمر البشیر» و «حسن ترابی»، برای برخی از کشورهای اسلامی و از جمله جمهوری اسلامی ایران، مایه نگرانی بود؛ به همین دلیل جمهوری اسلامی تلاش هایی را برای حل درگیری ها، میان «عمر البشیر» و «حسن ترابی» انجام داد. این تلاش ها اگرچه با موفقیت صد در صد همراه نبود، ولی از بروز یک جنگ داخلی دیگر در سودان جلوگیری کرد.

«عمر البشیر»، رییس جمهور سودان از هنگام انحلال کنگره ملی و برکناری «حسن ترابی»، تلاش های وسیعی را در صحنه های بین المللی آغاز کرده و می خواهد از این راه روابط کشورش با غرب را بهبود بخشد. وی امیدوار است که این تلاش ها به لغو تحریم های امریکا علیه سودان منجر شود.(۲)

سیاست های جدید دولت سودان در داخل، اگرچه نارضایتی مردم این کشور را در پی داشته است؛ اما مهم ترین برگ برنده «البشیر»، حمایت ارتش و کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای از اقدامات وی می باشد.»(۳)

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، سه شنبه ۲۰/۲/۱۳۷۹، ص ۱۶.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۳/۵/۱۳۷۹، ص ۱۶.

۳- مطالعات افریقا، شماره ۱ دور جدید بهار و تابستان ۱۳۷۹، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ص ۱۱۵.

فصل دوازدهم: جنبش اسلامی عراق

اشاره

فصل دوازدهم: جنبش اسلامی عراق

سرزمین عراق که در گذشته بین النهرین نامیده می شد، از قدیمی ترین مراکز تمدن آسیا بوده است. عراق در غرب ایران واقع شده و جزو مناطق خاورمیانه به شمار می رود و دارای نفت، منابع طبیعی فراوان و زمین های حاصل خیز و هموار است.

اسلام با شکست ساسانیان، در سال سیزده هجری به این سرزمین وارد شد و هم اکنون از جمعیت ۲۲ میلیون نفری این کشور در سال ۱۹۹۷، بیشترین افراد را مسلمانان تشکیل می دهند. از این جمعیت ساکن در عراق ۵/۶۲ درصد مسلمان شیعه و ۵/۳۴ درصد مسلمان سنی و ۷/۲ درصد مسیحی می باشند.

مراحل پیدایش و ظهور جنبش اسلامی عراق

مراحل پیدایش و ظهور جنبش اسلامی عراق

هم زمان با آغاز جنگ جهانی اول، انگلیسی ها به بهانه جلوگیری از نفوذ آلمان، عراق را مورد تجاوز قرار دادند. در نوامبر ۱۹۱۴ نیروهای انگلیسی با تصرف اطراف بصره به دروازه های آن رسیدند. به دلیل وجود اماکن و آثار تاریخی و اسلامی در عراق، تجاوز انگلیس به این کشور تهدید جدی علیه اسلام و ارزش های آن محسوب می گردید.

این امر مردم عراق و علما را واداشت تا در برابر ورود انگلیسی ها به خاک عراق ایستادگی کنند. مردم عراق با تحریک علما، قیام و نهضت خود را

از شـهرهای بغداد، نجف، کاظمین و بصـره آغاز کردند. این مقاومت مردم که با رهبری علما، صورت گرفت، هجده ماه ادامه یافت. بعد از تصـرف بصـره به دست نیروهای اشغالگر، جنگ ابعاد تازه تری پیدا کرد و مناطق بیش تری از عراق مورد تهاجم واقع شد.

بـا پایـان گرفتن جنـگ جهانی اول و پیروزی متفقین، عراق در زمره دولت های زیر سـلطه انگلیس درآمـد. این وضـعیت برای مردم و علمای عراق قابل تحمل نبود و آنها نمی توانستند سلطه یک دولت استعمارگر را بپذیرند. به همین دلیل، انقلاب ۱۹۲۰ عراق با تحریک علما از نجف، کربلا و کاظمین شروع شد.(۱) علمای عراق با قیمومیت انگلیس بر کشورشان مخالف بودند و در ابتدا تلاش نمودند تا از راه های مسالمت آمیز و قانونی دست انگلیس را از عراق کوتاه کنند. برای رسیدن به این هدف در ۴ شوال ۱۳۳۸، (۲۱ ژوئن ۱۹۲۰) تظاهراتی در کربلا و صحن حرم سیدالشهدا به راه انداختند و در سخنرانی هایشان مردم را به شدت عمل در برابر استعمار انگلیس فرا خواندند.

وقتی که تلاـش علمـا برای حـل مسالمت آمیز قضـیه از راه ملاقات نماینـدگان مراجع با دولت انگلیس و اعتراض های عمومی مردم نتیجه نداد، جنگ مسلحانه آغاز گردید. حضرت «آیت اللّه میرزای شیرازی نیز برای بسیج عمومی، فتوای معروف شان را در اعلام جهاد با انگلیسی ها صادر کردند: «مطالبه حقوق بر مردم عراق واجب است و بر ایشان است که در ضمن اقدام برای

۱- محمدصادق تهرانی، نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق، انتشارات دارالفکر، تهران، قم، بی تا، ص ۱۴.

تحقق خواسته های خود رعایت آرامش و امنیت را بنمایند و در صورتی که انگلیسی ها از قبول خواسته های مردم امتناع نمایند بر مردم جایز است که برای دفاع متوسل به زور و قوت بشوند.»(۱)

بعد از صدور این فتوا، جنگ مشروعیت پیدا کرد و در کوتاه ترین زمان، قیام های مسلحانه سراسر عراق را فرا گرفت، «آیت اللّه کاشانی» که با قبایل و عشایر اطراف رابطه نزدیکی داشت، رهبری این نهضت را بر عهده داشت. در حالی که این نهضت به سرعت در حال گسترش و حرکت بود، متأسفانه به علت کمبودهای مالی و تسلیحاتی در نیمه راه متوقف گردید.

شیعیان و فعالیت های سیاسی

شیعیان و فعالیت های سیاسی

با وجودی که قیام ۱۹۲۰ مردم عراق در برابر انگلیسی ها در ظاهر ناکام ماند؛ ولی علمای عراق به عنوان رهبران این قیام ناامید نشدند و این بار سعی کردند که از راه های سیاسی و مسالمت آمیز، استقلال عراق را به دست آورند. به این منظور در آوریل ۱۹۲۲، دویست نفر از علما و شخصیت های مهم شیعه در همایشی که در کربلا- برگزار شد، درخواست های زیر را مطرح کردند:

۱. استقلال سیاسی کامل عراق و پایان گرفتن قیمومیت انگلیس؛

۲. تشکیل فوری مجلس شورای ملی، با مشارکت مردم؛

۳. انتخاب ۵۰ درصد وزرای کابینه و مقام های دولتی از میان شیعیان؛

۴. اعلام جهاد با وهابی ها.(۲)

۱- محمدصادق تهرانی، نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق، انتشارات دارالفکر، تهران، قم، بی تا، ص ۵۷ .

۲- جنبش های آزادی بخش، ص ۳۷.

علمـای عراق در یک اقـدام سیاسـی هماهنگ، در ژوئن ۱۹۲۳ بـا تصویب قـانون قیمومیت انگلیس بر عراق به شـدت مخالفت کردنـد و با صدور فتوا، مردم را از شـرکت در انتخابات مجلس که مشـروط به تصویب سـلطه انگلیسـی ها بر عراق بود برحذر داشتند.(۱) دولت اسـتعماری انگلیس در واکنش به این فتوای علمـا، بسـیاری از علمای شـیعه عراق و از جمله «آیت اللّه محمد حسین نایینی» و «سید ابوالحسن اصفهانی» را به ایران تبعید کرد.

فعالیت های سیاسـی علمای عراق سـرانجام به بار نشست و دولت انگلیس مجبور شد که در سال ۱۹۳۲، استقلال این کشور را به رسـمیت بشـناسد. هرچند عراق به ظاهر استقلال خود را به دست آورد امّا بحران و بی ثباتی در این کشور ادامه داشت. زیرا از یـک طرف زمامـداران عراق خود را نسبت به حفـظ منـافع انگلسـتان وفـادار می دانسـتند. این امر باعث شـد که عـده ای از ارتشـیان عراق، نسـبت به دخـالت انگلیسـی هـا در مسایـل داخلی و خارجی کشورشان معترض باشـند؛ این گروه بعـد از اعلام جنگ با انگلستان در ماه مه ۱۹۴۱ شکست خوردند.

از طرف دیگر «شـیعیان عراق که عموما در جنوب و بخش های مرکزی آن زنـدگی می کنند و اکثریت مردم عراق را تشـکیل می دهنـد به صورت مشـکل بزرگ و شاید بزرگ ترین مشـکل، در برابر دولت نوپا رخ نمودند. اگرچه اعتراضات آنها و قیام هـای شـان که هرچنـد وقت یکبـار اوج می گرفت، به وسـیله دولتمردان عراق همیشه و به شـدت سـرکوب می شـد، ولی خود ایشان می دانستند که مسأله شیعیان بزرگ تر و درخواست های آنها عمیق تر از آن

۱- جنبش های آزادی بخش، ص ۳۸.

است که بتوان با کشتار آنها را ساکت کرد.»(۱)

موضع گیری علما در برابر دولت دست نشانده انگلیس، زمینه را برای سرنگونی آن فراهم آورده و در سال ۱۹۵۸ «عبدالکریم قاسم» در یک کودتای نظامی قدرت را به دست گرفت. او که از طرف کمونیست های عراق پشتیبانی می شد، با اعلام حکومت جمهوری در این کشور، فشار و ستم های خود را بر مردم مظلوم این سرزمین افزایش داد. سیاست های دولت جدید عراق و نزدیکی آن با کمونیست ها پیامدهای سیاسی زیر را به همراه داشت:

۱ _ علما و مراجع تقلید، فعال تر از گذشته وارد میدان شدند. حضرت «آیت اللّه حکیم» در اعلامیه ای گفت: «داشتن هرگونه ارتباط با حزب کمونیست غیرقانونی است. چنین رابطه ای به معنی کفر و الحاد و یا حمایت از کفر و الحاد است.»(۲)

۲ _ روی کار آمدن دولت کمونیستی در عراق سبب شد که نهادهای مردمی، اجتماعی و اسلامی بیدار شوند. در اثر این خودآگاهی سیاسی، اسلام گرایان به فکر تشکیل گروه های سیاسی افتادند که بتوانند از حقوق و خواسته های مردم دفاع نمایند؛ از این رو، احزاب سیاسی _ اسلامی، در یک نظام قانونمند و با اهداف و انگیزه های مشخص، در جامعه عراق شکل گرفت. در واقع دهه شصت و همزمان با روی کار آمدن دولت طرفدار حزب کمونیست در عراق، عصر خیزش جنبش های نوین اسلامی در عراق آغاز شد.

۱- جنبش های آزادی بخش، ص ۲۰.

۲- ویلی، جویس ان، نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه: مهوش غلامی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳، ص ۵۸ .

۳ ــ تداوم حرکت های اصلاحی و آغاز به کار گروه های اسلامی در عراق، موجب نزدیکی جنبش های رهایی بخش اسلامی در سراسر جهان اسلام گردید. علمای آگاهی چون «شیخ محمود شلتوت»، رییس دانشگاه الازهر مصر، همراه با علمای عراق، گام هایی را برای وحدت مسلمان ها برداشتند. در سال ۱۹۵۹، اعلام اینکه شیعیان جعفری پیروان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم هستند، اتحاد بین شیعه و سنی را در عراق، برای سرنگونی حکومت «عبدالکریم قاسم» قوّت بخشید. «شیخ شلتوت» بر این باور بود که: «اختلاف میان مکتب جعفریان و مکتب تسنن بیشتر از اختلاف موجود میان خود مکتب های سنی نیست و آنها (جعفریان) به اصول اساسی اسلامی اعتقاد دارند.»(۱)

روند رو به رشد اسلام گرایی در عراق باعث شد که حزب کمونیست این کشور در گزارش سال ۱۹۶۲ خود، ضرورت مبارزه با اسلام گرایان و سازمان های مربوط به علمای نجف را مورد بحث و بررسی قرار دهد. تشدید اقدامات علیه گروه های اسلامی، زمینه را برای سرنگونی دولت «قاسم» به وجود آورد. با سرنگونی دولت کمونیستی عراق در سال ۱۹۶۳، حزب بعث قدرت را به دست گرفت و فشارهای زیادی را بر کمونیست ها وارد کرد؛ هزاران نفر به اتهام کمونیست بودن دستگیر و صدها نفر دیگر بدون محاکمه اعدام شدند. در نوامبر ۱۹۶۳، ناسیونالیست های عرب درون ارتش در یک کودتای نظامی، دولت بعث را سرنگون کردند و رژیم جدید با رهبری «عبدالسلام عارف» برای «ایجاد یک ملت عرب در آینده» تشکیل شد. پس از

۱- ویلی، جویس ان، نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه: مهوش غلامی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳، ص ۵۷ .

سه سـال، دولت ناسیونالیست عرب سـرنگون و دوبـاره حزب بعث در سال ۱۹۶۸ قـدرت را بـه دست گرفت. «حسن البکر» به عنوان رییس جمهور بعثی عراق لبه تیز حملات خود را متوجه شـیعیان و علما نمود. در سال ۱۹۷۱ رژیم بعث صدور ویزا برای طلاب غیرعرب را کـاهش داد و «آیـت اللّه محمـدباقر صـدر»، «محمـدباقر حکیـم» ـ یکی از فرزنـدان «آیت اللّه حکیم» ـ و «عبـدالصاحب الـدخیل» را به عنـوان رهـبران حزب «دعوت اسـلامی» زنـدانی کرد. در این جریـان «الـدخیل» به طور دلخراشـی در گذشت.(۱)

آغاز مقاومت مسلحانه شیعیان در برابر رژیم بعث عراق

آغاز مقاومت مسلحانه شیعیان در برابر رژیم بعث عراق

بـا روی کـار آمـدن حزب بعث، آزار و اذیت شـیعیان افزایش پیـدا کرد و بسـیاری از علمـای نجف اخراج و عـده ای دیگر در زندان های حزب بعث شهید شدند. وضعیت شیعیان و علما با برکناری «حسن البکر» و ریاست جمهوری صدام حسین در ژوئن ۱۹۷۹، وخیم تر شـد. صـدام با اقـدامات خشونت بار، تظاهرات مردمی را به شدت سرکوب کرد. این فشارها سـرانجام رهبران نهضت اسلامی عراق را واداشت تا تصمیم به قیام مسلحانه بگیرند. «آیت اللّه صدر» که منزلش تحت نظر بود، در پیامی گفت: «لازم است یک موضع رزمی اتخاذ شود... من حیات خود را به خاطر شیعه و سنی، طی کرده ام که در آن از پیامی که آنها را متحد ساخت و کیشی که آنها را در یک کالبد پذیرا شد، دفاع کردم.»(۲)

بحران جدید حاکم بر عراق که همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در

۱- ویلی، جویس ان، نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه: مهوش غلامی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳، ص ۷۶.

۲- ویلی، جویس ان، نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه: مهوش غلامی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳، ص ۸۵ .

ایران بود، موجب رشد تحرکات انقلابی در عراق گردید، به گونه ای که تظاهر کنندگان در محرم سال ۱۹۷۹ خواستار یک حکومت اسلامی شدند. رژیم بعث با سنگ دلی تمام این ناآرامی ها را سرکوب نمود و آیت اللّه شهید «امام باقر صدر» را به اتهام خیانت به دولت و پشتیبانی از انقلاب اسلامی ایران به همراه خواهر انقلابی اش «بنت الهدی صدر» در آوریل ۱۹۸۰، اعدام کرد.(۱)

حزب بعث عراق بعد از رسیدن به قدرت، فشارهای زیادی را تا کنون بر شیعیان وارد کرده و جنایات هولناکی را علیه آنان انجام داده است. بر اساس گزارش ها، «صدام حسین»، تنها بین سال های ۱۹۷۴ _ ۱۹۸۰، پانصد نفر از افراد مبارز و فعّال شیعه را اعدام کرده است.(۲)

«صدام حسین» در دهه ۸۰، برای ریشه کن نمودن نهضت اسلامی که در بیشتر مناطق شیعه نشین جریان داشت، طرح ترور شخصیت ها و رهبران شیعی را در دستور کار خود قرار داد در پی این هدف، «آیت اللّه شیخ حسن شیرازی» را در تبعیدگاهش در بیروت لبنان ترور کرد. در ماه مه ۱۹۸۳ نود نفر از خانواده «آیت اللّه حکیم» توسط رژیم صدام دستگیر شدند و بعد از آن که «آیت اللّه محمدباقر حکیم» (رهبر مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق) به درخواست رژیم بعث مبنی بر توقف تبلیغات علیه آن تن نداد، شش نفر از آنها را بی درنگ اعدام کرد. «مهدی حکیم» فرزند دیگر «آیت اللّه حکیم» در

۱- جنبش های اسلامی در جهان عرب، ص ۲۳۱.

۲- نهضت اسلامی شیعیان عراق، ص ۸۸ .

سال ۱۹۸۸ هنگام دیدار از سودان، توسط عوامل «صدام حسین» ترور شد.(۱)

بـا وجود این جنایـات و ترورهایی که رژیم حاکم بر عراق مرتکب شـد، نتوانست جلو نهضت اسـلامی را بگیرد و هر چه زمان می گذرد، مبارزات مردم عراق روز به روز اوج می گیرد. رهبران انقلاب اسلامی این کشور امیدوارند که با سرنگونی «صدام حسین»، بتوانند حکومتی اسلامی در عراق تشکیل دهند.

نقش علما و حوزه نجف در نهضت اسلامی عراق

نقش علما و حوزه نجف در نهضت اسلامی عراق

یکی از ویژگی هـای نهضـت اسـلامی عراق این است که از آغـاز تـا کنـون روحـانیت شـیعه در آن پیش قـدم بـوده است. در نخستین قیام مردم عراق که بر ضـد تجاوز انگلیس صورت گرفت، نقش علما و حوزه علمیه نجف بسـیار روشن است. زیرا این علمای عراق بودنـد که با دادن فتوای جهاد، مردم را برای رویارویی با نیروهای متجاوز انگلیس بسـیج کردنـد. در تاریـخ هفتم محرم ۱۳۲۳، گروه بزرگی از مجاهدان نجف برای دفاع از اسـلام و مسـلمانان، به سوی بغداد که در معرض تجاوز دشمن قرار داشت حرکت کرد. در این گروه بسـیاری از بزرگـان حـوزه نجفماننـد: «آیت اللّه سـید مصـطفی کاشـانی»، «آیت اللّه شـیخ الشـریعه اصـفهانی»، «آیت اللّه سـید علی داماد» و «آیت اللّه سـید محمـد سـعید حبوبی» که همگی از مراجع تقلید عراق بودند، شرکت داشتند.(۲) در این جنگ «آیت اللّه سید محمدتقی خوانساری» دستگیر شد و انگلیسی ها او را به هند تبعید کردند.

۱- جنبش های اسلامی در جهان عرب، ص ۲۴۱.

۲- نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق، ص ۸ .

در زمان سلطه انگلیس بر عراق، باز هم علما ساکت ننشستند. و همواره فریادشان در اعتراض به آنچه که بر مردم مظلوم و زیر ستم روا داشته می شد، بلند بود. «آیت اللّه محمدتقی حائری شیرازی» به عنوان مجتهد بزرگ شیعیان، در نامه ای به «امیر فیصل»، در ۸ رمضان ۱۳۳۸ ق از ستم و تعدی که توسط عوامل انگلیس بر مردم عراق روا می شد، شکایت کرده و این گونه رفتار را در صورت تداوم، زمینه ساز یک انقلاب بزرگ می داند:

«ستم هایی که در هر لحظه بر ملت مظلوم عراق و اهانت هایی که به ارزش های تاریخی و سنت های اسلامی آنان وارد می شود، بر شما پنهان نباشد. و چون ظلم به حد اعلای خود رسیده و دیگر قابل تحمل نیست، از هر جهت بر این ملت فشار وارد می شود تا جایی که قادر نیست صدای خود را به سمع مللی که نسبت به ضعف شفقت نشان می دهند، برساند.»(۱)

بی گمان، باید اذعان کرد که علما و روحانیون شیعه در نهضت اسلامی عراق چه در دوران استعمار و چه پس از آن، نقش اصلی را ایفا کردند. در این اواخر نیز، علما در رأس حرکت های اصلاحی جامعه قرار داشتند. آیت اللّه شهید «صدر» از شخصیت های علمی ـ سیاسی بود که تمام تلاش خود را در دهه های شصت و هفتاد میلادی متوجه اوضاع سیاسی و اجتماعی عراق کرده بود. ایشان با بیان و نوشته های خودش زیر بنای تفکر انقلاب اسلامی عراق را، مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی پایه گذاری کرد.

«هرایر دکمجیان»، نویسنده مسیحی در این باره می نویسد: «نقش برجسته و

۱- عبداللّه فهد نفیسی، نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، برگردان: کاظم چایچیان، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴، ص ۱۹۹.

برتر باقر صـدر به عنوان رهبری فکری و معنوی و الهام بخش شـیعیان عراق غیر قابل تردید است. نوشـته های درخشان او و نیز شهامت و درستکاری اش او را به سرچشمه حیاتی فعال گرایی شیعه عراق تبدیل کرد.»(۱)

شهیـد «صـدر» به عنوان رهبر انقلاب اسـلامی عراق، افزون بر فعالیت های فکری و سیاسـی در داخل، سـعی نمود که با جنبش هـای اسـلامی در سراسـر جهان اسـلام و به ویژه انقلاب اسـلامی ایران و اخوان المسـلمین مصـر ارتباط برقرار کنـد. در اثر این تلاـش هـای شـهید «صـدر» بود که «حزب الـدعوه» و «اخوان المسـلمین عراق» توافق نمودنـد که به طور مشترك فعـالیت هـای سیاسـی و اصـلاحی خودشان را ادامه دهند و از طریق همکاری شـیعه و سنی و ایجاد آگاهی اسلامی در بین مردم، یك دولت اسلامی در عراق برپا گردد.(۲)

به خاطر این اقدامات انقلابی و روشن گرانه «آیت اللّه صدر» بود، که رژیم بعث عراق در یک برنامه حساب شده، «امام صدر» و خواهر محترمه اش را بعـد از دسـتگیری، مظلومانه به شـهادت رسانـد. شـهادت «آیت اللّه صـدر» و اشخاصـی ماننـد ایشان به دست رژیم منفور عراق، اگرچه ضـربه بزرگی بر مردم عراق وارد کرد، ولی نتوانست جلو انقلاب اسـلامی را بگیرد؛ بلکه علما و مردم عراق با هماهنگی بیشتر به رهبری «باقر حکیم» گرد آمده و بر حملات مسلحانه خود شدت بخشیدند.

۱- نهضت های اسلامی شیعیان در عراق، ص ۲۳۴.

۲- ویلی، جویس ان، پیشین، ص ۶۳.

گروه های سیاسی عراق و انقلاب اسلامی

گروه های سیاسی عراق و انقلاب اسلامی

سرزمین عراق پس از به دست آوردن استقلال، آماج خیزش گروه های اسلامی و غیراسلامی گردید. بیشترین رقابت در صحنه های سیاسی و اجتماعی، بین احزاب اسلام گرا و حزب کمونیست عراق وجود داشت. حزب کمونیست که در زمان «عبدالکریم قاسم» شریک دولت عراق به شمار می رفت، حملات خود را متوجه اسلام گرایان کرد. این امر سبب شد که گروه های اصول گرای اسلامی با همبستگی و برنامه ریزی دقیق تر به کارهای سیاسی و نظامی بپردازند. در این جا به برخی از گروه هایی که در راه اندازی حرکت اصلاحی و انقلاب اسلامی عراق نقشی داشته اند، اشاره می گردد:

۱ ـ حزب دعوت اسلامی: این حزب در سال ۱۹۵۷ تحت نفوذ و اشراف «آیت اللّه سید محمدباقر صدر» تشکیل شد و هدف آن ایجاد اصلاحات اجتماعی و سیاسی در جامعه عراق بود. «آیت اللّه صدر» در این رابطه می گوید: «آیین اسلام در گذشته منحرف شده و جدایی مذهب از عرف و آگاهانیدن مردم از ماهیت واقعی مذهب و نقش آن در زندگی را ضروری ساخته است. مجتهدان می توانند با دادن اجتهاد، اصلاحاتی در عملکرد و تفسیر سنتی انجام دهند و به این وسیله به مسلمانان تحصیلکرده و جوان کمک کنند تا ایمان خود را بر اساس منطق تطبیق دهند.»(۱)

حزب دعوت اسلامی را عده ای از دانشمندان و روحانیون عراق رهبری می کنند. این حزب دارای تشکیلات یکپارچه بوده و دامنه فعالیت هایش نه تنها به عراق محدود نیست، بلکه بسیاری از کشورهای عربی و خاورمیانه را

۱- ویلی، جویس ان، پیشین، ص ۵۲ .

شامل می شود. حزب دعوت تلاش کرده تا با تمام جنبش های اسلامی جهان و به ویژه عراق رابطه خوبی داشته باشد. این حزب که تا کنون شهدای زیادی را تقدیم اسلام کرده است می کوشد «تا اسلام را مجددا به صحنه حیات جامعه مسلمین بر گرداند، نه فقط در عراق، بلکه در تمام جهان و در همه زمینه ها: حکومت، اداره جامعه، اقتصاد، جنگ و دفاع.»(۱)

۲ ــ حزب اسلامی: این سازمان در پی ائتلاف حزب دعوت اسلامی و اخوان المسلمین عراق در سال ۱۹۵۹ پایه گذاری شد. این حزب که سرپرستی آن به عهده «آیت اللّه حکیم» بود، در آوریل ۱۹۶۰ اجازه فعالیت سیاسی گرفت و برای نزدیکی جامعه شیعه و سنی عراق تلاش می کرد.

۳ ــ اخوان المسلمین: این سازمان مربوط به جامعه روشن فکر اهل سنت عراق است و در کل، از سیاست های اخوان المسلمین مصر پیروی می کند و با گروه های شیعه عراق رابطه نزدیک دارد.(۲)

۴ ــ سازمان امل اسلامی: این گروه در سال ۱۹۶۱ توسط علمای کربلا تشکیل شد.

۵ ــ سازمان پیکار اسلامی: این سازمان از گردهم آیی عده ای از روحانیون و فرهنگیان متعهد در سال ۱۹۶۷ تشکیل گردید. این حزب که توسط شورای رهبری اداره می شود، در عرصه های سیاسی، نظامی و فرهنگی کار کرده و از نظر تبلیغات، بسیار قوی ظاهر شده است. تا کنون در راه آزادی عراق شهدای زیادی را تقدیم کرده و با جنبش های اسلامی جهان رابطه نزدیک دارد و از

۱- جنبش های آزادی بخش، ص ۱۱.

۲- ویلی، جویس ان.، پیشین، ص ۵۹.

طرفداران انقلاب اسلامی ایران به شمار می آید.

۶ ـ مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق: این سازمان که پایگاه آن در ایران قرار دارد و توسط «آیت اللّه باقر حکیم» رهبری می شود، در واقع پوششی است برای تمام احزاب و مبارزان شیعه در عراق که با «صدام حسین» می جنگند. هم اکنون نیز این سازمان از فعال ترین احزاب اسلام گرای عراق است که در صحنه های سیاسی و نظامی حضور فعال دارد. بیشتر این گروه ها از اندیشه های سیاسی امام خمینی رحمه اللهپیروی می کنند؛ زیرا حضور درازمدت ایشان در دوران مبارزات مردم ایران با رژیم ستم شاهی؛ در عراق تأثیر به سزایی در خیزش انقلاب اسلامی این کشور داشته است. «دکمجیان» در این باره می نویسد: «در اثر نفوذ ایران در بین شیعیان گروه های متعددی به عنوان نماینده مقاومت شیعی در برابر قدرت بعثی به وجود آمدند که اکثر آنها در ارتباط با ایران می باشند. اما پیشروترین این گروه ها حزب دعوت اسلامی می باشد که هسته محوری مقاومت شیعیان به حساب می آید.»(۱)

۱- جنبش های اسلامی در جهان عرب، ص ۲۲۹.

فصل سیزدهم: جنبش اسلامی عربستان

اشاره

فصل سیزدهم: جنبش اسلامی عربستان

عربستان سعودی از نظر موقعیت جغرافیایی در جنوب غرب قاره آسیا، منطقه خاور میانه، در میان خلیج فارس و دریای سرخ قرار گرفته و بیشتر سرزمین آن را صحرای خشک و بی آب و علف تشکیل می دهد.

عربستان از نگاهی تاریخی به علت ظهور اسلام از مکه و مدینه، جایگاه ویژه ای در بین مسلمانان دارد. هم اکنون از جمعیت ۵/۱۴ میلیون نفری این کشور (در سال ۱۹۸۹) ۸۵ درصد آن پیرو مذهب اهل سنت و ۱۵ درصد دیگر شیعه هستند.(۱)

جنبش وهابیت در عربستان

جنبش وهابیت در عربستان

عربستان به این دلیل که زادگاه دین مقدس اسلام محسوب می گردد، دگرگونی های زیادی در آن واقع شده و جنبش ها و اندیشه های بسیاری در این سرزمین رشد و پس از آن به دورترین نقاط عالم پراکنده گردیده اند. از آن جمله از جنبش وهابیت می توان نام برد.

این جنبش در قرن هجدهم میلادی پس از زوال ترکان عثمانی در عربستان با دعوت «محمد بن عبدالوهاب» به وجود آمد. «عبدالوهاب» در نجد متولد شد و از همان کودکی باورهای مردم را زشت می پنداشت و مسخره می کرد. او به خاطر مخالفت با باورهای مردم نجد، به کشورهای عراق، ایران و شام مسافرت کرد و مدت ها در این کشورها ماندگار شد. با

۱- محمد فخری، عربستان، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۸.

تمام این سختی ها، دست از باورهای خرافی خود برنداشت و سرانجام پس از درگذشت پدرش ـ که مخالف عقاید او بود ـ به عربستان برگشت و در سال ۱۱۵۳ آشکارا به تبلیغ دیدگاه هایش پرداخت. اصول کلی دعوت او، بنابر ادعایش، مبارزه با نوآوری و خرافه در اسلام و بازگشت به سنت های واقعی آن بود.(۱)

«محمد بن عبدالوهاب» که جنبش وهابیت را پایه ریزی کرد، پیرو باورهای تند «ابن حنبل» و «ابن تیمیه» بود و خود را پیرو قرآن و سنت قلمداد می کرد و بسیاری از باورهای اسلامی و حتی تفاسیر و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را قبول نداشت و به عنوان بدعت رد می کرد. «علاوه بر این، او مشروعیت سلاطین عثمانی را منکر شد و در راه طرفداری شدید از عقاید و اعمال پیامبر وعظ می کرد. او استفاده از تسبیح، تنباکو، شراب و اجناس لوکس و زیارت اماکن مقدس (زیارتگاه ها) را ممنوع اعلام کرد. پیروان شیخ با توجه به تأکید کلی او بر یگانگی مطلق خدا، موحدین نامیده می شدند و در خارج از عربستان نیز به وهابی ها معروفند.»(۲)

دعوت «عبدالوهاب» در ابتدا با مخالفت مردم نجد مواجه شد، ولی در درازمدت بسیاری به آن رو آوردند. در سال ۱۱۵۸ (۱۷۴۶ م) امیر نجد «محمد بن سعود» دعوت او را پذیرفت و بالاخره وهابیون، نجد را تصرف کردند. با سقوط نجد، زمینه برای گسترش آیین وهابیت در سراسر عربستان آماده شد. از این نکته نباید غفلت کرد که غیر از «محمد بن سعود» و «سعود

۱- سید احمد موثقی، پیشین، ص ۱۴۶.

۲- هرایر دکمجیان، پیشین، ص ۳۴۴.

بن عبدالعزیز»، امرای بعدی نجد و عربستان نیز، نقش مهمی در گسترش وهابیت داشتند. آنها با حمله، ضرب زور و سرنیزه، همسایگان خود را وادار به قبول وهابیت می کردند. به طوری که وهابیت بعد از سلطه بر تمام عربستان، در سال ۱۸۰۳ میلادی، نفوذ خود را در خلیج فارس گسترش داد.

در اوایل قرن نوزدهم شهرهای سوریه، عراق و فلسطین مورد هجوم وهابیان قرار گرفت، به ویژه دو شهر مقدس کربلا و نجف از حملات وهابیان در امان نماند و بین سال های ۱۲۱۶ _ ۱۲۲۵ چندین بار مورد شدیدترین تهاجمات واقع شد. وهابیان که از همان آغاز با عقاید شیعیان به مخالفت برخاستند، بعد از خراب کردن گنبد و بارگاه ائمه شیعه، اشیای قیمتی آنها را چپاول کردند. یکی از نویسندگان وهابی درباره حمله وهابیان در سال ۱۲۱۶ به کربلا می نویسد: «به زور وارد شهر شدند. بیشتر مردم را در کوچه و بازار و خانه ها به قتل رسانیدند و نزدیک ظهر با اموال و غنایم فراوان از شهر خارج شدند و در آبی به نام ابیض گرد آمدند. خمس اموال را خود سعود برداشت و بقیه را به هر پیاده یک سهم و به هر سواره دو سهم قسمت کرد.»(۱)

دولت وهابی عربستان در اوایل قرن نوزدهم، سخت به چپاول و تاراجگری رو آورده بود و کشورهای همسایه هر از چندگاهی، مورد تجاوز و دستبرد وهابیون قرار می گرفتند. در این هنگام «محمدعلی پاشا»، حاکم مصر به دستور دولت عثمانی به عربستان که کلید فتح سوریه و عراق به شمار می آمد در سال (۱۸۱۱ م.) ۱۲۶۶ ق حمله کرد و به لشکرکشی های وهابیان پایان داد و آنان سرکوب شدند.

۱- سید احمد موثقی، پیشین، ص ۱۴۹.

نفوذ جنبش وهابیت در عربستان

نفوذ جنبش وهابیت در عربستان

جنبش وهابیت یک حرکت سلفیه ای بود که از سال ۱۷۸۶ تا ۱۸۱۴، در سرزمین عربستان رونق فراوان داشت و بیشتر طرفداران آن را قبایل بیابانگرد شبه جزیره عربستان تشکیل می دادند. اما در خارج از عربستان به علت وحشی گری و ستمی که بر مخالفان خود روا می داشت مورد استقبال قرار نگرفت.

آنچه که باعث شد تا اندیشه «عبدالوهاب» نتواند در بین جوامع اسلامی راه پیدا کند، دو امر است:

۱ _ مخالفت با شیعیان و تکفیر آنان تحت عنوان بدعت گذاری در دین، یکی از اشتباهاتی بود که وهابیان مرتکب شدند. آنان در این عقیده خود چنان پایبند بودند که در مرحله اول، مبارزات خود را با باورها و مقدسات شیعیان شروع کردند. «آنان حتی در ایام زیارت حج و عید غدیر، به زوّار شیعه ایرانی و سایر بلاد حمله ور شدند، گنبد و بارگاه ائمه شیعه را خراب کردند و شیعیان را به وضع فجیعی کشتند.»(۱)

۲ _ وهابیون در منازعات ترکان عثمانی و انگلیس، جانب انگلیسی ها را گرفتند. زیرا وهابیون، ترکان عثمانی را غاصب خلافت می دانستند و به همین خاطر مبارزه با آنها را جایز کرده بودند. این موضع گیری وهابیت در برابر دولت عثمانی سبب شد تا جلو تاراج و لشکرکشی وهابیت در نیمه اول قرن بیستم توسط امپراتوری عثمانی گرفته شود.

در حال حاضر تفکر وهابیت در عربستان نیز جذابیت خود را از دست

۱- عبدالوهاب فراتی، پیشین، صص ۲۰۰ _ ۲۰۱.

داده است و تضاد در درون جامعه عربستان افزایش پیدا کرده، گرایش های سنتی، سلفی و اسلامی غیروهابی و لیبرال مذهبی و نیز تجددخواهی و غرب زدگی در حال رشد و یا در رویارویی با یکدیگرند.(۱) در سیاست های داخلی و خارجی رژیم عربستان، به عنوان پشتیبان وهابیت، از اوایل دهه هفتاد به این سو تغییر اساسی به وجود آمده است. حاکمان آل سعود با جلوگیری از تندروی های گروه های وهابی، سعی می کنند که راه محافظه کارانه و مورد پسند امریکا و غرب را در پیش بگیرند. بنابراین جنبش وهابیت به عنوان یک حرکت واپس گرایانه، سلفی و ناتوان از پاسخگویی به نیازهای امروز جامعه، آخرین نفس های خود را می کشد.

جنبش اسلامی جزیره العرب

جنبش اسلامی جزیره العرب

کشور عربستان در سال ۱۳۵۱ ق (۱۹۳۲ م)، در پی اخراج نیروهای عثمانی از این سرزمین و توافق «عبدالعزیز سعودی» با دولت انگلستان پایه گذاری شد. از آن زمان تا کنون حکومت این کشور در دست آل سعود است. با وجودی که عربستان دارای منابع طبیعی و نفت است، این سرمایه ملی هیچ گاه به دست مردم فقیر و بیچاره نرسید. تنها کسانی که از این سرمایه ملی سود می برند، فرمانروایان آل سعود و خانواده های آنها هستند که از خود اختیار و اراده ای ندارند، زمانی انگلیسی ها و امروز امریکایی ها بر آنان سلطه دارند.

مردم عربستان از این وضعیت ناراضی هستند و بارها در برابر حکومت آل سعود قیام کرده اند که متأسفانه در هر بار بی رحمانه به دست مزدوران رژیم حاکم و اربابان خارجی آنها سرکوب گردیدند. از جمله در سال ۱۹۵۳، مردم در ستیز با بی عدالتی در کشور اعتصاب کردند و این اعتصاب دو هفته

۱- سید احمد موثقی، پیشین، ص ۱۸۲.

به طول انجامید، خاندان آل سعود با استفاده از پایگاه امریکا در «ظهران» مردم بی دفاع را سرکوب و تعداد زیادی از رهبران دینی و روشن فکران را کشته و اسیر کردند.(۱) این فشارها هیچ وقت نتوانست روحیه آزادی خواهی مردم شبه جزیره عربستان را از بین ببرد. برای همین، شورش های اعتراض آمیز همواره در استان های شرقی این کشور که محل زندگی شیعیان است، ادامه داشته است.

در سال ۱۹۵۲ اولین تشکل سیاسی مربوط به شیعیان به وجود آمد و رهبری آن را «محمد الحبشی» بر عهده داشت، ولی دولت سعودی هرگز آن را به رسمیت نشناخت و حتی آن را غیرقانونی اعلام کرد. اعتراض شیعیان در شبه جزیره، در آغاز بیشتر به شکل تظاهرات صورت می گرفت که در اثر بی توجهی دولت به خواسته های آنان، بین سال های ۱۹۷۰ _ ۱۹۸۲ به خشونت گراییده و از شدت بیشتری برخوردار شد. تظاهرات و اعتراض های شیعیان که از سوی «سازمان انقلاب اسلامی شبه جزیره عربستان» سازمان دهی می شد، معمولاً در ماه های محرم به خشونت می گرایید. پادشاهی سعودی برای سرکوب این شورش ها، گارد ملی خود را به قطیف و سیحات می فرستاد تا قیام شیعیان را سرکوب نماید.(۲)

۱- حسین هدی، علیرضا بهشتی، پیشین، ص ۱۱۱.

۲- هرایر دکمجیان، پیشین، ص ۲۵۶.

در محرم ۱۴۰۰ ق تظاهرات بزرگی در شهر مکه راه افتاد، ده ها هزار تظاهر کننده کوس رسوایی رژیم را کوبیدند. در این تظاهرات مردم جزیره العرب خواستار سرنگونی حکومت دست نشانده امریکا در این کشور و برپایی نظام جمهوری اسلامی شدند. راهپیمایان، یکصدا از انقلاب اسلامی و امام خمینی رحمه الله پشتیبانی نمودند. رژیم آل سعود این بار نیز تظاهر کنندگان را با سنگدلی تمام به رگبار مسلسل بست و ده ها هزار نفر از انقلابیون شهید، زخمی و اسیر شدند.

مواضع فکری گروه های سیاسی عربستان و انقلاب اسلامی ایران

مواضع فکری گروه های سیاسی عربستان و انقلاب اسلامی ایران

جنبش وهابیت یکی از قدرتمندترین گروه هایی است که تا کنون در صحنه سیاسی و مذهبی این کشور نقش اصلی را بازی کرده است. هم اکنون نیز وهابیت قدرت مذهبی عربستان را در دست دارد. اگرچه وهابیون از بسیاری باورهای تندروانه خود چشم پوشی کرده اند، ولی تا کنون سعی نموده اند که گرایش های انقلابی و نوگرایانه را تحت عنوان «بدعت در دین» به شدت سرکوب نمایند. بر همین اساس کمتر فرصتی به وجود آمده است تا گروه های بنیادگرای اسلامی در عربستان خودنمایی کنند. فرمانروایان آل سعود نیز که ادعای رهبری جهان اسلام را، به خاطر اداره حرمین شریفین داشتند، می خواستند اسلام امریکایی را در جهان عرضه نمایند.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحولی بزرگ در جهان اسلام بود و حکام آل سعود که از اصول گرایی اسلامی ناشی از آن احساس خطر می کردند، به سردی از انقلاب اسلامی استقبال کردند. زیرا انقلاب اسلامی در ایران، از یک سو مسلمانان را بیدار و نقش دین در اداره جامعه را مطرح

نمود، از طرف دیگر اقشار مختلف جامعه عربستان را به سوی دین اسلام متوجه کرد.(۱)

در اثر این دگرگونی ها، اصول گرایی در داخل عربستان رشد چشم گیری یافت و با وجود فشارهای وهابیت و حکام آل سعود، احزاب بنیادگرا و سیاسی در جامعه عربستان افزایش پیدا کرد. در این جا به برخی از آنها اشاره می شود:

۱ _ سازمان انقلاب اسلامی شبه جزیره عربستان: این سازمان یکی از گروه های فعال در صحنه سیاسی شیعیان عربستان است که در سال ۱۹۵۲ تشکیل گردید. اهداف و انگیزه سازمان، در اعلامیه ای که به مناسبت قتل عام مکه در ۲۰ محرم ۱۴۰۰ ه . ق صادر شد، چنین بیان شده است:

الف _ پایان دادن به نظام پادشاهی و ایجاد جمهورری اسلامی در عربستان؛

ب _ مصادره اموال خاندان آل سعود، محاکمه آنان و برقراری عدالت اجتماعی؛

ج _ قطع صدور نفت به امریکا به دلیل سیاست های اسلام ستیزی که دارد؛

د _ اخراج تمامی نظامیان و مستشاران خارجی از عربستان.(۲)

۲ _ حزب آزادی بخش شبه جزیره: این گروه نیز متعلق به شیعیان است و برای برآورده شدن خواسته های آنان مبارزه می کند.

۳ _ حزب اللّه حجاز: این سازمان نیز مربوط به جامعه شیعیان است که متأثر از انقلاب اسلامی ایران می باشد.

۱- سید احمد موثقی، ص ۱۸۱.

۲- حسین هدی، علیرضا بهشتی، پیشین، ص ۱۱۴.

۴ _ جامعه تبلیغات: این حزب از گروه های میانه رو اهل سنت است.

۵ _ اهل الحدیث: از احزاب میانه رو اهل سنت در عربستان است.

۶ _ اخوان المسلمین: این گروه متعلق به جامعه اصول گرایی اهل سنت است که اهداف اخوان المسلمین مصر را دنبال می کند.

از میان گروه های سیاسی در عربستان، هدف احزاب شیعی که میانه خوبی با دولت سعودی ندارند، بیشتر سرنگونی نظام پادشاهی در شبه جزیره است. این سازمان ها که توسط روحانیت و از جمله «شیخ سعید صفار» رهبری می شوند، با انقلاب اسلامی رابطه خوبی دارند و از ایران تغذیه فکری می شوند.

اما گروه های اسلام گرای اهل سنت، رابطه نزدیکی با جوامع بنیادگرایی در جهان عرب، به ویژه اخوان المسلمین مصر و شاخه های آن در کویت، مغرب و خلیج فارس دارند. در واقع رژیم آل سعود با فشار زیادی از سوی این گروه های سنی مواجه است. بدون تردید از زمان اشغال خانه کعبه به دست اصول گرایان در ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹، نشانه های گسترده رستاخیز مذهبی به ویژه در میان دانشجویان و دانشگاهیان، آشکار شده است.(۱) این گرایش های اصول گرایی که از انقلاب اسلامی مایه می گیرند(۲)، تا کنون کمتر از خود حرکت های تند انقلابی بروز داده اند.

۱- هرایر دکمجیان، پیشین، ص ۲۵۹.

۲- هرایر دکمجیان، پیشین، ص ۲۴۳.

فصل چهاردهم: جنبش اسلامی فلسطین

اشاره

فصل چهاردهم: جنبش اسلامی فلسطین

فلسطین از کشورهای خاورمیانه است که در شرق دریای مدیترانه قرار دارد. این سرزمین مانند پلی سه قاره آسیا، افریقا و اروپا را به هم پیوند می دهد و به همین دلیل، قلب جهان عرب و حلقه پیوند شرق و غرب به شمار می آید. این موقعیت ویژه، کشور فلسطین را به یک منطقه راهبردی در جهان تبدیل کرده است.

فلسطین در سال هفدهم هجری توسط لشکریان اسلام فتح شد. تصرف این سرزمین برای مسلمانان اهمیت فراوان داشت؛ چون مسجدالاقصی، قبله اول مسلمان ها در این منطقه واقع شده بود. وقتی ساکنان فلسطین با رفتارهای ملایم و نرم سپاهیان ساده اسلام روبه رو شدند، شیفته آنان گردیده و به اسلام گرویدند. هم اکنون جمعیت این کشور بر اساس برآورد سازمان مرکزی آمار فلسطینی، تا اوایل سال ۲۰۰۰ میلادی بیش از هشت میلیون نفر است که در سراسر جهان زندگی می کنند. بیشتر این تعداد را مسلمانان تشکیل می دهند که ۴۹ درصد همچنان در سرزمین مادری شان زندگی می کنند و ۵۱ درصد دیگر آواره می باشند.(۱)

۱- هفته نامه وحدت، ش ۳۶۲، ۱۷/۹/۱۳۷۹.

پیدایش نهضت اسلامی فلسطین

پیدایش نهضت اسلامی فلسطین

فلسطین که محل تلاقی سه دین بزرگ آسمانی (اسلام، مسیحیت و یهود) است، تاریخ سراسر حادثه و غمباری دارد. این کشور در سال ۳۹۵ میلادی به عنوان مستعمره رم غربی اداره می شد و از میانه قرن هفتم میلادی تا قرن شانزدهم، اعراب مسلمان بر آن حکومت می کردند. سرزمین فلسطین از سال ۱۵۱۷ تا سال ۱۹۱۷ میلادی جزو سرزمین های امپراتوری عثمانی به شمار می آمد.

اولین همایش صهیونیسم برای دستیابی به سرزمین موعود در سال ۱۸۹۷ در شهر «بال» سوییس به سرپرستی «هرتزل» برگزار شد و هدف خود را این گونه اعلام نمود:

«هدف صهیونیسم عبارت است از ایجاد یک وطن قومی برای ملت یهود در سرزمین فلسطین.»(۱)

در پی این اقدام همایش صهیونیستی، بریتانیا طرحی مشهور به اعلامیه بالغور» را مبنی بر تشکیل دولت مستقل برای ملت یهود در فلسطین و مهاجرت یهودیان تمام جهان به این سرزمین در نوامبر ۱۹۱۷ ارایه کرد.

این تصمیم اول استعمارگر اروپایی که همزمان با جنگ جهانی اول بود و امپراتوری عثمانی نیز به علت مشکلات و اختلافات داخلی، آخرین نفس های خود را می کشید، به آسانی اجرا شد. قبل از اینکه جنگ جهانی اول پایان یابد، سرزمین های امپراتوری عثمانی بر اساس موافقت نامه «سایکس _ پیکو» بین انگلیس و فرانسه تقسیم گردید. تجزیه قلمرو عثمانی، زمینه را هر چه

۱- سرزمین اسلام و شناخت کشورهای اسلامی، ص ۱۱۶.

بیشتر برای تحقق اعلامیه بالفور و طرح خائنانه بریتانیا و دول اروپایی آماده کرد و یهودیان پاداش ایجاد کشور مستقل را از انگلیس دریافت کردند. در راستای اجرای این طرح، بریتانیا با همراهی «شریف حسین» حاکم وقت حجاز موفق شد که عثمانی ها را از فلسطین بیرون کند و به این ترتیب دروازه های فلسطین به روی یهودیان دیگر کشورها گشوده شد.

شروع مهاجرت یهودیان به فلسطین، موجب ناآرامی هایی در این کشور گردید و عرب های مسلمان با قیام های آوریل ۱۹۲۰ و مه ۱۹۲۱ و اوت ۱۹۲۹ مخالفت خود را با مهاجرت یهودیان و اعلامیه بالفور اعلام کردند. این قیام ها اگرچه نتوانست جلو مهاجرت یهودیان به فلسطین را بگیرد، ولی زمینه ای شد برای قیام های بعدی که بین سال های ۱۹۳۶ _ ۱۹۳۹ به طور گسترده تر آغاز شد. رهبری نهضت مردم فلسطین را در این دوره «شیخ عزالدین قسام» بر عهده داشت.

در نوامبر ۱۹۴۷، سازمان ملل متحد با هدف فرو نشاندن جنبش های فلسطینی و تحت تأثیر افکار صهیونیستی، قطعنامه شماره ۱۸۱ خود را مبنی بر تقسیم سرزمین فلسطین به دو کشور یهودی و عربی صادر کرد.(۱) صدور این قطعنامه باعث شد که «شورای جهانی صهیونیسم» موجودیت اولین دولت «اسراییل» را در فلسطین اعلام نماید. همزمان با پایه گذاری دولت اسراییل، انگلستان نیز در ۱۵ مه ۱۹۴۸ پایان قیمومیت خود بر این کشور را اعلام کرد.

۱- راشد الغنوشی، مسأله فلسطین و ماهیت طرح صهیونیسم، مترجم: سید هادی خسروشاهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چ ۱، ۱۳۷۰، ص ۱۱ _ ۱۰.

در واکنش به موجودیت دولت اسراییل در فلسطین، ارتش کشورهای عربی وارد جنگ با متجاوزان اسراییلی شد، ولی در اثر خیانت برخی از سران کشورهای عربی نتوانست کاری انجام دهد و به آتش بس تن داده و عقب نشینی کرد. این حرکت عرب ها که هیچ گونه نتیجه ای نداشت، لکه ننگی در تاریخ آنها به شمار می آید. موافقت اعراب با آتش بس باعث نا آرامی و شورش هایی در کشورهای عربی شد که با ترور «ملک عبداللّه » در بیت المقدس آغاز و با براندازی رژیم های پادشاهی در مصر، عراق و سوریه ادامه یافت.

با جدی شدن طرح صهیونیست ها و حامیان خارجی آنها، جنبش آزادی بخش مردم فلسطین شکل گرفت و در نخستین همایش مردم فلسطین که در ۲۸ ماه مه ۱۹۶۴ در بخش عرب نشین شهر بیت المقدس برگزار شد، سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف)؛ با هدف هماهنگی مبارزان پایه گذاری شد و در پی آن، ارتش ملی و مجلس ملی فلسطینی تشکیل شد. رییس کمیته اجرایی این سازمان در ابتدا «احمد نشقیری» بود و با کناره گیری او، در گردهم آیی پنجم «مجلس ملی فلسطین» این سمت به عهده «یاسر عرفات» (ابو عمار) گذاشته شد و هم اکنون نیز او رییس کمیته اجرایی ساف است.

با تشکیل سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) مبارزات مسلحانه مبارزان فلسطینی با استفاده از خاک سوریه و اردن با متجاوزان اسراییلی شدت گرفت. «یاسر عرفات» ضمن رد تقسیم فلسطین گفت: «خلق ما پراکنده است و سرزمین ما اشغال شده، ما واقعیت اشغال صهیونیستی را نخواهیم پذیرفت

و با ستم تجاوزگران اسراییلی مبارزه خواهیم کرد.»(۱)

در این هنگام که اوج مبارزات مردم فلسطین به شمار می رفت، امریکا به کمک اسراییل شتافت و طرح «راجرز» را که جنگ با اسراییل را متوقف می کرد، ارایه داد. پذیرش این طرح از سوی «جمال عبدالناصر» در عمل، اعراب را رو در روی هم قرار داد و جنگ با اسراییل را (همان گونه که هدف طرح امریکا بود) به جنگ اعراب مبدل ساخت. کشتار سپتامبر سیاه اردن، به دست «شاه حسین» در سال ۱۹۷۰ که گروه زیادی از مبارزان فلسطینی در آن به شهادت رسیدند و قتل عام «تل الزعتر» در سال ۱۹۷۶ به دست ارتش سوریه و ملیشه های مسیحی در لبنان(۲)، از پیامدهای شوم طرح امریکایی «راجرز» بود.

کشورهای عربی و اتحادیه عرب که پیش از موجودیت اسراییل در سال ۱۹۴۵ پایه گذاری شد، به عنوان حامیان اصلی فلسطینی ها، در برابر اقدامات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی اسراییل هیچ کار عملی و جدی را نتوانست انجام دهد و تنها کار اتحادیه این بود که بعد از اشغال سرزمین های فلسطینی، شیوخ و شاهزادگان عرب در یکی از کشورهای عربی گردهم آمده و به محکومیت زبانی و پشتیبانی خشک از فلسطینیان بسنده کردند.

ماهیت جنبش اسلامی فلسطین و اهداف رژیم صهیونیستی

ماهیت جنبش اسلامی فلسطین و اهداف رژیم صهیونیستی

بررسی تاریخ مبارزات و انقلاب اسلامی فلسطین نشان می دهد که این انقلاب با انگیزه های اسلامی در برابر توطئه های صهیونیستی به وجود آمد.

۱- جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۱/۱/۱۳۵۹.

۲- راشد الغنوشی، مسأله فلسطین و ماهیت طرح صهیونیسم، مترجم: سید هادی خسروشاهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چ ۱، ۱۳۷۰، ص ۱۷.

اگر چه انقلاب مردم فلسطین در مسیر حرکت خود دچار لغزش هایی شد که بیان خواهیم کرد، ولی آنچه که از لابه لای تاریخ مبارزات مردم مظلوم فلسطین به دست می آید، ماهیت اسلامی آن است. برای روشن شدن این ادعا، در ابتدا باید در نظر داشت که هدف صهیونیست ها از تجاوز به فلسطین، تنها پایه گذاری دولت اسراییل در این سرزمین نبود، بلکه آنها اهداف شوم استعماری دیگری نیز داشتند که مرور کوتاهی بر آنها داریم:

۱ ـ از بین بردن اسلام و مسلمانان: بدون شک یکی از اهداف مهم دولت صهیونیستی اسراییل، رویارویی و ستیز با اسلام و مسلمانان بود. تخریب و حفاری در بیت المقدس، قبله اول مسلمانان و کشتار دسته جمعی مسلمانان نمازگزار و بی گناه از این نیت پلید رژیم صهیونیستی پرده برمی دارد. با این انگیزه است که مقامات اسراییل، اعراب مسلمان را مورد اهانت قرار داده و جان و مال و ناموس آنها را به بازیچه گرفته اند.

یک مقام رژیم صهیونیستی (رافائل ایتان) می گوید: «عرب ها جیرجیرک هایی هستند که باید بدترین خشونت را علیه آنها به کار ببریم، خشونت هایی چون اعدام، زندان و تخریب خانه هایشان را باید به کار برد. اعراب هیچ حقی بر ما ندارند. آنان باید در خدمت دولت ما باشند، در مقابل هر سنگی که به سوی ما پرتاب می شود، باید ده ها شهرک بسازیم».(۱)

امام خمینی رحمه الله از شخصیت های برجسته جهان اسلام است که این هدف رژیم صهیونیستی را از همان ابتدا درک کرده بود و بر این باور بود که خطر صهیونیسم، نه تنها بیت المقدس و فلسطین را تهدید می کند، بلکه «اسراییل

۱- حسین مظفر، فلسطین و منافع ملی ما، پاسدار اسلام، سال ۲۱، ش ۱۴۵، ص ۳۴.

قیام مسلحانه بر ضد کشورهای اسلامی نموده است و بر دول و ملل اسلام، قلع و قمع آن لازم است. کمک به اسراییل، چه فروش اسلحه و مواد منفجره و چه فروش نفت حرام و مخالف با اسلام است».(۱)

امام خمینی رحمه الله به عنوان یک فرد اسلام شناس و پشتیبان احکام و ارزش های اسلامی، تنها به بیان خطر صهیونیسم بسنده نکرد و راهکاری را نیز برای از میان بردن این غده سرطانی ارایه نمود که آن همبستگی ملت های مسلمان و قیام آنها در برابر رژیم اشغالگر اسراییل بود.

«مسلمان ها ننشینند که حکومت هایشان برایشان عمل بکنند و اسلام را از دست صهیونیسم نجات بدهند، ننشینند که سازمان های بین المللی برای آنها کار بکنند، ملت ها خودشان قیام کنند در مقابل اسراییل و حکومت های خودشان را وادار کنند که در مقابل اسراییل بایستند و اکتفا نکنند به محکوم کردن».(۲)

۲ ــ تصرف سرزمین های اسلامی: هدف رژیم صهیونیستی، تنها سلطه بر فلسطین نیست و در واقع صهیونیست ها بر این باورند که سرزمین موعود آنها از نیل تا فرات است و این مناطق باید در اختیار دولت اسراییل قرار گیرد و ساکنان آن مجبورند که منطقه را ترک کنند و یا قتل عام شوند. «نتانیاهو» با فرا ملی توصیف کردن مرزهای اسراییل می گوید: «اسراییل تنها به مرزهایی که سازمان ملل برای آن در نظر گرفته محدود نمی شود، بلکه مرزهای واقعی

۱- فصل نامه حضور، دوره دوم، تابستان ۱۳۷۴، ش ۱۲، ص ۱۱۹.

۲- صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۶۳ (سخنرانی امام در ۲۵/۹/۱۳۶۰، در جمع فارغ التحصیلان و فرمانده آموزشگاه افسری ژاندارمری و...).

اسراییل را خدا تعیین کرده است».(۱)

«وایز من»، رییس جمهور گذشته اسراییل در همین ارتباط می گوید: «اسراییل مساوی ۷۷۰/۲۰ کیلومتر مربع میان مدیترانه و اردن و سوریه و لبنان نیست، اسراییل یک شبکه موجود جهانی است و اگر غیر از این بود اسراییل در اولین جنگ از میان رفته بود».(۲)

امام خمینی رحمه الله این خوی توسعه طلبی و سلطه جویی صهیونیست ها را بارها و به شیوه های مختلف بیان کرده و درباره آن به کشورهای اسلامی هشدار داده است: «اگر جلوی این جرثومه فساد گرفته نشود، طمع او بر تمام منطقه است و او قناعت نمی کند فقط بر فلسطین و مسجدالاقصی، همه را می خواهد غلبه کند».(۳)

«من قریب ۲۰ سال است که به کشورهای عربی توصیه می کنم که باهم مجتمع شوید و این ماده فساد را طرد کنید. اگر اسراییل قدرت پیدا کند اکتفا به بیت المقدس نمی کند.»(۴)

۳ _ ادعای مالکیت فلسطین و خروج اعراب از آن: صهیونیست ها فلسطین را سرزمین آبا و اجدادی خود می دانند و به همین علت زندگی مشترک با ساکنان عرب این سرزمین را رد کرده اند. «دیوید بن گورین»، اولین نخست وزیر رژیم اشغالگر صهیونیستی می گوید: «هیچ جایی از فلسطین متعلق به غیر یهودیان نیست، ما به اعراب خواهیم گفت که از آن جا خارج

۱- فلسطین و منافع ملی ما، ص ۳۵.

۲- فلسطین و منافع ملی ما، ص ۳۵.

۳- صحیفه نور، ج ۶، ص ۵.

۴- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۱۶.

شوند و اگر آنها این کار را نکردند ما آنان را به زور اخراج خواهیم کرد. وضـعیت فلسـطین تنها با اعمال زور حل و فصل می شود».(۱)

«اسـحاق شامیر»، یکی از نخست وزیران گذشته اسراییل می گوید: «سرزمین اسراییل از آن ملت اسراییل است و تا آخر خواهد بود و هیچ شریکی را بر سرزمین خود نمی پذیرد».(۲)

۴ ـ ادعـای برتری نژادی: جریـان صـهیونیستی پیش از آنکـه یـک جریـان دینی باشـد، یـک جریـان سیاسـی و نژادی اسـت و صهیونیست ها ادعای برتری بر سایر ملت های جهان را دارند. «تئودور هرتزل»، نظریه پرداز قوم یهود، با نفی دینی بودن جریان صهیونیستی، برتری نژاد یهود را مطرح می کنـد و عقیـده دارد: «ملت یهود، تنها یک طایفه یا دین نیست، بلکه یک جریان قوم گرایـانه است، به همین دلیـل یهودیان از هر نژاد، کشور، ملیت، طبقه و فرهنگ بایـد در راه یک هـدف، ماننـد ملتی واحـد در کنار هم به فعالیت بپردازند... یهود، ملتی است کاملاً متمایز و برتر نسبت به سایر ملل و ابناء بشر...».(۳)

به واسـطه این روحیه نژادگرایی و برتری جویی است که امـام خمینی رحمه اللهجریـان صـهیونیستی را جـدای از دین یهود می داند و عقیده دارد که ما با دین یهود مخالفت نداریم، ما با اهداف تجاوزکارانه سردمداران صهیونیستی مخالف هستیم.

«ما حساب جامعه یهود را از حساب صهیونیست ها جدا می دانیم، آنها

۱- فلسطین و منافع ملی ما، ص ۳۶.
۲- فلسطین و منافع ملی ما، ص ۳۵.
۳- فلسطین و منافع ملی ما، ص ۳۵.

(صهیونیست ها) اهل مذهب نیستند و قیام بر ضد مستکبرین، طریقه حضرت موسی _ سلام اللّه علیه _ بوده و این درست برخلاف صهیونیست هاست، حساب جامعه یهود غیر از حساب جامعه صهیونیست است و ما با آنها مخالف هستیم و مخالفت ما برای این است که آنها با همه ادیان مخالف هستند، آنها یهودی نیستند، آنها مردمی سیاسی هستند که به اسم یهود کارهایی می کنند و یهودی ها هم از آنها متنفر هستند و همه انسان ها باید از آنها متنفر باشند».(۱)

۵ _ ایجاد جدایی بین جوامع اسلامی: یکی از اهداف اصلی دولت اشغالگر اسراییل ایجاد اختلاف و جدایی بین کشورهای اسلامی است؛ این مهم ترین سلاح مؤثر مستکبران در طول تاریخ است که با استفاده از آن سعی کرده اند به اهداف نامشروع خود دست یابند. بر اساس این انگیزه بود که غربیان، اسراییل را به وجود آوردند و بعد هم پشتیبانی کردند؛ چون همبستگی کشورهای اسلامی به زیان هر دو تمام می شد.

مقام معظم رهبری، حضرت آیت اللّه خامنه ای با اشاره به این تعامل رژیم صهیونیستی و دول غربی می فرماید: «غرب و قدرت های غربی از آغاز پیدایش غده سرطانی صهیونیسم در این منطقه باهم تعامل دو جانبه ای داشتند، وظیفه اسراییل این بوده که منافع قدرت های متجاوز غربی را در منطقه اسلامی حفظ کند، یعنی همیشه رو در روی کشورهای اسلامی و تهدید دایمی بالفعل قرار داشته باشد و کشورهای اسلامی را در یک دغدغه

۱- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۶۵.

دایمی نگه دارند، تا آنها نتوانند باهم متحد شوند و یک مجموعه همدل و هم جهت را به وجود بیاورند و از امکانات و ثروت و نیروی انسانی خود برای منافع شان استفاده کنند. متقابلاً وظیفه آنها هم این بوده است که این غده سرطانی را در این منطقه با همه وجود نگه دارند، البته امروز این نقش بیشتر از همه بر عهده امریکاست».(۱)

انقلاب اسلامی فلسطین که با هدف متوقف و خنثی کردن آرمان و طرح های صهیونیستی به وجود آمد، ابعاد مختلفی دارد. این ابعاد همان گونه که در نشریات خود جنبش آزادی بخش فلسطین بیان شده، عبارت است از:

الف ــ بعد میهنی: که در مقاومت و مبارزه مردم فلسطین با اشغالگران اسراییلی برای بازگشت آنان به زادگاه و سرزمین های خویش متبلور می گردد.

ب ــ بعد اسلامی و ادای تکلیف: اگر چه این بعد تا قبل از انتفاضه فلسطین کمرنگ بود، ولی اسلام در ماهیت انقلاب فلسطین بروز کرد و جهاد در راه خدا محور آن قرار گرفت. آشکارترین نشانه این بعد از انقلاب فلسطین، مخالفت مجاهدان راستین فلسطینی و جهان اسلام با قرارداد صهیونیستی صلح «کمپ دیوید» است.

ج ــ بعد ملی و عربی: فلسطین محور نبرد جهان عرب با اسراییل به شمار می آید و تأثیر مستقیم بر کشورهای عربی دارد؛ زیرا آنچه که در فلسطین اتفاق می افتد، در دگرگونی های سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی عربی تأثیر می گذارد و در واقع زمینه ای است برای آگاهی ملت عرب و مسلمان که

۱- حسین مظفر، فلسطین و منافع ملی ما، پیشین، ص ۳۷.

خطر صهیونیسم بین الملل و استعمار را آشکار می سازد.

د ــ بعد جهانی و بین المللی: انقلاب فلسطین یکی از اساسی ترین جنبش های رهایی بخش جهان است که برقراری صلح جهانی به آن وابسته است.(۱)

تا زمانی که مردم مسلمان فلسطین به حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شان نرسند، افزون بر این که صلح جهانی به خطر خواهد افتاد، استکبار جهانی و رژیم اشغالگر صهیونیستی نیز روی امنیت و آرامش را نخواهند دید.

انتفاضه یا آغاز نوین قیام اسلامی فلسطین

انتفاضه یا آغاز نوین قیام اسلامی فلسطین

دهه ۸۰ مهم ترین دوره تاریخ مبارزات مردم فلسطین به شمار می رود. زیرا از یک طرف برخی از گروه های فلسطینی و ساف در اثر نفوذ اندیشه های ناسیونالیسم، سوسیالیسم و مارکسیسم و خستگی ناشی از مبارزات طولانی، به مذاکره با رژیم اشغالگر اسراییل روی آوردند. حاضر شدن سران برخی از کشورها و گروه های فلسطین پای میز مذاکره به اصطلاح صلح خاورمیانه، نه تنها دستاورد مثبتی برای آنها و مردم فلسطین در بر نداشت، بلکه آبرو و اعتبار خود آنها را نیز از میان برد. امروز مردم فلسطین به خوبی دریافته اند که چه کسانی به آنها خدمت می کنند و چه کسانی خیانت.

از طرف دیگر، مبارزان واقعی فلسطین و آنها که طرح صلح خاورمیانه را توطئه از سوی پشتیبانان رژیم صهیونیستی برای گرفتن سرزمین های بیشتر می دانستند، جنگ را به داخل سرزمین های اشغالی کشانده و با سنگ به رویارویی با توپ و تانک رفتند. «تا قبل از انتفاضه، تصمیم گیری برای مبارزه

۱- جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۱/۱/۱۳۵۹.

عمدتا در خارج از سرزمین های اشغالی و به دست گروه ها و سازمان های سیاسی که خود تحت تأثیر کشورهای دیگر بودند صورت می گرفت و به لحاظ اجرایی هم بیشتر مبارزات در خارج از فلسطین انجام می شد؛ اما از زمان شروع انتفاضه، مبارزات به دست مردم سرزمین های اشغالی و در شهر و روستاهای فلسطین صورت می گیرد». (۱)

مرحله جدیدی از مبارزات مردم مسلمان فلسطین که با نام «انتفاضه» از سرزمین های اشغالی آغاز شد، موج تازه ای از اسلام گرایی و بیداری ساکنان مناطق اشغال شده را به همراه داشت. زیرا مردم مظلوم سرزمین های اشغالی، بعد از پنجاه سال تحمل فشار و ستم صهیونیست ها و ناتوانی گروه های پر طمطراق فلسطینی در برآورده نمودن خواسته های آنان، خود وارد میدان شدند. و برای آزادی سرزمین های خود و در مخالفت با طرح ننگین صلح خاورمیانه، انتفاضه مردم فلسطین را به وجود آوردند. انتفاضه در حقیقت آخرین راه حلی بود که در دسترسی فلسطینیان به سرزمین های اشغالی قرار داشت و در غیر این صورت آنها مجبور بودند یا زادگاه خود را ترک گویند و یا قتل عام شوند؛ ولی پذیرش این دو امر برای مبارزان فلسطینی و گروه های مخالف سازش با اسراییل، سخت تر از آن بود که با سنگ به خیابان ها ریخته و در مقابل ارتش تا دندان مسلح صهیونیست ها ایستادگی نمایند.

با شروع انتفاضه فلسطین، انقلاب مردم مظلوم این کشور بعد از سال ها مبارزه در مسیر اصلی خود قرار گرفت و اسلام، محور مبارزات مردم و گروه های اصول گرای اسلامی قرار گرفت. سخن گوی جهاد اسلامی، با

۱- حسین کرهرودی، انتفاضه فلسطین مولود اصول گرایی اسلامی معاصر، فصل نامه علوم سیاسی، سال چهارم، ش ۱۴، ص ۳۰۴.

ستایش از انتفاضه سرزمین های اشغالی می گوید: «ملت ما پس از سالیان دراز شعارهای قوم گرایی و الحادی را به یک سو انداخت؛ شعاری که استثمار آن را رواج داده بود و شعار اسلام را برافراشت. ملت ما فهمید که راهش راه جهاد و مبارزه است، همان گونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و مؤمنین بزرگ صدر اسلام این راه را پیمودند».(۱)

عوامل پیدایش انتفاضه

عوامل پیدایش انتفاضه

انتفاضه مردم سرزمین های اشغالی یک حرکت تازه، استثنایی، خودجوش و مردمی بود که توانست تمام ترفندهای خائنانه رژیم صهیونیستی و حامیان آن را درباره انقلاب اسلامی فلسطین بی اثر کند. به این نکته باید توجه کرد که انتفاضه برای اولین بار پس از توافق «کمپ دیوید»، در سال ۱۹۸۰ بین «سادات» و اسراییل، در سرزمین های اشغالی شکل گرفت. در این جا لازم است که به عوامل رشد اسلام گرایی و علت پیدایش انتفاضه مردم فلسطین اشاره شود:

۱. اعمال سیاست های سرکوب گرایانه و سرسختانه دولت اشغالگر اسراییل در برابر فلسطینی ها و ساکنان سرزمین های اشغالی؛

۲. ساخت شهرک های صهیونیست نشین در سرزمین های فلسطینی؛

۳. مهاجرت رو به رشد یهودیان از شوروی و مناطق دیگر جهان به اسراییل؛

۴. ناتوانی کشورهای عربی و گروه های آزادی بخش فلسطینی در رویارویی با اسراییل و تن دادن به سازش با آن، که یکی از عوامل عمده در

۱- حسین کرهرودی، انتفاضه فلسطین مولود اصول گرایی اسلامی معاصر، فصل نامه علوم سیاسی، سال چهارم، ش ۱۴، صص ۳۰۲ _ ۳۰۳.

پیـدایش انتفاضه به شـمار می آیـد؛ این امر باعث شد مردم برای حل قضـیه فلسـطین ابتکار عمل را از دست نخبگان سیاسـی و کشورهای عربی درآورده و مسأله فلسطین را به درون سرزمین های اشغالی انتقال دهند. «راشد الغنوشی» با اشاره به این بعد از انتفاضه و ستیز انتفاضه با نقش غرب در ماجرای فلسـطین، عقیده دارد: «ریزه خواری بر سـر خوان های دشمن، ساف را از توده ها جـدا کرد و برگزیـدگان را به بیراهه نظام عربی و جهانی انـداخت، از این رو ساف بازیچه این نظام گردید و از جوشـش با پشتوانه مردمی محروم شد و از مطرح ساختن خود به شکل طرح تمدنی آلترناتیو باز ماند».(۱)

۵. پیروزی انقلاب اسـلامی در ایران؛ انقلاب اسـلامی ایران در شـرایطی به پیروزی رسـید که بحران ایـدئولوژی تمامی جنبش هـای اسـلامی و به ویژه انقلاب فلسـطین را فرا گرفته بـود. انقلاب ایران بـا تشـکیل حکومت اسـلامی در این کشور توانسـت ایـدئولوژی و الگـوی جدیـدی از اسـلام ارایـه کنـد. این دسـتاورد انقلاب اسـلامی ایران بیش از همه بر جنبش فلسـطین تـأثیر گذاشت و «پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نخستین مرکز جهاد اسلامی فلسطین در نوار غزه فعال شد. ظهور امام خمینی رحمه الله بر روی روشن فکر فلسـطینی مؤثر واقع شـد و سـبب شد که آنها در جست وجوی راه هایی برای اعمال تعلیمات امام خمینی و نمونه او در فلسـطین برآیند. به این ترتیب، پس از دهه های پنجاه، شـصت و هفتاد که اسـلام از صحنه فلسطین خارج بود، مجددا مسأله فلسطین به مرکزیت نهضت اسلامی معاصر منتقل شد و با دین پشتوانه

۱- راشد الغنوشی، پیشین، ص ۹۹.

جدیـد به مقابله با پدیده اسـراییل رفت. از این به بعد اصول جهاد، شـهادت و فداکاری در راه هدف که سـمبل های شـیعیان و شعارهای انقلاب بود، به عنوان اصول اساسی فلسطین مطرح شد».(۱)

سخن گوی جهاد اسـلامی نیز در رابطه با بازتاب انقلاب اسـلامی در انتفاضه فلسـطین در ملاقات خود با امام خمینی رحمه الله در آذرماه ۱۳۶۷، می گوید: «ملت ما اکنون با نام و یاد اسـلام در یک مبارزه وارد شده است... انتفاضه اسـلامی و مبارکی که در حال حاضـر میهن اسلامی فلسطین شاهد و ناظر آن است، بارقه ای از نور و بازتابی از پیروزی های بزرگ انقلاب شماست؛ انقلابی که بزرگ ترین تحول را در عصر ما به وجود آورد».(۲)

۶. شـکل گیری مقـاومت در جنـوب لبنـان؛ بعـد از تجـاوز اسـراییل بـه جنـوب لبنـان، جبهه مقـاومت اسـلام در برابر تجـاوزات صهیونیست ها در این منطقه به وجود آمد. گشوده شدن جبهه مقاومت در جنوب لبنان، درگیری مستقیم آن با رژیم اشغال گر قـدس و حملاـت شـهادت طلبـانه مبارزان «حزب اللّه » به مواضع نیروهای اسـراییلی، در خیزش انتفاضه نقش عمـده ای داشت. چنـان که «هرایر دکمجیان» در این زمینه می نویسـد: «سـرانجام اینکه فلسـطین ها تحت تأثیر قـدرت احیاطلبی شـیعه، نه تنها در ایران، بلکه به ویژه میان جناح های حزب اللّه در لبنان قرار گرفتنـد. در مقایسه با عـدم مبارزه جویی سازمان غیرمـذهبی آزادی بخش فلسـطین، جهاد چریکی خونین شـیعیان علیه نیروهای اسـراییلی در لبنان (۱۹۸۲ _ ۱۹۸۵) نمـونه ای از آنچه که می توان با

۱- حسین کرهرودی، پیشین، ص ۲۹۹.

۲- حسین کرهرودی، پیشین، ص ۲۹۹.

جنگیدن به نام خدا انجام داد».(۱)

نقش علما در انقلاب اسلامی فلسطین

نقش علما در انقلاب اسلامی فلسطین

بازنگری جنبش ها و نهضت های اسلامی در طول تاریخ نشان می دهد که علما در آن نقش مهمی ایفا کرده اند. در انقلاب اسلامی فلسطین که سال هاست نبرد میان مسلمانان و صهیونیسم بین الملل ادامه دارد، نیز نقش علما بسیار آشکار و روشن است. انقلاب فلسطین تا کنون دو مرحله را پشت سر نهاده که در هر دو مرحله علما پیشگام بوده اند:

در مرحله اول (۱۹۲۰ _ ۱۹۸۰) نهضت اسلامی به رهبری علمای مذهبی چون «حاج محمد امینی الحسینی»، مفتی اعظم بیت المقدس و رییس «شورای مسلمین» فلسطین، «شیخ عزالدین قسام» و «عبدالقادر حسینی» آغاز گردید. «شیخ عزالدین قسام» که رهبری این مبارزات را بر عهده داشت، با «اعلامیه بالفور» مخالف بود و تحقق آن را زمینه ساز قیمومیت و چیرگی صهیونیست ها بر فلسطین می دانست. از نظر او وجود صهیونیست ها و مسأله قیمومیت، نقض آشکار تمامیت ارضی دارالاسلام (فلسطین) شمرده می شد و در این صورت جهاد به نظر او یک واجب عینی به شمار می رفت.(۲)

بنابراین قیام «شیخ عزالدین قسام» یک نهضت به طور کامل اسلامی و مذهبی بود و بعد از مرگ او پیروانش نیز مبارزه را ادامه دادند. البته با تغییراتی که بعدها در سطح رهبری این قیام به وجود آمد، انقلاب فلسطین در این مرحله فراز و نشیب های زیادی را پشت سر گذاشت.

۱- هرایر دکمجیان، پیشین، ص ۳۵۳.

۲- اسلام و استعمار، ص ۱۱۱.

اما در مرحله دوم، انقلاب فلسطین و یا انتفاضه (۱۹۸۰ _ ۲۰۰۲) که هم اکنون نیز ادامه دارد، همچنان علما در راه اندازی این حرکت جدید و اصول گرای اسلامی با استفاده از آموزه های ارایه شده از سوی امام خمینی رحمه الله، در خط مقدم قرار دارند. بدون تردید علمای دینی مانند؛ «شیخ عبدالعزیز عوده» (رهبر سازمان جهاد اسلامی) و «شیخ احمد یاسین» (رهبر حماس) و... از روحانیونی هستند که انتفاضه را رهبری می کنند و از پشتیبانی مردمی نیز برخوردارند.

اسراییل در سال ۱۹۸۸ با اخراج «شیخ عبدالعزیز عوده» به لبنان و دستگیری طرفداران او، به اقدامات تلافی جویانه دست زد؛ ولی این اقدام اسراییل نه تنها انتفاضه را خاموش نکرد، بلکه موجب گسترش و تداوم آن نیز شد.

«شیخ احمد یاسین» (روحانی نابینای فلسطینی) که در ابتدا رهبری کنگره اسلامی را عهده دار بود، در سال ۱۹۸۴ دستگیر شد و اسراییلیان به شرطی که از رهبری کنگره اسلامی و فعالیت های سیاسی کناره بگیرد، او را آزاد کردند.(۱) اما این روحانی مبارز نتوانست آرام بگیرد و در آغاز انتفاضه، با پایه گذاری جنبش حماس، بار دیگر انتفاضه و قیام سرزمین های تحت اشغال را رهبری کرد. این امر سبب دستگیری دوباره او در ماه مه ۱۹۸۹ شد. این روحانی انقلابی بعد از تحمل سال ها زندان دو مرتبه به صحنه سیاسی فلسطین بازگشت و هم اکنون نیز در انتفاضه فلسطین حضور فعال دارد.

۱- هرایر دکمجیان، پیشین، ص ۳۵۵.

عوامل رکود انقلاب اسلامی فلسطین

عوامل رکود انقلاب اسلامی فلسطین

انقلاب اسلامی فلسطین نزدیک به یک قرن است که ادامه دارد و از با سابقه ترین جنبش های اسلامی معاصر سده بیستم به شمار می آید. با وجود این مبارزه طولانی و سرمایه گذاری های کشورهای اسلامی و عربی، متأسفانه تا کنون نتوانسته به اهداف اولیه خود دست یابد. این ناکامی ها عواملی دارد که از یک سو به عملکرد گروه های فلسطینی و از سوی دیگر به چگونگی پشتیبانی کشورهای عربی از آنان بازمی گردد. در این جا به برخی از این عوامل اشاره می شود:

۱ ـ عدم توجه به بعد اسلامی: سازمان های آزادی بخش فلسطین و در رأس آنها ساف، تا کنون بیشترین تلاش خود را در کسب پشتیبانی افکار عمومی جهان و جلب کمک های مادی به کار برده و متأسفانه از جنبه های اسلامی و معنوی آن غفلت ورزیده است. دلیل این امر را می توان در پیدا کردن عناصر ملی و وابسته به استکبار جهانی جنبش آزادی بخش فلسطین، جست وجو کرد. این انگیزه های مادی ـ سیاسی و ایدئولوژیکی، انقلاب فلسطین را از اصول اولیه اش منحرف کرده بود. به این دلیل امام خمینی رحمه الله با زیر سؤال بردن طرح های سازش کارانه، راه نجات را در بازگشت به اسلام می داند: «اگر دول اسلامی و ملل مسلمان به جای تکیه به بلوک شرق و غرب، به اسلام تکیه می کردند و تعالیم نورانی و رهایی بخش قرآن کریم را نصب العین خود قرار داده و به کار می بستند، امروز اسیر تجاوزگران صهیونیسم و مرعوب فانتوم امریکا و مقهور اراده سازش کارانه و

نیرنگ بازی های شیطانی شوروی واقع نمی شدند».(۱)

۲ _ استفاده نکردن از موقعیت و نیروهای موجود: رهبران انقلاب فلسطین با وجود پشتیبانی توده های مردم از آن _ چه در داخل و چه در خارج _ و برخورداری از موقعیت های سیاسی و بین المللی، کمتر از آن به نفع خود و پیشبرد اهداف انقلاب استفاده کردند. «راشد الغنوشی» ضمن بیان این مطلب می گوید:

«سازمان [ساف] در ربط سرنوشت خود به سرنوشت حرکت رهایی بخش در میهن عربی و اسلامی چندان تلاشی مبذول نداشته است، بلکه با گام های شتاب زده به سمت همسویی با رژیم ها و پشتیبانی و تبرئه آنها در نزد ملت ها حرکت کرده و غافل از ماهیت فاشیستی و مرتجعانه رژیم ها و مزدوری آنها به امپریالیسم و سرکوب ملت ها و نیروی آزادی بخش توسط آنان، سخاوتمندانه گواهی نامه های قهرمانی و ملی بین آنها پخش کرده است».(۲)

۳ _ تکیه فراوان بر راه حل سیاسی: این امر سرانجام باعث تغییر ۱۸۰ درجه ای در اهداف جنبش آزادی بخش و ساف گردید. رهبران ساف با به رسمیت شناختن خفت بار رژیم صهیونیستی، بر تمام آرمان های ملت فلسطین که برای آن صدها هزار کشته و میلیون ها آواره داده بودند، پشت کردند و با نشستن سر میز گفت وگو با اشغالگران قدس و قاتلان مردم مظلوم فلسطین، سندی ننگین از خود بر جای گذاشتند.

۴ _ اتکا به کشورهای عربی: گروه های فلسطینی در ابتدا در اثر فشارهایی که انگلیسی ها و نیروهای مسلح یهود بر آنها وارد می کردند، به کشورهای عربی رو آوردند. غافل از اینکه کشورهای عربی نخست اینکه، خود وابسته

۱- صحیفه حوزه، ضمیمه روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۳/۳/۱۳۸۱.

۲- راشد الغنوشی، پیشین، ص ۸۵.

به غربیان بودند و بدون رضایت آنها کاری نمی توانستند انجام دهند. دوم اینکه کشورهای عربی از نظر ایدئولوژی و سیاسی تفاوت های زیادی با یکدیگر داشتند و به این علت هر کشور عربی از گروه مورد پشتیبانی خود، خواسته های مشخصی داشت. نخستین نتیجه اجرای این خواسته ها بالا گرفتن اختلافات و آغاز جنگ های داخلی بین گروه های فلسطین بود.

مواضع گروه های فلسطینی و دیدگاه های آنان نسبت به انقلاب اسلامی ایران

مواضع گروه های فلسطینی و دیدگاه های آنان نسبت به انقلاب اسلامی ایران

فلسطین از زمان تجاوز اشغالگران صهیونیستی، بستر خیزش گروه های اسلامی و ملی بوده است. به طوری که هم اکنون ده ها گروه سیاسی و مبارز در این کشور حضور فعال دارند. از احزاب عمده فلسطین، «سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف)» و «جنبش ملی آزادی بخش فلسطین (الفتح)» و «سازمان جهاد اسلامی» و «جنبش حماس» و... می باشند. این احزاب فلسطینی تا قبل از دهه ۸۰ از نظر فکری و ایدئولوژیکی تحت تأثیر اندیشه های جنبش اخوان المسلمین قرار داشتند؛ زیرا با آغاز قیام مردم فلسطین در برابر مهاجرت یهودیان به این کشور، «شیخ حسن البناء» رهبر اخوان المسلمین با سفر به فلسطین شعبه های این جنبش را در شهرهای مختلف فلسطین و از جمله در بیت المقدس فعال کرد. با وجودی که چند ماه از گشودن شعبه اخوان در قدس نمی گذشت، «بناء» در اکتبر ۱۹۴۶ اولین اجلاس عمومی جنبش اخوان المسلمین را در قدس برگزار کرد. اخوان المسلمین به علت مخالفت با اعلامیه «بالفور» و مهاجرت یهودیان به فلسطین، جایگاه ویژه ای در میان مبارزان فلسطینی داشت و همدوش آنان وارد مبارزه گردید.

«ریچارد میچل» در کتاب خود با اشاره به این موضوع می نویسد: «جنبش اخوان المسلمین از آن تاریخ، مسأله فلسطین و مسأله اشغال مصر توسط انگلستان را به عنوان دو اصل مبارزه سیاسی خویش قرار داده است و وجود این دو مسأله را سبب اصلی تشکیل جناح نظامی در اخوان المسلمین به شمار می آورد که در سال ۱۹۳۷ به وجود آمد و اهمیت و فعالیت جنبش اخوان المسلمین را در رابطه با مسأله فلسطین افزایش داد».(۱)

اما از نظر سیاسی، گروه های فلسطینی تفکر ملی ـ اسلامی داشتند و هدفشان بیشتر آزادی فلسطین از چنگ صهیونیست ها بود، تا برقراری یک نظام صددرصد اسلامی. جنبش الفتح که از قدیمی ترین گروه های فلسطینی است، در اولین اعلامیه خود که در اول ژانویه ۱۹۶۵ منتشر شد، اعلام کرد: «ما امروز برای ایجاد فلسطین فردا، یعنی فلسطین دموکراتیک، مترقی و عاری از تعصبات مذهبی که در آن مسلمانان، مسیحیان و یهودی با بهره مندی از حقوق متساوی در صلح و صفا در کنار یکدیگر زندگی، کار و پرستش کنند، می رزمیم... انقلاب ما در فلسطین، از تمام انسان هایی که می خواهند برای فلسطین دموکراتیک فردا که در آن تعصب نژادی، مذهبی و رنگ [پوست]محو گشته است، بِرزمند، با آغوش باز استقبال می کند».(۲)

۱- سید هادی خسروشاهی، اسراییل؛ پایگاه امپریالیسم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۷۰، ص ۱۰۹.

۲- جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۱/۱/۱۳۵۹.

اما طی دو دهه اخیر (۱۹۸۰ ـ ۲۰۰۰) بسیاری از گروه های فلسطین با تأثیر از باورها و اندیشه های سیاسی امام خمینی رحمه الله، به اصول گرایی و اسلامی کردن انقلاب فلسطین رو آوردند.

«شیخ اسعد تمیمی»، یکی از رهبران جنبش فلسطین درباره این تأثیر معنوی انقلاب ایران می گوید: «تا زمان انقلاب ایران، اسلام از عرصه نبرد غایب بود، حتی در عرصه واژگان، مثلاً به جای «جهاد»، از کلماتی همچون «نضال» و «کفاح» استفاده می شد... انقلاب ایران، واقعیت قدیمی «اسلام، راه حل و جهاد، وسیله اصلی است» را به سرزمین فلسطین وارد کرد».(۱)

«شیخ عبدالعزیز عوده»، روحانی برجسته فلسطینی و رهبر «سازمان جهاد اسلامی» نیز بر این باور است: «انقلاب خمینی، مهم ترین و جدی ترین تلاش در بیدار سازی اسلامی برای اتحاد ملت ها و مسلمانان بود... ایران تنها کشوری بود که واقعا بر روی مسأله فلسطین متمرکز شد».(۲)

اما روابط گروه های فلسطینی و از جمله سازمان آزادی بخش فلسطین با انقلاب اسلامی ایران، از فراز و نشیب برخوردار بوده است؛ زیرا در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی «یاسر عرفات» به تهران مسافرت کرد و از سوی رهبران انقلاب اسلامی و مسئولان جمهوری اسلامی مورد استقبال فراوان قرار گرفت. در طی این سفر، سفارتخانه اسراییل به «عرفات» داده شد و ایران رابطه خود را با اسراییل قطع کرد. اما از سال ۱۳۵۹ به بعد رابطه ایران و ساف به سردی گرایید و عامل این سردی، نزدیکی «عرفات» با سازمان

۱- حسین کرهرودی، پیشین، ص ۳۰۰.

۲- حسین کرهرودی، پیشین، ص ۳۰۰.

تروریستی منافقین، طرفداری از صدام و تسلیم شدن در مقابل صهیونیسم، خیانت به آرمان ملت فلسطین و شرکت در گردهم آیی مادرید و اجلاس های بعدی بود.

«جهت گیری ایدئولوژیکی ساف و گرایش کامل به ناسیونالیسم عرب، یکی از عوامل اصلی تیره شدن روابط ایران و ساف بود، چرا که عرفات با فاصله گرفتن از اسلام اصیل، تز شکست خورده ناسیونالیسم و پان عربیسم را به عنوان ایدئولوژی ساف برگزید و در نهایت با پذیرش ذلت و خفّت ساز شکاری و با حضور در کنفرانس خیانت آمیز مادرید و امضای قرارداد غزّه و اریحا در سال ۱۹۹۳ به آرمان اسلامی ملت فلسطین پشت کرد».(۱)

با وجود تنش هایی که بین انقلاب اسلامی و سازمان آزادی بخش فلسطین وجود داشته است، باز هم پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بدون تردید یکی از عوامل مؤثر در مقاومت و انتفاضه مسجدالاقصی به شمار می آید. از میان گروه های سیاسی فلسطینی، گروه هایی هستند که در راستای انقلاب ایران حرکت می کنند؛ مانند سازمان جهاد اسلامی، حزب اللّه فلسطین ــ که در زندان های غزه و در پشتیبانی از انقلاب ایران به وجود آمد ــ و جنبش حماس و... سازمان جهاد اسلامی به مبارزه مسلحانه به عنوان یک راهبرد سیاسی باور دارد و برای نابودی کامل اسراییل مبارزه می کند.

«سیدهادی خسروشاهی» در زمینه رابطه این گروه ها با انقلاب اسلامی می نویسد: «انقلاب اسلامی ایران، که همه مسلمانان را برای آزادی قدس و

۱- محسن پورقلی، سیاست خارجی ایران قبل و بعد از انقلاب، انتشارات اداره آموزش های عقیدتی سیاسی ــ نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چ ۱، بی جا، ۱۳۷۸، ص ۱۷۴.

کل فلسطین به جهاد دعوت می کند، نقش به سزایی در شکل گرفتن اندیشه اعضای سازمان جهاد اسلامی ایفا کرده است. تبلور عینی این اندیشه، در اوج گیری ملموس فعالیت های شهادت طلبانه این گروه در چند سال اخیر، به ویژه در شهر بیت المقدس آشکار شده است».(۱)

شهید «دکتر فتحی شقاقی» دبیر کل جهاد اسلامی درباره تأثیر معنوی و فکری انقلاب ایران بر جنبش فلسطین می گوید: «پیروزی انقلاب اسلامی، اعتماد به ایدئولوژیک و دین را به مسلمانان سراسر جهان بازگرداند و ثابت کرد که اسلام نیرویی شکست ناپذیر است و اسلام نیروی قیام و جوشش را در مردم فلسطین زنده کرد».(۲)

۱- اسراییل؛ پایگاه امپریالیسم، ص ۱۵۰.

۲- جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۳/۳/۱۳۸۱، ص ۷.

فصل پانزدهم: جنبش اسلامی لبنان

اشاره

فصل پانزدهم: جنبش اسلامی لبنان

لبنـان کوچـک ترین سـرزمین خاورمیـانه است که در شـمال فلسـطین اشـغالی، در جنوب غربی آسـیا و در کنـار ساحل شـرقی مـدیترانه قرار دارد و پایتخت آن بیروت است. این سـرزمین از دو منطقه کوهسـتانی تشـکیل گردیده که دره بقاع در وسط آن واقع شده و رودخانه های لیتانی و اورنُتس در آن جریان دارد.

کشور لبنان پیشـینه تاریخی زیادی دارد و علمای برجسـته ای از این سـرزمین برخاسـته اند. اسلام در زمان خلیفه دوم و پس از فتـح شام، وارد لبنان و جبل عامل شد. هم اکنون از جمعیت سه میلیونی این کشور در سال ۱۹۹۷، ۴۱ درصد مسلمان شیعه، ۲۷ درصد مسلمان سنی، ۱۶ درصد مارونی، ۷ درصد دروزی و ۵ درصد ارتدکس یونانی هستند.

مذهب تشیع در عصـر معاویه به وسـیله «ابوذر غفاری»، صـحابه بزرگ پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله وسـلم وارد لبنان شد. ابوذر که در زمان عثمان به شام تبعید شده بود، از پیروان مخلص حضـرت علی علیه السـلام به شمار می رفت و در مدت زمان اقامت در این شهر، باورها و اندیشه های آن حضرت را در شام تبلیغ می کرد.(۱)

۱- علی اصغر حلبی، تاریخ نهضت های دینی ــ سیاسی، انتشارات بهبهانی، چاپ اول، بی جا، ۱۳۷۱، ص ۲۲۱.

در اثر تبلیغات ابوذر، تشیع بسیار سریع در این منطقه رواج پیدا کرد و این امر باعث خشم زمامداران شام شد و سرانجام او را به جبل عامل تبعید کردند که برکات زیادی را برای این منطقه به همراه داشت.(۱)

لبنان بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی زیر سلطه فرانسه قرار گرفت و در سال ۱۹۴۵، استقلال خود را به دست آورد و به عضویت سازمان ملل متحد درآمد.

بررسی عوامل نهضت اسلامی لبنان

بررسی عوامل نهضت اسلامی لبنان

لبنان از کشورهای خط مقدم جبهه مبارزه با اسراییل به شمار می آید؛ به همین علت بیشترین مشکلات را چه از سوی هجوم آوارگان فلسطینی به این کشور و چه از نظر درگیری های اعراب و اسراییل متحمل شده است. نهضت مقاومت اسلامی در این کشور در سال ۱۹۷۰ همزمان با تهاجم صهیونیست های اشغالگر به جنوب لبنان تشکیل شد. هدف نیروهای اسراییلی از تجاوز به لبنان اگرچه در ظاهر، سرکوب جنبش مقاومت فلسطینی بود که عملیات چریکی خود را از داخل خاک لبنان علیه مواضع نیروهای اسراییلی انجام می دادند، اما در واقع هدف از تجاوز اسراییل به جنوب لبنان که با پشتیبانی مالی، سیاسی و نظامی غرب صورت می گرفت، دو چیز بود:

الف ـ غربیان و استکبار جهانی بعد از به وجود آوردن اسراییل، می خواستند پایگاه دیگری برای خود در قلب خاورمیانه در لبنان ایجاد کنند تا از این طریق بر تمام کشورهای اسلامی و عربی چیرگی داشته باشند. برای رسیدن به این خواسته از دو محور وارد عمل شدند؛ از داخل با مسلح کردن

۱- لبنان جولانگاه ابرقدرت ها، پیام انقلاب، سال هفتم، ش ۱۷۲، ۱۳۶۵، ص ۵۲ .

مارونی ها و مسیحیان، مسأله تجزیه لبنان را مطرح کردند و از خارج نیز با وادار نمودن اسراییل به تجاوز به جنوب لبنان و تضعیف مقاومت اسلامی، سعی کردند که زمینه برآورده شدن این هدف نامشروع را آماده کنند.

«امام موسی صدر» در رابطه با این طرح استکبار جهانی می گوید: «استعمار غرب هم که از طرفی با خلق اسراییل پایگاه خود را در خاورمیانه تأسیس کرده بود، باز هم برای تفرقه جهان عرب و بالا گرفتن نزاع های آنان تلاش می کرد و آرزو داشت که با تقسیم لبنان، اسراییل دیگری در قلب خاورمیانه بسازد، اسراییلی که امتدادی زیادتر از اسراییل فعلی داشته باشد».(۱)

ب _ اشغال سرزمین لبنان: یکی از اهداف رژیم اشغالگر قدس از تجاوز به لبنان، بی تردید تصرف این کشور بود. اسراییل خیال می کرد با توجه به ضعف نظامی دولت مرکزی لبنان و وجود اختلافات فرقه ای و مذهبی در این کشور و به ویژه بعد از شکست دادن ارتش اعراب در سپتامبر ۱۹۷۰ دیگر کسی در برابر آن دوام نخواهد آورد؛ از این رو، انتظار داشت که در اولین فرصت لبنان را نیز به خاک اسراییل بپیوندد.

«امام موسی صدر» با انتقاد از تجاوز اسراییل به جنوب لبنان، در اطلاعیه ای که در تاریخ ۱۰/۸/۱۹۷۰ منتشر کرد، درباره این هدف اسراییل هشدار داد و یادآور شد که نیروهای صهیونیستی، به بهانه جلوگیری از حملات شهادت طلبانه مبارزان فلسطینی، هدف سلطه بر جنوب لبنان را دارند:

۱- علی محبتی کرمانی، لبنان به روایت امام موسی صدر و دکتر چمران، انتشارات قلم، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴، ص ۹۷.

«ما می دانیم که اسراییل به جنوب لبنان چشم طمع دوخته و به آب های فراوان و منطقه حاصل خیز و در عین حال سوق الجیشی جنوب فکر می کند و آنچه درباره فداییان(۱) می گوید، بهانه ای بیش نیست».(۲)

در پی حمله اسراییل به لبنان، کشتارهای دسته جمعی فلسطینیان در جنوب لبنان و بیروت شروع شد. بیروت مدت هشتاد روز در محاصره کامل اسراییلی ها قرار داشت و از سوی هیچ کشور عربی به آنها کمکی نشد.

«یاسر عرفات» در مورد محاصره بیروت می گوید: «ما طی ۷۹ روز در جهنم به سر بردیم، به ویژه در رابطه کودکان و زنان، هیچ نیرویی به استثنای هم رزمان و خویشاوندان ما برای متوقف کردن تهاجم دخالت نکرد. به طور مثال، در یک روز یعنی ۱۲ اوت دو برابر قدرت مواد منفجره ای که به هیروشیما و ناکازاکی اصابت کرد، بمب و گلوله های توپ های سنگین بر روی بیروت فرو ریخته شد، در مقابل این تجاوز وحشیانه هیچ گونه اعتراضی، حتی در سازمان ملل متحد صورت نگرفت و کشورهای اروپایی در برابر واقعیت ها چشم فرو بستند».(۳)

در اثر این فشار رژیم صهیونیستی، رزمندگان فلسطینی و سازمان آزادی بخش از جنوب لبنان خارج شده و در سراسر جهان پراکنده گردیدند. بعد از این تاریخ، اعراب به تلاش های سیاسی خود افزودند و با تشکیل گردهم آیی هایی در «فاس»، سرانجام طرح «فهد»، که در واقع از طرف

۱- یک گروه فلسطینی که پایگاه آن در لبنان قرار داشت و اعضای آن بیشتر روحانیون مذهبی بودند و خواهان حکومت اسلامی در فلسطین بودند؛ و با فداییان اسلام ایران نیز ارتباط داشته است.
۲- علی محبتی کرمانی، لبنان به روایت امام موسی صدر و دکتر چمران، انتشارات قلم، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴، ص ۲۷۹.
۳- راشد الغنوشی، پیشین، ص ۳۴.

«ریگان» دیکته شده بود؛ مبنی بر تقسیم فلسطین و به رسمیت شناختن دولت اسراییل از سوی فلسطینیان در تاریخ ۹/۹/۱۹۸۲ به تصویب اجلاس اتحادیه عرب رسید. سازمان آزادی بخش فلسطین نیز از آن استقبال کرد و «هانی الحسن» مشاور سیاسی «عرفات» گفت: «سازمان وظیفه خود می داند که قدردانی ویژه خود را از نقش ملک فهد بن عبدالعزیز و کوشش های شخصی او نسبت به مسأله فلسطین اعلام دارد».(۱)

در هر صورت عوامل بالا و دگرگونی هایی که در منطقه خاورمیانه جریان داشت، سبب شد تا مقاومت اسلامی لبنان در برابر تجاوزات اسراییل و عوامل داخلی آن، پرقدرت و توانمند ظاهر شود.

«شیخ سعید شعبان»، رهبر جنبش توحید اسلامی درباره پیدایش جنبش مقاومت اسلامی لبنان می گوید: «مدت های زیادی در لبنان، مسیحیان با ما زندگی کردند و ما با آنها هیچ خصومتی نداشتیم و اوضاع برای مدت زیادی آرام و مطلوب بود، روابط ما بر احترام متقابل پابرجا و مستحکم بود، ولی هنگامی که آنها (با تحریک رژیم اشغالگر قدس) بر سر مسأله هویت و دین و عقیده جریانی راه انداختند و با ما وارد صحنه جنگ گشتند، با تحریک دشمنان هر دو ملت، ما مجبور شدیم که با آنها بجنگیم».(۲)

جایگاه امام موسی صدر در نهضت اسلامی لبنان

جایگاه امام موسی صدر در نهضت اسلامی لبنان

«امام موسی صدر» پس از درگذشت «آیت اللّه شرف الدین» در سال ۱۹۵۷، رهبری شیعیان این کشور را به عهده گرفت. ایشان بعد از ورود به لبنان، فعالیت های خود را بر رفع محرومیت اقتصادی و فرهنگی شیعیان لبنان و گرفتن حقوق سیاسی و اجتماعی آنها متمرکز کرد. به این منظور مراکز

۱- راشد الغنوشی، پیشین، ص ۵۲ .

۲- نهضت های آزادی بخش در گذر انقلاب اسلامی، ص ۷۶.

فرهنگی و مؤسسات خیریه ای را پایه گذاری نمود که از آنها می توان به «مدرسه صنعتی جبل عامل»، «بیت الفتاه»، «مهد دراسات الاسلامیه» و... اشاره کرد.

در صحنه سیاسی نیز «امام موسی صدر» با جدیت، خواهان تحقق عدالت اجتماعی و رسیدگی به حقوق شیعیان بود. برای او بسیار ناگوار بود، که دیگر ادیان و مذاهب در لبنان برای خود دارای مرکز باشند، ولی شیعیان با وجودی که در اکثریت هستند، هیچ گونه مرکزی نداشته باشند؛ از این رو، ایشان برای پر نمودن این خلأ مجلس اعلای شیعیان را مطرح کرد و درباره ضرورت آن می گفت: «همه طایفه های دیگر لبنان به جز شیعیان دارای مرکز و رهبری هستند، بنابراین شیعیان نیز که اکثریت مسلمانان لبنان را تشکیل می دهند، حق دارند برای خود مرکزیتی داشته باشند».(۱)

تلاش های «امام موسی صدر» برای پایه گذاری مجلس شیعیان، سرانجام نتیجه داد و ایشان موفق شد که با جلب نظر شخصیت های شیعه، نظر موافق مجلس ملی لبنان را نیز در این زمینه جلب نماید و در ۱۶/۵/۱۹۶۷، مجلس اعلای شیعیان لبنان به طور رسمی تشکیل گردید. هدف عمده این مجلس رسیدگی به امور شیعیان و دفاع از حقوق سیاسی و اجتماعی آنها بود.

بعد از تجاوز اسراییل در سال ۱۹۷۰ به جنوب لبنان، بسیاری از روستاهای این مناطق ویران گردید و به مردم خسارات زیادی وارد شد. «امام موسی صدر» خواستار پرداخت تاوان از سوی دولت به آسیب دیدگان شد و هنگامی که با بی توجهی دولت لبنان مواجه شد، اعتراضات عمومی را

۱- موقعیت شیعیان در لبنان، پیام انقلاب، سال هفتم، ش ۱۷۷، آذرماه ۱۳۶۵، ص ۴۱.

راه اندازی کرد. با وجود این اعتراضات، دولت لبنان هیچ کاری انجام نداد و حتی نتوانست جلو تجاوزات اسراییل را به جنوب لبنان بگیرد. از این رو خود «امام موسی صدر» دست به کار شد و نخستین هسته پایداری را با نام «حرکت المحرومین ــ امل» به وجود آورد. در سال ۱۹۷۵ که اسراییل بخش هایی از خاک لبنان را اشغال کرده بود؛ «امام موسی صدر» با لازم دانستن مبارزه یکپارچه و فراگیر، مردم لبنان را به مقاومت نظامی برای بیرون راندن اسراییل از سرزمین های اشغالی جنوب لبنان فرا خواند و گفت: «دفاع از وطن تنها از وظایف و مسئولیت های دولت نیست، بلکه همه افراد وظیفه دارند از کشور، سرزمین و خانه خویش دفاع کنند... و اگر حکومت مسئولیت دفاع از مملکت را مهمل گذارد، ضرورت دفاع از گردن ملت ساقط نخواهد گردید و همگان در قبال چنین تعهد ملی مسئولیت دارند».(۱)

در همین سال، لبنان سخت ترین شرایط خود را می گذراند؛ زیرا از یک سو جنوب لبنان به طور پیاپی مورد تجاوز اسراییل قرار می گرفت و از سوی دیگر به علت تنش های موجود بین جبهه آزادی بخش فلسطین با سوریه و جناح های داخلی لبنان، این کشور درگیر جنگ های خونین داخلی شده بود. «امام موسی صدر» که می دید در این کشمکش ها شیعیان بیش از دیگران آسیب می بینند، تلاش هایی را برای رفع اختلافات جناح های درگیر و کاهش حملات اسراییل به جنوب لبنان آغاز کرد. به این منظور سفرهایی به سوریه، مصر، عربستان، کویت و... انجام داد. در ۲۵/۸/۱۹۷۸ «امام موسی صدر» برای دیدار با مقامات لیبی و گفت وگو درباره درگیری های اعراب و اسراییل وارد

۱- علی حجتی کرمانی، پیشین، ص ۲۷.

آن کشور شد، که متأسفانه دیگر از سرنوشت او خبری به دست نیامد. دولت لیبی در ۱۸/۹/۱۹۷۸ به طور رسمی ناپدید شدن «امام موسی صدر» را اعلام کرد؛ از این رو، امنیت و آرامشی که «امام موسی صدر» می خواست در جنوب لبنان برقرار کند، هرگز عملی نشد و جنوب لبنان به صحنه رقابت فلسطینیان، اعراب و اسراییل مبدل گردید و هم اکنون نیز این منطقه مورد تجاوز و موشکباران پیوسته رژیم صهیونیستی قرار دارد.

گروه های سیاسی لبنان و روابط آنها با انقلاب اسلامی

گروه های سیاسی لبنان و روابط آنها با انقلاب اسلامی

با آنکه شیعیان، بیشترین نیروی انسانی را تشکیل می دهند، ولی در صحنه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همواره در محرومیت به سر برده اند. با نبرد فلسطینیان و رژیم اشغالگر قدس، سیل مهاجران به جنوب لبنان سرازیر شد و جامعه فقیر جنوب لبنان را با مشکلات فزاینده روبه رو کرد. رسیدگی به وضعیت ناگوار شیعیان و تجاوزات اسراییل به این منطقه باعث شد که رهبران جامعه شیعه و نیز دیگر مسلمانان به فکر تشکیل هسته های مقاومت برآیند که از آن جمله می توان به جنبش های زیر اشاره کرد:

۱ ـ جنبش امل اسلامی: «امام موسی صدر» یکی از علمای برجسته لبنان در عصر حاضر است که در بیداری شیعیان و خیزش جنبش های اسلامی لبنان نقش مهمی را ایفا کرد. با ظهور «امام موسی صدر» اتفاقات فراوانی در جامعه شیعه لبنان روی داد و ایشان تلاش های زیادی را انجام داد تا شیعیان را در این کشور متحد و یکپارچه نگه دارد. از نگاه سیاسی نیز توانست نخبگان سیاسی جامعه شیعه را با نام «حرکت المحرومین» در سال ۱۹۷۰ گرد هم آورد و شاخه نظامی آن را به نام «امل» فعال کند تا مقاومت در برابر

اسراییل و عوامل آن را آغاز نماید.

این گروه سیاسی که بعدها به «جنبش امل اسلامی» شهرت یافت، دارای ویژگی و اهدافی بود که مهم ترین آنها عبارت است از: «ایمان حقیقی به خداوند؛ ایمان به آزادی کامل میهن، از بین بردن ظلم اقتصادی و ابزارهای آن و ایجاد فرصت برای همه، مبارزه با استعمار و مطامع آن در تجاوز به لبنان، مقدس بودن سرزمین فلسطین و تلاش در جهت آزادی آن».(۱)

بعد از ناپدید شدن «امام موسی صدر» در اوت ۱۹۷۸، جنبش امل با فقدان رهبری سیاسی مواجه شد و اگر چه این خلأ را به طور موقت «حسین الحسینی» پر کرد، اما وی قدرت و کارایی «امام موسی صدر» را نداشت و نتوانست جنبش را متحد و یکپارچه نگه دارد. در سال ۱۹۸۰ «نبیه بری» که خود را وقف پیشبرد منافع سیاسی جامعه شیعه کرده بود به دبیر کلی جنبش امل برگزیده شد. انتخاب «نبیه بری» به این سمت و سیاست های تک روانه او، از یک سو موجب اختلافات در داخل جنبش گردید و از سوی دیگر باعث سردی روابط امل با انقلاب اسلامی در ایران شد؛ زیرا ایران برخلاف خواسته های امل از حملات فلسطینی ها به نیروهای اسراییلی پشتیبانی کرد و امل نیز با وجود مخالفت ایران، به درگیر شدن در فرایند سیاسی لبنان ادامه داد.(۲) با این وجود، «جنبش امل ظاهرا خواهان داشتن روابط خوب و حسنه با ایران می باشد، ولی تأکید دارد که نباید این روابط باعث شود که جنبش،

۱- احمد نادری سمیرمی، لبنان، انتشارات وزارت امور خارجه، چ ۱، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۱۳.

۲- هرایر دکمجیان، پیشین، ص ۳۰۵.

هویت خود را گم کند و این هویت، لبنانی بودنش می باشد».(۱)

۲ ـ حزب دعوت اسلامی: این حزب شاخه ای از حزب دعوت اسلامی عراق است؛ که در سال ۱۹۶۶ به رهبری «شیخ فضل اللّه » فعالیت های خود را در لبنان آغاز کرد. «شیخ فضل اللّه » در زمان «امام موسی صدر» هرگز به رویارویی با او برنخاست، بلکه با کناره گیری از سیاست، به فعال سازی مدارس علمیه رو آورد و به تبلیغ ایدئولوژی فراملی اسلامی که ریشه در نجف و قم داشت پرداخت. در عین حال، ایشان شرایطی را مطرح ساخت که بر پایه آن می توانست در برابر دشمنان اسلامی از نیروی قهریه و زور استفاده کند و مشروعیت ساختار کنترل قدرت لبنان توسط مسیحیان را رد می نمود.(۲)

۳ ـ جنبش توحید اسلامی: این گروه در سال ۱۹۸۲ توسط «شیخ سعید شعبان» در ترابلس پایه گذاری شد. «سعید شعبان» که تحصیلکرده دانشگاه الازهر است، معتقد به پیکارجویی اسلامی است و جدایی دین از سیاست را رد می کند و نسبت به امام خمینی رحمه اللهارادت و علاقه خاصی دارد و از اولین کسانی بود که از انقلاب اسلامی ایران پشتیبانی کرد؛ چنان که خود او در این باره می گوید:

«موقعی که خبر پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به گوش ما رسید، از روز اول موضع گیری خود را نسبت به انقلاب اسلامی اعلام کردیم. چرا؟ برای اینکه این انقلاب شعارش اسلام بود، این انقلاب شعارش را وحدت

۱- احمد نادری سمیرمی، پیشین، ص ۱۱۴.

۲- هرایر دکمجیان، پیشین، ص ۳۰۴.

مسلمین عنوان کرد».(۱)

۴ ـ جنبش الحبشی: این گروه جزو احزاب میانه رو و احیاطلب اسلام است و در سال ۱۹۳۰ توسط «شیخ احمد العجوز» به وجود آمد و فعالیت های خود را با نام طرح های خیریه شروع کرد. این حزب که در میان طبقات متوسط شهری اهل سنت طرفداران زیادی دارد، از سال ۱۹۸۲ به این طرف که رهبری آن به عهده «شیخ عبداللّه بن محمد الشیبی الابدری»، معروف به حبشی گذاشته شد، وارد عرصه های سیاسی گردید و با حزب امل و سوریه رابطه نزدیک دارد. این گروه از نظر فکری، صوفی مسلک بوده و خواهان نظام کثرت گرا و پلورالیسم در لبنان است.

۵ ـ جنبش حزب اللّه : این جنبش بعد از تجاوزهای پیاپی اسراییل به جنوب لبنان در سال ۱۹۸۲ با گردهم آیی روحانیون لبنان و طرفداران «شیخ فضل اللّه » و شاخه ای از امل اسلامی با رهبری «سید حسین موسوی» شکل گرفت. بنیانگذاران حزب اللّه جزو روحانیون تندرو طرفدار امام خمینی رحمه الله به شمار می آمدند. اصول کلی هدف حزب اللّه ، مبارزه بر اساس اصول اسلامی و جهاد با اشغالگران صهیونیست با استفاده از اندیشه های امام خمینی رحمه الله است. حزب اللّه از نظر فکری و مواضع سیاسی از انقلاب اسلامی ایران پیروی می کند و «معتقد به اصل ولایت فقیه بوده و خود را ملزم به اطاعت از رهبر اسلامی می داند و معتقد است که این رهبری در عصر حاضر در جمهوری اسلامی ایران می باشد و هر مسلمان شرعا موظف به اطاعت از

۱- نهضت های آزادی بخش جهان در گذر انقلاب اسلامی، ص ۷۷.

دستورها و اوامر ولی امر مسلمین که رهبر انقلاب اسلامی در جهان می باشد، است حزب اللّه معتقد به نابودی رژیم صهیونیستی و آزادسازی قدس می باشد. حزب اللّه دارای روابط بسیاری استراتژیک و خوبی با جمهوری اسلامی ایران می باشد».(۱)

حزب اللّه زمانی وارد عرصه سیاسی و نظامی لبنان شد که صهیونیست ها با کمک نیروهای چند ملیتی، بیروت را در محاصره گرفته بودند و هیچ یک از گروه های سیاسی لبنانی و فلسطینی جرأت ابراز وجود نداشتند. در چنین شرایطی، حزب اللّه هسته های مقاومت را در جنوب لبنان به وجود آورد و بر ضد صهیونیست ها عملیاتی را انجام داد. این امر سبب شد که حزب اللّه در میان مردم جنوب لبنان جای پای خود را باز کند و به عنوان یک حزب سیاسی پیکارجو، در کوتاه ترین مدت افتخارات زیادی را به دست آورد.

یکی از افتخارات مبارزان حزب اللّه این است که در هیچ یک از طرف های صلح اعراب و اسراییل شرکت نکرده و به مبارزات خود با اشغالگران ادامه می دهند. امروز مبارزان حزب اللّه ، تنها حامیان واقعی انتفاضه به شمار می آیند و از آرمان ملت فلسطینی که آزادی قدس است، پشتیبانی می کنند و تا آخر در کنار آنها باقی خواهند ماند.

دستاورد جنبش مقاومت لبنان

دستاورد جنبش مقاومت لبنان

بدون شک، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بر ایجاد جبهه مقاومت ضد صهیونیستی لبنان، تأثیر به سزایی داشته است؛ زیرا تا پیش از پیروزی انقلاب

۱- لبنان، ص ۱۱۴.

اسلامی، لبنان صحنه درگیری های خونین بین گروه های مختلف سیاسی لبنانی و فلسطینی بود. اما انقلاب ایران، تأثیر عمیقی بر فضای سیاسی لبنان داشت و بسیاری از گروه های فلسطینی و شیعیان لبنان با استفاده از رهنمودهای امام خمینی رحمه الله، موفق شدند که اختلاف ها را کنار نهاده و یک جبهه قوی ضد صهیونیستی را در قالب «انتفاضه» و «حزب اللّه » به وجود بیاورند.

با نگاهی به مسایل اخیر لبنان، جایگاه مقتدرانه و سرنوشت ساز انقلاب اسلامی و تغییر جهت مسایل لبنان را به نفع مردم مسلمان این کشور، می توان دقیقا مشاهده نمود. صحنه سیاسی لبنان که تا قبل از انقلاب اسلامی جای پای بازی های سیاسی و درگیری های گروهک های غربی و شرقی بود، هم اکنون تبدیل به حضور پرقدرت ترین گروه های مسلمان لبنانی و مبارزه آنها علیه اسراییل متجاوز و حتی شکست نظامی اسراییل در هجوم ۱۹۸۲ گردید. به خاطر این حضور قدرتمند مقاومت اسلامی در لبنان است که رژیم اشغالگر با هدف گرفتن مناطق غیرنظامی و اردوگاه های فلسطینیان، سعی در تضعیف مقاومت حزب اللّه لبنان و فرو نشاندن انتفاضه جوانان فلسطین دارد.

به این واقعیت باید اعتراف کرد که مبارزات چریک های حزب اللّه ، امروز تنها اهرم فشار بر اسراییل و سازش کاران طرح صلح اعراب و اسراییل است، تا اینکه آنان را وادار به تسلیم در برابر خواسته های انتفاضه مردم مظلوم فلسطین مبنی بر آزادی قدس نماید. این وظیفه ای است که جنبش مقاومت شیعیان لبنان از آغاز تا کنون، بهای سنگینی را برای آن پرداخت کرده است. با این همه جنبش مقاومت اسلامی شیعیان لبنان از زمان «امام موسی صدر» تا امروز، دستاوردهایی نیز به همراه داشته که فقط به آنها اشاره می شود:

۱. احیـای هویت ملی و مـذهبی؛ این در حـالی است که شـیعیان در گذشـته حضور سیاسـی و فرهنگی چنـدانی در جامعه لبنان نداشتند و بیشتر در انزوا زندگی می کردند.

۲. ایجـاد یـک سازمـان سیاسـی و ایـدئولوژیک شـیعی قوی؛ به طوری که امروزه می توانـد از حقوق شـیعیان دفـاع کنـد و در تعاملات سیاسی منطقه تأثیرگذار باشد.

۳. دفاع از مقاومت فلسـطین؛ بایـد پذیرفت که اگر پشتیبانی شـیعیان جنوب لبنان از انقلاب فلسـطین نبود، دست کم چندین بار مبارزان فلسطینی به سرنوشت سپتامبر سیاه اردن دچار شده بودند.

۴. پخش افکار انقلاب در خاورمیانه و مناطق اشغالی فلسطین؛

۵. ایجاد همبستگی میان گروه های خط مقدم جبهه، در برگیرنده احزاب شیعی و سنی؛

۶. تغییر برداشت فلسـطینیان از شـیعیان جنوب لبنان؛ زیرا فلسـطینی ها در گذشته چندان اعتمادی به شیعیان نداشتند و حتی آنها را خائن قلمـداد می کردند.(۱) اما اکنون رهبران فلسـطینی نسـبت به اندیشه های شـیعیان توجه خاصـی دارند و به شدت تحت تأثیر روحیه آزادی خواهی، ایثار و فداکاری آنها قرار دارند.

۱- مجتبی کرمانی، پیشین، ص ۱۷۰.

فصل شانزدهم: جنبش اسلامی لیبی

اشاره

فصل شانزدهم: جنبش اسلامی لیبی

لیبی از کشورهای شمال افریقاست که با ۱۸۰۰ کیلومتر خط ساحلی، در شمال افریقا و مدیترانه و در حد فاصل مغرب عربی واقع شده و پل ارتباطی کشورهای افریقایی، مغرب عرب و خاورمیانه به شمار می آید.

دین اسلام در سال ۲۱ هجری بعد از فتح مصر به دست مسلمانان، وارد این سرزمین شد. هم اکنون از جمعیت پنج میلیونی این کشور (در سال ۱۹۹۶) ۹۸ درصد را مسلمانان تشکیل می دهند و ۲ درصد دیگر، پیروان دیگر ادیان می باشند. بیشتر مردم لیبی از نژاد سامی و بربرند.

این سرزمین در سال ۱۹۵۱ و در زمان حاکمیت «ادریس اول»، استقلال خود را پس از سال ها گفت و گو بین فرانسه، ایتالیا، انگلستان و امریکا به دست آورد. در اول سپتامبر ۱۹۶۹ گروهی از افسران جوان به رهبری سرهنگ «معمر قذافی» در یک کودتای نظامی، «ادریس اول» را ــ که به امریکا (۱۹۵۴) و انگلستان (۱۹۵۳) اجازه داده بود تا در این کشور پایگاه های نظامی بسازند ــ از قدرت بر کنار و جمهوری سوسیالیستی اعلام کردند. به این ترتیب، لیبی تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تنها کشور سوسیالیست و طرفدار شرق در قاره افریقا بود.(۱)

۱- ذوالفقار امیرشاهی، لیبی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۷، ص ۹.

جنبش سنوسی در لیبی

اشاره

جنبش سنوسی در لیبی

زیر فصل ها

الف ــ تاریخچه

ب ــ ویژگی ها و مواضع فکری و سیاسی

الف ــ تاریخچه

الف ــ تاریخچه

مسلمانان در شمال افریقا همواره از سوی حکام مستبد و ستمگر ترک، محلی و استعمارگران غربی مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند. این گونه برخورد با مسلمانان، علت اصلی خیزش جنبش های آزادی بخش در شمال افریقا می باشد که یکی از آنها «جنبش سنوسی» است.

جنبش سنوسیه در سال ۱۸۳۷ میلادی (۱۲۵۷. ق) با رهبری «سید محمد بن علی السنوسی» (ادریسی) به وجود آمد؛ که نسب خود را به حضرت علی علیه السلام می رساند. او بین سال های ۱۸۳۰ ــ ۱۸۴۳ در مکه و حجاز تحصیل می کرد. استادش «احمد بن ادریس فارسی»، پایه گذار طریقه «خضریه ادریسیه» بود و به عنوان رهبر مذهبی مسلمانان در مکه شهرت فراوان داشت.

«محمد بن علی سنوسی» بعد از وفات استادش در سال ۱۸۳۷، جنبش سنوسیه را در مکه پایه گذاری کرد و اولین خانقاه خود را در مکه بنا نمود. این حرکت «محمد بن علی» که همزمان با تجاوز اروپاییان به الجزایر و شمال افریقا بود، مورد استقبال مردم این نواحی قرار گرفت و جنبش سنوسی به عنوان یک تشکل سیاسی با متجاوزان وارد مبارزه شد و تلاش های زیادی برای آزادی قاره افریقا از چنگ استعمارگران انجام داد. فعالیت های جنبش سنوسی بیشتر در دو محور انجام می شد:

۱. سیاسی و مبارزه با مهاجمان ایتالیایی و استعمارگران غربی؛

۲. دینی و تبلیغ آیین سنوسی و ایجاد خانقاه در شمال افریقا.

این دو امر باعث رونق روزافزون جنبش سنوسی در افریقا گردید و سنوسی ها موفق شدند که «با تحمل رنج ها و مشقت های فراوان محیط صحرا، جمعیت و ملت جدید و متشکلی را بر پایه سازمان و تعالیم دینی خود ایجاد کنند که برای صحرانشینان شمال افریقا و سودان جذابیت بسیاری داشت و علاوه بر بربرها، حتی برخی از اعراب بلاد تونس، ترابلس، مصر و غیر آن نیز به آن ملحق شدند. این جنبش جدید دینی، اصلاحی و سیاسی باعث اسکان این طوایف و قبیله های غیرشهرنشین و جمع کثیری از بردگان آزاد شده و در نتیجه عمران و آبادی آن مناطق شد».(۱)

جنبش سنوسی برخلاف پیکارجویی واپس گرایانه وهابیت، از راه تبلیغ امور دینی وارد جامعه شد و بسیار سریع در افریقا، عربستان، بین النهرین و... راه پیدا کرد. اولین دولت مستقل سنوسی در «سیرنائیک» تشکیل شد. در اواخر قرن نوزدهم رقابت استعمارگران در افریقا شدت گرفت. لیبی در سال ۱۹۱۱ میلادی (۱۳۲۹. ق) مورد حمله نظامی ایتالیا واقع شد و مردم بومی سیرنائیک از راه خشکی و دریا مورد تجاوز قرار گرفتند. در پی این حمله شهر «سیر نائیک» سقوط و ایتالیا بر لیبی سلطه یافت.

با چیرگی ایتالیا بر لیبی، جنبش سنوسی به رهبری «سید احمد الشریف السنوسی» (نوه سید محمد بن علی) مبارزات خود را با اشغالگران شروع کرد و در واکنش به اشغال لیبی از سوی ایتالیا، فتوای جهاد خود را در ۱۴ ژانویه ۱۹۱۲ صادر کرد: «جهاد واجب کفایی است، اما در هنگام حمله دشمن تبدیل به واجب عینی می شود؛ بنابراین ترک جهاد به معنای ترک دین است و

۱- سید احمد موثقی، پیشین، ص ۲۲۲.

هرکس از شرکت در جهاد خودداری کند، کافر است».(۱)

این فتوا در ترغیب مسلمانان به جنگ با متجاوزان تأثیر فراوان داشت. با شکست لشکر ایتالیا در سال ۱۹۱۵، سراسر بخش شرقی لیبی تا سال ۱۹۱۶ در اختیار جنبش سنوسی درآمد. در جریان جنگ جهانی اول، آشوب شدیدی بر لیبی حاکم بود و با پایان گرفتن این جنگ، ایتالیا نیز سلطه خود را بر این کشور پایدار کرد. در عین حال، به نواحی ترابلس و سیرنائیک اجازه داد که برای خود مجلس محلی زیر نظر ایتالیا دایر کند.

در پی این اقدام، مردم لیبی، «ادریس السنوسی» را که از بزرگان قبیله سنوسیه بود، به نام «ادریس اول» به پادشاهی انتخاب کردند. در ژانویه ۱۹۳۴، دولت ایتالیا این نواحی را به یک مستعمره تبدیل کرد و نام آن را «لیبی» نهاد و در نهم ژانویه ۱۹۳۹، این مستعمره به طور رسمی به خاک ایتالیا ملحق شد.(۲)

پس از جنگ جهانی دوم، گروه سنوسی دوباره فعالیت سیاسی خود را با رهبری «محمد ادریسی» شروع نمود. این امر به اضافه اختلافات طرف های پیروز در جنگ باعث شد که لیبی استقلال خود را به دست آورد.

ب ـ ویژگی ها و مواضع فکری و سیاسی

ب ـ ویژگی ها و مواضع فکری و سیاسی

جنبش سنوسی که در پی تهاجم استعمار غربی به شمال افریقا، وارد عرصه های سیاسی و نظامی شد، بر این باور است که مشکلات مسلمانان را باید از راه نشر افکار اسلامی به گونه مسالمت آمیز حل کرد؛ به همین دلیل از

۱- سید احمد موثقی، پیشین، ص ۲۲۶.

۲- لیبی، ص ۶۱ .

خشونت و زور که وهابیت متکی بر آن بود، پرهیز نمود و بیشتر به کارهای فرهنگی و تبلیغی رو آورد.

«سر توماس آرلد» درباره فعالیت های فرهنگی سنوسی ها می نویسد: «هرچند نهضت سنوسیه اساسا به منظور اصلاح اسلام و وضع مسلمانان به وجود آمد، ولی فرقه سنوسیه در فعالیت های تبلیغاتی نیز جدی بوده و بسیاری از قبایل افریقایی که قبلاً بت پرست بودند و یا اسما مسلمان بودند، پس از نفوذ مبلغین این فرقه در بین آنان، از پیروان پرشور و جدی دین اسلام شده اند».(۱)

سنوسی ها اگرچه پیرو اسلام سنتی بودند، امّا تمایلات اصلاح طلبانه داشتند و می کوشیدند تا اسلام را از بدعت هایی که دچار آن شده است، پاک کنند.(۲)

سنوسی ها جمود فکری و قشری گری وهابیت را نداشتند. قشری بودن وهابی ها به اندازه ای بود که در سال ۱۳۴۴ پس از تصرف حجاز، «سید احمد الشریف»، رهبر برجسته سنوسی ها را به جرم خواندن فاتحه بر آرامگاه حضرت خدیجه علیهاالسلام از مکه بیرون کردند.

از دیگر ویژگی های سنوسی ها این است که آنها طرفدار همبستگی مسلمان بودند و می خواستند از راه ایجاد وحدت، عظمت و شکوه اسلام را به مسلمانان برگردانند. «احمد موثقی» در این زمینه می نویسد:

۱- سید احمد موثقی، پیشین، ص ۲۳۴.

۲- رادولف پیترز، اسلام و استعمار، مترجم: محمد فرقانی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۵، ص ۱۰۰.

«آنـان وحـدت و یگـانگی مسـلمانان را بسـیار عمیق تر و ریشه ای تر دنبـال می کردنـد و اگر هم تعصب و غیرت در میان آنها رایج بود، این تعصب و غیرت، حالت دینی، کنترل شده و انتظام یافته داشت و دارای اهداف اصلاحی داخلی و ضد استعماری بود؛ هرچند که آنها ضمن اصرار بر زهد و ریاضت، به طور کلی تعصب را رد می کردند».(۱)

یکی از ویژگی هـای اصـلی جنبش سنوسـی، در ابتـدا این بود که حالت اسـتقلال طلبانه داشت و پیرو هیـچ یک از دولت های عثمانی و اروپایی نبود. این وضـعیت متأسـفانه ادامه پیدا نکرد و همزمان با جنگ جهانی اول و دوم، جنبش سنوسی به علت از دست دادن موقعیت سیاسـی خود، به طرف دولت عثمـانی و دولت هـای اروپـایی متمایـل شـد. این امر، دلیـل اصـلی شکسـت جنبش سنوسیه در شمال افریقا بود.

جنبش اسلامی شیخ عمر مختار

جنبش اسلامی شیخ عمر مختار

بـا شـروع جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) جنبش سنوسـی از سـوی متفقیـن تحت فشـار قرار گرفت. در اثر این فشارهـا، بین رهـبران جنبش و طرفداران آن اختلاف ایجاد شد و در نتیجه جنبش سنوسیه به دو گروه تقسیم گردید:

۱ ــ اقلیت سنوسی ها به رهبری سیاسی «محمد ادریس» با متفقین وارد معامله شدند و با امضای قراردادی در سال ۱۹۱۷، تن به سازش دادند. در راسـتای این توافق بود که «محمد ادریس» در گردهم آیی سـران کشورهای عرب در مصر، در سال ۱۹۲۲ به عنوان امیر لیبی به رسمیت شناخته شد.

۱– سید احمد موثقی، پیشین، ص ۲۳۷.

۲ _ اکثریت سنوسی ها به رهبری «سید احمد الشریف» به مبارزه خود با نیروهای انگلیسی و ایتالیایی ادامه دادند؛ زیرا «سید احمد الشریف» به مبارزه اعتقاد داشت. در بخش هایی از اطلاعیه او که در سال ۱۹۱۲، درباره جایگاه جهاد در اسلام منتشر شده بود، ضمن واجب شمردن جهاد با ایتالیایی های متجاوز؛ چنین آمده است:

«خداوند به ما اجازه نمی دهد تا وقتی قلب ما می تپد و خون در رگ های ما جریان دارد، تسلیم دشمن شویم، باید با همه کسانی که از صلح دم می زنند و می خواهند جنگ را تمام کرده و تسلیم دشمن شویم، بجنگیم، جای آنها جهنم است و «بئس المصیر».(۱) کسانی که کافران را در برابر مسلمانان یاری می دهند و در حمایت آنها با مسلمانان می جنگند، بدون شک بی ایمان و کافرند».(۲)

تصمیم سنوسی ها بر تداوم جهاد با متجاوزان، در جهان اسلام بازتاب گسترده ای داشت؛ ولی در عمل هیچ گونه کمکی از سوی کشورهای اسلامی به آنها نشد. در این مقاومت سنوسی ها که یک حرکت جدید در تاریخ سیاسی جنبش سنوسیه به شمار می آمد، «شیخ عمر مختار» نقش اصلی را ایفا کرد؛ او که مسئولیت بخش نظامی جنبش را بر عهده داشت، مدت بیست سال به جنگ های چریکی با اشغالگران ادامه داد. «شیخ عمر مختار» در این مدت لحظه ای احساس خستگی نکرد و به فکر مذاکره با دشمن متجاوز نیز نیفتاد؛ از این رو، تا آخرین نفس از اسلام و مردم مسلمان لیبی دفاع کرد. این

۱- بقره: ۱۲۶.

۲- رادولف پیترز، پیشین، صص ۱۰۳ _ ۱۰۴.

فداکاری و از جان گذشتگی او بود که مقام معظم رهبری، حضرت آیت اللّه خامنه ای، با ستایش از قیام «عمر مختار» و نقش اسلام در آن می فرماید: «باز اسلام بود که در «برقه» و «ترابلس» بر ضد ایتالیا به پیکار برخاست و در «سنوسیه» بذر مبارزه و نبرد پاشید و بالاخره دلاور بزرگ «عمر مختار» و مبارزات سرسختانه او را به وجود آورد».(۱)

سرانجام متجاوزان ایتالیایی موفق شدند با سنگ دلی، خشونت، وحشیگری و قتل عام های خونین، قیام «عمر مختار» و جنبش سنوسی را سرکوب کنند. «عمر مختار» در سال ۱۹۳۱ به اسارت ایتالیایی های اشغالگر درآمد و آنها با بی رحمی تمام، او را مظلومانه در ملأـ عام به دار آویختند. به این ترتیب، آخرین نبرد سنوسی ها که در قیام «عمر مختار» متبلور شده بود، در سال ۱۹۳۲ با فشار روزافزون ایتالیایی ها در هم شکسته شد.

نقد و ارزیابی جنبش سنوسیه

نقد و ارزیابی جنبش سنوسیه

سرنوشت جنبش سنوسیه از این رو که بعد از شکست جنبش، دولت در اختیار غربیان قرار گرفت، مانند وهابیت است. با این تفاوت که جنبش وهابیت به خاطر واپسگرایی و قشری بودن بیش از حد، نتوانست در صحنه های سیاسی و اجتماعی دوام بیاورد؛ اما جنبش سنوسیه مدت ها حضور خود را در صحنه های اجتماعی و سیاسی لیبی حفظ کرد و بعد از مبارزه های طولانی به دلایل زیر از مسیر اصلی خود منحرف و متوقف گردید؛ به طوری که بعد از اعلام استقلال لیبی، از دولت «ملک ادریس اول» جز نام خاندان

۱- آینده در قلمرو اسلام، ص ۲۲۷.

سنوسی دیگر چیزی باقی نمانده بود. اما عواملی که این شکست را در پی داشت:

۱ _ نبود تفکر ایجاد حکومت توسط جنبش سنوسی؛ بنیانگذار این جنبش به علت گرایش صوفیانه اش، یک اصلاح طلب بود و نه انقلابی، در نتیجه او درصدد تشکیل حکومت و اداره کشور نبود، اما جنبش سنوسیه در دوران سومین نسل جوان، یعنی هنگامی که امپریالیسم غرب، جهان را بر آن تحمیل کرد، به یک جنبش پیکار جو و خواهان تشکیل حکومت تبدیل شد.(۱)

۲ _ نبود اندیشه جامع و اجتهادی در بین رهبران سنوسی؛

۳ _ پاسخگو نبودن بر مسایل و نیازهای روز جامعه؛

۴ _ مخالفت برخی رؤسای طوایف و فئودال های ترابلس با رهبران جنبش سنوسی؛

۵ _ جنگ نابرابر و برتری نظامی و تجهیزاتی ایتالیایی ها بر جنبش سنوسی؛

۶ _ کمک نکردن ترکان عثمانی به جنبش سنوسی؛

۷ _ کناره گیری «سید احمد الشریف» از رهبری سیاسی جنبش و سپردن آن به «سید محمد ادریس» و رفتن به «استانبول» به عنوان رهبر مذهبی جنبش؛

۸ _ سازش «سید محمد ادریس» با متفقین بعد از جنگ جهانی اول و ماندن در کنار آنها در جنگ جهانی دوم.(۲)

۱- هرایر دکمجیان، پیشین، ص ۴۸.

۲- سید احمد موثقی، پیشین، صص ۲۴۰ _ ۲۴۱.

در هر صورت این امور سبب شد که رهبران جنبش به سوی غرب و امریکا تمایل پیدا کنند و جنبش با وجود مایه ای فکری، نتواند مردم لیبی را رهبری نماید.

در هر حال جنبش سنوسی تأثیراتی بر حرکت های اصلاحی و استعمارستیز در شمال افریقا و به ویژه «مهدی سودانی» بر جای نهاد و به عنوان یک افتخار برای مردم لیبی باقی ماند؛ آن چنان که دولت کنونی «سرهنگ قذافی» از این پیشینه تاریخی به نیکی یاد کرده و آن را نشانه همبستگی مردم لیبی در مبارزه با استعماگران غربی می داند.

مواضع لیبی در برابر انقلاب اسلامی ایران

مواضع لیبی در برابر انقلاب اسلامی ایران

«سرهنگ قذافی» در سال ۱۹۶۹ با کنار زدن «ادریس اول» هفتاد و یک ساله که برای مداوا در ترکیه به سر می برد، قدرت را به دست گرفت. دولت جدید لیبی در نخستین اقدام، در سال ۱۹۷۰ پایگاه های نظامی امریکا و انگلیس را از این کشور جمع آوری نمود. در پی این اقدام، دشمنی امریکا با لیبی آغاز شد. امریکا لیبی را به دست داشتن در انفجار هواپیمای «پان امریکن» متهم کرد؛ این حادثه در تاریخ ۲۱/۱۲/۱۹۸۸ بر فراز لاکربی اسکاتلند اتفاق افتاد و ۲۷۲ نفر در آن کشته شدند.

مواضع لیبی نسبت به انقلاب اسلامی ایران تا کنون خوب و دوستانه بوده است. «معمر قذافی» از شخصیت های سیاسی بود که با اوج گیری مبارزات رهایی بخش مردم ایران، از سال ۱۳۵۶ به این سو از مبارزات حق طلبانه مردم ایران پشتیبانی کرد.(۱) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، بی درنگ هیئت هایی

۱- ذوالفقار امیر شاهی، لیبی، پیشین، ص ۸۸ .

را برای تبریک و پشتیبانی از آرمان های انقلاب اسلامی و گفت وگو درباره برقرار نمودن روابط دو جانبه سیاسی به تهران فرستاد.(۱)

روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور از سال ۱۳۶۰ به این سو به علت موضع گیری های یکسان سیاسی و بین المللی که داشته اند گسترش پیدا کرده است. تا کنون مقامات تهران و لیبی برای پایداری روابط دو کشور، از کشورهای یکدیگر دیدار کرده اند. از آن جمله می توان به سفر آیت اللّه هاشمی رفسنجانی (رییس مجلس وقت) به ترابلس و امضای قراردادهای سیاسی و اقتصادی اشاره کرد.(۲)

«معمر قذافی» در رابطه با مسأله فلسطین نیز همواره از موضع جمهوری اسلامی ایران، طرفداری نموده است. یک مقام سیاسی لیبی در سال ۱۳۷۲ با تایید نقش ایران در مسأله فلسطین گفت: «ما به زودی ارتش اسلامی را جهت آزادسازی سرزمین های اشغالی در فلسطین تشکیل خواهیم داد و ان شاء اللّه ایران پیشگام برای تشکیل این سپاه خواهد بود».(۳)

۱- ذوالفقار امیر شاهی، لیبی، پیشین، ص ۸۸ .

۲- ذوالفقار امیر شاهی، لیبی، پیشین، ص ۸۹ .

۳- غلامرضا گلی زواره، پیشین، ص ۳۵۴.

فصل هفدهم: جنبش اسلامی مصر

اشاره

فصل هفدهم: جنبش اسلامی مصر

مصـر از کشورهـای شـمال افریقـاست که در کنـار دریـای مـدیترانه واقع شـده است. این کشور با پیشـینه تاریخی که دارد، در ردیف کشورهـای مهم و پیشـرفته جهـان عرب به شـمار می آیـد. مصـر به علت قرار گرفتن در تقـاطع سه قاره (آسـیا، افریقا و اروپـا) موقعیت منحصـر به فردی را دارا می باشـد. کانـال سوئز در سال ۱۹۵۶ توسط «جمال عبدالناصـر» ملی اعلام شـد و واقع شدن کانال سوئز در خاک مصر، بر اهمیت راهبردی آن افزوده است.

در مصـر نژادهای مختلف زندگی می کنند، ولی بیش تر مردم مصـر از نژاد «سامی» هستند. جمعیت این کشور در سال ۱۹۵۵، ۶۱ میلیون نفر بوده است.

مصر در زمان خلافت «عمر» در سال ۶۴۰ میلادی به دست نیروهای اسلام به فرماندهی «عمروبن عاص» فتح شد. با ورود اسلام به این سـرزمین، گروه زیـادی به آن گرویدنـد و عـده کمی بر مـذهب مسیحیت بـاقی ماندنـد که آنان را «مسـیحی قبطی» می گویند. هم اکنون ۹۴ درصد مردم مصـر مسلمان هستند و ۵ درصـد از آن قبطی ها و ۱ درصـد از پیروان سایر ادیان و مذاهب می باشند.(۱)

۱- سید مهدی تکیه ای، مصر، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۳.

جنبش اخوان المسلمین

جنبش اخوان المسلمین

جنبش اخوان المسلمین مصر، همزمان با اوج گیری اصلاح گرایی در جهان اسلام، در سال ۱۹۲۸ توسط «حسن البناء» در اسکندریه پایه گذاری شد. «حسن البناء» از میان رهبران جنبش های اسلامی اهل سنت برای نخستین بار خواستار تجدید حیات اسلامی در میان جوامع اهل سنت شد.

اخوان المسلمین در سال ۱۹۳۰ جزو پرقدرت ترین سازمان های اسلامی بود که اقشار مختلف مردم مصر از؛ کارگران، جوانان، دانشجویان و... به آن تمایل پیدا کردند. این گروه اگر چه در ظاهر سعی داشت تا چنین وانمود کند که یک حزب سیاسی نیست، ولی در عمل رهبر این حزب (حسن النباء) مردم را به سوی بنیادگرایی اسلامی دعوت می کرد:

«برادران من! شما یک انجمن خیریه، یک حزب سیاسی و یا سازمان محلی نیستید که اهداف محدودی داشته باشد. شما روح جدیدی هستید در قلب این که با توسل به قرآن به آن حیات می بخشد. شما نور جدیدی هستید که برای محو تاریکی ماتریالیسم از طریق شناخت خدا پرتوافکنی می کند. فریاد نیرومندی هستید که برای رساندن مجدد پیام پیامبر طنین افکن شده است.

شما باید خود را حامل رسالتی بدانید که دیگران از برداشتن آن خودداری ورزیدند. وقتی از شما می پرسند به چه دعوت می کنید؟ پاسخ گویید به اسلام، به پیام محمد صلی الله علیه و آله وسلم ، دینی که در آن حکومت هست و یکی از تعهداتش آزادی است. اگر به شما گفتند سیاسی هستید؟ پاسخ دهید، اسلام یک چنین تمایزی را قبول ندارد. اگر شما را به انقلابی بودن متهم کردند، بگویید ما فریادهای حق و صلح هستیم، به آن ایمان داریم و به آن افتخار

می کنیم. اگر در مقابل ما بایستید و جلو پیام ما را بگیرید، از جانب خدا اجازه داریم از خودمان در مقابل بی عدالتی شما دفاع کنیم.(۱)

این سخنان، اخوان المسلمین را درگیر مسایل سیاسی کرد و بعد از پایان جنگ جهانی دوم، فعالیت های جنبش نیز افزایش یافت. در سال ۱۹۴۸، اخوان المسلمین که در پی ایجاد حکومت اسلامی در مصر بود(۲)، بزرگ ترین خطر برای نظام پادشاهی این کشور قلمداد می شد؛ از این رو، دولت «نقراشی پاشا» آن را منحل اعلام کرد و با جلوگیری از فعالیت اخوان المسلمین، به سرکوبی نیروهای آن پرداخت.

با ترور «نقراشی پاشا»، در ۲۸ دسامبر ۱۹۴۸، به وسیله یک عضو اخوان المسلمین، فشار بر این حزب دو چندان شد تا سرانجام به ترور «حسن البناء» در ۱۲ فوریه ۱۹۴۹ به دست عوامل دولت انجامید. با روی کار آمدن دولت «وفد» در ژانویه ۱۹۵۰ جنبش اخوان المسلمین این فرصت را پیدا کرد که بار دیگر فعالیت های خود را در چارچوب قانون آغاز کند. در اکتبر ۱۹۵۱ قاضی «حسن الهضیبی» به عنوان رهبر جدید اخوان انتخاب گردید تا جنگ چریک های اخوان المسلمین را که با نیروهای بریتانیا در کانال سوئز مشغول نبرد بودند، رهبری نماید.

اخوان المسلمین مخالف حضور غرب و بریتانیا در مصر بود؛ حتی برخی از دانشمندان مانند دکتر «محمد امین رئیس» بر این باورند که: «یکی از انگیزه های تأسیس این جمعیت، آگاه کردن مصریان از ظلم سربازان انگلیسی نسبت به مصر است که در اطراف اسماعیلیه و منطقه کانال سوئز پرسه

۱- هرایر دکمجیان، پیشین، ص ۱۵۱.

۲- عبدالوهاب فراتی، پیشین، صص ۲۱۹ _ ۲۲۰.

می زدند».(۱)

در اثر همین تبلیغات غرب ستیز اخوان المسلمین بود که در سال ۱۹۵۲ آشوب علیه بریتانیا در مصر افزایش یافت و به برکناری «ملک فاروق» در ۶ ژوئیه ۱۹۵۲ و روی کار آمدن «جمال عبدالناصر» انجامید.

«ناصر» در ابتدا، رابطه خوبی با اخوان المسلمین داشت، به طوری که اخوان امید داشت با همکاری «ناصر» برای برپایی یک حکومت اسلامی فعالیت کند. اما در دراز مدت تنش ها بالا گرفت و مشخص شد که دو طرف، درباره مسایل اجتماعی و اداره حکومت، ایده ها و دیدگاه های متفاوتی دارند. «از نظر ناصر، شعار غالب «الدین للّه و الوطن للجماعه»، یعنی (دین برای خدا و کشور برای مردم) بود. این شعار سیاسی به معنی منزوی کردن اخوان بود؛ زیرا اخوان می خواست حکومت بعد از انقلاب ۱۹۵۲ مصر متکی به اسلام باشد».(۲)

این اختلاف ها باعث شد که ناصر در ۲۶ اکتبر ۱۹۵۴ مورد سوء قصد هواداران اخوان قرار گیرد. در پی این سوء قصد، اخوان منحل و اموال و دارایی هایش مصادره گردید و هزاران نفر از رهبران و هواداران آن دستگیر، زندانی و بعضی هم اعدام شدند. بعد از این سرکوب، اخوان دیگر فرصت فعالیت آشکار را تا زمان مرگ «ناصر» در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۰ پیدا نکرد. روی کار آمدن «انور سادات» بار دیگر زمینه را برای حضور اخوان در جامعه مصر فراهم کرد.

۱- محمد امین رئیس، نهضت های بین المللی اسلامی و تأثیر آنها بر اندونزی، فصل نامه حضور، دوره دوم، ش ۱۳، ۱۳۷۴، ص ۱۷۱.

۲- محمد امین رئیس، نهضت های بین المللی اسلامی و تأثیر آنها بر اندونزی، فصل نامه حضور، دوره دوم، ش ۱۳، ۱۳۷۴، ص ۱۷۵.

«انور سادات» در آغاز، با دو مشکل اصلی روبه رو بود؛ از یک سو مشکلات داخلی و از سوی دیگر رویارویی با اسراییل در صحرای سینا. این دو امر سبب شد که «سادات» از موقعیت اجتماعی اخوان المسلمین استفاده کند؛ با این هدف، تمام رهبران زندانی اخوان را آزاد کرد و به آنها اجازه داد تا در عرصه های مختلف، حضور سیاسی و فرهنگی داشته باشند. به دنبال این سیاست، همکاری نزدیکی بین «سادات» و اخوان به وجود آمد و به چندین نشریه مربوط به اخوان اجازه انتشار داده شد.

همکاری «سادات» و اخوان در پی نزدیکی دولت مصر به اسراییل در سال ۱۹۷۷ به سردی گرایید. اخوان پیمان صلح مصر و اسراییل و سیاست درهای باز «سادات» را که موجب گسترش فرهنگ غرب در جامعه می شد، زیر سؤال برد. در این هنگام که کشمکش بین اخوان و «سادات» در حال افزایش بود، پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ تأثیر به سزایی در تصمیم گیری های جنبش اخوان بر جای گذاشت و اخوان را در رسیدن به هدفش که برپایی نظامی اسلامی در مصر بود، تقویت کرد.(۱)

«سادات» که فردی دوچهره و وابسته به غرب بود، می خواست با نام طرفداری از اسلام، به مقاصد سکولاریستی و ضد دینی خود دست یابد. اما دیری نپایید که با شورش های مردمی در مصر مواجه شد و سرانجام به دست «ستوان خالد اسلامبولی»، اسلام گرای عضو سازمان «الجهاد» در اکتبر ۱۹۸۱ ترور شد.

۱- هرایر دکمجیان، پیشین، ص ۱۶۰.

بعد از کشته شدن «سادات»، نیروهای امنیتی مصر بر سرکوبی اسلام گرایان و اعضای اخوان المسلمین پرداختند و حتی در برخی شهرهای مصر (مانند اسیوط) جنگ های شدیدی بین نیروهای امنیتی و مبارزان درگرفت. این وضعیت در زمان «حسنی مبارک» جانشین «سادات» نیز ادامه پیدا کرد. «حسنی مبارک» در یک واکنش شدید نسبت به قتل «سادات»، «خالد اسلامبولی» را اعدام و ۳۰۰ نفر دیگر از رهبران گروه های اسلامی را دستگیر و زندانی کرد. این رفتار «حسنی مبارک» با اعتراض شدید اسلام گرایان و شخصیت های اسلامی در مصر مواجه شد و برخی از آنها خواستار سرنگونی رژیم «مبارک» شدند.

اهداف و رهبران نهضت اسلامی مصر

اهداف و رهبران نهضت اسلامی مصر

رویارویی اسلام با امپریالیسم غربی که پس از سرنگونی ترکان عثمانی تشدید شد، موجب حرکت های اصلاحی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم گردید. رهبر برجسته این حرکت اصلاحی و روشن فکری، «سید جمال الدین اسدآبادی» بود که ایجاد اصلاحات و مقاومت در برابر غرب را از راه بازگشت به اسلام، با ویژگی های نوین، تبلیغ می کرد. بعدها شاگرد مصری سید، «محمد عبده» بر عقل گرایی ذاتی سنت اسلامی تأکید ورزید(۱) و این بینش، اساس و جوهره جنبش سلفیه را با رهبری «محمد عبده» و شاگرد سوری او «رشید رضا» تشکیل داد.

با مرگ «محمد عبده» در سال ۱۹۰۵ جنبش اصلاح گرایی در مصر حالت محافظه کارتری به خود گرفت و این امر به درگیری بین اصلاح طلبان

۱- هرایر دکمجیان، پیشین، ص ۴۹.

سلف گرای مصر و الجزایر (بین دو جنگ جهانی) انجامید. «رشید رضا» از مهم ترین چهره های اصلاح گرا در مصر بود که جهاد تدافعی را در هنگام آزار مسلمانان تصدیق کرد. «رشید رضا»، حنبلی مذهب بود و از تجدیدطلبی جنبش وهابیت پشتیبانی می کرد. در میانه دهه ۱۹۳۰ «رشید رضا» میانه رو سلفی مسلک، جای خود را به جنبش رادیکال اخوان المسلمین به رهبری «حسن البناء» در مصر داد.

«حسن البناء»، روحانی فعال مصری بود که با الهام از اندیشه های عرفانی مرشدش «شیخ عبدالوهاب» در ابتدا «جمعیت خصریه حصافیه» را برای امر به معروف و نهی از منکر و رویارویی با تبلیغات میسیونرهای انگلیسی به وجود آورد.(۱) بعدها در اثر تغییراتی که در افکار و اندیشه های سیاسی او حاصل شد، جنبش بنیادگرایی اخوان المسلمین را تشکیل داد. اخوان یک جنبش نوگرا در جامعه اهل سنت است که بیشتر حرکت های اصلاحی و اسلام گرایی در جهان عرب و کشورهای اسلامی از آن متأثر می باشند؛ زیرا اخوان به عنوان یک جنبش پیشرو در مصر پدید آمد و بسیار سریع در سراسر کشورهای اسلامی گسترش پیدا کرد. اهداف و آرمان های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اخوان المسلمین، همان گونه که توسط رهبران آن مانند «حسن البناء»، «سید قطب» و... بیان گردیده، عبارت است از:

۱ ـ حفظ استقلال مصر و نبود سلطه بیگانه بر آن: اخوان برای تأمین این خواسته اش با حضور نیروهای انگلیس در مصر مخالفت کرد و با آنها وارد جنگ شد.

۱- عباسعلی زنجانی، پیشین، ص ۱۴۶.

۲ ـ آزادی تمام سرزمین های اسلامی از سیطره استعمارگران: اخوان با سلطه غربی و تجددگرایی غربی بر کشورهای اسلامی مخالف بود و دولت های بریتانیا، ایتالیا و فرانسه را دشمن اسلام قلمداد می کرد.(۱)

۳ ـ برپایی حکومت اسلامی در مصر: اخوان طرفدار ایجاد حکومت اسلامی و اجرای دقیق شریعت بود و می خواست حکومت صالحی را به وجود بیاورد که نخست، بر پایه آموزه های اسلامی بنا نهاده شده باشد؛ دوم اینکه احکام اسلامی را به طور دقیق اجرا کند، سوم اینکه، محافظ و مدافع اسلام در داخل و خارج از مصر باشد.(۲)

۴ ـ اصلاحات اجتماعی: «حسن البناء» و دیگر رهبران اخوان المسلمین، اگرچه جز به حکومت شرعی مورد نظر خود خشنود نبودند؛ ولی از انجام اصلاحات در جامعه نیز پشتیبانی می کردند و با دولت ـ به ویژه در دوران «بناء» ـ همکاری می کردند و پیشنهادهایی را برای انجام اصلاحات و بهبودی وضعیت فرهنگی مسلمانان ارایه می نمودند.

۵ ـ ایجاد وحدت اسلامی: اخوان المسلمین، وحدت اسلامی را برای مبارزه با استعمار و استیلای خارجی، مفید و حتی ضروری می دانست. در اساس نامه اخوان آمده است: «ایجاد وحدت و یگانگی بین جمیع افراد انسانی بر پایه اصول و مبادی منبعث از قرآن کریم و نزدیک ساختن بینش ها و نظریات مختلف مذاهب اسلامی».(۳)

نقش الازهر در نهضت اسلامی مصر

نقش الازهر در نهضت اسلامی مصر

۱- عبدالوهاب فراتی، پیشین، ص ۲۲۱.

۲- بهمن آقایی ـ خسرو صفوی، اخوان المسلمین، انتشارات رسام، بی جا، ۱۳۶۵، ص ۲۰۷.

۳- بهمن آقائی ـ خسرو صفوی، پیشین، ص ۲۰۷.

دانشـگاه الازهر با پیشـینه چنـد صـد ساله، یکی از پربارترین و قدیمی ترین مراکز دینی و تاریخی مسـلمانان به شـمار می آید. الازهر در قرن سوم هجری توسط فاطمیون شیعه مذهب در مصر پایه گذاری و به مرکزیتی برای اهل سنت تبدیل گشت.

هم اکنون تعداد زیادی از طلاب علوم دینی خارجی و داخلی در این دانشـگاه و در رشته های مختلف علوم اسلامی مشغول به تحصـیل هسـتند و بیشتر علمای اهل سـنت که در کشورهای اسـلامی به تبلیغ، بیان احکام و خدمات اجتماعی اشتغال دارند، از این دانشـگاه فارغ التحصیل شده اند. ریاست این دانشگاه در حال حاضر به عهده «شیخ سید محمد طنطاوی» است که به عنوان «شیخ الازهر» شهرت دارد.

الازهر، در نوگرایی اسـلامی و جنبش های اصـلاح طلبی اهل سـنت، نقش اصـلی را ایفا کرد. بی تردید بسـیاری از چهره های ادبی، تاریخی، سیاسـی، مذهبی و... از این مرکز برخاسـته اند. باید پذیرفت که وجود دانشگاه الازهر در مصر، این کشور را به مهـد پیـدایش انـدیشه های نوین اسـلامی در جهان اهل سـنت تبدیل کرد و شخصـیت هایی چون «رشـید رضا»، «حسن البناء»، «سید قطب» و... افکار و اندیشه های خود را در این دانشگاه پرورش داده اند.(۱)

جنبش اخوان المسـلمین به عنوان میراث سیاسـی الازهر، از عمده ترین گروه های اسـلامی در مصر و دیگر کشورهای اسلامی است.

۱- سید مهدی تکیه ای، پیشین، ص ۱۸.

مواضع فکری و سیاسی گروه های اسلامی مصر و مواضع آنها در برابر انقلاب اسلامی

مواضع فکری و سیاسی گروه های اسلامی مصر و مواضع آنها در برابر انقلاب اسلامی

در دهه ۷۰ افزون بر جنبش اخوان المسلمین، سه جنبش دیگر و منشعب از آن بر حیات سیاسی مصر سایه انداخت. این گروه ها که پس از سال ۱۹۶۷ پایه گذاری شدند، عبارتند از:

الف ــ سازمان آزادی بخش اسلامی «منظمه التحریر الاسلامی»: رهبری آن را «صالح سریه» بر عهده داشت.

ب ــ جامعه مسلمانان و یا سازمان «التکفیر و الهجره»: به رهبری «شکری مصطفی».

ج ــ سازمان «منظمه الجهاد»: یک سازمان انقلابی و تندرو در مصر است که در سال ۱۹۸۱ عامل قتل «سادات» شناخته شد.

در این دهه، فعالیت این سه گروه علیه دولت گسترش پیدا کرد. «سید قطب» که حلقه ارتباط این گروه ها با اخوان بود، بر اسلام گرایان جدید نفوذ زیادی داشت. تأثیر «سید قطب» بر اسلام گرایان به خاطر دارا بودن ویژگی های زیر است:

۱ ــ «سید قطب» به عنوان یک متفکر و نظریه پرداز، تأثیر بسیاری بر ارایه ایدئولوژی جدید و رشد بنیادگرایی اسلامی در مصر داشت.

۲ ــ «سید قطب» از این قدرت برخوردار بود که به عنوان عضو باسابقه اخوان، رابطه سازمانی اخوان را با شاخه های تندرو و سرکش آن حفظ نماید.

۳ ــ مخالفت «سید قطب» به عنوان یک عنصر فعال سیاسی و فکری، با دولت و شهادت او باعث شد تا مبارزان جوان تر از او درس شهامت و ایثار

بیاموزند.(۱)

خطوط کلی جنبش اسلامی مصر به رهبری اخوان المسلمین را می توان از دو زاویه فکری و سیاسی، بررسی کرد:

از نظر فکری، حرکت اخوان، یک حرکت سلفی بود و این امر موجب شد تا رهبران جنبش از یک سو، در مسایل فکری و عقیدتی فرو نروند و از سوی دیگر جایگاه خود را در میان طبقه روشن فکر و تحصیلکرده از دست بدهند. «تعصب اخوان به نص شریعت چنان بود که کمتر اجتهادی را برنمی تافتند. همچنین نظر آنان درباره عرب و تمدن و تجدد و مقتضیات عصر و پاسخ آنان به مسایل جاری تا حدودی دچار آشفتگی بود. به این سبب موفق نشدند نظریه ای روشن درباره مسایل اقتصادی و اجتماعی و علمی مطابق با دعوت خود ارایه کنند. این در حالی است که در طول عمر اخوان، عالمان، نویسندگان و متفکران بسیاری پرورش یافته اند و کتاب ها و مقاله های بسیاری در دفاع از عقاید و حقانیت اندیشه خود نگاشته اند».(۲)

اما از نظر سیاسی، جنبش اسلامی دارای خط مشی مشخصی در صحنه های داخلی و خارجی بود. در عرصه داخلی، افزون بر انجام اصلاحات و تبلیغ آموزه های اسلامی، اجتماعی از برجسته ترین ساختار فکری متفکران وابسته به آن برخوردار بود.(۳) در عرصه خارجی، رهبران جنبش، فراملیتی فکر می کردند، از این رو، فعالیت های خود را در دو محور متمرکز کرده بودند:

۱- عبدالوهاب فراتی، پیشین، صص ۲۳۸ _ ۲۳۹.

۲- هرایر دکمجیان، پیشین، ص ۱۶۵.

۳- محمد امین رئیس، پیشین، ص ۱۷۸.

۱ _ ایجاد رابطه با حرکت های اصلاحی و جنبش های اسلامی در سراسر جهان: به این منظور، اخوان تلاش کرد تا از دایره اهل سنت قدم فراتر نهاده و با نهضت های شیعی در عراق و ایران رابطه برقرار نماید. در پی این نگرش، شبکه های اخوان المسلمین تا کنون نقش های مهمی را در هماهنگی اسلام گرایان و منزوی کردن رژیم های وابسته به استکبار جهانی ایفا کرده است. از آن جمله می توان به انزوای سیاسی رژیم های مصر و سوریه در دهه ۸۰ و پشتیبانی از «یاسر عرفات» اشاره کرد. با این وجود، جنبش اخوان تا کنون نتوانسته یک وحدت معنوی و ایدئولوژیک در سراسر جهان اسلام ایجاد کند. تئوری دهه ۷۰ اخوان مبنی بر تشکیل یک «سازمان بین المللی اخوان المسلمین» منجر به شکست شد و حتی «وابستگان اخوان در تونس و سودان از پیروی (بیعت) از سازمان مادر در مصر خودداری کردند».(۱)

۲ _ پشتیبانی از قیام مردم مسلمان فلسطین: از هنگام پایه گذاری اخوان المسلمین، «حسن البناء» نقش ویژه ای در پشتیبانی از انقلاب فلسطین به عهده داشت. نخستین پشتیبانی رسمی اخوان از انقلاب فلسطین در هنگام اعتصابات فراگیر عرب های فلسطین علیه انتقال یهودیان به این سرزمین در سال های ۱۹۳۶ _ ۱۹۳۷ به عمل آمد.

پیش از فرا رسیدن دهه ۴۰ «حسن النباء» ضمن دیدار از فلسطین، هسته های جنبش را در شهرهای بیت المقدس، یافا، حیفا، نابلس و طولکرم فعال ساخت.

۱- هرایر دکمجیان، پیشین، ص ۳۹۰.

همزمان با شروع مبارزات مسلحانه مردم فلسطین، باز هم اخوان المسلمین از اولین گروه هایی بود که با اعزام گردان های داوطلب در نبرد ۱۹۴۸ با اشغالگران یهودی پیش قدم شد. پشتیبانی از انقلاب فلسطین، راهبرد سیاسی و بین المللی اخوان المسلمین را تشکیل می داد، از این رو، در هیچ شرایطی از آن دست برنداشت. در سال ۱۹۵۴ که فعالیت های اخوان در اثر مخالفت با «جمال عبدالناصر» ممنوع اعلام شد، اخوان به کارهای مخفی و زیرزمینی روی آورد.

در این مرحله که از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۵ ادامه یافت، اخوان در راستای کمک به انقلاب فلسطین و برای فعالیت های مسلحانه خود، دو گروه تشکیل داد؛ «جوانان انتقام» که «صلاح خلف» عضو برجسته آن بود و «گردان حق» که «خلیل الوزیری» (ابو جهاد) از اعضای آن بود و هدف از آن حملات نظامی و چریکی علیه نظامیان اسراییل بود.(۱)

اخوان المسلمین در راستای این سیاست خود، با هرگونه حرکتی که به انزوای رژیم اشغالگر قدس می انجامید و موجب تقویت انقلاب فلسطین می شد، همکاری می کرد. از این رو، اخوان از پایه گذاری اتحادیه عرب استقبال کرد و آن را مقدمه ای برای حل قضیه فلسطین دانست.(۲)

رابطه جنبش اسلامی مصر با انقلاب اسلامی ایران، با توجه به موضع گیری های مشترک که از خود در صحنه های سیاسی و جهانی بروز داده اند، بسیار نزدیک است.

۱- سید هادی خسروشاهی، اسراییل پایگاه امپریالیسم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۳۴.

۲- عبدالوهاب فراتی، پیشین، ص ۲۲۱.

دکتر «محمدامین رئیس» با اشاره به این مطلب، می نویسد: «شباهت میان اخوان المسلمین که یک سازمان سنی مذهب در مصر است و نهضت اسلامی شیعی ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله، فقط در دشمنی آنها با غرب یا به عبارت صحیح تر، عداوت با منافع غرب در جهان اسلام خلاصه نمی شود؛ بلکه این واقعیت را نشان می دهد که هر دو نهضت می کوشند تا تعالیم اسلامی را به طور جامع، فراگیر و منسجم در تمامی مسایل جامعه در عصر جدید اعمال نمایند».(۱)

این نزدیکی سبب شده که حمایت جمهوری اسلامی ایران از جنبش های اسلامی مصر، همواره از مسایل تنش زا میان دو کشور و مایه نگرانی دولتمردان مصر باشد. بی تردید «رشد جنبش اسلام خواهی در مصر که به طور مشخص، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، روند قابل توجهی داشت، تأثیر معنوی ایده اسلام انقلابی که جمهوری اسلامی ایران داعیه دار آن می باشد را در صحنه مصر آشکار می سازد».(۲)

اما مناسبات جمهوری اسلامی ایران با دولت مصر، در پی امضای قرارداد «کمپ دیوید» قطع گردید. امام خمینی رحمه الله با انتشار اطلاعیه ای به شدت به آن حمله کرد: «این جانب بیش از پانزده سال است که خطر اسراییل غاصب را گوشزد کرده ام و به دول و ملل غرب این حقیقت را اعلام نموده ام. اکنون با طرح استعماری صلح مصر و اسراییل این خطر بیشتر، نزدیک تر و جدی تر شده است. «سادات» با قبول این صلح وابستگی خود به دولت استعمارگر امریکا را آشکارتر نمود... ایران صلح «سادات» و اسراییل را خیانت به اسلام و مسلمین و برادران عرب می داند و موضع سیاسی کشورهای مخالف این

۱- محمدامین رئیس، پیشین، ص ۱۷۱.

۲- سید مهدی تکیه ای، پیشین، ص ۹۹.

پیمان را تأیید می کند».(۱)

بعـد از این تاریخ روابط دو کشور نه تنها بهبود نیافت، بلکه روز به روز به علت پشتیبانی «حسـنی مبارک» از «صدام حسـین» و سازش با اسراییل و طرفداری از صلح خاورمیانه، به سردی گرایید. البته، اخیرا تا حدودی رو به بهبود است.

۱- سید مهدی تکیه ای، پیشین، ص ۹۸.

فصل هجدهم: جنبش اسلامی مورو

اشاره

فصل هجدهم: جنبش اسلامی مورو

فیلیپین از کشورهای جنوب شرقی آسیاست که در کنار اقیانوس آرام قرار دارد. این کشور با ۷۱۰۷ جزیره، یکی از کشورهای مجمع الجزایر دنیا به شمار می آید. مورو با سرزمین «بانگسامورو» سیزده استان فیلیپین را دربرمی گیرد که از ذخایر نفت و معادن آهن و مس برخوردار است.

اسلام در سال ۷۸۲ هجری (۱۳۶۳ میلادی)(۱) توسط مردم مالزی و «داماکها» به مجمع الجزایر فیلیپین راه یافت و در همان آغاز، مورد استقبال مردم واقع شد و به آیین رسمی جنوب فیلیپین (بانگسامورو) تبدیل شد. از جمعیت ۷۱ میلیونی این کشور (در سال ۱۹۹۷)، بیش از ده میلیون نفر مسلمان هستند.(۲) مسلمانان برای اولین بار در قرن پانزدهم میلادی موفق به تشکیل دولت اسلامی در فیلیپین شدند. این دولت که برگرفته از حکومت های شاهان خاورمیانه بود، به صورت پادشاهی اداره می شد. پس از این دولت، حکومت های دیگری نیز به پیشوایی مسلمانان در این سرزمین ایجاد شده است.(۳) رونق اسلام در فیلیپین توجه دشمنان اسلام و دولت های استعمارگر را به سوی خود جلب کرد، آنان با تهاجم

۱- سرزمین اسلام، ص ۲۲۹.

۲- سرزمین اسلام، ص ۲۳۳.

۳- حسین هدی، علیرضا بهشتی، پیشین، ص ۶۱ .

به این منطقه، اسلام را با خطر جدی روبه رو نمودند.

علل پیدایش جنبش اسلامی مورو

علل پیدایش جنبش اسلامی مورو

اولین نیروهای استعمارگر خارجی اسپانیایی ها بودند که در سال ۱۵۶۵ به فیلیپین وارد شدند. اسپانیایی ها که در سال ۱۴۹۲ حکومت ۷۸۱ ساله مسلمانان را در «اندلس» سرکوب نموده بودند، نسبت به مسلمان ها کینه ای شدید داشتند. از این رو، بعد از ورود به فیلیپین، در رفتار با مسلمانان و بومیان روش خصمانه ای را در پیش گرفتند و از آن روز تا کنون مسلمانان این کشور با استعمارگران اسپانیایی در حال مبارزه هستند.

مسلمانان مورو که هفت میلیون نفر برآورد می شوند، جزو محروم ترین اقشار جامعه فیلیپین هستند، زیرا آنان هم از سوی مسیحیان و هم از سوی دولت این کشور مورد بی اعتنایی، تبعیض، بی عدالتی و ستم قرار می گیرند. در این جا به عواملی که باعث شد تا مسلمانان برای آزادی شان دست به قیام مسلحانه بزنند، اشاره می شود:

۱ _ تجاوز به خاک موروها و اشغال سرزمین های آنان؛ به طوری که امروزه بیشترین قسمت سرزمین موروهای مسلمان در اختیار مسیحیان است.

۲ _ ارتش فیلیپین ضد مسلمانان عمل می کرد و به بهانه های مختلف وارد خانه های آنان می شد و بعد از خارج کردن زنان و کودکان، خانه ها را آتش می زد. نیروهای ارتش همواره تلاش می کردند تا مناطق مسلمان نشین را به آشوب بکشانند و شب ها با صفیر گلوله آرامش آنان را بر هم می زدند. خودروهای ارتش هنگام حرکت در خیابان های مسلمان نشین، رعایت عابر پیاده را نمی کردند و هر روز تعدادی از مسلمانان زیر چرخ های تانک ها و... له می شدند.

۳ _ اسلام در فیلیپین، مایه عقب ماندگی قلمداد می شد و تمام حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مسلمانان به عنوان انسان های عقب مانده و بی فرهنگ، پایمال شده و هیچ دستگاه و قانونی وجود نداشت تا از حقوق آنان حمایت کند.

۴ _ مشکل قضایی: این مسأله برای مسلمانان دارای اهمیت بسیار بود، زیرا نظام قضایی فیلیپین که بر اساس قوانین قضایی امریکا و مسیحیت تدوین گردیده، برای مسلمان ها کاملاً بیگانه است. در سال ۱۹۷۴ یک کمیته به سرپرستی دکتر «ماحول» مأمور شد تا برای مسلمان ها بر مبنای فقه اسلامی قانون تدوین کند، ولی از نتیجه کار خبری نشد و چنین قانونی اگر هم تدوین شده باشد، در نظام قضایی فیلیپین اجرا نگردید.

۵ _ فساد اداری و پایان دعوا به سود مسیحیان در جایی که یکی از طرف های دعوا مسیحی بود.

۶ _ غارت و چپاول منابع طبیعی موروها: سرزمین مسلمان نشین (موروها) دارای منابع طبیعی فراوان است، ولی موروها کمتر از آن استفاده می کنند. برای نمونه، پروژه برق «هیدروالکتریکی» در منطقه «لانائو» _ که نیروی برق این ناحیه را تولید می کند _ از سال ۱۹۶۷ شهرهای مسیحی نشین، با فاصله ۱۵۰ کیلومتر از آن استفاده می کردند، اما شهر مسلمان نشین «مارواوی» که در کنار آن واقع شده است، تا سال ۱۹۷۳، از نیروی برق حاصل از آن بی بهره بود.(۱)

۱- محمد کاظم توکلی، مسلمانان مورو، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱، ص ۱۸۰ تا ۱۸۷.

۷ _ حفظ اسلام در فیلیپین: مسلمانان جنوب فیلیپین ۴۰۰ سال است که به جرم پیروی از احکام اسلام بار ستم و مظلومیت را بر دوش دارند. با این وجود، آنان سعی کرده اند تا نور اسلام را در برابر تبلیغات گسترده مسیحیت در جنوب شرقی آسیا حفظ نمایند.

عوامل بالا افزون بر علل دیگر، سرانجام مسلمانان را واداشت تا دست به قیام و نهضت مسلحانه بزنند. آنها برای دفاع از حقوق خود و سازماندهی مبارزات مسلحانه، در سال ۱۹۶۸ «جبهه ملی آزادی بخش مورو» را تشکیل دادند. این جبهه از بدو پایه گذاری، جنگ های سختی با رژیم «مارکوس» انجام داد و سال ۱۹۷۱، اوج مبارزات مسلمانان با دولت فیلیپین بود. رژیم «مارکوس» که از پشتیبانی نظامی امریکا برخوردار بود، با تمام توان و قدرت به کشتار مسلمانان پرداخت و صدها هزار نفر را شهید و میلیون ها انسان را آواره کرد. از سال ۱۹۷۲ مبارزات مسلمانان جنوب شرقی آسیا مورد توجه کشورها و سازمان کنفرانس اسلامی قرار گرفت و با میانجی گری اعضای این سازمان، باب گفت وگو بین جبهه ملی آزادی بخش مورو و رژیم «مارکوس» گشوده شد. اگرچه این گفت وگوها با رژیم «مارکوس» نتیجه ای نداشت، ولی سرانجام در ژانویه ۱۹۸۷ در زمان رژیم «مانیل» توافق نامه ای بین جبهه ملی آزادی بخش مورو، و دولت به امضا رسید.

در این موافقت نامه آمده بود که دولت فیلیپین، خودمختاری ۱۳ استان مسلمان نشین را به رسمیت بشناسد. متأسفانه دولت فیلیپین آن گونه که باید به تعهدات خود عمل نکرد؛(۱) از این رو، تلاش مسلمانان برای خودمختاری از سر گرفته شد.

۱- سرزمین اسلام، ص ۲۳۴.

ماهیت جبهه آزادی بخش مورو

ماهیت جبهه آزادی بخش مورو

جنبش آزادی بخش مورو که مرکز آن در منطقه مسلمان نشین «بانگسا مورو» می باشد، یک گروه اسلامی و آزادی خواه است که بر اساس حفظ ارزش های اسلام در جنوب شرقی آسیا و مجمع الجزایر فیلیپین به وجود آمده است. استعمارگران منطقه و امپراتورهای بریتانیایی، اسپانیایی و... برای مسیحی کردن جنوب فیلیپین، برنامه ریزی های زیادی کردند، ولی هر بار با مقاومت مسلمانان و جبهه آزادی بخش مورو، روبه رو شدند. «نور میسواری»، رهبر این جبهه در این باره می گوید:

«بیش از ۳۰۰ سال به نام اسلام و به نام مردم مسلمان، به نام امت اسلامی و برای حفظ وطن اسلامی خود، علیه اسپانیایی ها جنگیدیم».(۱)

پس هیچ گونه تردیدی وجود ندارد که جنبش آزادی بخش مورو، با انگیزه اسلامی روی کار آمده و ماهیتی صد در صد اسلامی دارد. آنچه هم که توانست در این پیکار به جنبش، هویت مردمی بدهد و آن را در برابر استعمارگران پایدار نگه دارد، همین ماهیت اسلامی آن بود.

«نور میسواری»، درباره نقش اسلام در جنبش اسلامی مورو می گوید: «از وقتی ما علیه دولت استعماری فیلیپین در وطن خود حرکت خویش را آغاز کرده ایم، به نام اسلام نبرد می کردیم و به نام مردم مسلمان و به نام امت مسلمان می جنگیدیم. ما همیشه خود را به عنوان یک بخش لازم از امت اسلامی می پنداشتیم و آن، روحی است که هم جبهه آزادی بخش ملی مورو را الهام بخش است و هم مجاهدین سراسری وطن بانگسا مورو را!»(۲)

۱- نهضت های آزادی بخش جهان در گذر انقلاب اسلامی، ص ۱۲۸.

۲- نهضت های آزادی بخش جهان در گذر انقلاب اسلامی، ص ۱۳۱.

«نور میسواری»، دبیر کل جهبه آزادی بخش مورو، تحقق خواسته های این جبهه را در چارچوب دو هدف کلی دنبال می کرد:

الف ــ استقلال کامل استان های مسلمان نشین جنوب فیلیپین و برپایی نظام جمهوری اسلامی در آنها؛

ب ــ پایـان دادن به کشـتار بی رحمانه مسـلمانان توسط رژیم حاکم بر فیلیپین و بازگردانـدن صـلح و امنیت، به همراه عـدالت اجتماعی در منطقه جنوب شرقی آسیا.(۱)

مواضع جنبش آزادی بخش مورو در برابر انقلاب اسلامی

مواضع جنبش آزادی بخش مورو در برابر انقلاب اسلامی

جنبش آزادی بخش مورو، از ابتدای پایه گذاری، از کشورهای مالزی، لیبی و عربسـتان سـعودی کمک های مالی دریافت می کرد.(۲) این امر سبب شد تا این جنبش از نظر سیاسی به این کشورها وابسته و تحت تأثیر بنیادگرایی اسلامی در جهان عرب و وهابیت باشد.

بـا این وجود مواضع رهبران جنبش آزادی بخش مورو، در برابر انقلاب اسـلامی ایران به عنوان یک حرکت نوین اسـلامی که می توانست جنبش را در رسیدن به هدفش یاری نماید، بسیار مثبت بوده است.

یـک نماینـده جنبش آزادی بخش مورو، در این بـاره می گویـد: «هنگـام فرار شاه از ایران، ما اطمینان پیـدا کردیم که انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی

۱- حسین هدی، علیرضا بهشتی، پیشین، ص ۵۵ .

۲- حسین هدی، علیرضا بهشتی، پیشین، ص ۵۷.

پیروز خواهد شد... ما دریافتیم که خون بر شمشیر پیروز است و این درس بزرگی برای ما بود».(۱)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس حکومت اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله در ایران، رهبران جنبش آزادی بخش مورو در پی ایجاد رابطه با انقلاب اسلامی برآمدند. تحقق این خواسته، نقطه عطفی در تاریخ سیاسی این جنبش به شمار می آید و رهبر آن رابطه با ایران را دریچه ای به سوی آزادی مسلمانان تحت ستم دانسته و گفت: «امیدواریم این روابط، راهی باشد برای آزادی تمام مظلومین جهان و به رهبری امام خمینی ادامه یابد».(۲)

۱- معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، انقلاب اسلامی ایران در چشم انداز دیگران، ستاد برگزاری هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، بی تا، ص ۸۵ .

۲- معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، انقلاب اسلامی ایران در چشم انداز دیگران، ستاد برگزاری هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، بی تا، ص ۸۶ .

فصل نوزدهم: جنبش اسلامی موزامبیک

اشاره

فصل نوزدهم: جنبش اسلامی موزامبیک

موزامبیك از كشورهای جنوب شرقی افریقاست كه در مجاورت اقیانوس هند و مقابل جزیره «ماداگاسكار» واقع شده است. این كشور مانند دیگر سرزمین های قاره سیاه، سرشار از منابع طبیعی بوده و از موقعیت راهبردی ویژه ای برخوردار است. با وجود ثروت طبیعی و خدادادی فراوان این سرزمین، متأسفانه مردم آن در فقر و جهالت به سر می برند و از هرگونه نعمت و آسایش بی بهره هستند. جمعیت آن در سال ۱۹۹۵، هفده میلیون نفر بوده است.

اسلام در قرن هشتم هجری به طور مسالمت آمیز و به وسیله بازرگانان و دریانوردان مسلمان كشورهای خلیج فارس و عربی به موزامبیك راه پیدا كرد و مورد استقبال مردم آن منطقه قرار گرفت. بر اساس گزارش نشریه «اخبار العالم الاسلامی»: «گروه های شیعه در موزامبیك، به علت نبود تشكیلات كافی و مبلغ مذهبی، كم كم از هم پاشیده شدند و برادران اهل سنت، به علت پشتیبانی اعراب مسلمان، روز به روز بر نفوذ و قدرت خود افزودند. البته هم اكنون در این سرزمین، گروهی شیعه پاكستانی و هندی به سر می برند، ولی افراد بومی و محلی، بیشتر پیرو مذهب اهل سنت هستند و عده ای هم كه از جزیر «موریس» آمده اند، پیرو فرقه اسماعیلیه می باشند».(۱)

۱- سید هادی خسروشاهی، نبرد اسلام در افریقا، ج ۱، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، قم، بی تا، ص ۹۹.

نهضت آزادی بخش موزامبیک

نهضت آزادی بخش موزامبیک

رونق اقتصادی در موزامبیک، اشغالگران پرتغالی را به طمع واداشت و آنها بین سال های ۱۵۰۵ تا ۱۵۰۶ وارد این سرزمین شدند. از زمان ورود پرتغالی ها به موزامبیک، مقاومت های آزادی خواهانه شکل گرفت و به ویژه در مناطق شمالی این سرزمین که بیشتر ساکنان آن مسلمان هستند، مقاومت ها از شدت بیشتری برخوردار بود. پرتغالی ها تا اوایل قرن بیستم نتوانستند مبارزه رهایی بخش مردم موزامبیک را سرکوب کنند. مبارزات آزادی خواهی چهار قرن ادامه داشت؛ در این مدت، نیروهای اشغالگر در ورود به شمال این سرزمین ناکام ماندند. در سال ۱۹۱۶ با شکست «الیاو»، حاکم منطقه، پرتغالی ها به آرزوی دیرینه خود رسیدند و منطقه شمال را به طور کامل به کنترل خود درآوردند.

استعمارگران صلیبی از ابتدای ورود به موزامبیک، مبارزه با اسلام را شروع کردند و به کشتار و آزار و اذیت مسلمانان پرداختند. مسلمانان افریقایی، بیش از هر جای دیگر در موزامبیک مورد ستم و فشار قرار داشتند و با وجود جو اختناق و خفقان حاکم، مسلمانان این سرزمین از مبارزه دست نکشیدند.

پرتغالی ها برای وارد کردن فشار بیشتر بر مسلمانان، مقرراتی ویژه وضع کردند که شامل جلوگیری از مسافرت خارجی مسلمانان و همچنین برگزاری مراسم حج آنان می شد. «در سال ۱۹۵۴ میلادی عده بی شماری از افراد مسلمان به علت مکاتبه و ارتباط با کشورهای اسلامی و دریافت کتاب و

نشریه مذهبی، دستگیر و به اردوگاه ها(۱) اعزام شدند و سپس گروه دیگری نیز به علت همراه داشتن عکس رهبران جهان اسلام، توقیف و سپس تبعید شدند».(۲)

مسلمانان منطقه شمال موزامبیک برای رهایی از اسارت پرتغالی ها و آزادی سرزمین شان، در اوایل سال ۱۹۵۵ «نهضت مقاومت اسلامی» را تشکیل دادند و همه سازمان ها و نهادهای مربوط مسلمانان به عضویت آن درآمدند؛ ولی قبل از آنکه این سازمان کاری انجام دهد، اسرار آن فاش و رهبران نهضت اسلامی دستگیر و به اردوگاه «ساواچومی» انتقال داده شدند. با تمام این فشارها، باز روحیه آزادی خواهی خاموش نشد و در سال ۱۹۶۲ جبهه آزادی بخش موزامبیک «فریلیمو» با هدف بیرون راندن اشغالگران پرتغالی از این کشور به وجود آمد و به این منظور مبارزه مسلحانه خود را آغاز کرد. این جبهه که در آغاز به همت مسلمانان پایه گذاری شده بود، رفته رفته در اثر نفوذ رهبران مسیحی در آن، به سوی مارکسیسم و علیه اسلام سوق داده شد.

در سال ۱۹۶۴ گروه های مسلمان و ملی موزامبیک با تشکیل «اتحادیه ملی افریقایی موزامبیک» دست به حملات مشترک علیه پرتغالی ها زدند. رهبران این سازمان با تشدید مبارزات مسلحانه، اعلام نمودند که تا آزادی کامل این کشور مبارزه خواهند کرد. جبهه آزادی بخش موزامبیک که بخش عمده این اتحادیه را تشکیل می داد، رهبری بیشترین حملات چریکی را بر عهده داشت و این امر سبب شد که سازمان وحدت افریقا، جبهه آزادی بخش را به

۱- منظور اردوگاه هایی است که پرتغالی ها، برای نگهداری مجاهدان و مسلمانان مخالف رژیم حاکم، آماده کرده بودند.

۲- سید هادی خسروشاهی، نبرد اسلام در افریقا، ج ۱، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، قم، بی تا، ص ۱۰۵.

رسمیت بشناسد.(۱) این دگرگونی در روند مبارزات مردم و جبهه آزادی بخش موزامبیک، تأثیر به سزایی گذاشت و فعالیت های این جبهه تا سال ۱۹۶۹ بسیار موفقیت آمیز بود و مسلمانان نیز با حفظ همبستگی، به آن کمک می کردند. با ترور «ادوارد و ماندلان»، رهبر جبهه در سال ۱۹۶۹، ضربه سختی به آن وارد و جبهه دچار اختلاف گردید.

پس از مدت زمان کوتاهی مسلمانان و جبهه توانستند اختلاف های خود را مهار نموده و «سامورا ماشل» را به عنوان رهبر جدید انتخاب نمایند. با روی کار آمدن «ماشل»، حملات چریکی جبهه به پرتغالی ها نه تنها متوقف نشد، بلکه روند مبارزات مردم مسلمان موزامبیک پرقدرت تر از گذشته ادامه یافت.

سرانجام، قیام رهایی بخش مردم موزامبیک با حفظ همبستگی، از خودگذشتگی و فداکاری آنها، پس از ده سال مبارزه مسلحانه با استعمارگران پرتغالی و تحمل مشکلات و دشواری ها به پیروزی رسید و مردم موزامبیک در ۲۵ ژوئن ۱۹۷۵ استقلال کشورشان را به دست آوردند.

ویژگی های جنبش اسلامی موزامبیک و مواضع آن در برابر انقلاب اسلامی

ویژگی های جنبش اسلامی موزامبیک و مواضع آن در برابر انقلاب اسلامی

مسلمانان در موزامبیک بیش از چهارصد سال است که برای حفظ هویت اسلامی و رفع بی عدالتی در کشورشان مبارزه می کنند. هم اکنون نیز قدرت در دست مسیحیان قرار دارد و آنها مسلمانان را در محدودیت نگه داشته اند. تمام حقوق مسلمانان نادیده گرفته می شود و ارتباط آنها با جهان اسلام در حد

۱- عسکر کریمی شرفشاده، موزامبیک، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۰.

پایینی قرار دارد.(۱) بـا وجود این فشارها، آنچه که توانست پرچم اسـلام را در این سـرزمین برافراشـته نگه دارد، ویژگی هایی بود که در جنبش اسلامی موزامبیک وجود داشت و ما در این جا به مهم ترین آنها اشاره می کنیم:

۱ ـ اسـلام خواهی: تاریخ مبارزه مردم مسـلمان موزامبیک با پرتغالی ها، در واقع به رویارویی اسـلام و مسیحیت و روند رو به رشـد اسـلام خواهی در این سـرزمین برمی گردد. پرتغالی ها با هدف جلوگیری از نفوذ اسـلام، موزامبیک را مورد تجاوز قرار دادنـد و بعـد از ورود به این کشور افریقایی، از هیـچ اقـدام جنایت کارانه علیه مسـلمان ها دریغ نکردنـد. آنها برای رسـیدن به هدف خود، قتل عام های زیادی را در مناطق مسـلمان نشـین انجام دادند و آنها را به کارهای سـخت واداشتند؛ ولی هیچ کدام از اینها نتوانست در مقاومت رهایی بخش مسـلمانان وقفه ای ایجاد کند. همین مبارزات بی امان بود که پرتغالی ها را به شدت عصـبانی نمود و موجب شد تا به قتل عام وحشـیانه مسـلمانان پرداخته و رهبران مسلمان را بر فراز مناطق مسلمان نشین از داخل هواپیما زنده به بیرون پرتاب کنند.(۲)

بدون تردید آنچه سبب شد که مسلمان ها این چنین از خودگذشتگی و فداکاری کنند، روحیه اسلام خواهی و پایبندی آنها به اسلام و آموزه های ظلم ستیزی آن بود.

۲ ـ پشـتوانه مردمی: جنبش اسـلامی موزامبیـک از پشتیبـانی گسترده اقشار مختلف مردم برخوردار بود. این امر، زمینه را برای همبستگی و یکپارچگی

۱- سرزمین اسلام، ص ۴۴۶.

۲- سرزمین اسلام، ص ۴۴۵.

هرچه بیشتر گروه ها و نهادهای اجتماعی فراهم آورد و توان پایداری مبارزان را افزایش داد.

۳ _ مبارزه با فرهنگ غرب: گروه ها و سازمان های اسلامی موزامبیک به مسایل اجتماعی و گسترش فرهنگ مبتذل غرب در این کشور حساس هستند. آنها امروزه نیز برای ترویج فرهنگ اسلامی و از میان بردن فرهنگ غرب و رویارویی با تهاجم فرهنگی بیگانه در کشورشان، تلاش های چشم گیری انجام می دهند. سرمایه داران مسلمان هندی و پاکستانی نیز هر ساله برای انجام این امر، مبالغی به انجمن ها و گروه های مذهبی موزامبیک کمک می کنند.(۱)

۴ _ اولویت دادن به کارهای فرهنگی: موزامبیک جزو کشورهای فقیر شرق افریقاست که ۷۰ درصد مردم آن بی سواد هستند. به همین علت کارهای دینی، فرهنگی و تبلیغی رونق فراوان داشته و به طور جدی از سوی مؤسسات و سازمان های وابسته به مسلمان ها و مسیحیت، با نام های مختلف دنبال می شود. در این رقابت فرهنگی که ده ها سازمان و مؤسسه حضور دارند، فعالیت مسلمان ها بسیار چشم گیر است.

این گونه فعالیت های فرهنگی موجب شده تا کارهای فرهنگی و تبلیغی مورد استقبال گسترده مردم این کشور و به ویژه جوانان قرار گیرد و بسیاری از آنها در اثر کارهای فرهنگی و تبلیغی گروه های اسلام گرا، به دین مقدس اسلام گرایش پیدا کرده اند.(۲)

۱- عسکر کریمی، نشر ساده، پیشین، ص ۲۳.

۲- عسکر کریمی، نشر ساده، پیشین، ص ۵۹ .

جبهه آزادی بخش فریلیمو، که از زمان استقلال تا کنون قدرت را در اختیار دارد، با انقلاب اسلامی ایران رابطه خوبی دارد. تا کنـون مقامـات این دو کشـور سـفرهایی به «تهران» و «مـاپوتو» داشـته انـد، از جمله مقـام معظم رهـبری در زمـانی که ریاسـت جمهـوری ایران را بر عهـده داشـتند، در پی سـفر به افریقـا، از موزامبیـک نیز (۱۳۶۴) دیـدار کردنـد. به طور کلی، مقامات دو کشور سعی دارند که روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را گسترش دهند.

در راسـتای تحقق این خواسـته، در یادداشت های تفاهم امضا شده بین دو کشور، فعالیت های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است. از اقـدامات مؤثر ایران، راه انـدازی «مـدرسه اهـل البیت» در «مـاپوتو» است که طلاـب علوم دینی موزامبیک در آن مشغول به تحصیل هستند.(۱)

یکی از مقامـات موزامبیـک بـا سـتایش از امـام خمینی رحمه الله، تحقق افکـار و انـدیشه هـای ایشـان را مایه نجات بشـریت از گرفتاری های کنونی جهان دانسـته و می گویـد: «ما بایـد از این رهبر بزرگ و رهنمودهایی که برای بشـریت به جای گذاشـته است به عنوان ابزار قوی در راه تداوم تفکرات والا که باعث سعادت مادی و معنوی می شود، استفاده کنیم».(۲)

۱- عسکر کریمی، نشر ساده، پیشین، ص ۱۲۴.

۲- غلامرضا گلی زواره، پیشین، ص ۴۴۷.

فصل بیستم: جنبش اسلامی در هند

اشاره

فصل بیستم: جنبش اسلامی در هند

هندوستان در جنوب آسیا و در کنار آب های گرم اقیانوس هند واقع شده و یکی از بزرگ ترین کشورهای جهان است. این کشور افزون بر موقعیت راهبردی آن به دلیل دسترسی به آب های آزاد و واقع شدن در مرز میان آسیای جنوب غربی و آسیای شرقی، دارای معادن ارزشمند طبیعی، خاک حاصل خیز و ثروت فراوانی است که از دیرباز اهمیت ویژه ای به آن داده شده و همواره مورد تاخت و تاز استعمارگران بوده است.

اسلام در زمان خلفای راشدین(۱) به هند راه یافت و در اندک زمانی در سراسر هند، فراگیر شد. گسترش اسلام در هند، دو دلیل بسیار اساسی داشت: «اول آن که اسلام، تنها عامل برتری انسان ها را تقوا و اعتقاد و عمل به آن می دانست، در حالی که یکی از نقاط ضعف دین هندویی، وجود سلسله مراتب طبقاتی در آن بود؛ دیگر آنکه روحانیت و مقام آن منحصر به طبقه خاصی نبود.»(۲) بر اساس پژوهش های انجام شده، امروز در هند بیش از ۱۱۰ میلیون مسلمان زندگی می کنند و تعداد زیادی از این جمعیت را شیعیان تشکیل می دهند. مذهب شیعه از طریق سلسله آل بویه در ایران و فاطمیون

۱- غلامرضا گلی زواره، پیشین، ص ۱۹۲.

۲- گیله گل بهروزان، هند، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۲۷.

در مصر، به هند راه یافت و هم اکنون شیعیان در ولایت های کشمیر، اوتارپرادش و بنگال زندگی می کنند.(۱)

جنبش شاه ولی اللّه در هند

جنبش شاه ولی اللّه در هند

«شاه ولی اللّه »، از رهبران شبه قاره هند است که جنبش اصلاحی خود را در قرن هجدهم و بین سال های ۱۷۰۳ _ ۱۷۶۲ میلادی (۱۱۷۶ _ ۱۱۱۵) شروع کرد. جنبش «شاه ولی اللّه دهلوی» که در راستای بهبود وضعیت مسلمانان صورت گرفت، دو هدف اساسی را دنبال می کرد:

«الف _ احیای تفکر خالص نخستین اسلام و زدودن پیرایه ها و بدعت ها و خرافات از چهره دین؛

ب _ تلاش برای استقرار حاکمیت اسلام در سرزمین پهناور هند که قرن ها سابقه حکومت مسلمانان را داشت، از طریق ایجاد وحدت سیاسی بین آن دو دسته از فرق اسلامی که به سنت و سیره سلف ارج می نهند».(۲)

«شاه ولی اللّه » نسبت به شیعیان، دیدگاه «ابن تیمیه» و وهابیت را داشت و به مذهب تشیع حمله کرد و زمینه را برای اختلاف شیعه و سنی در هند به وجود آورد. بنابراین، جنبش اصلاحی او شامل شیعیان نمی شد و او از فساد، انحطاط و تفرقه مذهبی و فکری که جامعه اهل سنت را فرا گرفته بود، رنج می برد و برای همین با وجود گرایش های صوفیانه اش که در آموزه های نقشبندیه ریشه داشت، شعارهای اصلاح طلبانه سر داد. «شاه ولی اللّه » از نظر

۱- گیله گل بهروزان، هند، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۹، صص ۱۲۷ _ ۱۲۸.

۲- عباسعلی زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ۱۱، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۲۹.

سیاسی، هدف خود را در انجام اصلاحات و ایجاد وحدت میان مسلمانان اهل سنت متمرکز کرده بود و به همین دلیل، تلاش هایی برای هماهنگی آرای فقهای اربعه انجام داد و رساله اختلاف بین فقها را نوشت. اما از نظر اعتقادی، او دنباله رو بنیادگرایی «محمدبن عبدالوهاب» بود و همانند او، توسل به اولیاء اللّه و یاری از آنها را منع و اساس و پایه دین را قرآن و حدیث قرار داد.(۱)

جنبش «شاه ولی اللّه دهلوی»، در آغاز یک حرکت فکری ـ اصلاحی بود؛ اما پس از درگذشت او، پسرش «شاه عبدالعزیز دهلوی»، به عنوان رییس محدثان هند و نوه اش «شاه اسماعیل» آن را به یک جنبش سیاسی ـ اجتماعی تبدیل کردند و در برابر دولت استعماری هند موضع گرفتند و مردم را به مبارزه با انگلیسی ها فرا خواندند.(۲)

جنبش خلافت در هند

جنبش خلافت در هند

جنبش هندی خلافت در قرن نوزدهم میلادی در پی مداخله استعمار انگلیس در هند و به پشتیبانی از ترکان عثمانی به وجود آمد. بنیانگذاران جنبش خلافت را عده ای از مسلمانان تندرو و بنیادگرای هندی تشکیل می دادند که خواهان اطاعت از خلیفه عثمانی بودند. این جنبش که در سال ۱۸۴۰ به طور رسمی فعالیت های خود را آغاز کرد، از سوی علمای دیوبند و ندوه العلماء و «سید جمال الدین» که خواهان اتحاد مسلمانان و پان اسلامیسم بود، پشتیبانی

۱- سید احمد موثقی، پیشین، صص ۱۹۴ ـ ۱۹۶.

۲- عبدالوهاب فراتی، پیشین، ص ۲۵۹.

می شد.(۱) در هنگـامی کـه مبـارزات جنبش خلافت بـا انگلیسـی هـا روز بـه روز اوج می گرفـت، علمـای دیوبنـدیه به دلیل پشتیبانی از آن شـهرت بین المللی پیـدا کردند و جریان بنیادگرایی خلافت تحت تأثیر افکار و اندیشه های «سـید جمال الدین» رشد چشم گیری نمود.

یکی از موفقیت های جنبش آن بود که بعـد از ده ها سال مبارزه توانست نظر هنـدوها و «گانـدی» را جلب نمایـد. تا جایی که «گانـدی» از اهداف جنبش خلافت پشتیبانی می کرد و هندوها در کنار مسـلمان ها می جنگیدند. رهبری این ائتلاف و وحدت ملی را که در قالب «فدراسـیون مـذاهب» تجسم یافته بود، «گاندی»، «ابوالکلام آزادی»، «محمد علی» و «شوکت علی» بر عهده داشـتند. بنـابراین جنبش خلافت در مبارزات و قیام های سراسـری (۱۹۲۰ _ ۱۹۲۲) هندوسـتان نقش اصـلی را بازی کرد و در جبهه داخلی پر قدرت به پیش می رفت.

خطری که جنبش خلافت را تهدیـد کرد، اتفاقات ترکیه عثمانی بود؛ زیرا برگزیـده شـدن «عبدالمجیـد»، از سوی «مجمع کبیر ترکیه» به خلافت _ و نه سـلطنت _ در عمل به جدایی خلافت از سلطنت انجامید. این امر ضربه بزرگی بر جنبش خلافت وارد کرد و از نفوذ و اعتبـار آن کـاست و جنبش، موقعیت سیاسـی، اجتماعی و مردمی خود را به طور کامل از دست داد و هنـدوها نیز از مسـلمانان کنـاره گرفتنـد. جنبش نیز در درون خود دچار اختلاف گردیـد و «محمـد علی» به عنوان رهبر جنبش خلافت، بعد از کناره گیری علمای دیوبند از آن، در انزوا قرار گرفت.

۱- سید احمد موثقی، پیشین، ص ۲۸۳.

با وجود این تحولات، «محمد علی» حرکت های ضد خلافت در ترکیه و تشکیل نظام پادشاهی در عربستان را محکوم کرد و «ابن مسعود» را برای کنار نهادن نظام خلافت مورد انتقاد قرار داد.(۱) وی نهایت سعی خود را به کار برد تا ضمن رفع مشکلات مادی و معنوی مردم هند، جنبش خلافت را که تداوم بخش جنبش «شاه ولی اللّه » بود، به عنوان یک حزب سیاسی زنده نگه دارد. جنبش خلافت اگرچه نتوانست دیگر اقتدار پیشین خود را به دست آورد؛ ولی حرکت های استقلال طلبانه ناشی از آن که در گروه های «حزب کنگره»، «جمعیت علمای هند»، «حزب مسلم لیگ» و «جمعیت علمای اسلام» تبلور پیدا کرد، میراث مذهبی ـ سیاسی آن بود که ریشه در مکتب علمای دیوبند داشت.(۲)

سرانجام، این جنبش های آزادی خواهی، استعمارگران بریتانیایی را مجبور به خروج از شبه قاره کرد و هند در ۱۵/۸/۱۹۴۷ استقلال خود را به دست آورد.

جنبش اسلامی کشمیر

جنبش اسلامی کشمیر

سرزمین جامو و کشمیر در شمال هند و در قسمت غربی فلات هیمالیا قرار دارد. مردم غیور کشمیر در سال ۱۹۳۱ برای دفاع از حقوق خود، «حزب مسلم کنفرانس» را تشکیل دادند و این حزب در استقلال شبه قاره، نقش فعالی را ایفا کرد. در سال ۱۹۴۷ «مهاراجه» پیوستن کشمیر به هند را اعلام

۱- سید احمد موثقی، پیشین، ص ۳۰۶.

۲- سید احمد موثقی، پیشین، ص ۳۱۹.

کرد و ارتش هند را وارد کشمیر نمود.(۱) از آن تاریخ تا کنون، مردم مسلمان کشمیر برای آزادی سرزمین شان با دولت هند مبارزه می کنند. مبارزات مسلمانان کشمیر در سال های اخیر و به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و نهضت اسلامی افغانستان جدی تر شده است.

ظهور گروه طالبان در سال ۱۹۹۴ میلادی (۱۳۷۳ ه . ش) در افغانستان و ارتباط نزدیک این گروه با احزاب سیاسی _ مذهبی و بنیادگرایی پاکستان و شبکه «القاعده»، سبب شد که این کشور به مرکز گروه های تندرو اسلامی در شبه قاره و آسیای میانه تبدیل شود. از جمله گروه هایی که در اردوگاه های «بن لادن» و طالبان آموزش نظامی می دیدند، احزاب تندروی کشمیری مانند «حرکت المجاهدین»، «لشکر طیبه» و «مجاهدین البدر» بودند. دایره فعالیت این گروه ها، کشمیر، پاکستان و افغانستان بود و در پاکستان به گروه های «پاکستانی و کشمیری» شهرت دارند. البته وضعیت این احزاب بعد از سقوط طالبان در افغانستان با بحران شدید سیاسی روبه رو شده است و حتی برخی از رهبران گروه های بنیادگرا در کشمیر به عنوان تروریست، تحت تعقیب می باشند.

ویژگی و مواضع سیاسی و فکری جنبش اسلامی هند

ویژگی و مواضع سیاسی و فکری جنبش اسلامی هند

جنبش اسلامی در شبه قاره هند، دنباله رو مکتب سیاسی و فکری جنبش «شاه ولی اللّه »، «سید جمال الدین» و اندیشه های کلامی و فلسفی «ابن تیمیه» و «عبدالوهاب» است. به همین دلیل در جنبش های اسلامی شبه قاره، فرقه گرایی به عنوان یک مشکل داخلی بین اهل سنت و تشیع همواره

۱- جمعی از نویسندگان، اسلام و جامعه، ج ۳، جشنواره شیخ طوسی، قم، ۱۳۷۶، ص ۷۲۹.

بحران آفرین بوده است؛ اما به طور کلی، مواضع فکری، سیاسی و ویژگی های آن عبارتند از:

۱ _ مبارزه با انحطاط، بدعت و خرافات و تلاش برای رفع آن؛ «شاه ولی اللّه »، از بنیانگذاران نهضت اسلامی و پیشگامان مبارزه با انحطاط در هند است. با وجودی که او یک عالم نقشبندی، متفکر و متکلم بود و از «غزالی» و «شاطبی» نیز متأثر بود و معاصران و شاگردانش را به روشن فکری دعوت می کرد.(۱) به منظور باز گرداندن اسلام به شهرت و اعتبار اولیه، به رد خرافات، بدعت ها، پیرایه ها و طرح بازگشت به اسلام راستین و ایجاد وحدت و تلفیق مذاهب اهل سنت و آشتی دادن پیروان و رهبران آنها، با مکاتب تصوف، همت گماشت.(۲)

۲ _ مبارزه با استعمار انگلیس، تهدید و تهاجم خارجی؛

۳ _ ایجاد وحدت اسلامی؛

۴ _ احیای خلافت جهان اسلام؛

۵ _ طرفداری از اصلاحات و نوآوری در اسلام.

نقد و ارزیابی جنبش اسلامی هند و مواضع آن در برابر انقلاب اسلامی

نقد و ارزیابی جنبش اسلامی هند و مواضع آن در برابر انقلاب اسلامی

جنبش اسلامی هند در ابتدا در صحنه های فکری و فرهنگی ظاهر شد و در زمان «شاه عبدالعزیز دهلوی» وارد عرصه های سیاسی و اجتماعی گردید. او برای نخستین بار در تاریخ هند، مسلمانان را وارد سیاست کرد و فتوای معروف خود را در سال ۱۸۰۳ علیه انگلیسی ها صادر نمود و در آن اعلام

۱- سید احمد موثقی، پیشین، ص ۱۹۴.

۲- سید احمد موثقی، پیشین، ص ۱۹۳.

داشت: «کشور اسلامی هندوستان، با تسلط و سیطره انگلیسی ها به «دار الحرب» تبدیل یافته، لهذا بر همه مردان و زنان مسلمان واجب است که آن قدر با آنها بجنگند که ناگزیر از هندوستان خارج شوند؛ زیرا انگلیسی ها دشمن محارب مسلمانانند».(۱)

جنبش اسلامی هندوستان در دو دهه اول قرن بیستم، رشد چشم گیری پیدا کرد و رهبران جنبش، حرف اول را می زدند. اما از سال ۱۹۲۲ به بعد، روند فعالیت های سیاسی و اجتماعی جنبش با رکود و ناکامی هایی روبه رو شد.

در این جا برخی عوامل آن را یادآوری می کنیم:

۱ _ به هم خوردن اتحاد مسلمان ها: جنبش اسلامی هند، به رهبری خلافت طلبان، لبه تیز مبارزه خود با بدعت ها و خرافات را، به جای فرهنگ مبتذل غرب، متوجه شیعیان کرد. این امر تأثیر منفی در اتحاد مسلمان ها داشت و موجب اختلافات، پیکارها و درگیری های خونین بین دو فرقه اسلامی هند گردید.

۲ _ دعوت از حکومت اسلامی افغانستان: در قرن هجدهم میلادی برای سرکوب نمودن حکومت غیر اسلامی در هند از حکومت اسلامی افغانستان دعوت شد، تا زمینه را برای برپایی حکومت اسلامی در این کشور آماده نماید. این دعوت نه تنها به ایجاد حکومت اسلامی کمک نکرد، بلکه موجب تسلط دولت استعماری انگلیس بر شبه قاره هند گردید.(۲)

۱- سید احمد موثقی، پیشین، ص ۲۰۵.

۲- عباسعلی زنجانی، پیشین، ص ۱۲۹.

۳ _ سرنگونی امپراتوری عثمانی: جنبش اسلامی و به ویژه جنبش خلافت، تمام تلاش خود را متوجه احیای خلافت در سراسر کشورهای اسلامی کرده بود. رهبران جنبش اسلامی، خلافت را تنها عاملی قلمداد می کردند که می توانست خواسته های مسلمانان را برآورده کند. برای همین، با سرنگونی امپراتوری عثمانی، پایه های اندیشه خلافت در بین مسلمانان هند متزلزل شد. جنبش اسلامی هند که از طرفداران خلافت به شمار می آمد، پایگاه مردمی خود را از دست داد و از صحنه سیاسی و اجتماعی هند رانده شد. هم اکنون مسلمانان هندوستان به جز کشمیر، هیچ گونه مبارزه مسلحانه ای در برابر دولت هند ندارند، اما برای حضور بیشتر در عرصه های اجتماعی و سیاسی از راه های مختلف فعالیت می کنند.

رابطه دولت و مسلمانان هند با ایران، بعد از آغاز نهضت اسلامی بهبود پیدا کرد و مسلمانان این کشور در اوج مبارزات مردم ایران، با امام خمینی رحمه اللهبه عنوان رهبر انقلاب اسلامی ارتباط داشتند. نمایندگان امام در سال ۱۳۵۷، با اجازه دولت هند، با رهبران مذهبی و مسلمانان هند دیدار کردند و مسایل و مشکلات مسلمانان را مورد بحث و بررسی قرار دادند. دولت هند نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، از اولین کشورهایی بود که هیئت رسمی به ایران فرستاد. این هیئت را یکی از رهبران «جاناتا» و دو نفر از رهبران مذهبی و اجتماعی مسلمانان همراهی می کردند. هیئت مزبور در قم به حضور رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی رحمه اللهرسید و پشتیبانی خود، دولت و مسلمانان هند را از انقلاب اسلامی اعلام کرد.(۱)

۱- گیله گل بهروزان، پیشین، صص ۱۸۴ _ ۱۸۵.

هم اکنون نیز دولت هند با جمهوری اسلامی ایران در زمینه های سیاسی، بین المللی، اقتصادی، فرهنگی و تجاری روابط نزدیک دارد. این دو کشور سعی دارند که روابط خود را پیش از گذشته گسترش دهند، زیرا هم ایران و هم هند، به موقعیت سیاسی و راهبردی یکدیگر خوب واقفند و به همین دلیل، خواستار تحکیم روابط خود می باشند.

بخش دوم: انقلاب اسلامی ایران و جنبش های اسلامی معاصر

اشاره

بخش دوم: انقلاب اسلامی ایران و جنبش های اسلامی معاصر

زیر فصل ها

فصل اول: تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش های اسلامی معاصر

اشاره

فصل اول: تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش های اسلامی معاصر

تاریخ ملت های جهان را همواره دو عنصر «انسان» و «زمان» می سازند و هر یک از این دو عنصر در پیدایش رخدادهای تاریخی و پدیده های اجتماعی نقش اصلی را بازی می کنند. این حوادث گاهی جنبه تخریبی و ویرانگری دارد و به جای اینکه زیرساخت های فکری و عقیدتی مردم را تقویت کرده و در جامعه امنیت و آرامش به همراه بیاورد، جامعه را دچار هرج و مرج می کند. برای نمونه، می توان به انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹) و اکتبر روسیه (۱۹۱۷) اشاره کرد. همان گونه که امام خمینی رحمه الله عقیده دارد: «انقلاب های بزرگی که در عالم پیدا شده است، مثل انقلاب فرانسه، انقلاب اکتبر اینها بعد از انقلاب بسیار گرفتاری ها داشتند. بعضی از این انقلاب ها، کشتاری که بعد از انقلاب واقع شده است. بیشتر از یک میلیون، گاهی به ده میلیون رسیده است».(۱)

۱- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۰۷.

اما گاهی حوادث به گونه ای روی می دهد که با به همراه آوردن پایداری و امنیت، جامعه را به سوی پیشرفت و تعالی سوق داده و افراد اجتماع را از «موت» به «حیات» انتقال می دهد و بر کل جهان تأثیر می گذارد.

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله از پدیده هایی است که هدف از آن بازگرداندن اسلام به عرصه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اعطای عزت و افتخار به مسلمانان جهان بود. این انقلاب در عصر و زمانی واقع شد که با فروپاشی نظام ستم شاهی در ایران، موج و حرکتی انقلابی و اسلامی را در سطح جهان اسلام ایجاد کرد؛ به طوری که امروزه مسلمانان زیر ستم با الگو قرار دادن انقلاب اسلامی ایران، با زورمداران و استکبار جهانی مبارزه می کنند و تا زمانی که مسلمانان آزادی خود را به دست نیاورده و سرزمین هایشان را از اشغال متجاوزان آزاد نکرده اند به مبارزه ادامه خواهند داد. اینک شتاب این حرکت توفنده و پرخروش چنان سراسر جهان را فرا گرفته که مسلمانان در بند، با آفرینش انتفاضه و قیام های آزادی خواهی؛ مصمم اند تا به قلدری، زورگویی و بی عدالتی سردمداران کفر جهانی پایان داده و اسلام و حکومت اسلامی را بر جهان حاکم گردانند. بنابراین، می توان ادعا کرد که پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر روند مبارزات و جنبش های اسلامی معاصر، تأثیرهای زیادی داشته که به مهم ترین آنها اشاره می شود.

الف _ تغذیه فکری، سیاسی و فرهنگی

الف _ تغذیه فکری، سیاسی و فرهنگی

انقلاب اسلامی ایران با حرکت های اصلاحی و جنبش هایی که پیش از آن وجود داشت، تفاوت های زیادی دارد. زیرا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اهداف بسیاری از فعالیت های اسلام گرایان و جنبش های اسلامی را

مسایل جزئی و مشکلات سیاسی و اجتماعی داخلی کشورهای اسلامی تشکیل می داد. اما پس از انقلاب اسلامی ایران، در مواضع فکری، سیاسی و فرهنگی جنبش های اسلامی دگرگونی بنیادین پدید آمد و اسلام گرایان با هدف تشکیل حکومت جهانی اسلام وارد میدان شدند. این ژرف نگری و دید باز، بی تردید ناشی از انقلاب اسلامی و اندیشه های سیاسی امام خمینی رحمه الله است.

«دکتر کلیم صدیقی» بر این باور است که انقلاب اسلامی ایران از نظر اندیشه ای، نهایت تأثیر خود را در نهضت های اسلامی بر جای گذاشته است و «نهضت اسلامی در خارج از ایران، دیگر خود را درگیر بحث و مناظره بر سر عقاید با نظریات فقها در زمینه مسایل جزئی و کم اهمیت نمی کند. اکنون نهضت اسلامی حملات خود را به طور مستقیم و سازش ناپذیر متوجه کفر و عمال او در داخل و خارج امت نموده است».(۱)

«دکتر محمد امین رییس»، (استاد دانشگاه علوم اجتماعی و سیاسی، در اندونزی) با مقایسه انقلاب اسلامی ایران با جنبش اخوان المسلمین؛ انقلاب اسلامی را به خاطر ارایه ایدئولوژی اسلامی در جهان امروز و تلاش برای تحقق آموزه های اسلامی در جامعه، دارای قدرت و توانایی می داند که می تواند نهضت های اسلامی را از نگاهی فکری و سیاسی راهنمایی و رهبری کند.

او با اشاره به این مطلب می گوید: «نهضت های بین المللی اسلامی زیادی وجود دارند که در سرزمین های مسلمان نشین رشد یافته اند؛ ولی به طور

۱- نهضت های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ص ۶۸ .

مشخص، نهضت هایی که در آینده بیشترین نفوذ را خواهند داشت، عبارتند از: اسلام شیعی که در رهبری انقلاب سال ۱۹۷۹ میلادی ایران به توفیق دست یافت و اخوان المسلمین که به فعالیت خود برای نفوذ بیشتر در جهان سنی ادامه خواهد داد. اسلام شیعی، در ایران که با موفقیت این کشور را رهبری می کند، آشکارا از موقعیت قوی تری برای توسعه ایدئولوژی خود در سطح بین المللی برخوردار است... هدف نهایی انقلاب اسلامی ایران، استقرار یک نظام جهانی اسلامی است. برای نیل به چنین مقصودی تمامی کشورهای ضعیف (مستضعفین بین الملل) باید متحد شده و با ستم ابرقدرت ها مبارزه نمایند».(۱)

یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی ایران این بود که موفق شد، افکار و اندیشه های دینی را در قالب جدید و به عنوان یک عامل سازنده و تأثیرگذار در سرنوشت جوامع بشری مطرح کند. این امر به همراه تشکیل عملی «حکومت اسلامی» در ایران، سبب شد که انقلاب اسلامی از نظر فکری و ارایه تئوری اسلامی، بیشترین تأثیر را بر جنبش های اسلامی معاصر در نیمه دوم قرن بیستم میلادی داشته باشد.

ولی امر مسلمین حضرت آیت اللّه خامنه ای در این باره می گویند: «آثار و برکات انقلاب اسلامی بر حرکت های رهایی بخش و نهضت های جهانی اسلام را می توان از موج اسلام خواهی و گسترش مبارزات انقلابی علیه نظام ظالمانه حاکم بر جهان از خاور میانه تا شمال افریقا و از آسیای مرکزی تا قلب اروپا، مشاهده نمود... احیای هویت اسلامی در میان مسلمانان، بیداری

۱- محمد امین رییس، پیشین، ص ۱۷۲.

ملت ها و ایجاد نشاط و امید در نیروهای مبارز و انقلابی جهان، از ثمرات مسلم و انکارناپذیر انقلاب اسلامی ایران است».(۱)

ب ـ تقویت روحی و روانی

ب ـ تقویت روحی و روانی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در شرایطی واقع شد که بیشتر جنبش های اسلامی با بحران روبه رو بودند، ولی موج اسلام گرایی برخاسته از انقلاب اسلامی این موفقیت را به همراه داشت که قلب میلیون ها مسلمان را در سراسر جهان، به هم نزدیک کرده و پیوند دهد. به همین دلیل، پیروزی انقلاب اسلامی ایران در میان مسلمانان و جنبش های اسلامی بازتاب گسترده ای داشت و حتی در برخی از کشورها برای پشتیبانی از انقلاب اسلامی تظاهراتی صورت گرفت.(۲)

رهبران حرکت های اسلامی نیز با ابراز خرسندی از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جرأت پیدا کردند تا درباره آینده اسلام و انقلاب اسلامی اظهار نظر نمایند. «راشد الغنوشی»، رهبر حرکت اسلامی در تونس، در مقاله ای با نامزد کردن امام خمینی رحمه الله به رهبری جهان اسلام، گفت: «در ایران روندی آغاز شده که چه بسا از مهم ترین تحولات ممکن در مسیر جنبش های رهایی بخش در تمام منطقه باشد و آن رهایی اسلام از تسلط حکومت هایی است که می کوشند آن را در برابر موج انقلاب در منطقه به کار

۱- سید عبدالقیوم سجادی، فصل نامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۵ ، تابستان ۱۳۷۸، صص ۳۶۰ ـ ۳۶۱.

۲- فتحی شقاقی، جهاد اسلامی، امام خمینی، شیعه و سنی، مسأله فلسطین، مترجم: سید هادی خسروشاهی، مؤسسه اطلاعات، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۱۸۶.

گیرند».(۱)

شهید «عارف حسین الحسینی» (رهبر شیعیان پاکستان) که یکی از شیفتگان واقعی انقلاب اسلامی ایران بود، انقلاب اسلامی را به خاطر عرضه ایدئولوژی ناب اسلامی در جهان معاصر، معیار سنجش جنبش های اسلامی و غیراسلامی می داند و می گوید: «ما عقیده داریم که جمهوری اسلامی ایران امروز مرکزیت عالم اسلام است و به قول یکی از وابستگان احزاب سیاسی پاکستان، قبل از انقلاب اسلامی ایران الگوی نهضت های اسلامی، از اخوان المسلمین و جماعت اسلامی بود، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فقط و فقط انقلاب اسلامی الگو و معیار نهضت های اسلامی در جهان قرار گرفته است؛ به این معنی که اگر در گوشه ای از جهان، یک حرکت به وجود بیاید، چنانکه به انقلاب اسلامی ایران شباهت داشته باشد، ما آن را می پذیریم ولی اگر شباهتی به انقلاب اسلامی ایران نداشته باشد، هر چند ادعای اسلامی بودن هم بکند، اسلامی بودن آن را باور نداریم؛ و همچنین اگر حرکت های اسلامی مرکزیت ایران را قبول داشته باشند، می توان پذیرفت که آن حرکت اسلامی است، ولی اگر مرکزیت ایران را قبول نداشته باشند، نمی توان آنها را اسلامی خواند».(۲)

ج _ ایجاد اطمینان

ج _ ایجاد اطمینان

انقلاب اسلامی ایران که برخاسته از اندیشه های سیاسی و دینی امام خمینی رحمه الله بود، موفق شد تا در جهان معاصر یک حکومت اسلامی متکی به پایه های

۱- فتحی شقاقی، جهاد اسلامی، امام خمینی، شیعه و سنی، مسأله فلسطین، مترجم: سید هادی خسروشاهی، مؤسسه اطلاعات، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۱۸۷.

۲- یادواره سید عارف حسین الحسینی، پیشین، ص ۱۵۸.

دینی و اعتقادی اسلام تشکیل دهد. این انقلاب با حفظ هویت اسلامی خود، پرچم مبارزه را در مقابل استکبار جهانی و صهیونیسم بین الملل به دوش گرفت. این حرکت و پیش قدمی انقلاب اسلامی ایران، برای بسیاری از جنبش های اسلامی که در حال یأس و ناامیدی بودند و یا از ترس قدرت های استعماری پنهان بودند و کمتر امیدی به موفقیت داشتند، امیدی تازه آفرید و در آنها اطمینان و خودباوری به وجود آورد؛ زیرا آنها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به این مرحله از اطمینان رسیدند که خواهند توانست رو در روی دشمنان اسلام و مزدوران آنها ایستاده و به آینده امیدوار باشند. پس بی تردید جنبش های اسلامی در اثر انقلاب اسلامی به خودباوری و اتکای به نفس دست یافتند و بر مبارزات خود با استکبار جهانی شدت بخشیدند. «دکتر حسن ترابی»، رهبر جنبش اسلامی سودان در این زمینه می گوید: «پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جنبش های اسلامی بسیاری در جهان اسلام بود؛ اما این جنبش ها به دلیل فشارهای سیاسی در ترس و هراس و نگرانی بودند و به دلیل وضعیت حاکم، هراس داشتند که حرکت خود را علنی سازند و مسلمانان را بسیج کنند و به مبارزه بپردازند. انقلاب اسلامی این دیوار ترس را فرو ریخت و به حرکت های اسلامی این درس را آموخت که می توان با بهره گیری از نیروهای مسلمانان، بزرگ ترین قدرت ها را به زیر کشید. لذا پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، توده های مسلمان در سودان، الجزایر، تونس، مصر و... به پا خاستند و ملت های مسلمان گام هایی به پیش برداشتند و حرکت توده های مسلمان در سراسر جهان اسلام رشد فزاینده ای یافت و خیزش فرهنگی و آگاهی بخش سیاسی، همه منطقه را فرا

گرفت».(۱)

مبارزات طولانی و تحمل فشارهای فراوان، بیشتر جنبش های اسلامی معاصر را در وضعیت دشوار فکری و روانی قرار داده و امید به پیروزی را به ناامیدی مبدل ساخته بود. ناکامی جنبش های اسلامی نیز باعث شده بود که مسلمانان نسبت به قیام و مبارزه با استعمارگران علاقه چندانی از خود نشان ندهند و با پیش کشیدن مسایل عبادی و اخلاقی اسلام، از سیاست و شعارهای عدالت خواهی و انقلابی کناره گیری نمایند. به همین علت بسیاری از جنبش های اسلامی درصدد سازش با استکبار جهانی و صهیونیسم بین الملل برآمده و این حرکت خود را با نظریه جدایی دین از سیاست توجیه می کردند. به این ترتیب بحران فکری، بحران یأس و ناامیدی و در آخر، بحران نبود پشتیبانی یک قدرت اسلامی غیر وابسته به شرق و غرب، زمینه را برای زوال و سرنگونی حرکت های اسلامی آماده می کرد. در چنین هنگامه ای، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و سیاست خارجی خود را بر اساس پشتیبانی از جنبش های اسلامی قرار داد و مسلمانان دوباره قوت قلب پیدا کردند و با مرجع قرار گرفتن انقلاب اسلامی ایران، مبارزات رهایی بخش مسلمانان سرعت گرفت و مبارزان با امیدواری بیشتر به مبارزات خود ادامه دادند.

در واقع پیروزی انقلاب اسلامی، دو نوع بیداری و خودآگاهی سیاسی را به وجود آورد:

۱- گفت وگو با دکتر ترابی، روزنامه کیهان، شنبه ۸/۱۲/۱۳۷۱، ص ۱۶.

۱ _ آن دسته از مسلمانانی که سالیان متمادی با سیاست های استعمار و کفر جهانی جهاد و مبارزه می کردند، به مرور و پس از تحمل سختی های فراوان از به دست آوردن خواسته هایشان و تشکیل دولت اسلامی ناامید شده بودند. اما پیروزی انقلاب اسلامی ایران در آنها امید به پیروزی را زنده کرد و همگام با دیگر مسلمانان و گروه های سیاسی اسلامی با اطمینان کامل برای برآورده کردن آرمان و اهداف اسلامی شان، مبارزات خود را از نو آغاز کردند.

۲ _ انقلاب اسلامی ایران نشان داد که در معادلات سیاسی جهان، این باور که اسلام نمی تواند اداره امور جامعه را به دست بگیرد، نادرست است و ثابت نمود که اسلام می تواند، افزون بر به حرکت درآوردن توده ها در برابر نظام های الحادی و استبدادی، جامعه را نیز اداره نماید و برنامه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و خدماتی متناسب با روز را برای افراد جامعه عرضه نماید. این باور در جهان اسلام بازتاب گسترده ای داشت و موج اسلام گرایی برگرفته از انقلاب اسلامی ایران در تمام کشورهای اسلامی آغاز گردید. آهنگ اسلام خواهی برخاسته از انقلاب اسلامی، برای استکبار جهانی و به ویژه امریکا و صهیونیسم همانند بمب اتمی بود که هر لحظه آنها و دولت های وابسته به استکبار را تهدید به مرگ می کرد. به همین دلیل آنها به اقدامات خشونت آمیز علیه اسلام گرایان دست زده و به طور جدی وارد عمل شدند، «تا هر حرکت اسلامی که می خواهد در راه و خط انقلاب اسلامی ایران حرکت کند، در هر منطقه ای سرکوب کنند».(۱)

۱- نهضت های آزادی بخش جهان در گذر اسلامی، ص ۱۶۰.

د ـ انتقال روش های مبارزاتی

د ـ انتقال روش های مبارزاتی

نهضت های اسلامی پیش از انقلاب اسلامی ایران از روش های متفاوت پیروی می کردند و بسیاری از آنها حتی حاضر بودند با نظام های الحادی سازش کنند. اما پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که تنها متکی بر قرآن و سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم بود، بر روند نهضت های اسلامی تأثیر گذاشت و آنها را از وابستگی و اتکا بر قدرت های غیراسلامی نجات داد. به این دلیل در نهضت هایی که پس از انقلاب اسلامی ایران پدید آمد، کمتر نشانه های وابستگی دیده می شود.

وابسته نبودن انقلاب اسلامی ایران از یک سو مورد استقبال رهبران جنبش های اسلامی واقع شد و «ابوالاعلی مودودی» با صدور فتوایی اعلام کرد: «انقلاب امام خمینی یک انقلاب اسلامی است و دست اندرکاران آن، جماعت اسلامی و جوانانی اند که در حرکت های اسلامی تربیت یافته اند و بر عموم مسلمانان و حرکت های اسلامی به طور اخص واجب است که این انقلاب را تأیید و در تمام زمینه ها با آن همکاری کنند».(۱)

از سوی دیگر، استقلال انقلاب اسلامی، خشم استکبار جهانی را برانگیخت؛ زیرا قدرت های استعماری با هرگونه حرکت غیر وابسته و اسلامی مخالف بودند و نمی خواستند مسلمانان دارای قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی مستقل باشند، بلکه سعی می کردند تا مسلمانان را برای همیشه وابسته و متکی به خودشان نگه دارند.

۱- جهاد اسلامی، امام خمینی، شیعه و سنی مسأله فلسطین، ص ۱۹۲.

«امام خمینی» رحمه الله با فاجعه بار خواندن وابستگی کشورهای اسلامی به بیگانگان، راه نجات مسلمانان را در پیروی از اصل «نه شرقی و نه غربی» انقلاب اسلامی ایران می دانند و می گویند: «شعار (نه شرقی و نه غربی) ما شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا، اسلام را به عنوان تنها مکتب نجات بخش بشریت می پذیرند و ذره ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان، نباید وابسته به غرب و اروپا و امریکا و نه وابسته به شرق و شوروی باشند... نگذارند دنیا خواران از امکانات آنان در جهت منافع خود و ضربه زدن به کشورهای اسلامی استفاده کنند که این بزرگ ترین ننگ و عار کشورها و سران ممالک اسلامی است که بیگانگان به مراکز سری و نظامی مسلمانان راه پیدا کنند».(۱)

از دیگر روش های مبارزاتی انقلاب اسلامی که بر نهضت های اسلامی تأثیر فراوان گذاشت، کشاندن توده های مردم و به ویژه جوانان و دانشجویان به صحنه انقلاب بود. شاه، پیش از مرگ ذلت بار خود اعتراف کرد که «یکی از بزرگ ترین اشتباهاتش این بود که باعث شد تا دانشجویان به عنوان سربازان انقلاب وارد صحنه شوند».(۲)

این روش چنان در بین مسلمانان تأثیر داشت که هم اکنون در تمام جهان اسلام، جوانان جزو سربازان واقعی نهضت اسلامی محسوب می شوند و نقش جوانان و دانشجویان، امروزه در حرکت های استکبارستیز و ضد صهیونیستی و نهضت «انتفاضه» فلسطین و... بسیار آشکار است و «بدون تردید دانشگاه ها و مدارس عالی در سراسر جهان، به صورت مرکز فعالیت های نهضت اسلامی

۱- منشور انقلاب، پیشین، صص ۱۱ _ ۱۲.

۲- نهضت های اسلامی و انقلاب ایران، ص ۶۸ .

در آمده است».(۱)

پشتیبانی انقلاب اسلامی از جنبش های اسلامی معاصر

پشتیبانی انقلاب اسلامی از جنبش های اسلامی معاصر

پشتیبانی از جنبش های اسلامی و مستضعفان جهان، یکی از اصول اساسی انقلاب اسلامی ایران به شمار می آید. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز پشتیبانی از جنبش های آزادی بخش جهان ضروری شمرده شده و انقلاب اسلامی بر پایه رسالت دینی و اسلامی خویش، هدفمندانه می کوشد تا نهضت های اسلامی را در راه رسیدن به اهداف الهی و اسلامی شان کمک نماید، زیرا جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها کشور اسلامی هم از نظر عقیدتی و هم از نظر سیاسی بر خود لازم می داند تا بین جنبش های اسلامی، پیوند ناگسستنی برقرار نماید و برآورده شدن این امر در صورتی امکان پذیر است که نخست از آنها در برابر امپریالیسم و صهیونیسم پشتیبانی کند.

از نظر امام خمینی رحمه الله، این سیاست انقلاب اسلامی یک اصل کلی و فراگیر است و هیچ تفکیکی در آن از نگاهی منطقه ای و مذهبی وجود ندارد: «ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی، در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما که برنامه اسلام است؛ وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است. در تمام نقاط عالم، هم پیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان».(۲)

امام رحمه الله مبارزات مسلمانان و آزادی خواهان جهان را بر حق می دانست و به همین دلیل به پشتیبانی بدون چون و چرا از آنان پرداخت و گفت: «ما از

۱- نهضت های اسلامی و انقلاب ایران، ص ۶۸ .

۲- صحیفه نور، ج ۱، ص ۸۴ .

تمام نهضت های آزادی بخش در سراسر جهان که در راه خدا، حق و حقیقت و آزادی مبارزه می کنند، پشتیبانی می کنیم. ما بار دیگر پشتیبانی بی دریغ خود را از برادران مسلمان و مظلوم افغانی اعلام می داریم و اشغال اشغالگران را شدیدا محکوم می نماییم».(۱)

ایشان در جای دیگر می گویند: «من بار دیگر پشتیبانی خودم را از تمام نهضت ها و جبهه ها و گروه هایی که برای رهایی از چنگال ابرقدرت های چپ و راست می جنگند، اعلام می نمایم. من پشتیبانی خود را از فلسطین رشید و لبنان عزیز اعلام می دارم».(۲)

۱- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۵۹.

۲- صحیفه نور، ج ۱۲، صص ۱۹ _ ۲۰.

فصل دوم: آسیب شناسی جنبش های اسلامی معاصر

اشاره

فصل دوم: آسیب شناسی جنبش های اسلامی معاصر

آسیب و یا آفت، چیزی است که هیچ نظام حکومتی و عقیدتی نمی توانـد از دچار شدن به آن در امان باشد. بنابراین، زمینه برای آسیب پذیری هر نظام سیاسی، انقلاب اسلامی و جنبش آزادی بخش، هر چه قدر هم قوی باشد، وجود دارد. از این رو آسیب شناسی، یکی از مباحث مهم جنبش های اسلامی معاصر است که ما با دو عنوان، حقیقت آسیب و بررسی علل اصلی آسیب پذیری جنبش های اسلامی درباره آن بحث خواهیم کرد.

ماهیت آسیب

ماهیت آسیب

آسیب «مجموعه ای از خطراتی است که می تواننـد یـک نظـام سیاسـی کارآمـد را تضـعیف نمـوده و یـا حتی آن را از پـای درآورند.»(۱) اما خطر آسیب پـذیری برای انقلاب ها و جنبش های در حال پیروزی و یا پیروز شده بسیار زیاد است؛ زیرا در این مواقع از یک سو امکان دارد که میان رهبران، تضاد منافع به وجود بیایـد و از سوی دیگر دشـمن تلاش می کند که در این گونه مراحل با ایجاد شکاف بین انقلابیون و نفوذ عناصـر خودباخته، به نهضت و یا انقلاب اسـلامی از درون ضـربه بزند. پس امکان دارد هر نهضتی دچار آسیب شود، ولی وظیفه رهبران آن است که از دچار شـدن نهضت به آن جلوگیری نماینـد و در صورت گرفتار شدن آن را پاکسازی کنند.

۱- ابوالقـاسم طـاهری، آسـیب شناسـی حکـومت دین از دیـدگاه نهـج البلاغه، فصل نامه بصـیرت، سال نهم، شـماره ۲۳ و ۲۴، ۱۳۸۰، ص ۱۵۸.

آسیب های جنبش های اسلامی

اشاره

آسیب های جنبش های اسلامی

برای مبارزه با آسیب پذیری جنبش ها و نهضت های اسلامی، در ابتدا لازم است که عوامل آن شناسایی شوند و سپس آسیب زدایی گردد. آفات هر انقلاب و نهضت اسلامی امکان دارد با توجه به شیوه های به کار رفته در آن متفاوت باشد، اما در مجموع، عوامل دشمن تلاش می کنند تا از راه های مختلف و به صورت نامرئی و خزنده، وارد صفوف نهضت شده و با تحت تأثیر قرار دادن رهبران آن، اهداف و محتوای اصلی نهضت را زیر سؤال ببرند. با زیر سؤال رفتن نهضت و آرمان های آن، دیگر نهضت کارایی خود را به طور عملی از دست داده و در کوتاه مدت سرنگون خواهد شد. برای این که نهضت های اسلامی، چه در حال و چه در آینده، به این به عواقب دچار نشوند، باید آفات آن را شناسایی کرد. این آفات را می توان به دو دسته تقسیم کرد.

الف _ آسیب های داخلی

الف _ آسیب های داخلی

این نوع از آسیب ها خطراتی هستند که نهضت را از داخل تهدید می کنند. نهضت ها در اثر ضعف ها و مشکلات ناشی از چگونگی اداره نهضت، عملکرد دست اندرکاران آن و برخورد رهبران نهضت با مردم و اهداف نخستین آن، معمولاً ـ دچار آسیب می گردند. موارد زیر را می توان از این آسیب ها برشمرد:

۱ _ نبود رهبری سالم: نبود یک رهبر شایسته و قابل اطمینان در نهضت های اسلامی، بزرگترین آسیبی است که به نهضت ضربه جبران ناپذیر وارد می کند. از این رو رهبری نهضت باید نخست، دارای مدیریت بوده، خود را حفظ کند و به نهضت و پیروان خود خیانت نکند؛ استبداد رای،

ضعف مـدیریتی و شخصـیتی نداشـته باشـد، نسـبت به وظـایف خود کوتـاهی نکنـد و از توجه به مسایـل فرعی و غیر ضـروری خودداری نمایـد. در مرحله دوم، رهبر نهضت بایـد مصـمم، قـاطع و بر زیردسـتان خود مسـلط باشـد و کـاری نکنـد که بـاعث ناهماهنگی و اختلال در نهضت شده و مردم از آن فاصله بگیرند.

امروز، مشـکلات زیادی دامن گیر کشورهای اسلامی و به ویژه کشورهای عربی است و عده ای صهیونیست سیاست های خود را بر حاکمـان کشورهای اسـلامی دیکته می کننـد. این خواری و زبونی رهبران عرب، بی تردیـد به خاطر به فراموشـی سپردن رسـالت دینی و اسـلامی آنهـا، عملکرد ناسـالم و سوء اسـتفاده از حکومت می باشـد که بـاعث از دست دادن پایگـاه مردمی و مشروعیت سیاسی خود شده اند.

«هرایر دکمجیان» در این باره می نویسـد: «عجز و قصور مکرر نخبگان در اتخاذ و اجرای سـیاست های اجتماعی سودمند، به از بین رفتن مشروعیت اندک آنها و در نتیجه استفاده فزاینده از نیروی قهریه و زور برای حفظ کنترل منجر شده است».(۱)

۲ ـ کنار نهادن ارزش های دینی و اسـلامی: دین گریزی و زیر پا گذاشـتن ارزش های اسـلامی از آفت های بسـیار خطرناک برای جنبش هـای اسـلامی است؛ زیرا حرکت هـای اجتمـاعی و سیاسـی به طور معمول بر اساس یک سلسـله باورها و هنجارها شکل می گیرند و این حرکت ها در اجتماع تا هنگامی می توانند به حیات خود ادامه دهند که آن ارزش ها در تمام مراحل

۱- هرایر دکمجیان، پیشین، ص ۶۵ .

به قوت خود باقی باشد و با از بین رفتن آنها، آن حرکت های اجتماعی و سیاسی نیز از بین خواهند رفت.

بر این اساس، رهبران نهضت های اسلامی باید توجه کنند که راز موفقیت آنها، انگیزه های دینی و تعهد در برابر اسلام و اجرای آموزه های آن می باشد و این چیزی است که جنبش های اسلامی را تقویت و به آنها توان و نیرو می بخشد و تا زمانی که رهبران جنبش های اسلامی به اصول اولیه خود پایبند بوده و از معیارهای دینی و اسلامی پاسداری نمایند، هرگز آسیبی به آنها نخواهد رسید وگرنه با هرج و مرج که علت اصلی ناکامی و سرنگونی جنبش های اسلامی و حرکت های اجتماعی است، روبه رو خواهند شد. امام خمینی رحمه الله بر این باور بود، تا زمانی که مسلمانان به احکام اسلامی عمل نکنند، حق کشی و ظلم و ستم ادامه خواهد داشت. از این رو رهبران جنبش های اسلامی را به تعهد در برابر اسلام و احکام الهی سفارش کرده و می فرمودند: «و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورها و مسلمانان جهان به پا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت ها و عمال سرسپرده آنان نترسید و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می کنند، از کشور خود برانید و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع خیزید و به سوی یک دولت اسلامی...».(۱)

۱- صحیفه انقلاب، پیشین، ص ۳۴.

«شیخ فضل اللّه »، یکی از رهبران جنبش اسلامی «لبنان» نیز، دین گریزی را یکی از آسیب های جنبش های اسلامی معاصر دانسته است.

۳ _ نفوذ اندیشه بیگانه: یکی از آسیب هایی که نهضت را از درون می پوساند و با زیر سؤال بردن اهداف نهضت، پایه اعتقادی، فکری، سیاسی و مبارزاتی آن را سُست می کند، نفوذ اندیشه های بیگانه است.

«استاد مرتضی مطهری» با بزرگ شمردن خطر نفوذ افکار غیر اسلامی در میان رهبران نهضت اسلامی می گویند: «من به عنوان یک فرد مسئول به مسئولیت الهی، به رهبران عظیم الشأن نهضت اسلامی که برای همه شان احترام فراوان قایلم هشدار می دهم و بین خود و خدای متعال اتمام حجت می کنم که نفوذ و نشر اندیشه های بیگانه به نام اندیشه اسلامی و با مارک اسلامی اعم از آن که از روی سوء نیت و یا عدم سوء نیت صورت گیرد خطری است که کیان اسلام را تهدید می کند».(۱)

در عصر حاضر، خطر نفوذ اندیشه بیگانه در میان جنبش های اسلامی، بسیار زیاد است و این از آسیب هایی است که امروزه جنبش های اسلامی را با بحران روبه رو کرده و آنها را دچار دو دستگی و اختلاف نموده و حتی تا مرز سازش پیش برده است. چون عصر حاضر، عصر ارتباطات و دگرگونی های چشم گیر فکری و فرهنگی به شمار می آید، دشمنان اسلام به خاطر ترس از حرکت های استقلال طلبانه و اسلام گرایی در جهان اسلام، با تمام امکانات فرهنگی و تبلیغی درصدد برآمده اند تا چنین وانمود کنند که اسلام، پاسخگوی نیاز جامعه امروز نیست. نفوذ این آسیب در جنبش های اسلامی

۱- مرتضی مطهری، نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، صدرا، تهران، ۱۳۶۹، صص ۸۵ _ ۸۶ .

معاصر که توسط عناصر نفوذی، ساده لوح و با شعار جدایی دین از سیاست توجیه می گردد، به اندازه ای است که امروزه بیشتر جنبش های اسلامی با آن دست و پنجه نرم می کنند.

۴ _ اختلاف و تفرقه: اختلاف های داخلی و جناح بندی های سیاسی در درون نهضت های اسلامی، قدرت عمل و کارکرد آنها را در برابر دشمن کاهش می دهد و زمینه جدایی میان گروه های اسلامی و دو دستگی را فراهم می آورد. به طوری که یکی از مشکلات عمده جنبش های اسلامی، هم اکنون درگیری های داخلی خود آنهاست و این امر سبب شده که بسیاری از آنها، پس از پیروزی نتوانند حکومت مورد نظر خود را به وجود بیاورند. برای نمونه می توان از نهضت اسلامی افغانستان نام برد که وجود اختلاف ها میان گروه های مختلف سیاسی، قومی و مذهبی باعث شد تا آنها در تشکیل یک حکومت اسلامی در افغانستان ناتوان گردند و در نتیجه، زمینه برای مداخله قدرت های خارجی، به ویژه امریکا، در این کشور آماده گردد.

پس تا زمانی که اختلاف بین جنبش های اسلامی وجود داشته باشد، غیر ممکن است که آنها به اهدافشان دست یابند؛ زیرا دشمن همواره سعی می کند با بزرگ نمودن مسایل نژادی، منطقه ای، مذهبی، زبانی و... تنش ها را افزایش دهد.

«ایران [تنها] کشوری است که می تواند نقش مهمی در از بین بردن اختلافات مذهبی میان مسلمانان ایفا کند و مسلمانان را در یک راه و صراط مستقیم وحدت بخشد».(۱)

۱- گفت وگو با دکتر ترابی، روزنامه کیهان، دوشنبه ۱۰/۱۲/۱۳۷۱.

۵ _ خودباختگی: این امر، معمولاً ـ هنگامی به وجود می آید که رهبران جنبش ها در اثر مشکلات داخلی و نداشتن ثبات فکری از قدرت و فناوری های دشمن می ترسند و دست از مبارزه برمی دارند. چنان که «سر سید احمدخان هندی» در عصر خود، رهبری مسلمانان هند را بر عهده داشت و با استعمار انگلیس مبارزه می کرد. در سال ۱۲۸۴ به انگلستان سفر کرد و این مسافرت چنان در روحیه او اثر گذاشت که در بازگشت نه تنها از مبارزه چشم پوشی کرد، بلکه در ردیف ستایشگران انگلستان قرار گرفت و مبارزه «حزب مسلم لیگ» با انگلیسی ها را نادرست خواند. او چنان شیفته تمدن و قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی دشمن شده بود که تنها راه پیشرفت مسلمانان را، در پشتیبانی انگلستان از آنان می دانست و می گفت: «ابدا مبارزه با او صحیح نیست و او یک قدرت شکست ناپذیر است».(۱)

۶ _ تجددگرایی افراطی: از دیگر آفت ها و مشکلات جنبش های اسلامی، مسأله تجددگرایی غربی است؛ یعنی، «آراستن اسلام به آنچه از اسلام نیست و پیراستن آن از آنچه از اسلام هست، به منظور رنگ زمان زدن و باب طبع زمان کردن».(۲)

البته اسلام دین مترقی و پیشرفته ای است که هیچ گاه با تجدد، نوآوری و تمدن مخالف نبوده و نیست؛ ولی آنچه که برای جنبش های اسلامی بیش از اندازه خطرآفرین است، تجددگرایی افراطی، روشن فکر مآبی، خوش خیالی و ذهن گرایی است. این امور که ریشه در تفکر التقاطی و غرب زدگی دارد، تا

۱- حبیب اللّه طاهری، پیشین، ص ۲۷۲.

۲- نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، ص ۸۸ .

حدودی افراد و دست اندرکاران نهضت های اسلامی را از واقعیت ها دور نگه داشته و به آن آسیب وارد خواهد کرد.

۷ _ سازش: مسأله سازش، یکی دیگر از آفت های کنونی جنبش های اسلامی است. جای شگفتی است که بعضی از جنبش ها، مانند سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) پس از سال ها مبارزه و بر جای گذاشتن افتخارات فراوان، امروزه دست به سوی دشمن دیرینه خود دراز کرده و بر سر میز گفت وگو می نشیند. سازش برای هر جنبشی و در هر مرحله که باشد، آن را از مسیر اصلی خود منحرف و با رکود روبه رو می کند. چنانچه این مسأله در سازش ساف با رژیم اشغالگر قدس به خوبی نمایان گردید. تا قبل از امضای قرارداد صلح خاور میانه و سازش عرفات با اسراییل، سازمان آزادی بخش فلسطین، هم قدرت داشت و هم از احترام بین المللی برخوردار بود. چیزی نمانده بود که اسراییل در اثر مبارزات جنبش های آزادی بخش فلسطین، از صفحه روزگار پاک شود. اما با رو آوردن ساف به سازش با صهیونیست ها؛ اسراییل دوباره زنده شد و هم اکنون وحشیانه تر از پیش، قیام های مردمی را در سرزمین های اشغال شده سرکوب می کند و ساف قدرت هیچ گونه اعتراض و شکایتی ندارد، بلکه همانند عروسکی در دست امریکا بلاتکلیف باقی مانده و منتظر سرنوشتی است که سردمداران صلح خاور میانه برای او در نظر گرفته اند.

از دیگر آسیب های جنبش های اسلامی، نفوذ فرصت طلب ها، سرپیچی از فرمان رهبری، نبود الگوهای نظری و عملی، عافیت خواهی، نیمه کاره گذاشتن نهضت، ناامیدی و یأس، کناره گیری مردم از سیاست، ضعف سازماندهی و

تشکیلاتی است(۱) که اکنون مجال پرداختن به آنها نیست.

ب _ آسیب های خارجی

ب _ آسیب های خارجی

این آسیب ها عبارتند از دسیسه و توطئه هایی که از بیرون و از سوی دشمن خارجی، جنبش های اسلامی را تهدید می کند. رویارویی دشمنان اسلام و صهیونیسم بین الملل با جنبش های اسلامی را می توان از این گونه آسیب ها برشمرد.

اکنون، پس از فروپاشی نظام کمونیستی در شوروی و سرکوبی برخی جنبش های اسلامی، جهان به سوی نظام تک قطبی پیش می رود، غرب و صهیونیسم جهانی به سرکردگی امریکا، تمام معادلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی جهان را در اختیار گرفته اند. امریکا گستاخانه تلاش می کند تا حرکت های اسلام گرایانه و جنبش های اسلامی را در سراسر جهان به بهانه مبارزه با تروریسم، نابود کند. این حرکت نشان می دهد که امریکا و صهیونیسم بین الملل نمی خواهند جنبش های اسلامی پیروز شوند؛ از این رو به هر روش ممکن، سعی می نمایند تا از پیروزی آنها جلوگیری کنند.

یکی از سلاح هایی که امریکا و صهیونیسم برای رسیدن به اهداف نامشروعشان به کار می برند، وارد نمودن اتهام های بی اساس به نام «تروریسم» بر جنبش های اسلامی و ساختن پایگاه در کشورهای اسلامی است.

«سناریوی حمله به افغانستان، پس از انفجارهای نیویورک و پنتاگون، دقیقا در همین راستا طراحی شده است؛ واشنگتن قصد دارد تا با ایجاد پایگاهی در میان مسلمانان، ضمن بهره مندی از استعدادها و پتانسیل های آنان،

۱- موسی نجفی، تأملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، ج ۵، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۸۷.

خواست منطقه ای خود را بر ملت های مسلمان تثبیت گرداند. حال که جای پای امریکا در خاورمیانه _ اسراییل _ به دلیل تداوم و تشدید انتفاضه و تحریک افکار عمومی جهانیان به ویژه مسلمانان، سُست شده و خود امریکایی ها به خاطر حمایت های بی دریغ مالی، سیاسی و نظامی و امنیتی از رژیم صهیونیستی در مظان اتهام هستند».

«ایالات متحده امریکا به دنبال جای پای دیگری در میان مسلمانان و خاورمیانه است، تا هم موقعیت خود را در این منطقه حساس، استراتژیک، سرشار از منابع نفتی و برخوردار از بازارهای عمده مصرفی و تسلیحاتی تضمین نماید و هم با نفوذ در جمع مسلمانان بتواند «نظم نوین جهانی» مورد نظر خود را پیاده نماید».(۱)

در چنین شرایط حساس و سرنوشت ساز، تنها مانعی که امریکا و هم پیمانان آن بر سر راه خود می بینند، انقلاب اسلامی ایران است که از آغاز تا کنون بدون پشتیبانی قدرت های خارجی، یکه و تنها در برابر استکبار جهانی ایستاده است. باید پذیرفت که هم اکنون انقلاب اسلامی ایران با گذر پیروزمندانه از دسیسه های داخلی و خارجی، به عنوان یک قدرت سوم در منطقه و جهان مطرح شده و می تواند هر لحظه که بخواهد، معادلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی جهان را بر هم بزنند. این ویژگی انقلاب اسلامی، ایران را به «ام القرای جهان اسلام» مبدل ساخته و ایران است که الگو و پشتیبان حرکت های اسلامی به شمار می آید و تمام مسلمانان جهان به ایران چشم

۱- جمهوری اسلامی، پنجشنبه ۲۶/۷/۱۳۸۰، ص ۷.

دوخته اند. دکتر «ترابی» با اشاره به این ویژگی و جایگاه انقلاب اسلامی ایران در میان مسلمانان می گوید: «ایران، کشوری در قلب جهان اسلام است که در بنیانگذاری دولت و حکومت اسلامی در دوران معاصر پیشتاز بوده. ایران سرزمینی غنی است که خداوند به آن نظر کرده و از نظر کشاورزی و منابع زیرزمینی بسیار غنی می باشد. برادران ایرانی این مسئولیت را دارند که یک الگوی اسلامی در سیستم سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی به وجود آورند و اسلام، تنها شعار نباشد، بلکه به عنوان الگویی برای کل جهان اسلام مطرح گردد. ایران مسئولیت حمایت از مسلمانان در سرتا سر جهان را دارد، مسلمانان در آسیای میانه که در حال حاضر موفق شده اند دیوار سکوت و خفقان را فرو ریزند، نیاز به کمک مسلمانان دارند و ایران می تواند بیش از همه یار و مددکار آنان باشد».(۱)

آسیب شناسی نهضت های اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله

آسیب شناسی نهضت های اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله

دلیل اصلی انقلاب اسلامی ایران، قیام در برابر سیاست های اسلام زدایی رژیم ستم شاهی، وابستگی آن به بیگانگان، ترویج فساد مالی، اداری، اخلاقی و... بود. سال های ۱۳۵۰ _ ۱۳۵۴ سخت ترین دوران نهضت اسلامی و دوران اختناق و خفقان برای روحانیت و مردم مسلمان ایران بود. زیرا همزمان با اوج گیری نهضت اسلامی و فراگیر شدن آن، شاه به دستور اربابان خود به خشونت و اعمال فشارهای بیشتر دست زد و بسیاری از رهبران انقلاب اسلامی را تبعید، زندانی و یا اعدام کرد. رژیم شاه می خواست با راه اندازی کشتارهای دسته جمعی، مردم را بترساند و شعله های انقلاب اسلامی را

۱- گفت و گو با دکتر ترابی، کیهان، ۱۰/۱۲/۱۳۷۱.

خاموش نمایـد و از نفوذ روحانیت و پخش اطلاعیه و رساله های حضـرت امام رحمه الله در داخل ایران جلوگیری کند. با تمام این فشارها که انقلابیون و مردم ایران پشت سـر گذاشـتند، سـرانجام انقلاب اسلامی پیروز شد و مردم شریف ایران، استقلال و هویت اسلامی خود را به دست آوردند.

امـام خمینی رحمه الله که رهبری این انقلاب شکوهمند را بر عهـده داشت، در تمام مـدت ــ چه پیش از پیروزی و چه پس از آن ــ مراقب بود و نگذاشت انقلاب اسـلامی دچار آسـیب شده و از مسیر و هدف اصلی خود منحرف شود. ایشان که با آفت های نهضت های اسـلامی و توطئه دشـمنان اسلام به خوبی آشنا بود، همواره به رهبران آن هشدار می داد. به نظر ایشان آسیب هایی که می تواند جلو رشد جنبش های اسلامی گرفته و آنها را با ایستایی و شکست روبه رو کند، عبارت است از:

۱ ــ انحراف از ارزش های اسـلامی و اخلاقی: حضرت امام رحمه الله، راز موفقیت انقلاب اسلامی ایران را انگیزه های دینی و الهی می دانست و بر این بـاور بود که «یکی از عوامـل شـکست انقلاب های اسـلامی، تقلیل اهـداف نهضت به اهـداف مادی، جای گزین شدن ضد ارزش ها به جای ارزش ها و اعتقادات، تحریف آرمان ها و ارزش ها و گرایش به راحت طلبی و تجمل گرایی است.»(۱) زیرا گرفتـار شـدن جامعه و انقلابیون به این امور، فساد اخلاقی، انحراف فرهنگی و شـهوت رانی و بی بنـد و باری را در جامعه گسترش خواهد داد و در نتیجه، مردم را از انقلاب و نهضت اسلامی دلسرد می کند.

۲ ــ نفاق: امام رحمه الله، وحدت و همبستگی را برای نهضت های اسلامی

۱- محمدرضا دهشیری، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی رحمه الله، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۷۸.

ضروری می دانست و باور داشت تا زمانی که جنبش های اسلامی با یکدیگر متحد باشند، هرگز دچار آسیب نفاق (که بزرگ ترین آفت جنبش های اسلامی است) نخواهند شد.

«یک جمعیتی هر چه افرادش زیاد باشد، اگر جمعیت باهم منسجم نشوند، یک نحو وحدت پیدا نکند آسیب برمی دارد، اصلاً خودشان آسیب خودشان می شوند».(۱)

۳ـ وابستگی: امام رحمه الله وابستگی به قدرت های خارجی را عامل عقب ماندگی و بدبختی ملت ها می دانست و به این دلیل، به جنبش های اسلامی در مورد دچار شدن به آن هشدار می داد و آن را مایه نابودی مسلمانان قلمداد می کرد: «شما ای جنبش های آزادی بخش و ای گروه ها، برای به دست آوردن استقلال و آزادی به پا خیزید و ملت های خود و ملل اسلامی را هشدار دهید که زیر بار ستم رفتن بدتر و قبیح تر از ستمکاری است و به دولت ها اخطار کنید که از زبونی و ذلت، خود را نجات دهند و به همه تذکر دهید که به اسلام باز آیید و به اخوت اسلامی بگرایید».(۲)

ایشان با یادآوری اینکه، بزرگترینِ آفت یک انقلاب وابستگی فرهنگی و از دست دادن استقلال فکری و سیاسی است، می فرمود: «بایستی تفکر اینکه ما باید از خارج چیز وارد کنیم را از سر بیرون کنیم».(۳)

۴ـ بی تفاوتی سیاسی: ایشان سستی ملت ها در برخورد با دولت هایشان و دخالت نکردن آنها در مسایل سیاسی و گوشزد نکردن اشتباهات آنان را، از آفت های حرکت های اسلامی در جهان می دانست و بر این باور بود که

۱- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۶۸.

۲- صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۲۶۷.

۳- محمدرضا دهشیری، پیشین، ص ۸۱.

مسـلمانان باید در هر شـرایط، در صـحنه حاضـر باشـند و نگذارند مسایل خلاف مصلحت مسلمانان و شرع، در جوامع اسلامی عملی شود:

«مسلمانان جهان باید به فکر تربیت و کنترل و اصلاح سران خود فروخته بعضی کشورها باشند و آنان را با نصیحت یا تهدید از این خواب گرانی که هم خودشـان و هم منـافع ملت های اسـلامی را به باد فنا می دهـد، بیـدار نماینـد و به این سـرسپردگان و نوکران هشدار بدهند و خودشان هم با بصیرت کامل از خطر منافقین و دلالان استکبار جهانی غافل نشوند و دست روی دست نگذارند و نظاره گر صحنه شکست اسلام و غارت سرمایه ها و منافع و نوامیس مسلمین نباشند».(۱)

از مجموع مبـاحث مطرح شـده به دست می آیـد که از یـک سو جنبش هـای اسـلامی و دینی در مقـایسه با سایر جنبش ها، از آسـیب ها و خطرات بسـیار بیشتر و شدیدتری برخوردار می باشند و از سوی دیگر جنبش های اسلامی با توجه به ماهیت دینی و اسـلامی که دارند، مجاز نیستند مانند جنبش های ملی و غیردینی، برای بی اثر نمودن آسیب ها، از هر روشی استفاده کنند و بلکه ملزم به رعایت دستورهای دینی، انسانی و اخلاقی در برابر دشمنان خارجی و مخالفان داخلی خود می باشند.

به این ترتیب، جنبش های اسـلامی موظفند، با رعایت اصول انسانی و اسـلامی در آسیب زدایی، تلاش نمایند تا با پیش بینی و شناخت به موقع آسـیب ها و به کارگیری روش مناسب و کارا در برخورد با این موارد، از خطرات احتمالی که آنان را تهـدید می کند، جلوگیری نمایند. از این رو، آنچه

۱- منشور انقلاب، پیشین، ص ۱۲.

در آسیب زدایی مهم به نظر می رسد، در ابتدا ریشه یابی و شناسایی آسیب هاست و در مرحله بعد اقدام جدی، به موقع، سریع و قـاطع علیه عناصـر آسـیب زا، بـدون در نظر گرفتن مصالـح شخصـی و فردی. چنین عملکردی، اگر حساب شـده و با رعایت موازین اسلامی و بین المللی صورت بگیرد، بی تردید جنبش های اسلامی را در برابر دسیسه های دشمن بیمه خواهد کرد.

فصل سوم: راهکارهای اصلاحی جنبش های اسلامی معاصر

اشاره

فصل سوم: راهکارهای اصلاحی جنبش های اسلامی معاصر

در عصر حاضر که کفر و بی دینی سراسر جهان را فرا گرفته و ظلم و تعدی و زورگویی به آخرین حد خود رسیده است، و امریکا سردمدار استکبار جهانی با نفوذ در آسیای میانه، آشکارا کشورهای اسلامی و جنبش های آزادی بخش را به بهانه مبارزه با تروریسم تهدید می کند، در چنین شرایطی جنبش های اسلامی و رهبران دینی وظیفه دارند که اسلام و مسلمانان را از چنگ زورگویی های امریکا و حامیان آن نجات بدهند. امروز، اگرچه امریکا می خواهد نقش تنها قدرت جهان را بازی کند، ولی واقعیت آن است که هنوز هم اسلام و مسلمانان می توانند در برابر قدرت های بزرگ بایستند و از ارزش های دینی و اسلامی خود دفاع نمایند، به شرط اینکه جنبش های اسلامی در هر جایی که هستند به قدرت سیاسی اسلام توجه کنند و با شناسایی دقیق دشمن و دست کم نگرفتن آن، به تقویت اصلاحات و انجام آن در درون خود نیز همت گمارند.

راهکارهایی که برای بازسازی و اصلاح جنبش های اسلامی، در مبارزه با قدرت های غربی و فرهنگ تهاجمی دشمن باید به کار گرفته شوند، عبارتند از:

۱ ـ توکل به خدا و امدادهای غیبی

۱ ـ توکل به خدا و امدادهای غیبی

آنچه که امروزه جنبش های اسلامی با آن روبه رو هستند، مبارزه اسلام با کفر جهانی و صهیونیسم بین الملل است. این مبارزه اگرچه با توجه به قدرت، امکانات و فناوری دشمنان اسلام، دشوار و حتی ناممکن به نظر می آید، ولی هیچ یک از اینها نمی تواند با قدرت خداوند رویارویی نماید؛ از این رو، اگر مسلمانان و جنبش های اسلام گرایی در جهان، به خدا توکل داشته باشند و برای رهایی بندگان خدا از قید و بند اسارت، فقر و تنگدستی و فرمانروایی حکومت های مستبد مبارزه کنند، خدا آنها را کمک و یاری خواهد کرد. توکل و اخلاص، لازمه یک حرکت اسلامی، دینی و الهی است.

استاد «مرتضی مطهری» با اشاره به این مطلب می گوید: «یک نهضت خدایی، یعنی یک نهضت مذهبی، ضرورتا باید در آن خلوص حکمفرما باشد، و اگر نوعی ناخالصی، هوی، هوس، طمع، بالخصوص در رهبران نفوذ پیدا بکند، نهضت مذهبی زود از بین خواهد رفت».(۱)

انقلاب اسلامی ایران از انقلاب هایی بود که با خلوص نیت و توکل به خدا آغاز گردید و مردم مسلمان ایران با مشت به جنگ مسلسل رفتند. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، تحلیل گران غربی هیچ گاه تصور نمی کردند که مردم با رهبری روحانیت، رژیم شاه را با آن همه قدرت و امکانات نظامی، سرنگون نمایند. اما ملت مسلمان ایران با توکل به خداوند و امدادهای غیبی او، موفق شدند قدرت افسانه ای شاه در ایران را از بین ببرند و پیروزی را در آغوش بکشند.

۱- مرتضی مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی، صدرا، ۱۳۶۹، ص ۲۳.

«ما می دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهان خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید. اگر نبود دست توانای خداوند، امکان نداشت یک جمعیت سی و شش میلیونی با آن تبلیغات ضد اسلامی و ضد روحانی، خصوصا در این صد سال اخیر و با آن تفرقه افکنی های بی حساب قلم داران و زبان مردان در مطبوعات و سخنرانی ها و مجالس و محافل ضد اسلامی و ضد ملی و... ممکن نبود این ملت با این وضعیت یکپارچه قیام کنند و در سرتا سر کشور با دیده واحد و فریاد اللّه اکبر و فداکاری های حیرت آور و معجزه آسا تمام قدرت های داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را به دست گیرد».(۱)

۲ _ وجود رهبری آگاه و خودساخته

۲ _ وجود رهبری آگاه و خودساخته

نقش یک رهبر بیدار، آگاه به مسایل اسلامی و فرهمند، در دوام و پیشبرد آرمان جنبش های اسلامی از اهمیّت بسیاری برخوردار است؛ زیرا وجود رهبر خودساخته و جامع الشرایط در رأس نهضت های اسلامی، آنها را از آسیب پذیری و توطئه های دشمن در امان نگه می دارد.

به همین دلیل، رهبری در مکتب اسلام جایگاه ویژه ای دارد و مسلمانان نیز بر اساس اعتقادات دینی و باورهای مکتبی، خود را موظف می دانند تا از رهبر متعهد و اسلام شناس پیروی نمایند. «محمد نصیر»، رهبر حزب اتحاد اسلام اندونزی، با اشاره به اهمیت رهبری در میان جنبش های اسلامی می گوید: «تنها رهبرانی که... پرهیزگار هستند و این پرهیزگاری را در انجام

۱- صحیفه انقلاب، پیشین، ص ۷.

اعمـال عبادی ـ که معیار تمایز بین اسـلام و کفر است ـ تجلّی می بخشـند و همه آنچه را که به وسـیله سـخنان خـدا و سنّت رسول تعیین شده است، اطاعت کرده و انجام می دهند. تنها این رهبران که می توانند اعتماد مسـلمانان را در شـناخت ایده آل هایشان جلب کنند، شایسته اطاعتند. فقط نهضتی که به یک چنین رهبری مجهّز باشد، از طرف خداوند قادر متعال «حزب اللّه » شناخته می شود و پیروزی و موفقیتش تضمین شده است».(۱)

اسـتاد «مطهری» درباره شـرایط رهبری در اسلام می گوید: «شرایط رهبری در اسلام آن است که رهبر باید اسلام شناس باشد، با جهان بینی اسـلامی آشـنا باشـد، از دیـدگاه اسـلام درباره انسان و جامعه آگاه باشـد و ایدئولوژی اسـلامی و طرحی را برای آینده زندگی انسان درک کند».(۲)

[اما رهبری نهضت های اسـلامی در این صـد سال اخیر بیشتر با روحانیت و علمای دینی چون؛ «سـید جمال الـدین اسدآبادی»، «عبـده»، «رشـید رضـا»، «حسن البنـأ»، «مودودی»، «امام خمینی»، «آیت اللّه کاشانی»، «میرزای شـیرازی»، «شـهید بلخی» و... بوده است. این مهم ترین تفـاوت نهضت هـای صـد سـال اخیر بـا نهضت هـای پیش از آن می باشـد و بـا وارد شـدن علمای دین به صحنه سیاسی، جنبش های اسلامی در مسیر اصلی خویش قرار گرفتند.

امـام خمینی رحمه الله در این باره می گوینـد: «اسـتقلال تمام کشورهای اسـلامی مرهون این طایفه است. اینها هسـتند که تا به حال از استقلال کشورهای اسلامی دفاع کرده و می کنند. اسلام برای آنان تکلیف قیام معین کرده است؛

۱- دلیار نوئر، پیشین، ص ۳۴۰.

۲- پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۷۱.

چنان که قیام اخیر علما یک قیام قرآنی و دینی بود و حسب وظیفه اسلامی به این قیام و اقدام دست زدند».(۱)]

در میان رهبران نهضت های اسلامی، امام خمینی رحمه الله تا کنون به عنوان شایسته ترین و موفق ترین رهبر دینی شناخته شده است. رهبری که توانست اسلام را پس از سال ها انزوا و مهجوریت، به صورت یک دین پویا و متحرک وارد جوامع اسلامی کند. بدون شک، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، وامدار رنج ها و تلاش های امام خمینی رحمه الله است. آیت اللّه خامنه ای رهبر معظم انقلاب در این باره می گوید:

«طبق ارزیابی من، امام بزرگوار ما مظهر تجدید حیات تاریخی ملت ایران است. امام بزرگوار با فکر روشن و منش خردمندانه خود، با اراده و تصمیم قوی و قاطع خود، با روحیات و خصلت های والای انسانی خود و با تعبد و ایمان حقیقی به دین که در وجود او بود، با این چند خصوصیت ممتاز توانست انعکاس دهنده آرزوهای مردم بشود و فریاد مردم، ندا و خواست مردم را تجسم و تبلور ببخشد».(۲)

دکتر «کلیم صدیقی»، مدیر مؤسسه اسلامی لندن بر این باور است که امام خمینی رحمه الله در بیداری ملت ها و خط دهی نهضت های اسلامی، نقش اساسی داشت و در واقع آنها را از حالت ترس و نگرانی درآورد، به آنان جهت داد و رهبری نهضت های اسلامی را به دست گرفت.

۱- پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۷۱.

۲- منوچهر اکبری، رستاخیز دیگر در بزرگداشت امام بیداری، حضور، تابستان ۱۳۷۸، شماره ۲۸، ص ۱۶.

«نهضت اسلامی لزوما بایـد دارای یـک رهبر باشـد. پیش از انقلاب اسـلامی ایران، سازمان های متعـددی بودنـد که در بیان اهـداف و آمـال خویش مـدعی بودنـد که بخشـی از نهضت اسـلامی را تشـکیل می دهنـد. ظهور انقلاب اسـلامی در ایران به نهضت اسلامی رهبری و جهت بخشیده است».(۱)

۳ _ اعتقاد و ایمان به مبارزه

۳ _ اعتقاد و ایمان به مبارزه

از عوامل اساسی در پیروزی جنبش های اسلامی، اعتقاد و ایمان مردم به مبارزه و ایجاد حکومت اسلامی و ارزش های دینی و الهی است، چون اعتقاد به مبارزه و حاکمیت اللّه ، از یک سو انسان را مصـمم می کند تا از خود ایثار و فداکاری نشان دهد و از سوی دیگر او را متعهد می کند تا از جریان های غیراسـلامی و نامشروع دوری جوید و فقط برای تحقق ارزش های اسلامی تلاش نماید.

مقام معظم رهبری، یکی از ویژگی های انقلاب اسـلامی ایران را همین تعهدات اسـلامی می دانند و می گویند: [«اساسی ترین بنـایی که انقلاب بر آن اسـتوار است، اسـلام است که بر قلب های ملت ایران به عنوان اعتقاد نقش بسـته و ذهنیت روشن فکر متعهـد و روحانیون مبارز جامعه که درصدد تغییر معیارها، موازین و ارزش های نظامات اجتماعی و فردی به یک نظام ارزشـی جدید است و مکتب و مفسر و هادی حرکات جامعه انقلابی تا سرحد کمال آن، یعنی تابیدن نور اللّه در زمین و گسترش عدل می باشد.»(۲)]

۱- نهضت های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ص ۶۶ .

۲- پیام و خطابه (مجموعه پیام ها و خطابه های آیت اللّه خامنه ای)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۴.

آنچه که امروزه انقلاب اسلامی ایران را به عنوان الگو و پیشرو در میان نهضت های اسلامی درآورده است، مبنای حرکت دینی و الهی مردم ایران است. این ویژگی بود که انقلاب اسلامی را به پیروزی رسانید و بعد هم از دسیسه های دشمنان اسلام و استکبار جهانی نجات داد. جنبش هایی که در آنها ایمان و تعهد اسلامی و دینی وجود ندارد، امید کمتری برای پیروزی و موفقیت دارند.

فرد بی ایمان حتی در حد اعلای تخصص هم که باشد، سودمند و قابل اعتماد نیست.

«اگر امروزه می بینید که یاوه گویان تبلیغاتچی صهیونیست ها و امریکایی ها و مستکبران عالم و بداخلاق های دنیا علیه جمهوری اسلامی ایران صف کشیده اند و دهن ها را باز کرده اند و هر کدام به شکلی علیه اسلامی و مسلمین و در رأس آن جمهوری اسلامی حرف می زنند، به خاطر همین ایمان است. چون آنها از این ایمان به شدت بیمناکند. این را حفظ کنید».(۱)

۴ _ وحدت و همبستگی

۴ _ وحدت و همبستگی

از عواملی که در پیروزی جنبش های اسلامی نقش اساسی دارد، وحدت اقشار مختلف جامعه و به ویژه وحدت شیعه و سنی است. مسلمان ها باید با کنار نهادن اختلافات سیاسی، قومی، مذهبی، منطقه ای و... در برابر دشمنان متحد شوند و جلو کسانی را که با دامن زدن به مسایل اختلاف برانگیز در بین مسلمان ها تفرقه ایجاد می کنند، بگیرند. وحدت شیعه و سنی برای اولین بار در تاریخ سیاسی جنبش های اسلامی به طور جدی، توسط «آیت اللّه

۱- فصل نامه حضور، دوره دوم، شماره ۱۲، تابستان ۱۳۷۴، ص ۵ .

کاشانی» که از مبارزان برجسته علمای عراق در سال ۱۹۴۱ بود، و «حسن البنأ» رهبر جنبش اخوان المسلمین مطرح شد.

«جکسون»، نویسنده امریکایی، درباره اهمیت این پیوند می نویسد: «اگر عمر این مرد (حسن البنأ) طولانی می شد، ممکن بود این کشور به موفقیت های زیادی نایل آید. به ویژه اگر «حسن البنأ» و «آیت اللّه کاشانی»، رهبر ایرانی به اجرای توافق خود موفق می شدند که به اختلاف میان شیعه و سنی پایان دهند. آن دو در حجاز در سال ۱۹۴۸ دیدار کردند و ظاهرا با تفاهم به نقطه اصلی رسیدند، ولی «حسن البنأ» زودهنگام ترور شد».(۱)

اختلاف شیعه و سنی، از بزرگ ترین مشکلات جهان اسلام در طول تاریخ بوده است که دشمنان اسلام نهایت استفاده و بهره برداری را از آن برده اند. این مسأله برای آن دسته از علما و رهبران جنبش های اسلامی که به توطئه های دشمنان اسلام آگاهی داشتند، مایه نگرانی بود و از تفرقه مسلمانان رنج می بردند. به همین دلیل، تمامی تلاش خود را برای وحدت فرقه های اسلامی به کار بردند. شهید «نواب صفوی»، رهبر «فداییان اسلام» از جمله روحانیون مبارز شیعی در ایران بود که وحدت شیعه و سنی را مهم ترین نیاز جهان اسلام و جنبش های اسلامی می دانست و می گفت: «بیایید با اتحاد برای اسلام کار کنیم و هر چه را که جز جهادمان در راه عزّت اسلام باشد به فراموشی بسپاریم. آیا زمان آن فرا نرسیده است که مسلمانان درک کنند و از دو دستگی شیعی و سنی دست بردارند و همگی به کتاب خدایشان بنگرند

۱- فتحی شقاقی، پیشین، ص ۴۹.

که آن قادر است آنان را متحد سازد، تا در برابر دشـمنان که در کمین نشسته اند، جبهه ای یکپارچه و نیرومند باشند. دردها و مصائبی که در راه هدف مشترکشان تحمل می کنند، در تمام دل ها تأثیر فعال خواهد داشت».(۱)

«سید عارف حسین الحسینی»، رهبر شیعیان پاکستان در این باره می گوید: «قدرت های بزرگ، با وجود دشمنی ها و عداوت های دیرینه خود در بین خودشان، امروز علیه اسلام در وصف واحد متشکل و با همه ما و علیه اسلام آماده جنگ و جدال می باشند... و آنها در حال غارت کردن مسلمانان بوده و بین مذاهب و مسالک فرق نمی گذارند، فقط با نام اسلام علیه ما در صفوف مبارزه متشکل شده اند و ما می توانیم از طریق ایجاد برادری و اخوّت و اتّحاد و وحدت، این صف باطل را بشکنیم».(۲)

البته پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روند اتحاد و همبستگی جنبش های اسلامی و شیعه و سنی ابعاد تازه تری به خود گرفته است. امام خمینی رحمه الله به عنوان رهبر جهانی اسلام، گام های عملی را در این راستا برداشت. ایشان برای از میان بردن سوء تفاهمات و اختلافات جزئی، دستور داد که حجاج شیعه در طی مراسم عبادی و سیاسی حج در نماز جماعت اهل سنت شرکت و به علمای آنها اقتدا نمایند. این فتوای امام در وحدت شیعه و سنی در عصر حاضر تأثیر زیادی داشت و «عمر التلمسانی»، یکی از رهبران اخوان المسلمین در همین رابطه می گوید: «ما فراموش نمی کنیم که امام خمینی در پیامی که برای حجاج بیت اللّه الحرام فرستادند و دستور دادند

۱- فتحی شقاقی، پیشین، ص ۱۱۰.

۲- یادواره سید عارف حسین الحسینی، پیشین، ص ۱۳۷.

پشت سر سنی ها نماز بجای آورند و این کار نکویی است که ایشان انجام دادند».(۱)

۵ _ بسیج امت اسلامی در عرصه های سیاسی و اجتماعی

۵ _ بسیج امت اسلامی در عرصه های سیاسی و اجتماعی

از دیگر عوامل پیروزی جنبش های اسلامی، کشاندن توده های مردم در میدان مبارزه است. حضور مردم در عرصه های سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی، بی تردید در روند مبارزات آزادی خواهی مسلمانان تأثیر داشته و به پیروزی آنهاسرعت خواهد بخشید. از این رو، رهبران نهضت های اسلامی باید سعی کنند که با ارایه برنامه های روشن و بالا بردن شعور سیاسی و بیداری ملت های مسلمان، آنان را در مبارزه سهیم نمایند. با بسیج اقشار مختلف جامعه در صف مبارزان و حفظ حضور آنها، پیروزی جنبش های اسلامی قطعی خواهد بود.

چنان چه در انقلاب اسلامی ایران دیدیم که یکی از علل پیروزی آن، حضور تمام طبقات جامعه در صحنه انقلاب بود. همه آحاد ملت ایران در انقلاب اسلامی سهم داشتند و نقش جوانان، دانشگاهیان، انجمن های دانشجویی و مذهبی بسیار مؤثر و قابل توجه بود. اما رهبری این حرکت به عهده روحانیت بود و دیگر اقشار جامعه با حفظ وحدت و همبستگی خود، پشت سر روحانیت که در رأس آن امام خمینی رحمه الله بود، ایستادند.

روحانیت در جامعه شیعه، به خاطر نفوذ معنوی و موقعیت اجتماعی و مردمی که دارد، همواره مورد پشتیبانی اقشار مختلف جامعه قرار داشته است. این امر در انقلاب اسلامی ایران به خوبی آشکار شد و شاه و اربابان او، برای

۱- جمهوری اسلامی، ۱۳/۲/۱۳۵۹.

جدا کردن مردم از روحانیت شعار «اسلام منهای روحانیت» را مطرح کردند، ولی در عمل موفق نشدند؛ زیرا آنها با مطرح کردن این شعار، می خواستند ضمن دور نگه داشتن روحانیت از سیاست، صحنه را از حضور و بسیج نیروهای مردمی خالی نمایند.

امام خمینی رحمه الله با خائنانه خواندن این شعار می گوید: «اسلام منهای روحانیت یعنی هیچ! و اصلاً روحانیت بودند که انقلاب اسلامی را شروع کردند و هر چیز کارشناس لازم دارد و کارشناس اسلام، روحانیون هستند».(۱)

۶ _ برقراری ارتباط میان جنبش های اسلامی

۶ _ برقراری ارتباط میان جنبش های اسلامی

با توجه به این که عصر حاضر، عصر ارتباطات می باشد، لازم است که جنبش های اسلامی، با همدیگر ارتباط داشته باشند و از این طریق با مشکلات و گرفتاری های مسلمانان آشنایی پیدا کنند و آن گاه با اقدامات هماهنگ، درصدد درمان آن برآیند. این امر، بی تردید جنبش های اسلامی و آزادی خواهی را تقویت کرده و آنان را در رسیدن به اهدافشان کمک خواهد کرد.

برقراری روابط بین مسلمانان مبارز در سراسر جهان، چه آنهایی که در افریقا و اروپا می باشند و چه آنهایی که در خاورمیانه و آسیا زندگی می کنند افزون بر اینکه در تشدید مبارزات آنها با استکبار جهانی و صهیونیسم بین الملل تأثیر دارد، اتحاد و همبستگی مسلمانان را نیز افزون می سازد. «شیخ فضل اللّه »، یکی از رهبران جنبش مقاومت اسلامی لبنان، با مهم خواندن این مسأله، ایران را به عنوان محور ارتباط جنبش های اسلامی معرفی کرده و

۱- عباسعلی زنجانی، پیشین، ص ۳۲.

می گوید: «باید انقلاب اسلامی را در این جا (ایران) به عنوان پایگاه حرکت اسلامی در جهان قرار دهیم، پایگاهی که نیازها و خصوصیات دیگران را نادیده نمی گیرد؛ ولی باهم از جهت کلی و فکری، به عنوان عضو پایگاه در ارتباط باشیم و با همدیگر به عنوان اعضای مرتبط برخورد کنیم، تا دردهای همـدیگر را لمس و مشـکلات همدیگر را بفهمیم. باید ارتباط ارگانیک بین کسانی که در لبنان و بین کسانی که در افغانستان و فیلیپین و عراق و یا در همه جا هستند، برقرار باشد».(۱)

۷ _ استفاده از تجربه ها و مواضع سیاسی انقلاب اسلامی

۷ _ استفاده از تجربه ها و مواضع سیاسی انقلاب اسلامی

جنبش های اسـلامی که در آغاز راه قرار دارند، باید از تجربه ها و شیوه های مبارزاتی آن دسته از نهضت هایی که پیروز شده اند به ویژه انقلاب اسـلامی ایران، اسـتفاده کنند و دقت نمایند که چه چیز باعث شد تا ملت ایران یک چنین پیروزی بزرگی را به دست بیاورد. انقلاب اسلامی ایران، امروزه یکی از انقلاب های موفق جهان اسلام به شمار می آید؛ انقلابی که توانست هم در رویـارویی مسـتقیم _ چه در زمـان انقلاب و چه در زمان دفاع مقـدس _ با اسـتکبار جهانی و هم از نظر تبلیغاتی و موضع گیری های سیاسی و بین المللی، دشمن را به زانو در بیاورد.

«روژه گارودی» پژوهشـگر و نویسـنده فرانسوی در این باره می گوید: «امام خمینی، الگوی توسـعه غرب را در قفس اتهام قرار داد. او به زنـدگی ایرانیان معنا بخشـید، آن هم درست در زمانی که غرب و سـرسپردگانش که از این قیام و انقلاب گیج شده بودند، در چند محور برای ضربه زدن به انقلاب حرکت

۱- نهضت های آزادی بخش جهان در گذر انقلاب اسلامی، ص ۵۸ .

کردنـد. ابتـدا کوشـیدند مانع از رسـیدن رهبران مذهبی به قدرت شوند... سـپس به محاصـره اقتصادی و سیاسـی دست زدند و وقتی تمام این توطئه ها شکست خورد، به «صدام حسین» دستور دادند تا جنگ را آغاز کند!»(۱)

آنچه که از شـیوه های مهم سیاسی و مبارزاتی انقلاب اسلامی به شمار می آید، این است که نخست، انقلاب اسلامی از مراکز دینی و فرهنگی آغاز شد و مسـجد را پایگاه اصلی خود قرار داد؛ زیرا «مسجد در اسلام و در صدر اسلام، همیشه مرکز جنبش های اسلامی بوده، از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در [زیر] بیرق اسلام بوده است».(۲)

دوم اینکه، امـام خمینی رحمه الله به عنوان رهبر انقلاـب، لبه تیز حملاـت خود را متوجه صـهیونیست هـا نمود و وجود آنهـا را برای جهان اسلام خطرناک می دانست: «من نزدیک به بیست سال است خطر صهیونیسم بین الملل را گوشزد نموده ام و امروز خطر آن را برای تمامی انقلابات آزادی بخش جهان و انقلاب اخیر اسـلامی ایران، نه تنها کمتر از گذشـته نمی دانم که امروز این زالوهای جهان خوار با فنون مختلف برای شـکست مستضـعفان جهان قیام و اقدام نموده اند. ملت ما و ملل آزاد جهان باید در مقابل این دسیسه های خطرناک با شجاعت و آگاهی ایستادگی نماید».(۳)

۸ _ حضور زنان در صحنه های سیاسی و مبارزاتی

۸ _ حضور زنان در صحنه های سیاسی و مبارزاتی

۱- فتحی شـقاقی، موضع گیری علمـای جهان اسـلام درباره تشیع، ترجمه: ابورشاد، فصل نامه، تاریـخ و فرهنگ معاصـر، سال ششم، شماره ۳ و ۴، ۱۳۷۶، ص ۴۲۴.

۲- صحیفه نور، ج ۶ ، ص ۴۹.

۳- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۶۳ .

زنـان به عنوان بخش بزرگی از پیکر اجتمـاع، می تواننـد نقش اساسـی را در پیشبرد اهـداف نهضت هـای اسـلامی ایفـا کننـد. بررسـی تاریـخ جنبش هـای اسـلامی در سراسـر جهـان نشان می دهـد که حضور زنان در تـداوم مبارزات آزادی خواهی مردم مسـلمان ایران، افغانسـتان، الجزایر، سودان، تونس، عراق و... و پیروزی آنها بسیار مؤثر بوده است. در تمام جنبش های اسلامی تا کنون، زنان همدوش مردان مبارزه کرده اند و در حقیقت، این زن ها بودند که با حضور در صـحنه های سیاسی، اجتماعی و تربیت فرزندان صالح، بار سـنگین قیام های اسـتعمارستیز و استبدادستیز را به دوش کشیدند. برای نمونه می توان به نقش عمده ای که «بنت الهدی صدر»، خواهر محترم شهید «امام باقر صدر»، در انقلاب اسلامی عراق داشت؛ اشاره کرد.

«بنت الهـدی صدر» پس از کودتای ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ در عراق، فعـالیت های سیاسـی و مبارزاتی خود را آغازکرد و در بیـداری جامعه زنان عراق، بیشترین سـهم را داشت. او سـعی نمود که با تربیت و آگاه نمودن زنان به سـتم هایی که بر مسلمانان در این کشور روا می شـد و خطراتی که اسـلام را تهدیـد می کرد، به پیروزی انقلاـب اسـلامی عراق که به رهبری «امـام بـاقر صـدر» جریـان داشت، سـرعت بخشـد. به این منظور، مـدارس زیـادی را در شـهرهای مختلف عراق پایه گـذاری کرد و موفق شـد که گروهی از خواهران عراقی را آموزش دهد. «آیت اللّه آصـفی» در این باره می گوید: «تا این که مبارزات مردم عراق از سـطح تئوری و اندیشه، خارج و به سوی مبارزه و رویارویی با طاغوت کشـیده شد. در این مقطع نیز خانم «بنت الهدی»، نقش مؤثر و فعالی داشت و تظاهرات را رهبری می کرد. روزی که برادر ایشان «آیت اللّه صدر» را دستگیر

کردنـد، خانم «بنت الهـدی» یک راهپیمایی به طرف صـحن مطهر امیرالمؤمنین علیه السـلام ترتیب داد و در داخل صـحن برای حاضرین و راهپیمایان سخنرانی کرد و آنها را علیه حکومت بعث عراق شوراند».(۱)

پس از پیروزی انقلاب اسـلامی در ایران، بر شدت مبارزات مردم عراق نیز افزوده شد و رژیم بعث «امام باقر صدر» را دسـتگیر کرد؛ به خیال این که شورش های مردمی را سرکوب نماید، ولی قیام مردم عراق با رهبری «بنت الهدی صدر»، ابعاد وسیع تری پیـدا کرد و دولت بعث مجبور شـد «امـام بـاقر صـدر» را آزاد کنـد. اما از آنجایی که بعثیان، علت اصـلی آگاهی یافتن و رشـد فکری مسـلمانان عراق را، هدایت و رهبری نهضت اسـلامی این کشور توسط این خواهر و برادر می دانسـتند، سـرانجام آنها را دستگیر و شهید کردند.

در انقلاـب اسـلامی ایران نیز زنان با حضور در صـحنه های مختلف انقلاب، بزرگ ترین حماسه را آفریدنـد و اگر سـهم فعال زنـان نبود، امکـان نـداشت که نظام پادشاهی در ایران سـرنگون شود. امام خمینی رحمه الله به عنوان معمار انقلاب اسـلامی، با ستایش از حضور هوشمندانه و مؤثر زنان ایران در عرصه های سیاسی، فرهنگی، مبارزاتی و تربیتی انقلاب اسلامی، می گویند: «شـما زنان دلیر در این پیروزی پیشـقدم بودید و هستید، شما مردان را تشجیع کردید، ما همگی مرهون شجاعت های شما زنان شیردل هستیم... در این نهضت، زنان، حق بیشتری از مردان دارند، زنان، مردان شـجاع را در دامان خود بزرگ می کنند. قرآن انسان ساز است و زنان نیز انسان ساز، اگر زنان شجاع و

۱- الهه کولائی، فاطمه حسینی، ب شریعتمدار، یادواره شهید آیت اللّه محمد باقرصدر، کانون انتشارات ناصر، قم، ۱۳۶۰، ص ۳۳.

انسان ساز از ملت ها گرفته شوند، ملت ها به شکست و انحطاط کشیده می شوند».(۱)

۱- صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۵۳.

بخش سوم: رسانه و جنبش های اسلامی

اشاره

بخش سوم: رسانه و جنبش های اسلامی

زیر فصل ها

فصل اول: رسانه و انقلاب اسلامی

اشاره

فصل اول: رسانه و انقلاب اسلامی

عصر حاضر، عصر اطلاع رسانی و ارتباطات به شمار می آید. نقش مؤثر رسانه های جمعی در هدایت افکار عمومی جوامع، بر هیچ کسی پوشیده نیست. «فرانتس فانون» بر این باور است که رادیو به عنوان یک رسانه جمعی و وسیله فنی، در رشد افراد جامعه تأثیر فراوانی دارد و بر قوای حسی، فکری و عقلانی شخص می افزاید.(۱)

رسانه های جمهوری اسلامی ایران، به عنوان رسانه های اسلامی و انقلابی، از جایگاه ویژه ای در میان مسلمانان برخوردار بوده و مسئولیت بس خطیری را در قبال انقلاب اسلامی بر عهده دارند. یکی از وظایف مهم رسانه در جمهوری اسلامی ایران، این است که مواضع اصولی و فرهنگ انقلاب اسلامی را، به طور شفاف بیان کند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱- فرانتس فانون، سال پنجم انقلاب الجزایر، ترجمه: دکتر تابنده، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، بی تا، ص ۸۴.

نیز با اشاره به این مطلب آمـده است: «وسایل ارتباط جمعی بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسـلامی و در خدمت اشاعه فرهنگ اسـلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم انـدیشه های متفاوت بهره جویـد و از اشاعه و ترویـج خصـلت های تخریبی و ضد اسـلامی به طور جدی پرهیز کند. پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت ابناء بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می گشاید، بر عهده همگان است».(۱)

بنابراین رسانه های جمعی بایـد در خـدمت اسـلام، انقلاب اسـلامی و مردم باشـند و آنچه که با اهداف انقلاب، خواسـته های افکار عمومی جامعه و فرهنگ دینی و مذهبی مردم سازگاری دارد، بازتاب دهند. در این میان، معرفی انقلاب اسـلامی و دفاع از اصول و ارزش هـای آن، یکی از وظـایف اساسـی رسـانه های جمعی در جمهوری اسـلامی ایران است که انجام این مهم با روش های زیر امکان پذیر خواهد بود:

۱ ـ بیان مواضع اصولی انقلاب اسلامی

۱ ـ بیان مواضع اصولی انقلاب اسلامی

امروزه بیشتر رسانه های دنیا علیه نظام اسـلامی در ایران و انقلاب اسـلامی سم پاشـی و تبلیغات می کنند و بسیاری از رسانه ها به عنوان ابزاری در خدمت قدرت های صـهیونیستی و استکباری درآمده اند و تمام تلاش این رسانه های وابسته، این است که از موج اسـلام گرایی ناشـی از انقلاب اسـلامی جلوگیری کننـد. آنها برای رسـیدن به این خواسـته خود، اولین کاری که انجام داده اند، زیر

۱- بهروز گرانپایه، توسعه مطبوعات و اصول اخلاق رسانه ای فصل نامه رسانه، سال دهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۸، ص ۳۳.

سؤال بردن ماهیت و اهداف انقلاب اسلامی است و به این منظور، هر روز نیرنگ تازه ای به کار می برند.

در این جنگ تبلیغاتی و اطلاع رسانی، وظیفه رسانه های جمهوری اسلامی، بیان مواضع انقلاب اسلامی، از طریق تدوین برنامه های هدفمند و در عین حال ساده و قابل فهم برای تمام طبقات اجتماع است. استفاده از زبان هنر و شیوه های هنری از راه هایی است که هم جذابیت دارد و هم می تواند به طور مستقیم و یا غیر مستقیم، انقلاب اسلامی را به جهانیان بشناساند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت اللّه خامنه ای در این باره می گویند: «ما اگر در صدا و سیما بتوانیم در تمامی زمینه ها، تولید مناسب و شایسته ای داشته باشیم، می توانیم صدای انقلاب اسلامی را به جهانیان برسانیم که در این صورت موضع ما برای مردم دنیا قابل فهم خواهد بود و ما تا حدودی توانسته ایم تبلیغات مغرضانه رسانه های وابسته را خنثی نماییم».(۱)

یکی از اهداف انقلاب اسلامی، معرفی چهره واقعی اسلام به جهانیان و زدودن آنچه که از اسلام به عنوان یک دین سلطه پذیر، و ناتوان از پاسخگویی به نیازهای امروزی جامعه ارایه شده بود، که نه با روح اسلام سازگاری داشت و نه مورد قبول مسلمانان آگاه بود. انقلاب اسلامی ایران که به خاطر نجات اسلام از چنگ توطئه صهیونیست ها و دشمنان مسلمانان به وقوع پیوست، موفق شد اسلام و ارزش های دینی را دوباره زنده کند و اسلام را به عنوان یک دین جامع، متناسب با شرایط روز و دارای ایدئولوژی سیاسی در

۱- صدا و سیما در کلام مقام معظم رهبری، تهیه کننده: بنیاد فرهنگی فاطمه الزهرا، ناشر: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، چاپ ۱، ۱۳۷۳، ص ۴۴.

اداره جامعه معرفی کند؛ اما مطرح کردن زوایای مختلف اسلام ناب و کارکردهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، دفاعی، هنری و... آن به عهده رسانه های جمعی و صدا و سیماست. بنیانگذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی رحمه الله بر این باور است که:

«ما می توانیم به وسیله همین دستگاه هایی که داریم و به وسیله صدا و سیما و به وسیله مطبوعات، به وسیله گروه هایی که به خارج می روند اسلام را آن طوری که هست معرفی کنیم. اگر [اسلام] آن طوری که هست معرفی بشود، مورد قبول همه خواهد شد».(۱)

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت اللّه خامنه ای نیز نقش رسانه را در معرفی انقلاب اسلامی و بیان مواضع آن بسیار مؤثر می دانند و می فرمایند: «رساندن پیام انقلاب، یکی از اساسی ترین مسایل انقلاب است. این یک واقعیت است که ملت ها چشم به راه و گوش به زنگ انقلابند و می خواهند انقلابی را که تأثیر عظیم و شگرفی داشته، به درستی بشناسند و از مسایل و تجربیات آن آگاه بشوند و پیام انقلاب را از زبان دست اندرکاران انقلاب بشنوند و ما هرگاه پس از انقلاب با برادرانی که از ملت های مختلف با ما برخورد می کردند می دیدیم، اینها از ما درخواست می کنند که ما هر چه بیشتر بتوانیم صدای جمهوری اسلامی را که حامل پیام این انقلاب است، قوی تر کنیم و به آنها برسانیم».(۲)

۱- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۴۳.

۲- صدا و سیما در کلام مقام معظم رهبری، ص ۵۲ .

۲ _ بیان دستاوردهای انقلاب اسلامی

۲ _ بیان دستاوردهای انقلاب اسلامی

از دیگر رسالت های رسانه در نظام جمهوری اسلامی ایران، بیان دستاوردهای انقلاب اسلامی است. به این واقعیت باید اعتراف کرد که انقلاب اسلامی دستاوردهای زیادی را به همراه داشت و اگر این پیام انقلاب به گوش مسلمانان برسد و آنها از آنچه که به برکت این انقلاب نصیب جهان اسلام گردیده است، آگاهی پیدا کنند، دیگر قدرت های استکباری نخواهند توانست بر آنان اعمال سلطه و زورگویی کنند.

زیرا انقلاب اسلامی به مسلمانان هویت سیاسی، دینی و مذهبی بخشید و ارزش های دینی را به جامعه بازگرداند و برای تمام افراد جامعه، آزادی سیاسی و زمینه مشارکت در نهادهای دولتی و اجتماعی را فراهم آورد. مهم تر از همه و آنچه که امروز بسیار با اهمیت است، به دست آوردن استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و بیداری مسلمانان جهان است. حضرت امام رحمه الله بر این باور بود که در سطح جهانی، «ایجاد پیوند و ارتباط هر چه بیشتر بین شیعه و سنی و تشکل آنها به عنوان یک نیروی واحد و قدرتمند جهانی در برابر قدرت ها و بیدارسازی و آگاهی مسلمانان جهان و ارایه چهره واقعی از اسلام و مطرح شدن ملت ایران در محاسبات ابرقدرت ها، تبدیل ملت ایران از حالت انزوا به حضور و معرفی ایران به عنوان مرکز مبارزه علیه استعمار و کانون مبارزه و برهم زننده محاسبات ابرقدرت ها، از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی است.(۱)

۱- محمدرضا دهشیری، پیشین، ص ۷۲.

بیـان این دسـتاوردها که به عظمت اسـلام و رشـد اسـلام گرایی اسـلامی کمـک خواهـد کرد، از وظـایف رسـانه هـای جمعی جمهوری اسـلامی ایران است. بدون تردید، اگر پیام انقلاب اسـلامی و دسـتاوردهای آن به طور درست و صـحیح به مسلمانان جهان و متولیان جنبش های اسـلامی عرضه شود، ما در آینـده شاهد شـکوفایی هرچه بیشتر اسـلام و بیداری مسـلمانان خواهیم بود. بنابراین، صدا و سـیما و دیگر رسانه ها باید توجه داشته باشند که در برنامه های خود و به ویژه برنامه های برون مرزی، پر باری و جذابیّت بدهند و فرهنگ انقلابی و دستاوردهای انقلاب اسلامی را تبلیغ کنند.

مقـام معظم رهبری، بـا اشـاره به این مطلب و ضـمن توصـیه رسـانه هـای جمعی به جهت گیری اسـلامی و انقلابی در راسـتای اهـداف خود، می فرماینـد: «جهت گیری اسـلامی و انقلابی این است که پیام انقلاب اسـلامی رسانـده شود و این پیام، ساختن یک دنیای امن توأم با صـفا برای انسان ها و ایجاد زمینه ای برای بهره منـدی انسان از طیبات زندگی، ایجاد روحیه اسـتقلال و آزادگی، توجه به خدا و پیراستن انسان ها از رذایل اخلاقی، توجه به اینکه برای انسان، مبارزه در راه پیدا کردن هدف زندگی ضرورت است و باید مبارزه به شـکلی صـحیح صورت گیرد، توجه به این که رسوخ و نفوذ فرهنگ بی خدایی و وابسـتگی به شهوات، یک عیب و بیماری و خطر برای جامعه است، می باشد».(۱)

۱- صدا و سیما در کلام مقام معظم رهبری، پیشین، ص ۷۵.

۳ _ صدور انقلاب اسلامی

۳ _ صدور انقلاب اسلامی

اگر روزی اسـتعمارگران و قـدرت هـای خـارجی از طریـق زور و نیروی نظـامی، خواهـان سـلطه سیاسـی و اعمـال قـدرت بر کشورهای جهان بودنـد، امروزه سعی می کننـد افزون بر لشکرکشـی و به راه انداختن جوّ ترس و وحشت، با در اختیار گرفتن رسانه های عمومی و جهانی، افکار عمومی جهان را نیز در اختیار داشته باشند، تا به این وسیله اعمال ننگین خود را در سرزمین های اسلامی و از جمله جنایات استکبار جهانی و صهیونیست ها را در فلسطین، افغانستان و... توجیه کنند.

دشـمنان اسـلام، در حال حاضر تصمیم گرفته اند که از طریق تهاجمات نظامی نخست، جنبش های اسلامی را در سراسر جهان به نام مبارزه با تروریسم سرکوب نمایند و دوم اینکه، از صدور انقلاب اسلامی که نهضت های اسلامی، از آسیای میانه گرفته تا خاورمیانه و افریقا از آن مایه می گیرند، جلوگیری کنند.

صدور انقلاب اسـلامی، در شـرایط کنونی که کشورهای آسـیای میانه و ماورای قفقاز بعد از فروپاشـی نظام کمونیستی در این کشورها، در خلأ ایـدئولوژی به سـر می برند بسـیار محسوس است. بر کردن این خلأ وظیفه رسانه های جمعی ایران و راه آن، صـدور پیام انقلاب اسـلامی است. امام رحمه الله صدور انقلاب را راه حل مشـکلات جهان اسـلام می دانست و می فرمود: «ما می خواهیم که این انقلاب مـان را، انقلاب فرهنگی مان را، انقلاب اسـلامی مان را به همه ممالک اسـلامی صادر کنیم و اگر این انقلاب صادر شد، هر جا صادر بشود این انقلاب،

مشکل حل می شود».(۱)

امام رحمه الله، صدور انقلاب را در گسترش ارزش های اسلامی و اصول گرایی اسلامی می دانست و می فرمود: «ما می خواهیم با دعوت، اسلام را به همه جا صادر کنیم، نه با سرنیزه... ما می خواهیم الگویی از اسلام در عالم، ولو یک الگوی ناقص باشد، نشان بدهیم که همه عقلای عالم... همه ملت های مظلوم بفهمند که اسلام چی آورده و می خواهد چه بکند در دنیا...»(۲)

در جای دیگر، ایشان با بیان اینکه ما می خواهیم معنویت انقلاب اسلامی مان را به جهان صادر کنیم، می فرماید: «ما که می گوییم «انقلاب می خواهیم صادر کنیم» می خواهیم این را صادر کنیم. می خواهیم این مطلب را به همین معنایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده، ما می خواهیم این را صادر کنیم، ما نمی خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم... ما می خواهیم که این انقلاب مان را، انقلاب فرهنگی مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم».(۳)

امام خمینی رحمه الله معمار بزرگ انقلاب اسلامی در جهان، بر این باور بود که «ما امروز دورنمای صدور انقلاب را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است»،(۴) تداوم این وضعیت و تقویت حرکت های آزادی خواهی و اسلام گرایی، بستگی به تبلیغات بیشتر،

۱- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۸۳.

۲- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۲۹.

۳- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۸۳.

۴- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۱.

دقیق تر و منطقی رسانه های جمهوری اسلامی ایران دارد. رسانه های جمعی جمهوری اسلامی، اگر درست برنامه ریزی کنند، مخاطبان زیادی که امروزه در جهان دارنـد، بیشترین زمینه برای صدور انقلاب اسـلامی است. چنانچه حضـرت آیت اللّه خامنه ای در این باره می فرمایند: «اکنون که میلیون ها انسان مسـلمان در خارج از کشور مشتاق شنیدن سخن انقلاب اسلامی هستند، اگرچه آنها به زبان های مختلف تکلم می کننـد، ولی احساسات واحدی دارند و ما بایستی تجربیات و مبانی اسـلامی را که به آن وابسته ایم به آنها تعلیم دهیم و سیاست های صحیح و دقیق دولت جمهوری اسلامی ایران را به آنها عرضه کنیم».(۱)

زنده نگه داشتن حضور مردم در عرصه های مختلف انقلاب اسلامی

زنده نگه داشتن حضور مردم در عرصه های مختلف انقلاب اسلامی

یکی از وظایف عمده رسانه اسـلامی، حفظ و بازگو نمودن خاطرات و صـحنه های حماسی مردم مسلمان ایران در صحنه های مختلف انقلاب اسلامی است؛ زیرا حوادث و رخدادهای ایثارگرانه مردم در دوران مبارزه و جانفشانی و شهادت طلبی آنها در دفاع مقدس و همچنین حضور و حمایت های مردم از انقلاب اسـلامی در صـحنه های سیاسی، انتخاباتی و غیره، در دوره های بعد؛ باید زنده نگه داشته شود.

بـدیهی است زنـده نگه داشـتن این حمـاسه هـا و انتقـال فرهنـگ انقلاب و بیان ایثار و فـداکاری های مردم در دفاع از انقلاب اسـلامی و دسـتاوردهای آن برای نسـل های بعـد؛ یک امر تبلیغاتی مهم است که رسانه های جمعی می تواننـد در آن بیشترین سهم را به عهـده بگیرند؛ زیرا از وظایف رسانه های جمعی و صدا و سـیماست که در قالب گفتمان سیاسـی، ادبیات و هنرهای نمایشی؛ شعارهای

۱- صدا و سیما در کلام مقام معظم رهبری، ص ۴۴.

انقلاب اسلامی؛ مانند خط امام، سیاست نه شرقی و نه غربی، مکتبی بودن و مردمی بودن این انقلاب را برای افراد جامعه و به ویژه جوانان و طرفداران انقلاب اسلامی در جهان بازگو نمایند.

وسایل ارتباط جمعی و رسانه ای در هر کشور، نقش کلیدی در هدایت و آگاه کردن مردم آن کشور دارند. اگرچه امروزه بسیاری از رسانه ها در خدمت دولت ها قرار دارند، با این همه نمی توان نقش مثبت و یا منفی آنها را در جوامع، نادیده گرفت. برای نمونه، می توان به کشور مصر اشاره کرد که ۵۰۰ نشریه در این کشور وجود دارد و دولت سعی کرده است که از آنها به نفع خود و سیاست هایش بهره برداری کند. «دولتمردان مصر در سال های اخیر، خصوصا بعد از قرارداد کمپ دیوید، با تغییر قانون مطبوعات از وسایل ارتباط جمعی در جهت توجیه اهداف و مقاصد خود استفاده زیادی کرده اند. در مقابله با نیروهای اسلامی نیز دولت مصر با سیطره بر مطبوعات و دولتی کردن تعداد زیادی از این نشریات، علیه اسلام گرایان تبلیغات فراوانی نموده اند. در دو دهه گذشته، دولت مصر برای مبارزه با شورش های اسلام گرایان به گسترش وسایل ارتباط جمعی پرداخت تا از این طریق بتواند افکار عمومی را نسبت به سیاست های خود جلب نماید».(۱)

پس رسانه های تبلیغی، هم در فعال سازی و هم در تحذیر افکار عمومی جهان، نقش اساسی را دارند. یکی از این رسانه ها رادیو و تلویزیون است. این دستگاه همان گونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت اللّه

۱- سید مهدی تکیه ای، مصر، پیشین، ص ۴۱.

خامنه ای اعتقاد دارد: «یک دستگاه سرگرم کننده نیست. یک دستگاه آموزنده است. امروز تمام دنیا دارند از رادیو و تلویزیون برای آموزش استفاده می کنند».(۱)

یکی از وظایف رسانه های بیگانه و وابسته به استکبار جهانی، تبلیغ علیه اسلام و انقلاب اسلامی است و آنها سعی دارند که با تبلیغات زهرآگین خود افزون بر جدا نمودن انقلاب اسلامی از مردم، بین انقلاب اسلامی و جنبش های معاصر فاصله ایجاد کنند و تنها سلاح مؤثری که آنها برای رسیدن به این هدف برگزیده اند، ایجاد تفرقه و نفاق است.

«امام خمینی» رحمه الله، ضمن یادآوری توطئه های دشمنان اسلام، رسانه های جمعی و صدا و سیما را در برابر آن مسئول دانسته و آنها را موظف می داند که برای مصالح ملت قدم بردارند، در غیر این صورت مردم حق دارند جلو آنها را بگیرند: «رسانه ها، مربی یک کشور هستند. باید تربیت کنند کشور را، افراد یک کشور را و باید خدمت کنند به ملت. روزنامه از ملت است و برای ملت است و چنانچه برخلاف مسیر ملت بخواهد یک روزنامه ای چیز دیگری رفتار بکند، خود ملت با او مخالفت می کند».(۲)

در جای دیگر می فرمایند: «همه رسانه های تبلیغاتی باید خودشان را اصلاح کنند که خدای نخواسته برخلاف مسیر ملت نروند، گمان نکنند که باز می شود آن دستگاه سابق را برگرداند، دیگر گذشت آن مسایل و آنها دفن

۱- صدا و سیما در کلام مقام معظم رهبری، ص ۹۲.

۲- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۹۳.

شده اند».(۱)

معرفی چهره امام خمینی رحمه الله و دیگر شخصیت های انقلاب اسلامی

معرفی چهره امام خمینی رحمه الله و دیگر شخصیت های انقلاب اسلامی

جای هیچ گونه تردیدی نیست که انقلاب اسلامی بدون نام «امام خمینی» رحمه الله در جهان شناخته شده نیست؛ زیرا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مدیون شخصیت کم نظیر، ایثار و فداکاری های ایشان است و آنچه که این انقلاب را به ثمر رساند، رهبری خردمندانه امام رحمه الله بود. به همین دلیل در هر جایی از جهان که اثری از انقلاب اسلامی دیده می شود، نام امام خمینی رحمه الله در آنجا می درخشد و در حقیقت، انقلاب اسلامی با نام ایشان سرشته شده است.

حال که رسانه جمهوری اسلامی ایران به عنوان مبلغ اسلام و انقلاب اسلامی در جهان اسلام کار می کند، باید درباره معرفی شخصیت حضرت امام رحمه الله برنامه ریزی دقیق داشته باشد. چهره امام رحمه الله را به عنوان بنیانگذار انقلاب نوین اسلامی در جهان، در قالب فیلم، میزگرد، برگزاری همایش و هم اندیشی و... معرفی نماید و همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی و دیگر متولیان انقلاب اسلامی را به نسل های بعدی و جهان اسلام معرفی کند.

تهیه فیلم از زندگی سیاسی، اخلاقی، علمی و مبارزاتی این بزرگان، یکی از کارهایی است که رسانه صدا و سیما باید انجام دهد. تصاویر، باید به گونه ای تهیه گردند که بتوانند بر بیننده تأثیر بگذارند و حس شگفتی او را برانگیخته، ذهن او را تسخیر کنند. این تصاویر و یا فیلم ها نیز طوری تهیه شوند که برای همگان قابل فهم و درک باشند و مخاطبان خاصی را در نظر

۱- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۹۱.

نگیرند. تأثیری که امروزه فیلم بر روی مخاطبان خود می گذارد، هیچ یک از رسانه های دیگر قادر به انجام آن نیستند.

«هربرت مارشال مک لوهان» در این باره می نویسد: «فیلم به عنوان یک رسانه و مانند مواد چاپی، می تواند حجم عظیمی از اطلاعات را در خود حفظ و به موقع انتقال دهد. این محمل، قادر است در یک لحظه صحنه ای از افراد و منظره را نشان دهد، که صفحات زیادی به صورت نظم باید نگاشته شوند تا آنها را بیان کنند. علاوه بر این، فیلم دارای قدرت تکرار صحنه ها و اطلاعات مشروح به صورت مکرر است. در حالی که یک نویسنده قادر نیست تا چنین حجمی از اطلاعات مشروح را طی یک قطعه نوشته شده و یا به صورت گشتالت به خواننده خود ارایه کند».(۱)

تصویر در فیلم، هنگامی می تواند اثرات مطلوب بر جای بگذارد که نخست بیش از حد ساده و گویا نباشد و به ذهن، مجال تفکر و اندیشه را بدهد. دوم اینکه، تصویر و گفتار درست آمیخته شوند و اگر این دو با هم به گونه ای مطلوب آمیخته شوند، تصویر شکلی طبیعی به خود می گیرد و بر بیننده تأثیر زیادی می گذارد.(۲)

مقام معظم رهبری با اشاره به این مطلب می فرماید: «باید توجه داشت که یک خوراک مقوی و مغذی، هنگامی قابل عرضه است که استعداد و قابلیت پذیرش طرف مقابل بررسی شود. اگر در ارایه مطالب اسلامی یا خط درست

۱- هربرت مارشال مک لوهان، برای درک رسانه ها، ترجمه: سعید آذری، مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، چاپ ۱، ۱۳۷۷، ص ۳۳۷.

۲- دیوید اولسون، رسانه ها و نمادها، ترجمه: محبوبه مهاجر، سروش، تهران، ۱۳۷۷، صص ۲۶۲ _ ۲۷۶.

سیاسی، اندازه، شیوه و ملازمات مناسب مورد توجه قرار نگیرد، آن خوراک به مخاطب نخواهد رسید».(۱)

آنچه که در رسانه های تصویری مهم به نظر می رسد، جذب مخاطب، محتوای اسلامی، قابل درک بودن و حفظ چیرگی رسانه تصویری بر مخاطب است، به گونه ای که رسانه بتواند پیام خود را از طریق تصویر و غیر مستقیم به بیننده منتقل کند. رسانه موفق در نظام جمهوری اسلامی آن است که همراه با حرکت در راستای اهداف کلی انقلاب اسلامی، با ارایه برنامه های آموزشی، سرگرمی، تفریحی و تحلیلی خود، پایه های نظام اسلامی را نیز تقویت کند.

۱- صدا و سیما در کلام مقام معظم رهبری، ص ۴۳.

فصل دوم: رسانه و تقویت جنبش های اسلامی

اشاره

فصل دوم: رسانه و تقویت جنبش های اسلامی

در عصر حاضر که از آن به «عصر اطلاعات» و یا «انفجار اطلاعات» نام برده می شود، رسانه های جمعی حرف اول را می زنند. در این میان، رسانه های غربی بر بیشتر کشورهای اسلامی و خاورمیانه چیرگی دارند و به عنوان واسطه میان دولت و مردم، تبادل اطلاعات می کنند.

رسانه های غربی در کشورهای اسلامی تلاش می کنند تا با ارایه برنامه های وسوسه انگیز و انحرافی، به درون خانه های مسلمانان راه پیدا کرده و آنان را نسبت به اخلاق و ارزش های اسلامی بی اعتنا نمایند؛ تا با این روش به اهداف سیاسی شان که سلطه بر جهان و سرکوبی جنبش های اسلامی است، دست یابند.

«رسانه های غربی در این مفهوم، به عنوان ابزار تفوق فرهنگی و بسط منازعات سیاسی، در واقع بازی گر اصلی قدرت در خاورمیانه هستند که دولت و کشورهای اسلامی را به چالش وا داشته اند. غرب از طریق رسانه ها، نه تنها به راحتی حریف فرهنگی خود را مغلوب می کند؛ بلکه با محروم بودن حریف از امکان استفاده از رسانه ها در سطح جهان، کاری می کند که مخالفینش غیر عادی و غیر متعارض جلوه داده شود (نظیر بنیادگرایی و اصول گرایی و...) و یا اصولاً وجود رقیب در افکار و اذهان فراموش گردد».(۱)

۱- داود فیرحی، رسانه ها و تحول فرهنگ سیاسی در خاورمیانه، فصل نامه علوم سیاسی، سال دوم، ش ۸، بهار ۱۳۷۹، ص ۵۶.

بـا وجود تبلیغـات گسترده رسـانه های غربی، تاکنون این رسانه ها نتوانسـته انـد آن گونه که می خواسـتند به اهـدافشان دسـت یابند؛ بلکه وجود تبلیغات رسانه های غربی در ستیز با اسـلام و اسـلام گرایان تا حدودی باعث بیداری مسلمانان شده و جنبش هـای اسـلامی برای رویـارویی بـا فرهنـگ تهاجمی غرب، در سراسـر جهان اسـلام و به ویژه خاورمیانه آغاز گردیـده است. به طوری که امروزه، جنبش هـای رهایی بخش در بیشتر کشورهای اسـلامی که با نظام سـکولار سـر و کار دارنـد، جریان دارد و روند اصول گرایی اسلامی از شمال افریقا گرفته، تا آسیای میانه و... رو به گسترش است.

نقش رسانه در گسترش جنبش های اسلامی

نقش رسانه در گسترش جنبش های اسلامی

رسـانه هـا، بزرگ ترین بازیگران سیاسـی در صـحنه های بین المللی و جهانی به شـمار می آینـد. در دنیای جدیـد، رسانه های جمعی هسـتند که بـا اطلاـع رسانی میان ملل و فرهنگ های مختلف ارتباط برقرار می کننـد و اخبار و گزارش ها را به سراسـر جهان می رسانند و از این راه بر تمام افکار عمومی جهان، سلطه فکری و فرهنگی دارند.

رسـانه هـای جمعی در پیشـبرد اهـداف جنبش هـای اسـلامی نیز ایفـای نقش کرده انـد؛ از این رو، یکی از اموری که مبـارزان هنگـام مبـارزه به آن توجه ویژه ای کرده انـد، همین رسانه های جمعی است. برای نمونه، در انقلاب اسـلامی الجزایر، از همان ابتـدا، رهبران انقلاب ضـرورت وجود یک رادیو، که اخبار، اطلاعات و تلفات دشـمن را به طور دقیق در اختیار مردم بگذارد، درک نمودنـد. بـه ایـن منظـور «رادیـو آزاد الجزایر» را راه انـدازی کردنـد. ایـن رادیـو در پایـداری و پیروزی ملـت الجزایر بر فرانسوی ها نقش عمده ای داشت؛ زیرا «به

کمک رادیو، این وسیله فنی که قبل از ۱۹۵۴ مطرود بود، ملت الجزایر به پیروی از انقلاب مصمم می گردد. با گوش دادن به ندای «انقلاب» الجزایری با انقلاب زیست می کند و به انقلاب هستی می بخشد».(۱)

به خاطر نقش رسانه های جمعی در تقویت جنبش های اسلامی و توسعه فرهنگ اسلامی، سیدجمال الدین اسدآبادی، مجله «عروه الوثقی» را با هدف کمک به روند اصلاح گرایی در جهان اسلام، راه اندازی کرد. این مجله، از یک سو پلی بود میان حرکت های اصلاح طلبی در جهان اسلام و از سوی دیگر تلاش می کرد تا با انتشار خبر و گزارش های نهضت های اسلامی در گوشه و کنار جهان، آنان را از نظر فکری و سیاسی تقویت نماید و به پیروزی امیدوار گرداند.

با شروع نهضت مشروطیت در ایران نیز، عده ای از علما و شاگردان «آخوند خراسانی»، با انتشار مجله «الغَری» می خواستند افزون بر اینکه اخبار و اطلاعات را درست و به موقع در اختیار مردم بگذارند؛ روند مشروطه خواهی در ایران را نیز تقویت کنند. برای همین، در دومین شماره الغَری که در ۱۸ صفر ۱۳۲۸ ه . ق منتشر گردید، نوشتند:

«حضرات آیات اللّه که به وجوب مشروطیت حکم فرموده اند، نه آن است که به امر مجملی حکم فرموده باشند، بلکه مشروطیت در پیشگاه نظر انوار آنها مفصل و مشروح است و از هیچ نکته از نکات آن غافل نیستند و به خوبی در نزد آنها روشن و آشکار است که جاری شدن مشروطیت با لوازم واقعی آن در ایران از سوی راستی [و] بدون خیانت باعث آبادی ملک و ملت

۱- فرانتس فانون، پیشین، ص ۱۱۲.

و نفوذ احکام و اجرای آنها در مجاری خود خواهد شد».(۱)

اگر چه این مجله بعد از دو شماره تعطیل شد، ولی جای آن را «دُره النجف» گرفت که آن هم در راستای نهضت مشروطیت انتشار می یافت. اما امروزه که دایره اطلاع رسانی گسترش پیدا کرده، وجود رادیو و تلویزیون برای هر جنبشی لازم و ضروری است و این وسایل هستند که جنبش های اسلامی را در بیان اهدافشان و تبادل اطلاعات، کمک می کند.

متأسفانه، اکنون بیشتر رسانه های جمعی دنیا در اختیار دشمنان اسلام قرار دارند و آنها به جای آموزش اخلاق، انسانیت و ارزش های الهی به جوامع بشری، بیشتر سعی می کنند که خشونت، زور و انواع جنایات ضد بشری را ترویج نمایند. در این تهاجم فرهنگی و جنگ رسانه ای؛ تنها رسانه ای که آزاد، مستقل و مسؤلانه عمل می کند، رسانه جمهوری اسلامی ایران است. همین عملکرد رسانه جمهوری اسلامی سبب شده که اطمینان و اعتماد مسلمانان را در سراسر جهان جلب نموده و بیشتر جنبش های اسلامی به آن امید ببندند؛ زیرا تنها رسانه ای که می تواند اخبار جهان اسلام را آن گونه که واقع می شود، منعکس نماید، رسانه ایران است. نمونه این رفتار را تاکنون در جنگ های خاورمیانه، حمله امریکا به افغانستان و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و... دیده ایم؛ در حالی که رسانه های بزرگ غربی در تمام این جنگ ها فقط اجازه داشتند که اخبار سانسور شده را پخش کنند، رسانه جمهوری اسلامی ایران، دقیق ترین اخبار را ارایه می کرد. هم اکنون نیز، جنایات و ستم هایی که بر مسلمانان و جنبش های اسلامی و از جمله گروه های اسلام گرا و مردم مظلوم

۱- معین الدین محرابی، الغَری و دره النجف نخستین نشریات فارسی چاپ نجف، رسانه، سال یازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹، ص ۸۵.

فلسطین از سوی رژیم صهیونیستی روا داشته می شود، از سوی هیچ رسانه غربی منعکس نمی شود و آنچه که از قتل و چپاول آنها به گوش جهانیان می رسد، از راه رسانه های جمهوری اسلامی ایران است.

از این رو، وظایف رسانه ایران در برابر نهضت های اسلامی بسیار سنگین است و این رسانه باید تلاش نماید که به عنوان تنها رسانه قابل اعتماد و طرف دار مظلومان و نهضت های اسلامی، در راستای تقویت آنها گام بردارد. از کارهایی که رسانه های جمهوری اسلامی می توانند به نفع مسلمانان و جنبش های اسلامی معاصر انجام دهند، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف _ ارایه راه کارهای صحیح برای جنبش های اسلامی؛

آنچه که در شرایط کنونی برای جنبش های اسلامی مهم به نظر می رسد، شناخت راه های اصولی مبارزه و اندوختن تجربیات نهضت های موفق جهان و از جمله انقلاب اسلامی ایران است. در حال حاضر که جمهوری اسلامی ایران داعیه پشتیبانی از محرومان عالم و جنبش های آزادی بخش را دارد، باید در برابر توطئه های استکبار جهانی علیه اسلام گرایان بایستد. امروزه، از دسیسه های قدرت های استکباری غرب، تبلیغات گمراه کننده و انحرافی رسانه های عمومی وابسته به آنها درباره جنبش های اسلامی است و این فرایند، هر روز ابعاد تازه تری به خود می گیرد.

قدرت های سلطه گر غربی و صهیونیست ها تلاش دارند تا با سر دادن شعار مبارزه با تروریسم و ایجاد «نظم نوین جهانی» نفوذشان را بر رسانه های جمعی جهانی افزایش دهند. هدف اصلی این تهاجم تبلیغاتی و فرهنگی استکبار جهانی به سرکردگی امریکا، رویارویی با موج اسلام گرایی برخاسته از انقلاب اسلامی در جهان است.

یکی از مؤثرترین راه هـای رویارویی با این تهاجم، رسانه ای قـدرت های غربی، ارایه برنامه های پرمحتوا، جـذاب و افشاگرانه از سوی رسانه جمهوری اسـلامی ایران است. این رسانه می تواند همراه با آگاه کردن مسلمان ها از خطراتی که آنها را تهدید می کند، زمینه جنبش های اسـلامی را تقویت کند و گسترش دهد. تدارک و راه اندازی برنامه های قرآنی یکی از شـیوه های مؤثر در این است؛ زیرا قرآن و برنـامه هـای قرآنی، به همـان انـدازه که برای مسـتکبران و صـهیونیسم بین الملـل خطرناک می باشد، برای مسلمانان جذابیت دارد و آنها را به سوی قرآن و اسلام می کشاند.

مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند: «اگر شـما در رادیو به مسایل برون مرزی اهمیت می دهید، بدانید که قرآن نیز جزو مؤثرترین سـلاح ها برای جذب دل های مسـلمانان در سـطح دنیاست. مسلمانانی که شما آنها را نمی شناسید، ولی آنها صدای شما را می شنوند و با شما آشنایی دارند».(۱)

از دیگر کارهـایی که رسـانه های جمهوری اسـلامی می تواننـد برای مسـلمانان و جنبش های اسـلامی افزون بر دادن روحیه و ترغیب آنهـا به ادامه مبـارزه و تغـذیه فکری و فرهنگی انجـام دهنـد، تربیت آنها و آشـنا نمودن اسـلام گرایان با اخلاق فاضـله است؛ یعنی رسـانه های جمهوری اسـلامی به کانون تربیتی تبـدیل شـده و شـنوندگان خود را در سراسـر جهان افزون بر جهت دهی سیاسـی و اجتمـاعی، از نظر اخلاقی نیز تربیت کنـد. همان گونه که امام خمینی رحمه الله می فرمودنـد: «و کسانی هم که در صدا و سیمای ایران هستند و کارگر آن جا، چه آنهایی که انجمن های اسلامی را متکفلند و چه دیگران، آنها هم کارشان

۱- صدا و سیما در کلام مقام معظم رهبری، ص ۵۱ .

مهم است و باید طوری در آن جا نقش داشته باشند که آنجا هم یک مرکز تربیتی باشد و می دانید که صدا و سیما هر دوشان مهم است و مردم در هرجا که باشند گوش و چشم شان اینها هست و شما مسئولید که آنها را از اخلاق فاضله اشباع کنید و مسایل مورد نیاز جمهوری اسلامی را به آنها بگویید».(۱)

استاد «مطهری»، رسانه را همانند مسجد، یک مرکز مذهبی _ تربیتی قلمداد کرده و می گوید: «لازم است در کنار مسجد، رادیو و تلویزیون هم برنامه های مذهبی داشته باشند».(۲)

ب _ یادآوری خطراتی که جنبش های اسلامی را تهدید می کند.

رسانه وظیفه دارد که به نهضت های اسلامی در رسیدن به هدفشان کمک نماید و همراه با اطلاع رسانی دقیق از اخبار و گزارش های آنها، خطراتی که نهضت های اسلامی را تهدید می کند، یادآور شود و کوچک ترین غفلت و سهل انگاری در این زمینه امکان دارد که هویت جنبش را نابود کند. «فرض کنید که امروز، یکی از اهداف عمومی و مشترک قدرتمندان دنیا، رویارویی با موج اسلام گرایی است، شما که در جریان کار اخبار و امواج دنیا هستید، می بینید که اینها نمی گذارند از رسانه هایشان، چیزی خارج شود، مگر این که در خدمت این هدف باشد».(۳)

۱- صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۹۵.

۲- پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۸۳.

۳- صدا و سیما در کلام مقام معظم رهبری، ص ۴۰.

با توجه به این آگاهی رسانه های جمعی از وضع اطلاع رسانی در جهان، می توانند به موقع جنبش های اسلامی را از تهدیدات و خطراتی که متوجه آنان است، آگاه کنند.

رسانه جمهوری اسلامی که در برابر رسانه های خارجی و وابسته به استکبار جهانی قرار دارد، برای اینکه بتواند موفق عمل کند و کارایی بیشتری داشته باشد، باید از امور زیر استفاده نماید:

۱ _ استفاده از فنون پیشرفته تبلیغی و رایج در دنیا؛

۲ _ نمادسازی، یعنی رسانه باید کاری را در شخصیت سازی و برچسب زنی انجام دهد که در مخاطبان واکنش نامناسب نشان ندهند؛

۳ _ افشاگری و بیان آنچه که در پشت صحنه در طرح های استکباری می گذرد؛

۴ _ بالا بردن سطح کیفی و کمی برنامه ها از نظر هنری و محتوا.

میزان نفوذ رسانه های جمهوری اسلامی در بین جنبش های اسلامی

میزان نفوذ رسانه های جمهوری اسلامی در بین جنبش های اسلامی

رسانه جمهوری اسلامی با توجه به ماهیت اسلامی و استقلالی که دارد، تنها رسانه معتبر برای جنبش های اسلامی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر شنوندگان رسانه ایران افزوده شد و علت عمده این امر، نشر افکار اسلامی و انقلابی از این راه بود. به همین دلیل، زمانی گوش دادن به صدای ایران در بیشتر کشورها، مانند: حوزه خلیج فارس، آسیای میانه، قفقاز، افغانستان (در عصر کمونیست ها) و... جرم به شمار می آمد.

با وجود تمام این فشارها و سخت گیری ها، یکی از منابع خبری که متولیان جنبش های اسلامی و مبارزان، خود را پایبند به گوش دادن آن

می دانستند، صـدای جمهوری اسـلامی ایران بود. بسـیاری از رهبران نهضت هـای آزادی خواهی جهـان، بارهـا به جرم گوش دادن به رادیو ایران و توجه به امام خمینی رحمه الله به زنـدان رفته انـد.(۱) این علاقه به صـدای ایران نشان می دهد که رسانه ایران در بین اسـلام گرایان، نفوذ بسـیار زیادی دارد و حتی خیزش و رشـد اصول گرایی اسـلامی در بیشتر کشورهای اسـلامی تحت تأثیر تبلیغات رسانه های جمهوری اسلامی ایران می باشد.

با این همه، کاستی هایی نیز در برخی برنامه های برون مرزی رسانه جمهوری اسـلامی دیـده می شود و این امر سـبب شده که بسیاری، اطلاعات خود را از رادیوهای بیگانه نظیر رادیو «B.B.C» و «C.N.N» بگیرند.

برای نمونه، به یک پژوهش که در مزارشـریف افغانسـتان پیش از ورود طالبان به این شهر انجام شده است، اشاره می شود. در این پژوهش حدود ۵۱ کل شنوندگان رادیوهای خارجی در این شهر را، شنوندگان رادیو ایران تشکیل می دهند. از این تعداد مخاطبان رادیو ایران را ۲/۶۳ درصد زنان و ۸/۳۶ درصد دیگر را مردان به خود اختصاص داده اند.(۲)

این بررسـی نشان می دهد که زنان، بیش از مردان و اهل تشـیع بیش از اهل سـنت به رادیو دری ایران گوش می دهند و رادیو برون مرزی ایران در افغانسـتان تاکنون فقط توانسته یک پنجم مردم این کشور را جذب کند؛ اما سایر مردم افغانستان که بیشتر اهل سنت می باشند، ترجیح می دهند به

۱- ر.ک: شمس الحق نور، پیشین، ص ۶۳ .

۲- ابوالفضـل شـاکری، جایگـاه رادیوهـای خـارجی در بین مردم، شـهر مزارشـریف، فصل نامه رسانه، سال یازدهم، شـماره ۲، تابستان ۱۳۷۹، ص ۸۲ .

رادیوهای دیگر و از جمله رادیو «B.B.C» گوش کنند.

بنابراین مسئولان برون مرزی رسانه جمهوری اسلامی برای جلب مخاطبان بیشتر و نفوذ بر متولیان جنبش های اسلامی، در برنامه ریزی هایشان دو نکته را باید در نظر بگیرند:

الف ـ برنامه های خبری و تبلیغی باید با فرهنگ عمومی آن کشور همخوانی داشته باشد و زبان و گویش بیشتر ساکنان کشوری را که برنامه برای آن پخش می شود، در نظر بگیرند.

ب ـ اگر رسانه در اختیار جنبش های اسلامی گذاشته شود و آنها بر اساس خواسته خودشان برنامه پخش کنند و مسئولان ایرانی در پشت صحنه، آنها را هدایت کنند، بی تردید تأثیرات بیشتری در آینده خواهد داشت.

با تمام این مشکلات، باز هیچ کس نمی تواند نفوذ رسانه جمهوری اسلامی را در بین مسلمانان جهان و جنبش های اسلامی انکار کند. این واقعیت برای کسانی که از خارج به ایران می آیند، به خوبی آشکار است؛ زیرا در خارج از مرزهای این کشور، جذابیت برنامه های ایران کاملاً ملموس است؛ اما اگر سعی شود که در برنامه های برون مرزی ارزش های اسلامی رعایت و به مشکلات جهان اسلامی توجه شود، این رسانه توسعه پیدا کرده و به یک رسانه بی نظیر و پر طرفدار در جهان اسلام مبدل خواهد شد.

فصل سوم: بایدهای رسانه

اشاره

فصل سوم: بایدهای رسانه

وسایل ارتباط جمعی در عصر حاضر از مهم ترین و کارآمدترین وسیله های اعمال نفوذ در جوامع به شمار می روند؛ و به این دلیل از اهمیت ویژه ای در اجتماع برخوردارند. رسانه های جمعی تلاش می کنند با انعکاس خبرهای مربوط به جنگ های مرزی و رخدادهای اجتماعی، افکار عمومی جامعه را در اختیار داشته باشند. «علت هم این است که رسانه ها اغلب چنین فرض می کنند که دولت ها و سازمان های بین المللی مانند سازمان ملل متحد، در برابر افکار عمومی پاسخگو هستند».(۱)

فعالیت های رسانه ای با هر انگیزه و هدفی که صورت پذیرد، طرف داران زیادی در جامعه امروز دارد؛ به طوری که بسیاری از طبقات جامعه به آن علاقه مند می باشند و از برنامه هایش استفاده می کنند، الگو می گیرند و زندگی خود را با آن تطبیق می دهند.

رسانه از نظر الگوسازی، تأثیرات زیادی در جامعه دارد و مردم سعی می کنند، آنچه را که در تلویزیون می بینند تقلید کنند؛ مانند تقلید از رفتارهای ویژه، مد لباس، نحوه رفتار و معاشرت با یکدیگر و... که تأثیر مستقیم بر روی شنوندگان و بینندگان د ارد. به این دلیل رسانه جمهوری اسلامی، باید

۱- احمد میرعابدینی، ارتباطات و سیاست، رسانه، سال هشتم، ش ۱، بهار ۱۳۷۶، ص ۱۱.

مواظب باشد که هرگونه حالت و حرکتی که از آن سر بزند، نه تنها در الگودهی و نمادسازی تأثیر دارد، بلکه با توجه به اینکه این رسانه مربوط به نظام اسلامی است، آنچه که از این رسانه پخش می شود، مشروع قلمداد می گردد.

با توجه به نقش عمده رسانه در جوامع امروزی، کارکردهای آن را درباره جنبش های اسلامی و جهان اسلام، با نام «بایدها» و «نبایدها» بررسی خواهیم کرد؛ بایدهای رسانه عبارت است از:

۱ _ انتشار اخبار و گزارش های دقیق جنبش های اسلامی

۱ _ انتشار اخبار و گزارش های دقیق جنبش های اسلامی

رسانه جمهوری اسلامی ایران، به عنوان تنها رسانه ای که از سوی جنبش های اسلامی اطلاع رسانی می کند، باید در درستی و نادرستی اخبار خود، نهایت دقت و احتیاط را به کار گیرد؛ یعنی اخبار را آن گونه که هست، به مخاطبان خود منتقل کند. این امر، افزون بر این که اعتبار رسانه جمهوری اسلامی را افزایش می دهد، مسلمانان و جهانیان را از آنچه که بر مظلومان و آزادی خواهان جهان می گذرد، آگاه می کند و هم زمان، به ماهیت خبری رسانه های استکباری آسیب وارد کرده و تبلیغات دروغین آنها را نیز بی اثر خواهد کرد.

حضرت «آیت اللّه خامنه ای» درباره اهمیت اطلاع رسانی دقیق می فرمایند: «در رابطه با آگاهی و اطلاع سیاسی مردم، صدا و سیما باید بهترین خبرها و دقیق ترین گزارش را از مسایل جاری جهان و مسایل جاری جامعه همیشه، به هنگام و در وقت لازم در اختیار مردم بگذارد».(۱)

۱- صدا و سیما در کلام مقام معظم رهبری، ص ۶۸ .

اطلاع رسانی دقیق باعث می شود تا متولیان جنبش های اسلامی با ارزیابی عملکرد خود و توانایی دشمن، برنامه های بعدی شان را حساب شده تر عملی کنند و ابتکار عمل را از دشمن بگیرند.

۲ _ ارایه گزارش های مستند

۲ _ ارایه گزارش های مستند

در قسمت خبرهای مربوط به جنبش های اسلامی، یکی از چیزهایی که هم جذابیت دارد و هم باعث آگاهی مسلمانان از و ضعیف یکدیگر می شود، گزارش های مستند است. این گزارش ها ممکن است نمایش صحنه های واقعی از آن چه که هر روز در گوشه و کنار جهان، بر مسلمانان تحت ستم می گذرد، باشد؛ یا ممکن است به صورت تهیه فیلم و سریال های مستند از وضعیت مسلمانان و جنبش های اسلامی صورت بگیرد و از این راه به شناخت مسلمانان از روند نهضت های اسلامی و خطوط فکری و سیاسی آنها و میزان استقلال و وابستگی شان به قدرت های بیگانه و صهیونیسم بین الملل کمک کند.

فیلم مستند، اگرچه دیگر آن جذابیت گذشته را ندارد، ولی هنوز هم به عنوان بستری که می توان از طریق آن تفکر و یا نگرشی را به گونه منطقی و طبیعی ارایه کرد، مطرح است. راضی کردن مخاطب و انتقال اندیشه، از مهم ترین مسایل مطرح شده در فیلم های مستند است و این خواسته را با «عین واقعیت تاریخی» جلوه دادنِ موضوع فیلم مستند می توان برآورده کرد.(۱)

پس با ارایه گزارش ها و فیلم های مستند، می توان زمینه را برای گسترش

۱- تژامیر فخرایی، فضای اجتماعی در سیمای مستند، رسانه، سال یازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹، ص ۸۰.

فعالیت اسلام گرایان آماده کرد؛ زیرا آگاهی مسلمانان از حق کشی و ستم هایی که بر هم کیشان آنها اعمال می گردد، سبب می شود تا مسلمانان با هم نزدیک تر شوند و گام هایی عملی برای اسلام و مسلمانان بردارند. چون «شواهد و مدارک موجود در تمام زمینه های ارتباطی نشان می دهند که ما از مرحله شناخت به مرحله ادراک می رسیم و تغییر عقاید و ارزش های ما قبل از تغییر رفتار حاصل می شود.»(۱) وظیفه رسانه جمهوری اسلامی این است که همراه با آگاه کردن مسلمانان از مسایل جاری جهان، زمینه تحقق این شنا خت را فراهم آورد.

۳ _ استفاده جنبش های اسلامی از امکانات و توانایی های خود

۳ _ استفاده جنبش های اسلامی از امکانات و توانایی های خود

رسانه های جمعی، امروزه تلاش دارند که به یک عامل تأثیرگذار تبدیل شوند و این تأثیرگذاری در مسایل تفریحی، خبری، آموزشی و به ویژه مسایل سیاسی، بیش از دیگر مسایل است. طبق بررسی های انجام شده، انسان ها امروزه بیشترین مطالب و اطلاعات سیاسی خود را از طریق رسانه های ارتباطی به دست می آورند. این در حالی است که پیش از پیدایش رسانه های اطلاع رسانی، تنها تجربه های شخصی افراد، معاشرت با افراد آگاه و مطالعه کتاب، راه های کسب اطلاعات سیاسی و اجتماعی به شمار می آمد. «در تحقیقاتی که در امریکا در مورد سه موضوع مهم، یعنی رسوایی واترگیت، جنگ ویتنام و اطلاعات مربوط به کاندیداهای ریاست جمهوری طی چندین دوره مبارزه انتخاباتی انجام شده است، همان طور که انتظار می رفت، تقریبا

۱- سعیده الفت، هویت و نفوذ رسانه، جام جم، شنبه ۲۸/۲/۱۳۸۱.

همه بزرگسالان گفته اند که بخش عمده اطلاعات خود را از رسانه های گروهی کسب می کنند.»(۱)

در این اطلاع رسانی گسترده، رسانه جمهوری اسلامی در صورتی می تواند موفق عمل کند و در تمام زمینه های خبری، سیاسی، و... جنبش های اسلامی را تغذیه نماید که از امکانات و توانایی های خود آنها به گونه ای مناسب بهره برداری نماید. مهم تر از همه نیروی انسانی است؛ زیرا با استفاده از افراد کارآزموده جنبش های اسلامی در رشته خبرنگاری، گویندگی و... می توان قدرت تأثیرگذاری را به خاطر فضای صمیمی که در نحوه گفتار، لهجه و ادبیات محلی جنبش ها ایجاد می شود، بالا برد.

باید توجه کرد که سه عامل در تأثیر رسانه های جمعی، به ویژه بر مخاطبان خارج از کشور، نقش اساسی دارد:

۱ ــ چه فردی و یا دستگاهی ارتباط برقرار می کند؛

۲ ــ چگونه و از چه راهی ارتباط برقرار می شود؛

۳ ــ مخاطبان این ارتباط چه کسانی هستند.

این عناصر هرقدر پررنگ تر، با فکر قبلی و دستکاری بیشتر همراه شوند، به تبلیغ نزدیک تر می شوند(۲) و در انتقال پیام خود موفق تر می باشند. این ارتباط به هم پیوسته و نظام مند نیز وقتی به وجود می آید که ما برای مخاطبان خود، متناسب با روحیه، اخلاق، رسوم، زبان و فرهنگ حاکم بر آنان برنامه تولید نماییم. راه رسیدن به این خواسته تنها با استفاده از نیروی انسانی،

۱- ناصر پورحسن، انقلاب ارتباطات، رسانه، سال نهم، ش ۲، تابستان ۱۳۷۷، ص ۵۰ .

۲- مجید محمدی، رسانه های همگانی و جامعه ایران، رسانه، سال نهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷، ص ۸۷ .

متعهد و متخصص جنبش های اسلامی و کشورهای مختلف اسلامی امکان پذیر است.

۴ _ احیای حس دینی و مذهبی در بین مسلمانان

۴ _ احیای حس دینی و مذهبی در بین مسلمانان

رسانه جمهوری اسلامی ایران باید نسبت به نشر معارف دینی، احساس مسئولیت نماید و در برابر تعهد دینی، وجدانی و افکار عمومی مسلمانان جهان پاسخ گو باشد؛ زیرا رسانه جمهوری اسلامی فرا ملی و اسلامی است و هدف از آن به باور رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت اللّه خامنه ای، تبلیغ آموزه های اسلامی و ارزش های دینی است: «صدا و سیما در نظام جمهوری اسلامی، اولین هدف و مقصدش، تعلیم و نشر اسلام است. اگر نشر و تعلیم اسلام به وسیله صدا و سیما در جامعه اسلامی انجام نگیرد، یقینا جامعه اسلامی در راه رسیدن به هدف اصلی خود که اسلامی شدن است، مؤثرترین ابزار را از دست داده است.»(۱)

در جای دیگر می فرمایند: «در صدا و سیما، برنامه های هنری، فیلم ها، نمایش ها، انواع و اقسام روش های هنری را باید برای تفهیم مفاهیم اسلامی و روشن کردن ارزش های اسلامی در جامعه به کار گیرند».(۲)

پس یکی از اهداف مهم رسانه جمهوری اسلامی، تبلیغ اسلام و زنده کردن حس دینی و مذهبی در بین مسلمانان بوده و رسانه باید تلاش نماید تا آن جا که ممکن است معارف الهی را در قالب برنامه های خود ترویج نماید. اگر رسانه از این رسالت خود غفلت ورزد، مسئولان نظام و مردم حق

۱- صدا و سیما در کلام مقام معظم رهبری، ص ۶۶ .

۲- صدا و سیما در کلام مقام معظم رهبری، ص ۹۳.

دارنـد جلو آن را بگیرنـد و نگذارنـد که رسـانه هـای عمومی به بهـانه آزادی بیان و... ارزش های اسـلامی و دینی آنها را زیر سؤال برده و منکرات را در جامعه تبلیغ کنند. امام خمینی رحمه الله در وصیت نامه الهی و سیاسی شان در این باره می نویسند:

«اکنون وصـیت من به مجلس شورای اسلامی، در حال و آینده و رییس جمهور و رؤسای جمهور ما بعد و به شورای نگهبان و شورای قضـایی و دولت، در هر زمان آن است که نگذارنـد این دسـتگاه های خبری و مطبوعات و مجله ها از اسـلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شـکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسـران می شود، از نظر اسـلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی ها و کتب و مجلات بر خلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور، حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است».(۱)

این سـخنان بنیان گـذار انقلاب اسـلامی، نشان می دهـد که رسانه در نظام جمهوری اسـلامی افزون بر اطلاع رسانی نسـبت به اخبار و حوادث جامعه و جهان، مسؤولیت دیگری نیز بر عهده دارد و آن تبلیغ اسـلام، اخلاق، معنویت و انسانیت در سـطح فرا ملی و جهـانی است. ترویـج این مسایـل و ایجـاد حس خودبـاوری دینی واسـلامی در بین مسـلمانان، از امتیازهـای ویژه رسـانه جمهوری اسـلامی ایران است؛ چیزی که رسـانه هـای خـارجی و غربی آن را نداشـته و در برنـامه هـای آنهـا هیـچ نشـانه ای از انسانیت و اخلاق رسانه ای دیده

۱- صحیفه انقلاب، ص ۵۷.

نمی شود؛ زیرا اگر ذره ای از انسانیت و اخلاق رسانه ای در آنها وجود داشته باشد، در برابر این همه زورگویی و جرم و جنایت که در حق مسلمانان و مردم مظلوم فلسطین توسط صهیونیست ها اعمال می شود، لب فرو نمی بستند.

۵ _ ترغیب مسلمانان به هم گرایی و وحدت اسلامی

۵ _ ترغیب مسلمانان به هم گرایی و وحدت اسلامی

از مشکلات بزرگ جهان اسلام و جنبش های اسلامی در حال حاضر، مسأله تفرقه و وجود اختلافات سیاسی، قومی، منطقه ای، مذهبی و... در بین آنهاست. این تنش ها و چند دستگی ها باعث شده که قدرت های خارجی و غیر مسلمان سرنوشت کشورهای اسلامی را تعیین کنند و این برای آینده اسلام گرایان و جنبش های اسلامی بسیار خطرناک است؛ زیرا وقتی قدرت های سلطه گر و استعماری در کشورهای اسلامی راه پیدا کنند، دیگر بیرون کردن آنها کار آسانی نیست.

به این دلیل است که رسانه جمهوری اسلامی باید برای حل اختلافات مسلمانان و گروه های اسلامی گام هایی بردارد، تا زمینه برای دخالت دشمنان اسلام فراهم نشود. از کارهایی که در توان رسانه است، فراهم آوردن زمینه مناظره و گفت وگو بین صاحب نظران و رهبران سیاسی و مذهبی مسلمانان است. این بهترین راه برای بیان دیدگاه های آنان و رسیدن به تفاهم نسبت به مسایل مورد اختلاف در جوامع اسلامی است.

از دیگر راه هایی که می تواند به وحدت مسلمانان کمک نماید و مسلمانان را به همدیگر نزدیک کند، برگزاری هم اندیشی های علمی و تحقیقاتی در زمینه دست یابی به راه های عملی وحدت مسلمانان است. رسانه جمهوری

اسلامی می تواند با استفاده از هفته وحدت، سالگرد رحلت حضرت امام رحمه الله، برگزاری همایش تقریب بین المذاهب و... که همه ساله در ایران برگزار می شود، زمینه های این گونه گردهم آیی ها را فراهم کند. امّا دو نکته را باید در نظر بگیرد؛ نخست، به این مراسم و گردهم آیی ها، حالت شعاری و تبلیغاتی ندهد؛ دوم اینکه، از فرصت سود برده و زمینه گفت وگو را بین اندیشمندان اسلامی نسبت به مشکلات جهان اسلام و ارزیابی راه های حل درگیری های میان مسلمانان و رسیدن به وحدت عملی آنها را فراهم آورد.

فصل چهارم: نبایدهای رسانه

اشاره

فصل چهارم: نبایدهای رسانه

رسانه جمهوری اسلامی، به عنوان یک وسیله تبلیغی، اطلاع رسانی و آموزشی، باید در خدمت اهداف انقلاب اسلامی و تمام آزادی خواهان جهان باشد؛ از این رو، نباید برنامه هایی را تهیه کند که با امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی سازگاری نداشته وبه زیان جنبش های اسلامی تمام شود. در شرایط کنونی که اسلام گرایان در سراسر جهان از سوی استکبار جهانی، تهدید می شوند، لازم است که نکاتی به عنوان نبایدهای رسانه در قبال جنبش های اسلامی مورد توجه قرار گیرد:

۱ _ دوری از مسایل اختلاف برانگیز

۱ _ دوری از مسایل اختلاف برانگیز

در شرایط کنونی که جنبش های اسلامی از سوی دشمنان اسلام و صهیونیسم بین الملل به بهانه های مختلف مورد اتهام قرار گرفته و آنها کمر به نابودی نهضت های اسلامی بسته اند، نباید رسانه، برنامه ای را ارایه نماید که سبب تنش بین مسلمانان گردیده و شکاف های قومی و مذهبی آنان را افزایش دهد.

بنابراین، رسانه باید از طرح مسایل اختلاف برانگیز، مانند مسایل نژادی، قومی، منطقه ای، زبانی، مذهبی و... پرهیز نماید و این گونه مسایل نباید در برنامه های رسانه ای و به ویژه درباره نهضت های اسلامی مطرح گردد؛ زیرا طرح این گونه مسایل باعث از بین رفتن یکپارچگی، اعتماد و اطمینان مسلمانان به یکدیگر شده و در نهایت جنبش های اسلامی به گروه های قومی،

مـذهبی، منطقه ای و... تقسیم خواهنـد شـد. بروز این مسأله به هیـچ عنوان به نفع اسـلام و مسـلمانان نخواهـدبود و جز این که دشـمن از آن بهره ببرد، هیچ سودی برای اسـلام گرایان و نهضت های اسـلامی نخواهد داشت. تنش زدایی، دعوت به اتحاد و ترویـج مفهوم گفت وگو، از مواردی است که رسانه باید خود را در برابر آن متعهد بداند و نباید در مسیر مخالف آن حرکت کنـد. چنـان که رییس جمهور محترم جمهوری اسـلامی ایران، آقای خاتمی، با دعوت رسانه ها به رعایت اخلاق رسانه ای در این بـاره می گویـد: «اخلاـق مسـئولانه رسـانه ای به جـای منطق قـدرت، منطق حقیقت را می پـذیرد، به جای نفرت بر دوسـت داشتن تکیه می کند، به جای دیگر ستیزی به نوع دوستی می اندیشد، به جای تیرگی به گفت وگو می خواند، به جای برجسته سازی به عینیت گرایی رو می آورد و بالاخره به جای جنگ و ستیز در پی صلح و آرامش است.»(۱)

۲ ـ پرهیز از بالا بردن سطح توقعات جنبش های اسلامی

۲ ـ پرهیز از بالا بردن سطح توقعات جنبش های اسلامی

جمهوری اسلامی ایران، امروزه تنها کشوری است که جنبش های اسلامی در سراسر جهان به آن امید بسته اند و انتظار کمک هـای مـادی و معنوی از آن دارنـد. این در حـالی است که قـدرت های اسـتکباری بر تهاجم فرهنگی و نظامی شان علیه اسـلام گرایان روز به روز می افزاینـد و با جدیت در پی آنند تا رسـتاخیز اصول گرایی اسـلامی را که بیشتر ریشه در انقلاب اسـلامی دارد، سرکوب نمایند.

۱- رسانه، سال سیزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱.

در چنین شـرایطی، رسانه جمهوری اسـلامی ایران وظیفه دارد که از یک سو به موج اسـلام گرایی برخاسته از انقلاب اسلامی، کمک های فکری، فرهنگی و تبلیغاتی کنـد و نگـذارد مبارزان راه حق و آزادی گرفتار یأس و ناامیدی شده و دست از مبارزه حق طلبانه شان بردارند؛ از سوی دیگر، برخورد رسانه جمهوری اسـلامی با جنبش های اسلامی نباید به گونه ای باشد که توقع آنها را نسـبت به انقلاب اسـلامی و کمک های جمهوری اسـلامی افزایش دهد. منظور این است که رسانه باید مسـلمانان را از طریق ارایه برنامه های جـذاب و پربار، به یک نوع خودباوری برسانـد، به گونه ای که بخش عمـده ای از کارها را خودشان بر عهده بگیرند و بیشتر به کمک های معنوی جمهوی اسلامی تکیه داشته باشند، تا مادی.

۳ ـ دوری از ارایه برنامه تبعیض آمیز درباره جنبش های اسلامی

۳ ـ دوری از ارایه برنامه تبعیض آمیز درباره جنبش های اسلامی

رسانه جمهوری اسـلامی به عنوان محور مبارزه با کفر و بی دینی در جهان، نباید نسـبت به جنبش های اسلامی نگاهی دوگانه داشـته باشد و در برنامه های خود تبعیض روا دارد. حساب گروه هایی از جنبش های اسـلامی که در راسـتای انقلاب اسـلامی نیسـتند، روشن است، ولی نباید درباره آنهایی که هماهنگ با سیاست های جمهوری اسلامی گام بر می دارند دوگانه برخورد شود؛ چه در معرفی خطوط فکری شخصـیت هـای سیاسـی و بازتـاب اخبار و گزارش های آنها و چه در حمایت های فکری و معنـوی. در صـورت بروز چنیـن مسایـل و یـا سـرمایه گـذاری بیش از حـد بر روی فرد و یـا جنبش خاصـی، زمینه برای ایجـاد اختلاف میان مسلمانان و بدبینی نسبت به برنامه های جمهوری اسلامی فراهم می شود.

پس، رسانه اگر بخواهد برنامه ای را برای تجلیل از مبارزات مردم یک کشور تدارک ببیند، باید به تمام افراد و گروه هایی که در آن سهم داشته اند، یکسان نگاه کند؛ چون مسلمانان، رسانه جمهوری اسلامی را از خود می دانند و انتظاری که از رسانه جمهوری اسلامی دارند، از دیگر رسانه ها ندارند. به این دلیل، برخورد واقع بینانه و بی طرفانه نسبت به جنبش های اسلامی، مهم ترین رسالت رسانه جمهوری اسلامی به شمار می آید و هرگونه عملکرد بر خلاف آنچه بیان شد، نخست، با اهداف انقلاب اسلامی که پشتیبانی از جنبش های اسلامی باشد، سازگار نیست و دوم اینکه، موجب می شود که عده ای، هرچند اندک، نسبت به رسانه جمهوری اسلامی بی اعتماد شوند و هردوی این پیامدها به نفع اسلام، مسلمانان و جمهوری اسلامی نخواهد بود.

۴ _ ارایه نکردن الگوهای کاذب و مخالف با شئون انقلاب اسلامی

۴ _ ارایه نکردن الگوهای کاذب و مخالف با شئون انقلاب اسلامی

رسانه ها، به طور معمول دارای یک سلسله الگوها و هنجارهایی هستند که می خواهند تمامی برنامه های خود را بر اساس آن تنظیم نمایند. برای نمونه، رسانه های غربی باورهایی دارند، مبنی بر اینکه «سفید در مقابل سیاه و غربی در برابر شرقی، ترجیح اصولی دارد؛ مسأله ریش و حجاب نیز چنین است. در حالی که در کشورهای مسلمان، داشتن ریش، نشانه جا افتادگی و اعتبار است و حجاب، مظهر شرافت زن و خانواده تلقی می شود؛ رسانه های گروهی غرب با توجه به زمینه های فکری خودشان، این گونه نمادها را مذموم شمرده و با قرار دادن در تقسیمات کلیشه ای خود نظیر انسان غربی _ انسان شرقی، پیشرفته و عقب مانده، و لیبرال و مرتجع یا سنتی، نتایج قالبی غیر قابل

تعریف ارایه می دهند».(۱)

با توجه به اینکه رسانه جمهوری اسلامی مربوط به انقلاب اسلامی است و مخاطبان آن نیز مسلمانان و جنبش های اسلامی در سراسر جهان هستند، دو نکته را باید در نظر گرفت.

الف ــ نباید برنامه بی محتوا و مخالف با شؤون نظام اسلامی ارایه کند، چون عرضه این گونه برنامه ها افزون بر آن که به اعتبار انقلاب اسلامی آسیب وارد می کند، موجب بدآموزی و الگودهی کاذب نیز می گردد. به این خاطر است که مقام معظم رهبری، حضرت آیت اللّه خامنه ای می فرمایند: «کم محتوایی، یک خطر و آفتی است که گاهی انسان ترجیح می دهد که برنامه ای نباشد، تا این که برنامه ای بدون محتوا باشد».(۲)

ب ــ نباید در ارایه برنامه های مختلف رسانه، ارزش های دینی، اسلامی و نظام جمهوری اسلامی نادیده گرفته شود؛ زیرا رعایت این مسایل در جذب و دفع مخاطبان رسانه ایران تأثیر زیادی دارد. باید توجه داشت که هم دنیا و هم مسلمانان بر روی کوچک ترین حرکت ناموزونی که رسانه جمهوری اسلامی انجام دهد، حساب باز می کنند؛ مسلمانان به این دلیل که این رسانه متعلق به نظام اسلامی است و دشمنان اسلام به این خاطر که از آن به نفع خود بهره برداری کنند. به خاطر اهمیت این موضوع است که مقام معظم رهبری می فرماید: «ما زن را هم بایستی با حجاب نشان بدهیم و هم سرشار از ارزش هایی که اسلام

۱- داود فیرحی، پیشین، ص ۵۴ .

۲- صدا و سیما در کلام مقام معظم رهبری، ص ۷۲.

و انقلاب برای زن در نظر گرفته است. مهم ترین مسأله، نجابت زن و گوهر عفت زن است».(۱)

بنـابراین، رسـانه جمهوری اسـلامی بایـد در ارایه برنامه های خود، فرهنگ، اخلاق، سـنت و عفت عمومی مسـلمانان را رعایت کند و از آنچه که باعث ترویج ابتذال و سُست نمودن اعتقادات آنان می شود، پرهیز نماید؛ از این رو، نباید رفتارهای جنسی و برخورد خودمانی زن و مرد نامحرم، برجسته گردد.

هم چنین، زبـان وسـیله ای است برای بیـان اهـداف و مقاصـد؛ سـعی شود که در اجرای برنامه ها، از زبان نرم، گیرا و متناسـب اسـتفاده گردد و از به کـارگیری زبـان نامناسب و تعابیر خشن، نابه جا و توهین آمیز درباره افراد حقیقی و یا حقوقی خودداری گردد. رسـانه نبایـد نسبت به تلاـش رسـانه هـای غربی و خـارجی در از خود بیگانه کردن ملت ها با فرهنگ و اعتقادات شان سُستی از خود نشـان بدهـد، بلکه بـا جـدیت برای حفظ هویت مسـتقل فرهنگ اسـلامی، گسترش آن و پاسـداری از معیارهای دینی و اسلامی تلاش نماید.

۱- صدا و سیما در کلام مقام معظم رهبری، ص ۱۰۱.

منابع و مآخذ

اشاره

منابع و مآخذ

زیر فصل ها

الف _ کتاب ها

الف _ کتاب ها

۱ _ آقائی، بهمن؛ خسرو صفوی. اخوان المسلمین، انتشارات رسام، بی جا، ۱۳۶۵.

۲ _ آکنیر، شیرین؛ اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه: محمدحسین آریا، چاپ اول، انتشارات علمی و فرهنگی، بی جا، ۱۳۶۷.

۳ _ اسمیت، دیتوس؛ سرزمین و مردم اندونزی، ترجمه: پرویز داریوش، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۵۰.

۴ _ الغنوشی، راشد؛ فلسطین و ماهیت طرح صهیونیسم، مترجم: سیدهادی خسروشاهی، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۰.

۵ _ امیرشاهی، ذوالفقار؛ تونس، چاپ دوم، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۴.

۶ _ ____________________________ ؛ لیبی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۷۷.

۷ _ اولسون، دیوید؛ رسانه ها و نمادها، ترجمه: محبوبه مهاجر، سروش، تهران ۱۳۷۷.

۸ _ اولیورروا؛ اسلام و نوگرایی سیاسی، ترجمه: ابوالحسن سروقد مقدم، چاپ اول، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۹.

۹ _ بادامچیان، اسداللّه ؛ شناخت انقلاب اسلامی و ریشه های آن، چاپ سوم، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ۱۳۷۴.

۱۰ _ بنیاد فرهنگی الزهرا، صدا و سیما در کلام مقام معظم رهبری، چاپ اول، مرکز مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی، بی جا، ۱۳۷۳.

۱۱ _ پورقلی، محسن؛ سیاست خارجی ایران قبل و بعد از انقلاب، چاپ اول، انتشارات اداره آموزش های عقیدتی و سیاسی

ـ نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بی جا، ۱۳۷۸.

۱۲ ـ پیام انقلاب؛ (سخنرانی مقام معظم رهبری در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶.

۱۳ ـ پیام و خطابه؛ (مجموعه خطابه های آیت اللّه خامنه ای)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۶۳.

۱۴ ـ پیترز، رادولف؛ اسلام و استعمار، مترجم: محمد فرقانی، انتشارات آستان قدس

رضوی، مشهد ۱۳۶۵.

۱۵ _ تکیه ای، سیدمهدی؛ مصر، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۷۵.

۱۶ _ توکلی، محمدکاظم؛ مسلمانان مورو، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۱.

۱۷ _ تهرانی، محمدصادق؛ نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق، انتشارات دارالفکر، قم، بی تا.

۱۸ _ جمعی از نویسندگان؛ اسلام و جامعه، ج ۳، جشنواره شیخ طوسی، قم ۱۳۷۶.

۱۹ _ حبیبی، عبدالحیی؛ تاریخ افغانستان بعد از اسلام، چاپ سوم، دنیای کتاب، تهران ۱۳۶۷.

۲۰ _ حجتی کرمانی، علی؛ لبنان به روایت امام موسی صدر و دکتر چمران، چاپ اول، انتشارات قلم، تهران ۱۳۶۴.

۲۱ _ حلبی، علی اصغر؛ تاریخ نهضت های دینی _ سیاسی، چاپ اول، انتشارات بهبهانی، بی جا، ۱۳۷۱.

۲۲ _ خامنه ای، سیدعلی؛ آینده در قلمرو اسلام، انتشارات هجرت، بی جا، ۱۳۴۵.

۲۳ _ خسروشاهی، سیدهادی؛ اسراییل، پایگاه امپریالیسم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم ۱۳۷۰.

۲۴ _ ______________________ ؛ نبرد اسلام در افریقا، ج ۲، چاپ دوم، مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی، قم ۱۳۵۳.

۲۵ _ ______________________ ؛ نبرد اسلام در افریقا، ج ۱، چاپ سوم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۵۳.

۲۶ _ دکمجیان، هرایر؛ جنبش های اسلامی در جهان عرب، چاپ سوم، موسسه کیهان، تهران ۱۳۷۷.

۲۷ _ دهشیری، محمدرضا؛ درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۹.

۲۸ _ دیوان بلخی؛ ج ۱، ارگان نشرانی سید جمال الدین حسینی، بی جا، ۱۳۶۸.

۲۹ _ رشید، احمد؛ طالبان اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید، مترجمان: اسداللّه شقایی و صادق باقری، چاپ اول، دانش هستی، بی جا، ۱۳۷۹.

۳۰ _ زنجانی، عباسعلی؛ انقلاب اسلامی و ریشه های آن، چاپ ۱۱، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۷۶.

۳۱ _ سازمان نصر افغانستان، فریادهای جاویدان، انتشارات بلخی، بی جا، بی تا.

۳۲ _ صحیفه انقلاب، وصیت نامه الهی و سیاسی امام خمینی رحمه الله، چاپ سوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، بی تا.

۳۳ _ صحیفه نور؛ (جلدهای متعدد).

۳۴ _ صدیق فرهنگ، میرمحمد؛ افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۱، چاپ اول، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم ۱۳۷۱.

۳۵ _ صدیقی، کلیم؛ مسایل نهضت های اسلامی، مترجم: سیدهادی خسروشاهی، چاپ اول، مؤسسه اطلاعات، تهران ۱۳۷۵.

۳۶ _ ___________________________ ؛ نهضت های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، مترجم: سیدهادی خسروشاهی، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۷۵.

۳۷ _ طاهری، حبیب اللّه ؛ انقلاب و ریشه ها، چاپ اول، سازمان تبلیغات اسلامی، بی جا، ۱۳۶۹.

۳۸ _ عرفانی، قربانعلی؛ از کنگره تا کنگره، چاپ اول، انتشارات سراج، قم ۱۳۷۲.

۳۹ _ علی آبادی، علیرضا؛ افغانستان، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵.

۴۰ _ عمران، محمد و خالد، محمد؛ نهضت های ضد استعماری در افریقا، مترجمان: محمود حکیمی، مهدی بینوائی، انتشارات نسل جوان، بی جا، بی تا.

۴۱ _ عنایت، حمید؛ اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، مترجم: بهاءالدین خرمشاهی، چاپ دوم، انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۶۵.

۴۲ _ فتحی شقاقی؛ جهاد اسلامی، امام خمینی، شیعه و سنی و مسأله فلسطین،مترجم: سیدهادی خسروشاهی، چاپ اول، موسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵.

۴۳ _ فخری، محمد؛ عربستان، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تهران، ۱۳۷۲.

۴۴ _ فراتی، عبدالوهاب؛ رهیافتی بر علم سیاست و جنبش های اسلامی معاصر، چاپ اول، دفتر

تحقیقات و تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۷۸.

۴۵ _ فرانتس فانون؛ سال پنجم انقلاب الجزایر، ترجمه: تابنده، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، بی تا.

۴۶ _ فهد نفیسی، عبداللّه ؛ نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، برگردان: کاظم چایچیان، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۴.

۴۷ _ کریملو، داوود؛ اریتره، چاپ دوم، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۷۵.

۴۸ _ کریمی شرفشاده، عسکر؛ موزامبیک، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۵.

۴۹ _ کلیفورد، مری لوییس؛ سرزمین و مردم افغانستان، مترجم: مرتضی اسعدی، انتشارات علمی و فرهنگی، ایران، چاپ اول، ۱۳۶۸.

۵۰ _ کولائی، الهه؛ فاطمه حسینی، ب شریعتمدار؛ یادواره شهید آیت اللّه محمدباقرصدر، کانون انتشارات ناصر، قم ۱۳۶۰.

۵۱ _ گل بهروزان، گیله؛ هند، چاپ اول، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۷۹.

۵۲ _ گلی زواره، غلامرضا؛ سرزمین اسلام، چاپ سوم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۰.

۵۳ _ محمدرضا حکیمی؛ بیدارگران اقالیم قبله، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۲.

۵۴ _ محمدغبار، میرغلام؛ افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۱، چاپ سوم، مرکز نشر انقلاب، ۱۳۶۶.

۵۵ _ محمدی، م؛ انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب های فرانسه و روسیه، چاپ دوم، ناشر مولف، بی جا، ۱۳۷۴.

۵۶ _ مطهری، مرتضی؛ پیرامون انقلاب اسلامی، صدرا، تهران ۱۳۶۹.

۵۷ _ ________________________ ؛ پیرامون جمهوری اسلامی، صدرا، تهران ۱۳۶۹.

۵۸ _ ________________________ ؛ نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، صدرا، تهران ۱۳۶۹.

۵۹ _ مک لوهان، هربرت مارشال؛ برای درک رسانه ها، ترجمه: سعید آذری، چاپ اول، مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران،

بی جا، ۱۳۷۷.

۶۰ ـ مظفری، محمد؛ اندونزی، چاپ دوم، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۵.

۶۱ ـ معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، انقلاب اسلامی ایران در چشم انداز دیگران، ستاد برگزاری هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، بی تا.

۶۲ ـ منتظمی، رویا؛ تاجیکستان، چاپ اول، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۴.

۶۳ ـ منشور انقلاب، (پیام امام به حجاج بیت اللّه الحرام)، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۶.

۶۴ ـ موثقی، سیداحمد؛ جنبش های اسلامی معاصر، چاپ دوم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، تهران، ۱۳۷۷.

۶۵ ـ مهاجر، مسیح؛ انقلاب اسلامی راه آینده ملت ها، بی جا، ۱۳۶۰.

۶۶ ـ میلی، ویلیام؛ افغانستان، طالبان و سیاست های جهانی، ترجمه: عبدالغفار محقق، انتشارات ترانه، مشهد ۱۳۷۷.

۶۷ ـ مؤسسه شهید الحسینی؛ یادواره سید عارف حسین الحسینی، نشر شاهد، تهران، ۱۳۶۹.

۶۸ ـ نادری سمیرمی، احمد؛ لبنان، چاپ اول، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۶.

۶۹ ـ نجفی، موسی؛ تأملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، ج ۵، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.

۷۰ ـ نوئر، دلیار؛ نهضت های نوین اسلامی اندونزی، مترجمان: ایرج رزاقی ومحمدمهدی حیدرپور، چاپ اول، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۰.

۷۱ ـ نور، شمس الحق؛ اسلام و نهضت اسلامی در تاجیکستان معاصر، چاپ اول، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری، بی جا، ۱۳۷۴.

۷۲ ـ نهضت های آزادی بخش در گذر انقلاب اسلامی، تهیه و تنظیم: واحد نهضت های اسلامی سپاه پاسداران، بی جا، ۱۳۶۱.

۷۳ ـ ویلی جویس ان؛ نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه: مهوش غلامی، چاپ اول، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۷۳.

۷۴ ـ هدی، حسینی، بهشتی، علیرضا؛ جنبش های آزادی بخش، حزب جمهوری، ۱۳۶۱.

۷۵ ـ هویدی، فهمی؛ افغانستان سقف جهان، مترجم: سرور دانش، مترجم، قم ۱۳۶۴.

۷۶ ـ هی من، آنتونی؛ افغانستان زیر سلطه شوروی، مترجم: اسداللّه ، طاهری، چاپ سوم، شباویز، بی جا، ۱۳۶۷.

۷۷ ـ یزدانی، حسینعلی؛ تاریخ تشیع در افغانستان، چاپ اول، مؤلف، مشهد، ۱۳۷۰.

ب ـ جراید

ب ـ جراید

۱ ـ اطلس کامل گیتاشناسی، دور دوم، چاپ پانزدهم، انتشارات مؤسسه گیتاشناسی، تهران ۱۳۷۹.

۲ ـ روزنامه ابرار (شماره های متعدد).

۳ ـ روزنامه اطلاعات، ۷/۶/۱۳۷۲.

۴ ـ روزنامه جام جم، ۲۸/۲/۱۳۸۱.

۵ ـ روزنامه جمهوری اسلامی (شماره های متعدد).

۶ ـ روزنامه جهان اسلام، ۱۴/۲/۱۳۷۲.

۷ ـ روزنامه رسالت (شماره های متعدد).

۸ ـ روزنامه سلام، ۱۹/۱۱/۱۳۷۱.

۹ ـ روزنامه کیهان (شماره های متعدد).

۱۰ ـ فصل نامه بصیرت، دانشگاه آزاد اسلامی، سال نهم، ش ۲۱، ۱۳۸۰.

۱۱ ـ فصل نامه تاریخ و فرهنگ معاصر، مرکز بررسی های اسلامی ـ گروه تاریخ، سال ششم، شماره ۳ و ۴، ۱۳۷۶.

۱۲ ـ فصل نامه حضور، مؤسسه تنظیم نشر آثار حضرت امام خمینی رحمه اللهشماره های متعدد.

۱۳ ـ فصل نامه ۱۵ خرداد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره ۲۱ و ۲۲، ۱۳۷۵.

۱۴ ــ فصل نامه رسانه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (شماره های متعدد).

۱۵ ــ فصل نامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام ، شماره های متعدد.

۱۶ ــ فصل نامه مشکوه، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، شماره ۴۱، ۱۳۷۲.

۱۷ _ ماهنامه پاسدار اسلام، دفتر تبلیغات اسلامی، شماره های متعدد.

۱۸ _ ماهنامه پیام انقلاب، سپاه پاسداران، شماره های متعدد.

۱۹ _ مجله حبل اللّه ، ارگان نشراتی سیدجمال الدین حسینی، سال چهارم، ش ۴۲ _۴۴.

۲۰ _ مطالعات افریقا، شماره ۱ (دوره جدید)، بهار و تابستان، ۱۳۷۹، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.

۲۱ _ هفته نامه وحدت، حزب وحدت اسلامی افغانستان، ش ۳۶۲، ۱۳۷۹.

۲۲ _ هفته نامه همبستگی، مؤسسه شهید مزاری، سال چهارم، ش ۸۲ و ۸۳ ، ۱۳۸۰.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹